

سال سوم - شماره ۲۸ - یکشنبه ۹ مهر ۱۳۵۷

سر بیرون آورده اند، تمامي هم و غم غم و غم
مظلوف به خاطر تاز به مبارزه ای و
آرامن های غشی و پولورنی آنها و تحریف و
تخریب جهان بیسی دورا نام مارکسیسم-لنینیسم
که قلب جهان و چراغ راهیها حزب ما کرده اند
و از سر غیظ و گشت هر روز جبهه تازه ای در ستم
و کین جویی ما حزب طراز نویی کارگری
می گشاید. اما علی رغم همه این سرکه گیری
و ریا کارانه ا، ا خوانند دیگر: **حاجات**
توده های وسیع مبارزان بی گمراه آزادی و
عدالت، وسیع طبیفه رزمنده کارگران که با
مقاومت و رزم و پورش خود استخوان ای طلیعت
مطلفه را غرق می کند، هر روز و هر لحظه عاصبت
و استیصال و پوختنیشی متوجه ما می گردد، دست
های جیدی به سوی ما دراز می شود و برای بودلیران
ساز ای، نیرو و زندگی خود را وقف ما و رهبر
آرامن ها و آزادهای سوسیالیستی و مردمی
حزب ما می کند. هم آن چنگ و دندان نشان دادن که
شامع و کدو و سالی و یاکاری ما هم ایسی
تا باشد که غش و غلیظ و پولورنی، گواه زنده و ن
حزب ما، رشد توقف با در آن، طاعت بیکار و
خطر روزا و روسی است که در خود آن ستمگرهای رباغ
و استیصال و استیصال را بدهد می کند.

ای و اقصی است که در میان این همه مدعیان
ریا کاری و ربا هوی مارکسیسم و سوسیالیسم
غشی، تنها و تنها حزب توده ایران است که در
کنوا ترین و پوختنی و در مجموع سیردی است
که در آن امکان مرگ و شکست و زندان و تعقیب

سی و هشتمین سال فعالیت حزب بوده است. در شرایط آغازین خود که گردبادهای انقلاب، کجاسیاسدولتی و تاریخ و پیشرفت های ایران و جنبش توده ای را باعث شوگرفندی علیه کشنده های مفسد و دزدان ارمان بااران گفیلو، درسی از حزب و رهبران و اعضای و توضیح و سر نیزه بازمی گند و نظرمندان به پیش می رود. مارتن زارووز حزب توده ای را با روح گیری مردم خویش با وزارت خلق، معال مناسی است تا با دوده و آتشین و درواز گاه های سرخ شهیدت که نشان می دهند، درواز و نهادهای گراناسا هر تلاشی اخیر حزب توده ها و نهرومات کاراساری که در آن مسیر برای طبه کارگران و جنبش عمومی مردم به بار آمده، مرور و مکتب گوناخی کسم و اسامان راه پیروزی می بریزد، با یکبار بر این دست آورده، صفت و جلا دهد.

ما یک بر سرچرا بر راه داده غریزه و ریشه ایم که از هر یک راه های آن توانای اهمیت و کینه و فیه و امیرا با حسن و امید و توانی بر سرمان می بارد. از یک سو دانه تبلیغات میزبگ رژیم شاه و ترکا علیه حزب توده ای ما حسان امیرا کسبه و خوشکساننده گاه علیه های دولت شاه باارمان بر ماسی، از رادین و بلوزی های دولتی تا یوروته های بر باور و ساسور، از با دکان های ابراسی باکارا به های نامه بازی و دروغ و لیس براسی ساواک سخت به آن مشغول انده اند - ابروسی دیگر گریک های امپلی نشا، داروندهای مائوسنی، نه فاشینی، حزب فاشیسمه ای که یکبار از آسین سیا و ساواک

[illegible]

به دنبال اعتصاب با شکوه بیش از ۴۰ هزار کارگزار نسبت به فتنه گسترده در تهران، آبان ماه، گیسوان آغاخانی و... و روز دوم بهمن ماه، کارمندان پایانه نفتی از یک طرف و دو یک هزار نفر هفتاد تن تسلیم مفاوضات‌های صلحی خود به رئیس پایانه نفتی، مهلت کوتاهی برای انجام مفاوضات‌های خود تعیین کردند. کارمندان پایانه نفتی، به تدریج در صورت عدم انجام این مفاوضات، حالت به اعتصاب خواهند پرداخت.

کارکنان سازمان هوا و بهر نفت با ۱۰ هزار تن دیگر کارکنان با سازمان هوا و بهر نفت، تهران، به عنوان اعتراضی نسبت از کار کشیده اند و خواست‌های خود را که به خواست‌های کارکنان تهران هوا متکی دارد اعلام داشته اند.

کارکنان پایانه‌های فروی نیز بهزی در شهر اهواز نیز برای هیبتی با اعتصاب از کسری کارگران این صنعت نفت دست از کار کشیده اند.

از روز سه بهمن ماه حدود ۵ هزار کارگر نسبت به مختلف صنعت نفت در عمارت شهر دست از کار کشیده اند. اعتصاب شهر آبان کارکنان به ویژه در صنعت ترکیب آب و برق که کارمندان کارگری کشتی‌های نفتکش را به بند دارد، مصادف با روز نفت‌های از این زیره را دچار اختلال خواهد کرد.

فرايط تاريخي و دادن هزاران قرباني توانسته است - نگاه استبداد - وابسته به بيگانه را در شرايط سقوط فراردهد.

چهار ميلي و دويست هزار نمازگزار و درقي خسروايران براي استعراضي اسرار انجرازيست به اين اقدام دولت هواي كه عليه مبارزات آزاديخواهانه و استقلال طلبانه مردم ايران برخاسته است. روز پنجشنبه نهم بهماه (امروز) را انتخاب مسمومي اعلام كرده اند.

چهاره ملی ایران ، آیت الله شیرازی ، جمعی از روحانیون تهران و نیز جمعیست طرفداران ایران هر یک ملی اعلامیه ای با اطلاعات اندک از روزنامه ها و مجله ها منزل آیت الله خمینی ، مرجع مبارز فقیهان جهان و ولی پرست ملی و آزاد بخواجه ، و در شهر نجف به محاصره ما عوارز دولت جمهوری عراق درآمده است به طوری که از هرگونه تماس با ایران و نیز از هرگونه فعالیت مذهبی و سیاسی ایران جلوگیری به عمل می آید . این اقدام خیرانه که بی شک نتیجه یک توطئه گندید و پنهانی است که گسترده های رژیم فاسدی و فده و گرا تر است که در پی سرکوب و سرکوب است .

چهاره ملی ایران را اعلامیه خود به درستی ها نشان می سازد که جمهوری عراق که از مدت ها قبل در حرکت های فاسدی و فده و گرا به حکومت استبدادی ایران عمل می کند در حرکتی به چنین اقدامی سرگشته ای دست زده که ملت ما را به خیال باطل مبارزه با او در سخت ترین

به صنایع اوج گیری بی‌سابقه نظرات و
دعای اقتصادی که جنبش دموکراسی و
حاکم میهن ما را از مرحله سوسیالیزم و
دوره به سانسور شده که رژیم فرانسن
حاکم و حاکم سوسیالیست را از اشیاء
مکرده، هیات تحریریه، نویسنده، مستقیم‌گرفت
هفته با هدف برقرار، جای بهتری را
ایستادگی و دایه‌های این گروه را به
بیکار مردم دلیر می‌بماند تا می‌گردد.
ضمناً به خاطر سرامیک پیش‌ارزش فیروز
دایه‌هفته به جای روزنامه، استیضاح
به بیشتر نه تا می‌گردد دانش به دست
هر چه بهتری را تا آخرین لحظه، هدف و
می‌بازد.

از ماندگان زلزله طبرستان، آنها که خانه های خشت و گلی بر سرشان فرو ریخت و هزاران نفرشان را در قلب کویر ایران همیشه خاموش کرد، هنگام بازدیدن ما بی ابرو و همسرشان از مناطقی زلزله زده از آنجا استقبال بسیار انگیزی کردند.

۸۵ ساله قبل از زاده شدن، چند هواپیما به طیاره رسید. این هواپیماهای ارتش افراد گارد پلیسی را با خود داشتند. گارد پلیس معمولاً به جا را به دقت زیر و گردشان در تمام منطقه استقرافند. تا زمانی که برای خرابه‌های گسترده‌ای پدید پیش‌پا نه بودند، اکنون گستره هزاران انسان شرف‌آبرایی هستند، و در گستره‌ای عموماً به به پاسداری مشغول هستند، حالیکه مسئله‌ها پیش‌پا نه شده‌اند. شلیک بود. همه زلزله زده به میان گروه کثیری از مردم که برای کمک به زلزله زده‌ها رفته بودند، دیدند که به صورتی روستا به جا ماند، و استوارت برای استقراف گاردی به به سرست آماده شد، در حالی که در همان موقع، به روستا‌های ویران شده حتی یک چادر نداشتند، بودند و گروهای ارتش می‌گفت به طیاره آمد، بودند چادرهای ویران نداشتند. آنجا می‌رفت که چادر بود، و استوارت به به صورتی می‌رفت. زلزله زده‌ها شش‌گانه می‌دیدند که چگونه می‌شود امکان‌ت را چنانچه به به ترمیم کرد، در حالی که اولین چادرهای دولتی به به از آروز به به منطقه زلزله زده رسیده بود. مردم می‌دیدند که گروه‌های دولتی برای تأمین به به آمده‌اند. کارها به به تأمین به به گروهای زلزله زده دولتی سرگرم چنان‌که گاه‌ها رسیده استوارت در به به با خود به به این منطقه می‌رفت دید، آورده‌اند. آنان می‌دیدند که چقدر دستکاری صورت می‌گیرد که به به جان به به انداخته است به به می‌خواستند در شش به به باشند. که به به فکر مردم نبود.

دروغی مردم، روحانیون زاهدان، سفاکانه
آدمجو با مردمی، بزرگان شریفی که اولیای
آمد بودند، بقالی که ازبزرگان آمد بود و بعضی
که خوشتر ازبزرگان بودند، همگی دروغ می گفتند،
ظلمت و فداکاری و همکاری را به مردم - فقط
به مردم - می انداختند. مردم طبعی، آنها که
زنده ماندند بودند و باقی های رژیم را به چنگ
می داشتند، با حکومت و پوست و استخوان لایس می کردند
در چنین اوضاع و احوالی بود که شاه که به دنبال
نمایش موع و عیسو دروغ و پراش و باغی خونی
طبعی، آدمی بود تا مردم را بفریب دهد، به طبیعت وارد
شد. محوطه ای که هوای پاک شاه در آنجا چشمند
صد متر با چادرهای اندکی که برای زلزله زده گان
برپا کرده اند فاصله داشت. گاهی به این چادرها
رو می یافتند کشیده بودند و ملازم به میزهای
گفته شده بود که شاه به وقت خواب آمد. فقط
گروه اندکی از زلزله زده گان برای اجرای نمایش
طبع به اصطلاح - طوفان شاه به پا اند آورده
شده بودند. شاه در حلقه گان امنیتی قرار
داشت و گاردی خاص حلقه دیگری به دروازه
بودند. وقتی به منوجاه رسیدند شاه آمد استیگنی
از میز مردم از استیگنی خشنیت آمد به مردم به
به باطلات فرستادند. این عمل چند بار تکرار
شد. به دنبال آن مردم با چشم و دروغ و طعنه و سران
و مردم گفتند شاه را حاضر کردند. چهره صبا
گرفته بود و از چشم شاه شراره غم می بارید و اولین
نظر بی مردمی بود که به صدام داشت.

٢٠٠٠

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

نبرد اعتصابی ۷ هزار کارگر گشت و صنعت

اعتصاب پهنه‌ای هزار کارگر گشت و صنعت کارون (در ۱۵ کیلومتری خوشهر) - منطقه بی بیان - که امروز سوم مهرماه آغاز شده، به طور یکپارچه ادامه دارد. اعتصابگران در محوطه حرکت (کارخانه) اجتماع می‌کنند اما هنوز هیچ کسی برای مذاکره با آنها با پیشتاز نگذاشته است.

اعتصابگران خواست‌های خود را در ۱۸ ماده تدوین کرده و تاکید کرده اند که برای احراز خواست‌های خود، هیچ گونه مذری را نمی‌پذیرند و برای تحقق همه آنها به نبرد امتضای خود ادامه خواهند داد. کارگران مبارز تاکید کرده اند که به ویژه اجرای خواست اولیه هان هیچ احتیاجی به برپا ن ندارند، اما برای انجام سایر خواست‌ها حاضرند میل‌لارم را بپذیرند. ۷ خواست اولیه ۷ هزار کارگر گشت و صنعت مطالبی گفت و صنعت کارون عبارتست از: ۱- تغییر نظام مقام و مدیریت کارخانه در غرضان و انتظام بخش دیگری میزان مهندسی‌دانه می‌گردد ۲- آذاریش مستمردروانه کارگران به میزان حداقل ۷۰۰ ریال و تصمیم آن در مورد کارگرانی که مستمردیگری دارند. ۳- افزایش حقوق کارمندان به میزان ۴۰ درصد بدون احتساب افزایش قانونی حقوق ماهانه. ۴- اجرای دو روز تعطیل در هفته و تسام

اعتصاب پهنه‌ای هزار کارگر گشت و صنعت کارون (در ۱۵ کیلومتری خوشهر) - منطقه بی بیان - که امروز سوم مهرماه آغاز شده، به طور یکپارچه ادامه دارد. اعتصابگران در محوطه حرکت (کارخانه) اجتماع می‌کنند اما هنوز هیچ کسی برای مذاکره با آنها با پیشتاز نگذاشته است.

اعتصاب کارکنان مخابرات

حدود ۲۰۰ تن از کارکنان شرکت مخابراتوز خنیه ۳ مهرماه به عنوان اعتراض به باقی‌ن بودن سطح حقوقشان به ویژه درمقابل با حقو های کلان کارشناسان و کارکنان خارجی شرکت دست اعتصاب زدند که با قول مساعدات و بر آوردن خواست‌هایشان موافقه سرکار بازگشتند و اعلام داشتند که در صورت عدم تحقق خواست‌های خود بار دیگر اعتصاب حق جوانه خوش را آغاز خواهند کرد.

کارکنان کاخ مخابرات تهران در دست‌های ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۲ که تعداد آنها بالغ بر ۱۰۰۰ نفر است صبح خنیه مهرماه (دپور) به عنوان اعتراض به کمی حقوق و افزایش ناممکن برای یک روز دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان به یکدیگر دندک در صورت ادامه بی‌وجهی به خواست‌هایشان خنیه ۱۵ مهرماه مجددا دست به اعتصاب خواهند زد.

شرکت مخابرات ایران از سال ۵۶ بنا بر یک قرار داد یک جانبه و اسارت یافت نظر شرکت آمریکایی ریل اداره می‌شود و ما آمریکایی و فلیپینی در راس بخش‌های گوناگون این شرکت قرار گرفته‌اند حتی نگهبانان درهای ورودی شرکت واقع در آبن قدیم شیران نیز از آمریکایی هستند. به این کارکنان خارجی حقوق‌های گزاف‌پندیده هزارا تومان و مسابای استثنایی پرداخت می‌شود، در حالی که حقوق کارکنان زمین‌شناسی ایرانی پس از شرکت به زمین‌شناسان آمریکا در زمینه رزمی دهک تاز بهشتی آن‌ها هم در زمینه گرانیز تورم فزاینده به‌فراغت می‌رود. همه این مواصل خم هزاران کارگر و کارمند زمین‌شناسی این شرکت را به یکدیگر است و آنان تنه‌اره چاره را در به یکبار اعتراضی برای کسب حقوق دفعه خوش و تفک رزمی در سدیگای واقعی و حلقه منافع خوش یافته‌اند.

صدای مرگ شاه ...

آی جناب سرهنگ ... آی شاهانه! مردم چرا می‌کشند؟ مردم را نکند ... رنگ از روی شاه قدر قدرت! بریده بود، بزرگ ارتش‌تاران! با همان نفوذ همین‌گفت: - ما مردم را نکند ... زلزله کشت. پیرمرد فریاد زد: - تهران را می‌گویم. منظوم میدان زلزله است. چرا مردم را نکند؟ - که سگوت کردید بود. به شدت هرق می‌ریخت. فکر نمی‌کرد مردمی که قهر طبعیت و صمیمت ملی هم زایل شده شکست، این طورها و روبرو شوند. زیر لب زمزمه کرد: - دولت درین باره گزارش داده ... ما ووران پیرمرد را نکند. جوانی رود روی شاه ایستاد. گفت: - من بزنم. می‌دانید خانه ما چرا خراب شد؟ به دستو رفرج ساختن خانه آجری در طبقه منسوخ بود. برای حفظ به اطلاع بافت‌دیمی شهر که به دره‌شان دادن و بز دادن به خارجی‌ها می‌گو رد، به دستو رفرج همه خانه‌ها با بدخت و کلی‌ماخته می‌شد.

بعد پیروزی طلودید. چهره اش و چادرش خوشی بود. فریاد زد: - ۱۸ نفر از فامیلام کشته شدن. از ۴ هزار شاه چادر هزار تابه مادان، بقیه رو زدند. شاه بازم سکوت کرده بود. روزه نرس و مرگ می‌دید. پیرمرد دیگری جلوید. داد زد: - دولت هیچ کاری نکرده، اگر کمک مردم نباشد ما مرده بودیم. در این موقع از طرف چادرهای ملوات شنیده شد. بقیه زلزله زدگان متوجه حضور شاه شده بودند و ایستاد خشم خود را تارش کردند. شاه شاهان هم که استاد فرار است، به‌تلاطم جیمید و در حالی که فرار بود از چادرها بدین کند، به سرعت برگشت و به طرف هواپیما رفت. در پای پلکان هواپیما پیرمردی خود را به شاه رساند و گفت: - ما از تو هیچ توقعی نداریم. فقط یک مدیر خوب می‌خواهیم که خودمان کارمان را انجام بدهیم.

شاه گفت: چشم! به سرعت خود را به داخل هواپیما انداخت. این اعتراض طبقی زلزله زدگان را بلندگوهای ساوا کرده به صورت استقبال آژاه و تکتای بیست او "منکس کردند و رادیوی دولتی هم گفت که شاه از چادرها باز شده است. زهی بر این همه بی اثری! وقتی شاه رفت، گاردی هم چادرها، آشپزخانه و توالت‌ها را جمع کردند و با خود بردند.

کار

کمیت

پیام به: احمد سروری

نامه ای که به شما رسیده از طرف حزب توده ایران است امیدواریم طبق آن عمل نمائید.

تظاهرات بزمزاهدای آبادان

به مناسبت چهلمین روز فاجعه دلبران کوره آه‌سوزی شاه در سمنارکس آبادان و شهادت فیض بهشتی از ۸۵۰ نفر از هموطنان بی گناه ما، روز پنجشنبه ۶ مهر هزاران نفر از مردم آبادان و دیگر شهرهای خوزستان که برای شرکت در این مراسم خود راه آبادان رسانده بودند در زیر پرچم سبز و سرخ حکومت نظامی در گورستان این شهر جمع شدند و با شعار "مرگ بر شاه" به یکبار دیگر اعلام داشتند که ما سر بریده شدن بی‌طاعت سلطنت استبدادی را بی‌تابی نخواهند داشت.

مردم در محاصره تانک و زره پوش و کامیون های مسلح و سربازان مسلح خطاب به سربازان فریاد می‌زدند: شاه مجاهدت است. شاه سلطان کث است. شاه ترا می‌کشیم. برادران رتلی، چرا برادر کسی؟ گزارش‌های رسیده حاکی است که مردم مدتها دسته گیل به طرف سربازان مسلح که در کنار گورستان مستقر شده و با اسلحه‌های ارتش خود در برابر تانک‌ها و زره‌ها و بار دیگر به یونان ناکستی خود را سربازان که انگ در خمها بیرون طبقه زده بود و خود را در سوگ و ماتم مردم شریک می‌دیدند، به آنها پاد آور شدند. مردم یکبار دیگر به برادران ارتش خود نشان دادند که شاه با کلوله باران مردم توسط دشمنان با او یک در لباس ارتش و اعدام‌های دسته جمعی در پادگانها، نمی‌تواند بی‌دولتی را که میان سربازان و ارتش از آذیخواه و مردم خود دارد، پاره کند و آنها را برابری همیشه رودر روی هم قرار دهد. این تظاهرات پر شو رو با تانک و بدون حالت سربازان پایان یافت.

وزم خود می‌توانستند اطمینان تا کید کنند که در مبارزه با انواع دشواری‌ها، شه دشواری‌های اختراعی، غور و ملها و ادعاهای سیاسی اجرایی از جیب و راست، از مارا جوی استالین و خرد و بورژوا می‌توانستند از سوز و آتش، لبرانی، از انقلابیگری کاد ما خوشی‌ست تا نسیم طلسمی را فرمی‌ست، پیروز می‌شوند و به دست و استقامت و نظرات و استراژی و تانک‌ها می‌توانستند از آن آزمو عمل به اثبات رسیده است. استقبال شور انگیز و بر تانک‌گروه‌ها و عمارت مبارز و انقلابی و به ویژه طبقه کارگران ایران از حزب ما، بهترین گواه و تصدیق این نظرات است. مسلح و سربازان مبارزه جوی وطن ما اینک با اعاب شاه‌دست‌کس خون آروانی کبیر، به تانک‌ها، خن و روز به گرد و رنج هزاران زندانی و شکنجه دیده و تسخیر شده و ملو و خنکی تا بدین سرخ‌ت و تناس و انقلاب ایران در حال صوه دادن است و جویا رخن همه شهادت قربانیان نامی و گمنامی که نار و بود آن با تاریخ معاصر منهن ما آشفته، به هم می‌پیوند و روحانه پر حشمت و وقار عیش انقلابی‌های ایران را به سوی افق‌های غنیش می‌فرستد و پیروزی می‌راند.

وظیفه خود می‌دانیم در راستای سی و هشتمین سال تاسیس حزب بگوئیم: رنج‌های و خنکی‌ها و رزم‌ها چنان متورک و پیرا و دل‌ها و دست‌ها را از غم و نیرو سرشاریاد... بی‌بهری را که نویسه داده بودند، از هم اکنون در اعتصاب رزمی‌ست پهای و خن‌های صنفی و سیاسی موج وار طبقه کارگر و غرض دل‌پوانه و میلیونی خلق‌های بها خاسته که درگیر این فتنه تاریخی نوین و شگرفی هستند، می‌شوم. مدای، مدای آزادی ایران باورده‌اند باد...

هيات تحريريه هفت‌نامه "نوید"

گل‌وله‌باران مردم مبارز قم

از قم می‌رسد که گراهای شاه یکبار دیگر مردم مبارزان شیرا به گل‌وله بستند. گل‌وله باران مردم در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه صورت گرفته است و هنوز تعداد تلفات مشخص نیست. تظاهرات از بعد از ظهر چهارشنبه در جریان مجلس ختم فیروزآبادی به کلیه یگان‌های در اطراف محرم و خیابان محمد شاه شروع شد. مردم زیاده در جریان این تظاهرات دستگیر شده اند.

اعتصاب کارگران شرکت راهسازی

کارگران شرکت ماشین‌های راهسازی در اهواز در نخستین روز مهرماه دست به یک اعتصاب همگانی زدند تا به این وسیله کارفرما را مجبور به قبول خواست‌های حق خود کنند. یک گزارش‌های رسیده در دومین روز اعتصاب کارفرما یک هیئت ۴ روزه خواست‌نامه خواست‌های کارگران را برآورده کرد. کارگران ضمن پایان دادن موقت به اعتصاب خود، اعلام داشتند در صورت احراز شدن خواست‌هایشان تا پایان هیئت تعیین شده در بار دیگر اعتصاب خواهند کرد.

کارگران خواهان افزایش دستمزد، حق مکن، تجدید نظر در مقرری سالانه و افزایش آن، تغییر بعضی از مدیران، تغییر سمت کار و تقلیل آن، کاهش حق بیمه، بهبود کیفیت غذا و سایر شدن سرویس رفت و آمد هستند. کارگران همچنین خواهان برپایی جلسات ماهی به با شرکت مدیران مسئول برای رسیدگی به مشکلات کار می‌باشد.

بوی بهاری را که مزده داده بودید...

بسی فراتر از ناشی زنده ماندن و سلامت زمین است عمل پرچم شهربان به دوش گرفته و آن را بر فراز کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها، کوچه‌ها و حیاط‌ها، مدارس و خانه‌ها به اعتراض آورده است. حزب توده‌ای ما به بهای آزادی و زندگی بهترین و شریف‌ترین مبارزان و فرزندان و فدا دار علم و مارکسیسم و مین، و تبلیغات و فعالیت‌ها دست‌ها های باوه پرداز حکومت را عملاً خنک کرده و بیبا گشتن دیوارهای تانور و اختراقی از طریق انتشار بسیار وسیع اثرات علمی و اجتماعی، خبرهای افشاگر و تفسیرها و اطمینانی که چون هوای تازه بر مومایی رژیم استبداد سلطنتی می‌وزد و آزارده ذره از هم می‌باشد، نه در میدان حرف، بل در میدان عمل با تمامی قانت با رژیم درنده، چپا و لگر و گنده و ایران برپا داده‌اند. ما واک‌گلاوسر شده است. این افکار را ندی شاست که با به کار گرفتن مینکرا که خود را نویین سازماندهی و تبلیغ و ترویج، متعصب با شرایط ویژه ایران در این حال که تلفات و خسارات و عاصات مبارزه را به حداقل رسانده‌اند، مدها و فرار از بارش با سربازان و تشکیلات دیگر که زیر ماک و ردای مارکسیسم تنها به نشو و حرف و تئوری با آزمون دوباره و چندباره تجربیاتی که در دوران عمل، شکست و پیو آنها ثابت شده است در غنی تر کردن تئوری و پراچیک جنبش انقلابی میهن ما، در افتادن بذر جهانبینی علمی و انقلابی در میان طبقه کارگران ایران، در رسوا کردن رژیم استبدادی و غارتگری و شکنجه امپریالیسم، موفق بوده‌اند حزب ما که حق حزب شهادت و قربانیان نقسب گرفته، در آغاز سی و هشتمین سال حیات پرحانه

برای سرنوشتی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

نویسندگان

سال سوم، شماره ۴۹، شنبه ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

دورنمای رژیم شاه و افق های جنبش انقلابی میهن ما

و نیرو بر ستون های استبداد سلطنتی میگوید به
پس انقلاب، از هر جراحی، توانا تر می شود،
پیش بینی کرد بر شالوده این پیش بینی و سبیل
لازم را برای مقابله با آن تدارک دید.
هر روز که می گذرد، انقلاب یک گام به پیش
برمی دارد و ارتجاع سلطنتی ناکزیرگی می به عقب
رانده می شود. جنبش نظامی و به ویژه جنبش
اعتصابی اگر تناور شود و گسترش یابد همه ارگان
های اجتماعی را فراگیرد، از یک ارتش مباحم گم
خطر تر نیست. تحمل این وضع برای شاهیه مشابه
پذیرش مرگ تدریجی رژیم است. آواز انبساط
تجربه ها و شگردهایی که همیشه داشت برای حفظ
مواضع اعلی خود، استفاده کرد. اما نه تغییر
دولت و جابه جاکردن مهره ها و فرکانس ها، نه عقب
نشینی های جزئی از قبیل تغییر و فداکردن چند
وزیر و وکیل و مأمور در درجه دوم و چهار که تنها
تغییر آفتاب، دزد دارد رضای افسارگشسته ای
که او و خانواده او و فامیلش در وطن ما به راه
انداخته بودند، داشتند، نه انحلال حزب سوسیالیستی
و رستاخیز و آزاد کردن موری بخشی از احزاب سازمان
ها و گروه های سیاسی و به راه انداختن همه شیب
بازی های دموکراسی در مجلس انتصابی، نه صدور
بخشنامه ها و اعلامیه های پرزرق و برق و دولتی که
پس از آن همه غارت و زورگویی و تکیه جیسمی
رویی و تحقیر مردم، حتی نمی تواند اثر یک فرض
سنگین را داشته باشد، در فریب مردم و فروکش کردن
امواج بر طلائع جنبش، موثر واقع نشد. برعکس
هر چه عقب نشینی، آتش مبارزه و شور انقلابی توده
ها را دامن زد، تا آنکه مردم پاسخ قاطع و نهایی
نیهای خود را به این عوام فریبی ها با نگاهرات
بی باقه به چهار میلیون نفری کشور در روز عید
نظامی و نظامات یک میلیون نفری تهران در روز
پنجشنبه ۱۶ شهریور دادند. این نشانیهات
طریق ملی و رزمی با تمارهای آشکار و صریح ضد
سلطنتی و ضد امپریالیستی و آزادخواهانه در واقع
رفتارندایی بود که حکومت کثرت گران را عزز نکرد و به
نفع یک دگرگونی بنیادی و همه جانبه در تمامی
عمره های سیاسی و اقتصادی و حقوقی و فرهنگی و
نظامی رای داد. پس از این واقعه تاریخی، شاه
اگر می خواست خود را به مردم تحویل کند، راهی
جز دست بازیدن به یک کودتای نظامی نداشت.

رناله در صحنه

در حالی که پیش از یک میلیون کارگر و کارمند
و پزشک و پیمانه و ویرگاب و محصل در سراسر کشور و
در گسترش بزرگترین اعتصابات رزمی تاریخ معاصر
ایرانند، در حالی که امواج خروشان نظامی و
اعتصابی و نمائات محکوم گشته سیاسی نزدیک به
۴۰ شهر بزرگ و کوچک و حتی ده روستا ی کشور را در
می نوردد، در حالی که دهها کشته، دهها مجروح و
پیش از دو هزار دستگیر شده نظامات و اعتصابات
و مبارزات متشوع و بسیار گسترده هفته جاری
تشان از زلزله ها و انفجارات های رعب انگیزی
می کنند که تمامی سلطوح و ابعاد جامعه ما را فرا
گرفته و بحران عمومی هلاک ناپذیری را چون ت و ار
بر سر رژیم شاه و شرکای پنهان است، دولت و ارگان
های اجرا به و سبیل ارتباط جمعی، با چشم های
بسته به روی این همه صحنه ها و حادثه ها و گوش
های گشوده در مقابل این همه غوغا ها و تهدیدها
و نبرد طبعی ها، سخن از آرایش نمایی و اوضاع مملکت
و بهیترت های به اصطلاح "آشتی ملی" می کنند.
کوبی آواز آب انبکان نابورده و همه چیز به کام
حکومت ضامن است. این سخن گشایان قلابی و
لجاعت با واقعات و حاشا کردن اوج گیری نظام
دریا وار نیروی خلق قیام کرده، به روشنی گشته
وجود و طبیعت استبدادی رژیم را که با تمام
جنس و اش آزادی مطبوعات و حق بدینی مردم را در
آگاهی از رویدادها و غرور با زدن فضای سیاسی
مملکت فریاد می کند، بهر حال می کنند. این سیاست
خود مردمی که متکی به اغوا و دروغ و بهر و
پوشی قیامت است، در عین حال به طرز عیبرت
انگیزی تأکید می کند که رژیم مستبد و آزادی
کش "شاه - ساداک" نه تنها از گذشته های تلخ
و عیبت، نیا موخت، نه تنها استبداد را گریز
این تجربه را ندارد که شیوه ها و طرز حکومت
سابق صلا به افلاک و ورشکستگی کشیده و ادامه این
روش های محکوم به شکست، تنها گور اعلان آن
را عمیق تر و روز گفن و دفن را نزدیک تر می کنند،
بلکه کمترین تسابلی نیز به پیرهن از گذشته های
رسوای خود ندارد. با درک عمیق این واقعیت به
روشن بینی بیشتری می توان حرکت های بعدی و عکس
العمل های احتمالی رژیم و امپریالیسم حامی آن
در جریان شکوفایی و ورشکستگی به لحظه جنبش
عظیم ملی و دموکراتیک میهنان که با تمام خشم

اعتصاب پر شکوه کارگران صنایع نفت گسترش می یابد

امواج خروشان اعتصابات کارگری، ملی و هم
دروغ پراکنی های رژیم در روزی نام های ساواک
زده و بیلتدگواهی جیره خوار رژیم، تمام صنایع
نفت و خروستان و نیز اکثر بخش های صنعتی و اداری
صنعت نفت در تهران را در بر گرفته است و هزاران
دست کشیدن از کار به مدافع اعتصابیون پیوسته اند.
آخرین اخبار رسیده به ما از گسترش دامنه این
اعتصاب شو را نکیز و بانگوه حکایت دارد. بازده
هزار کارگر با اینگاه آبادان، این مرکز عظیم
صنعتی، نیز با اعلام خواست های ۱۵ ماده ای خود
که مهمترین آنها شامل حقوق، تأمین مسکن و
اجرای طبقه بندی مشاغل کارگری است، به شبرد
اعتصابی برادران و خواهران خود پیوسته اند.
پیش از آن کارمندان صنعت نفت در آبادان
که حدود یک هزار نفر هستند اعتصاب خود را آغاز
کرده بودند. کارگرانی که در واحدهای حساس
مربوط به تصفیه و تولید نفت در پالایشگاه
آبادان کار می کنند، اعلام کرده اند که ضمن
پشتیبانی کامل از اعتصاب، به خاطر جلوگیری
از زیان های اقتصادی و مشکلات عمومی به کار در
بخش تولید ادامه خواهند داد. این کارگران تأکید
کرده اند که در صورت لزوم و بنا بر تشخیص
عمومی کارگران دست از کار خواهند کشید.
کارگران کارگاه مرکزی شرکت نفت آبادان
و نیز کارگران و کارمندان اداره حمل و نقل که
جمعا متجاوز از چهار هزار نفر هستند به پشتیبانی
از برادران اعتصابی خود و نیز اعتراض به کسبی
دستمزدهایان دست از کار کشیده اند.
ضمن آن روز دوشنبه ۱۰ مهرماه پیش از ۴۰۰
کارگر شرکت در شان و فولاد مهر که بهمان کارگران
حمل و نقل شرکت ملی نفت در آغا جاری هستند و نیز
کارکنان فروشگاه ها و انبارهای مرکزی سازمان
تعاون صنعت نفت به پشتیبانی از اعتصاب با تگوه
برادران اعتصابی خود و اعتراض به کسبی دستمزدها
نیز به دنوار کار به اعتصاب پیوسته اند.
بنا بر آخرین گزارش های رسیده، اعتصاب کارکنان
صنعت نفت در غارک، اهواز، تهران، آبادان،
کپساران و آغا جاری ادامه دارد.
ما باید بدینکار همه کارگران ایران دعوت میکنیم
که به پشتیبانی از برادران اعتصابی خود و برای
امال فشار به رژیم ضد کارگری به منظور تطبیق
خواست های صنعتی و در درجه اول کورتا کردن
دست آبادی رژیم از دستگذاشتن های کارگری و فراهم
کردن زمینه برای شکل وسیع طبقاتی در دستگیر
ها و اتحادیه های واقعی کارگری و نیز غنی کردن
کودتای نظامی غوغایی شاه و اعتراض به قتل عام
مردم آزادخواه و میهن پرست، به شبرد اعتصابی
سراسری بپیوندند.

اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر کارخانه ارج

پیش از ۲۵۰۰ کارگر کارخانه ارج از روز یکشنبه
۹ مهرماه برای دومین بار در یک ماه اخیر دست از
کار کشیدند. کارگران اعتصابی خواهان افزایش
دستمزدها، دریافت کمک هزینه مسکن و برکناری
مدیران کارگاه و امور مالی کارخانه هستند و به
آشپان نام ضد کارگری "انضباطی" اعتراض دارند.
کارگران این کارگاه به شهریورماه گذشته به
یک اعتصاب دو روزه دست زدند و بعد از قولهای
مساعد کارفرمای سرکار بازگشتند اما وعده های
داده شده هیچ از آب درآمد. به فرا اطلاع در پاسخ
خواست های طحانی کارگران، به دستور کارفرما از
دوشنبه شب گذشته درهای کارخانه را بسته روی
کارگران بسته اند و از صبح به شنبه کارخانه بسته
معاصره نیروهای مسلح رژیم مدافع سرما به داران
درآمده است. از همان روز کارفرما از فرستادن
اتوبوس های سرویس برای آوردن کارگران به
کارخانه خودداری کرد و کارگران که مجبور
شدند به هر وسیله خود را به کارخانه برسانند با در
های بسته و مأموران مسلح رژیم که از نزدیک
شدنشان به کارخانه جلوگیری می کردند، روبرو
شدند. کارگران اعتصابی ها به دیگر ما به تفکد رگری
رژیم را در تجربه می کردند، با خشم گفتند: این
خانه ماست و با خون و نیروی کار ما برپا شده و از
شهره جان ما میلیون ها تومان سود به جیب کشاد
چهار لکریان سرازیر کرده است. هیچ کس حق
ندارد از ورود ما به کارخانه جلوگیری کند.

اعتصاب کارکنان مخابرات ادامه دارد

اعتصابی به گزارشگر ما که برای گفتگو به
اعتصابگران که در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات
در میدان سه در محاصره نیروهای مسلح ارتش
قرار داشتند رفتیم بود، گفت: ما می گوئیم چرا
ما باید یک تکنسین آمریکایی در ماه ۱۲۰ هزار تومان
حقوق بگیرد و ما کارمندان ایرانی حقوقمان از یک
اندک باشد که نتوانیم خرج زندگی خانواده خود
را تأمین کنیم؟ چرا آب و باد به ما اتومبیل
سوار گران قیمت به سرکار میاد و ما حتی برای
رفتن به مأموریت شهرستان ها نیز با اتوبوس
های فراقه و خطرناک سفر کنیم؟
کارکنان شرکت مخابرات اعلام داشتند که تا
تحقق کامل خواست هایمان به اعتصاب متوقف و حق
طلبانه خوبی ادامه خواهد داد.

اعتصاب یکپارچه کارمندان و کارگران فنی
تکنسین ها و مهندسان شرکت مخابرات در تهران و
شهرستان ها که از روز شنبه ۸ مهرماه آغاز شده
است همچنان ادامه دارد. کارکنان مخابرات
خواست های خود را طای اعلامیه ای انتشار
داده اند: پرداخت مزایای فکلی بر اساس مصوبات
سازمان امور استخدامی، افزایش مزایای فکلی
به میزان پنجاه درصد، افزایش حقوق به میزان
۵۰ درصد، رفع تبعیض در پرداخت وام مسکن، وام
ضروری و دیگر وامها میان کارمندان مقامات
عالیتر، پرداخت هزینه مسکن تا زمان اجرای
طرح مسکن کارمندان، و بالاخره واگذاری کلیه
امور اداری و فنی شرکت به کارمندان، تکنسین
ها و کارشناسان ایرانی خواست های اساسی
اعتصابیون را تشکیل می دهد. یکی از کارمندان

اعتصاب وسیع کارکنان بانک ملی

رژیم برحقانیت خواست های خود تأکید کردند و
خواست های مشروع خود را به شرح زیر اعلام داشتند:
۱- ترمیم حقوق ها ۲- پرداخت وام مسکن ۳-
پرداخت خوار و بار حق اولاد ۴- افزایش حق رفاه
همسران کارمندان ۵- تأمین حقوق حق زنان
کارمندان لحاظ شود و زایمان و افزایش حق
لیسانس بدون در نظر گرفتن نوع آن ۶- تأمین
سرویس عمومی رفت و آمد با پرداخت حق ایاب و
ذهاب ماهانه
گزارش های رسیده حاکی است که ملی رفهم
دسایس و فشارهای رژیم، اعتصاب حق جو یانسه
کارمندان بانک ملی ایران ادامه دارد.

به دنبال اعتصاب پیش از پنج هزار کارکن
ادارات مرکزی و شعب بانک ملی ایران که با قول
مساعده مسئولان دولتی با یک هیئت ده روزه موفق
پایان یافت، کارکنان بانک ملی به اطلاع عدم
اجرای تعهدات دولتی، پس از پایان مهلت مقرر
از روز یکشنبه ۹ مهرماه، نبرد اعتصابی و مسلح
طلبانه خود را سر گرفتند. اما نیروهای مسلح
حکومت نظامی با اختان مرکزی بانک را گشای
اعتصابیون در آن اجتماع کرده بودند معاصره
کردند و ضمن تهاجم به اعتصابگران، عده ای
را بازداشت نمودند و کارمندان را از محوطه
اعتصاب بیرون کردند. اعتصابیون نیز ضمن
انتشار اعلامیه ای ضمن محکوم کردن رفتار رژیم و

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

پیروزی اعتصاب کارگران

شرکت های انتفاعی معمول است؛
- دگرگونی نظام اداری و تشمین فایده مشخص
و منطقی برای خدای صادر بر اساس شایستگی و
لیاقت و تمیلات؛
- اجرای طبقه بندی مشاغل؛
- تجدید نظر کلی در امور رفاهی کارکنان
شرکت و یا یک سهم (از جمله خدمات بهداشتی،
رومانی و شرکت تعاونی)؛
- تجدیدنظر کلی در میزان هر خصل رفیق
مقام کارکنان شرکت و یا یک سهم بر اساس شرايط
حاکم در سایر شرکت ها و سازمان های انتفاعی
و دولتی.

از روز شنبه ۸ مهرماه، دوهزار کارمند شرکت بیمه ایران دست به اعتصاب بردند. اعتصابی اعلام داشتند که هشتدهم دیه شرکت بیمه یکبار دیگر بموده هاست که برای انجام تقاضاهای راه داده بود و بدستل نموده اندوه همین دلیل راه دیگری جز اعتصاب برای به دست آوردن حقوقی حقه آنها جای نموده است. کارکنان اعتصابی پی نامه ای که روز شنبه آن کشور وین آن هاست پخش شده ازجمله خواست های زیر را مطرح کرده و اعلام داشته اند: خواست های شان تحقق نیابد به اعتصاب خواهد نشاند و خواهان آزادی خواهند داد:

۱- افزایش حقوق و مزایای تاحدی که در سایر

اعتصاب کارکنان آب و برق

های صلح وزیم به خون کشیده شد. پلیس به سوی این نوجوانان دلیر آتش گشود. در جریان شورش‌های دوازدهم شهریور به نام جعفر قزوینی شهید شده عده زیادی مجروح شدند. به دنبال این تهاجم خونین، سراسر شهر مهاباد در روز ۱۵ مهر ماه به عنوان اعتراض به حال تشدید درآمد. مردم مهاباد هم‌اکنون اعلام کرده‌اند که آزادی زندانیان اخیر این شهر دست‌انداز تصاحب نخواهند شد. سرانجام رژیم جنایتکار در برابر مردم بی‌خوارانه مردم مجبور به عقب‌نشینی شد و سنگین‌ترین تظاهرات اخیر بین ۱۶ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ به تهاجم رگشکند مراسم گردآوردن جسد غریزه رفیق شهید بود و این عزیز بومی به زندان انداخته می‌شود.

گزارش هایی که با تأخیر به ما رسیده حکایت از ظهارات دردناک و بیخود و ذهابی و از در آهنگها و دارن. مدتها داشتند تا ذهابی از روز اول مهر لی چند روز موقوفی ظهارات وسیع و پیکار جوانی او علیه رژیم ملک آریا مهری و با شعار آزادی زندانیان سیاسی (که ویژه گمانی که در جریان تشیع جنازه رفیق شهید نیز پویی با دشت داشتند و بودند) و دهها شعار آزادیخواهانه دیگرست زدند. این آهنگها و شعارها و در صفوف فشرده و دهها ذهابی شهر به راه افتادند و در راه های و سوار و وغیرا دهای ششم آگهی خود به ادگری ها و آرتگری های خاک و زبانه و قتل عام مردم دلیلی آزادیخواه کشور را محکوم می کردند. در معرزه چهارم مهر، ظهارات آرام این فرزندان دلبزر خلق با هم در دشتنا گدا

کارکنان اداره پست و تلگراف اهواز، در شرايطي که امواج طوفاني انتصاب کارکنان اهواز را به لرزه درآورده است روز پنجم به نام دست به اعتصاب زدند. کارکنان معترض در محل اداره پست و تلگراف اجتماع کردند و خواست های مشروع خود را که در اینها افزایش حقوق به نسبت تورم و گرانی هزینه های زندگی بود، مطرح کردند. پس از مذاکرات مسئولان اداره با کارکنان روبرو شد اما فوری خواست های اعتصابیون، آنان را راضی نگذاشت. سرکار خود را گذاشتند، که اگر بخواهند این دادنه هیچ از آب درآید، اعتصاب می جویند خود را از سر خواهند گرفت.

در نخستین روزهای بهرمان کارکنان پست و تلگراف اهواز، پنجم مهر در تهران نیز برای افزایش حقوق ناچیز خود دست به اعتصاب زدند.

در جهت تعدد تر شدن، اختیارات نامحدود شاهان
است. اما به صرف بعضی اختیارات نظامی، مبین
ساخته باقی آگاهی می شود. او به عنوان تجربه
ها و اختیارات سیاسی، از امتیاز و امتیاز هم کاری
نمی بیند، چرا که مردود به این نشان داده
ندیده چیزی کمتر از یک تحول بنیادی و همه
آنها به قانع نیستند و هر نوع و هر وسیله گوی زنگ
از طعنه سوی زاهدان را هم نمی بینند. با
این حساب راه سوم هم در عمل ناگزیر به راه اول
می آید. یعنی خود، با این تفاوت که جنبه های
دیگال جنبش را نیز می بیند.

روایان همان راهی بود که در ضمیمه تاجدار، در آن گام نهاد و به خاطر ضعف طریقه حکومتی بی‌هاک و گشاد و بی‌حسب و جنون آمیزش مردم به هزاران شهید تازه و درباری پیکر خونباری را که بر زمین و در میان حایل است، می‌چکاند و ریزشگر و آماج دین و دینداران و کوشش گودمانی جنایت آمیز است و با همه فشار و شکنج و شکنجه‌ها نتوانست دردی از دردهای بی‌شمار را علاج کند. برپا شد ظلم تاریک و بی‌سابقه سیاسی و در نتیجه به شهر آلودگی و آلودگی و فقر و روزافزون فقر و

بهزنگان، بهستانان، کارمندان یوزکاران
بهارستان های وابسته به دانشگاه تهران روز
شنبه ۴ بهمن (پنجشنبه) دست از کار کشیدند. یکی از
کارکنان انجمن اعتصابی در یکی از بیمارستان های ر
مال اعتصاب تهران به خبرنگار توپیکه اعلام کرد
ما این بیمارستان را رجوع کرده و دموکراسی ای
سرگشت: اعتصابیون به کمی حقوق، استفاده غیر
قانونی و شرایط نامساعد حاکم بر این بیمارستانها
معارضه دارند.

اما در محاسبات سیاسی ایران، با توجه به وضعیت بسیار خاص جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی، به حال مهم دیگری نیز باید توجه داشت. میرزا لیم آمریکا با داشتن دهها هزار کارشناس و مشاور نظامی در راس نظام ترین و تابستانت نظامی و نظامی و به اطلاع امنیتی میهن و افکار و فعال در قلب محاسبات بازگشت مالی اجتماعی ایران، هم این توانایی و هم آن توانمندی و علائق ریشه ای را در میهن دارد که خواهد در هر تحول و دگرگونی در درون نظام موجود رژیم موجود، نقش ایفا کند، نقش که به تعبیر

این متقاضی که بهیچاز دهنده از کارگرمی کارخان
پرو چواری از تشکیل می دهند و در حدود یک
پروملون نفر در آن شرکت دارند، نشانه عملی
و تکنیکی گسترش توان «کارا» در زیرساخت
درگندیده بوده های افلاسی و زنده است
گودمان مانند دیگر نسخه های می غایت می و درنفا
دانه ، جنبش عمومی و مهم مردم را اخلاقی تر
و نه آن را بهیچ و ترس باعث آنجا که ازگودمان
دستان و تا حاشیما ن روستا های و درمست را نیز
به میدان بپا رگاند ، اینک نشانه گودمانی در
طالائی است و با برداشتن شدن این سدقایی
در

راندندگان کامیون های نفتکش کرمانشا هان
س از یک روز اعتصاب موفقیت آمیز به سرکار خود
بازگشتند. راندندگان اعتصابی خواهان رعایت
حقوق برای عمل نفت و تشکیل سندیکا بودند و با قول
سازد مقامات مسئول استان در جهت تحقق خواست
ایشان کار را از سر گرفته اند.

در سال ۱۳۵۷، امپریالسم، به واسطه یارهای سیاست‌ها و خط‌های شاه و دارنسته امپراتور که تنها در اندیشه ی خویشند، قرار می‌گیرد. امپریالسم به مصلحت نظام سیاسی و اقتصادی ایران که بخشی از جهان سرمایه داری امپریالیستی است، می‌نگردد و این گستره با توجه به تغییرات سیاسی نیروها در عرصه جهان به سود گروه‌های سرمایه‌داری و ملی و باورهای جنبش آزادیخواهانه و با توجه به تغییرات نیروهای طبقاتی و اجتماعی در داخل کشور به زیان یک‌سوی و رژیم مودرانس و تمدن، مایل به اتمام العمل و حرکت‌هایی نیست که با تشدید به واسطه ی فدا امپریالیستی و تمسک روحیه ی مگرکراتیک جنبش ملی و خودمگردان، ایران، این جنبش را به مقابله با خودمگردان، استراتژی امپریالسم با این جنبش در بسیاری نقاط تاریک‌های شاه و دارنسته استبداد، می‌بیند.

مجلس قضایی که پشت آن ایستاده ، به طرز ویران کننده ای راز بر سر خود داشت . فشاری که در پشت این سه نام مطمئن جمع می شود ، مردم از فزایش می باید ... و در چنین فضای بی چشم اندازی است که شاه عود از دامنه تنه ترسوی به آگاه تر او آمده و از آن فرصت بهر بهره گیری می بیند . برای او در راه بیشتر وجود دارد ، به او ادعای کردن به پای ملتخت که با چوبی شاهانه به آن جوش ورده ، به پای استخفاف یک مار جویبار نه زدن و رفتن دست به یک کودتای نظامی خویش ترورش نرزد ، اگر هم می ماند چنین کودتایی نه تنها تصادفاً حادثه در حال افکار موجود در این کشور نیست ، نه تنها با یک بازی بی اثر او - در این خلاف منافع اجتماعی و سیاسی می نرزد ، بلکه از این راه به مثابه تنها و یکبارگانه ای متوازن تر و غیر قابل اطمینان تر می آید و جنبش انقلابی خلق های ایران را احتمالاً به سوی راه های جدید مبارزه که می شکستنی

بیش از ۴۰۰ کارگر شرکت پاسترولر وابسته به
نایب فولاد اهواز دستاز کارگشیده‌اند. آنها
خواهان حق مسکن، افزایش دستمزدها، خدمات
رسمی و افزایش مدت مرخص هستند.

ای می‌کنند- و این همان نقطه‌ی است که رهبری
ای جنش باید با هواری و دقت نظر کامل
آن بهره‌ برداری بنماید .
آنچه مسلم است این که در این لحظه‌ای خطر
دور است ، جنش انقلابی میهن با دبا و دست
و خود را ، و امری و رهبری با هر نوع حانه
دولت را که ای و سرحد و طری و امکانات
دکارا ت لازم ، برای مقابله و مواجهه با هر
دگونی احتمالی بهینند .
چه استکا به نفس و استحکام درونی جنش را در
ایر احتمالات ناگهانی سیاسی و نظامی از این
ای می‌دهد . ایجاد گسترش جبهه و سهمیه
د

[illegible]

کارگران سیحان آمیک واقع در جاده قزوین
برای اعتراض به کمی دستزد و شرایط دشوار
دست به اعتصاب زده اند.

روهای ملی و دموکراتیک، صرف نظر از آراء و
نگو و عقاید آنهاست، چهجه ای که باید را بدر
نگ و ضروری تمامی اقدام های طبقاتی خلق را در
ی خشنی کردن گروهی ضد خلقی بسج کند و
حل دروناک انقلاب ملی و دموکراتیک را با عداکتر
ت ممکن و با حداقل فاجعات و خطرات بهیجا بد.
ت صابر و شریاض معینی ا این اشتلاف و پیوند ملی
حال حاضر مبداء.

فایده با قهر خدا تقاضای و هرنوع گونشای
دفعی، به کار گیرد.
شاه اعتماد به راه سومی نیز می اندیشده که در
جوداخرین تک خال حال نظام و رژیم او انگیستر
می بینا تا تفسیر می شود. اگرچه روی آوردن به
ما مزاده بی معجزه ای مانند امینی که راه صحتگی
ای مری و نه مری است. اما محافل امیر با لیستی بر
رویشده نیست. خود را به محافل گاه که گیتی

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

جبهه شمال سیلگون ها میا زمی و فویتی رود
در درون صوف خوشی و به ویژه در درون ارشی که
تنها تکیه گاه اوست با رخت و تزیین روزافز
روبروست ، فشار اقتصاد و سیاسی و روانی صدها
میلیارد رخت

قوی مطلق کردن سوارزه خطی و کم بهاد آن
قرمز کشیدن به روی جنبه سیاسی مبارز
شجوهی است که معمولاً از درازنکاری و محاف
ری و راحت روی فلج کننده درمی آید. اتفاقاً

پس از همدردی و پشتمانی می‌گردند که اگر
پلیس آنها مهری بایاتون به آنها حمله کرده
و سعی می‌کردند متفرشان کنند .

به تظاهرات و راه پیمایی زنده: «ما را آزاد کنید!»
فریاد می زدند: «زندانیان ما را آزاد کنید!»
صبر ای راه پیمایی، مردم دردمند طرف خیابان
جمع شده و با مادران و خواهران زندانیان بسیار
ابراز همدردی و پشتیبانی می کردند و آفرین
پهلوی آنها می ایستادند و با آنها همراه می شدند.

ما اعتصاب عمومی، سر اسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

کشتار جدید رژیم در خم آباد

بعد از ظهر پنجمین گشت در حراب بود و ش
رحمیه که گروازی صلح رژیم به تظاهرات اعتراضی
معموزی و حکام و آزادبوه خدمت آمار درستان
معموزی که در تظاهرات و مجروح شده. این یورش نویسن
دستمال تظاهراتی به وقوع پیوست که مردم باز
در شهر در اعتراض به علت پیاپی نیروهای
صلح رژیم به دانی آوزان. معلما و فرهنگیان
در شهر که به شهادت داده اندانی آوزان
این یورش پیرت انجام شد. پهلوی بوده تعدادی از
آوزان در پیرستان پهلوی غرم آید و جسر
نشته شدگان هستند. این گشتاری رحمیه جدید
دستمال فعلی باز دهها ماز آید و دهها درگمانه
به وقوع پیوست. همچنین از گومان نیز خبر
در دست تظاهرات آید و دهها مردم این شهر
میر و روز پنجمین گشت و دهها صلح
حال رژیم فرا گرفته است. از دهها صلح
موز آطلا نویسنده است.

به دنبال هجوم خوشین به مردم گرما ساه و غرم
مباد، مردم این دوشهر به عنوان اعراضا به این
شماره رسید. رژیم به یک اعصاب هگاسی دست
دهد و این دوشهر کاملاً به حال تعطیل درآمده

این کلاس ها و دانشکده ها به اعتصاب می پیوندند
کلاس ها و دانشکده های جدیدی جای آنها را گرفتند
تعدادات سیاست ها به جای دیگری افتادند
در این پیشرفت و توسعه مقصود ، گسترش دست و پا
را برای تهاجم و تطفیل دانشگاه ها به دست
مشی دم ... در همه این حرکت ها اعتراضات
تاسی با استادان و طلبه ها را و معامات آنها
جامعتهایی و بهره دهی ساز و رایشترو شغله
پروزی آن را می گویند .

«روحانی که باروی آوردن توده های میلیونی به عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی، جو سیاسی مملکت تشدید فعال شده، جنبه سیاسی جنبش دانشجویی، اقبال خلق طریقه مستعمری را گسسته و ثابت، با توجه به این که هنوز شرایط اجتماعی و سیاست پلیسی و جاسوسی با او یک زمین بازی است، پیشرو مبارزات سیاسی در عرصه سیاسی اجتماعی و وضعی بدون در آمیختن گارمفی و علی، اگر با ممکن نباشد، بسیار دشوار و محاطه امر است... بدون سازمان مضمی و شرایط شور و سیاسی هیچ مبارزه جدی و بی گیر از پیش رفتن روده در هیچ حال استفاده از امکانات قانونی و علمی برای پیشبرد مبارزه، برای گسترش امکان تماس با توده ها، امکان تهیه، تنگن و به مبارزه کشیدن آنها، به حداقل کاهش می شود. با ملاحظه شدگی ورژن و توسعه مبارزه می شود. از این گذشته سازمان های مضمی در حال وهی نظیر همین اصولاً سازمان های سیاسی هستند، پس هر یک از فاکتورها به بافت وهی سیاست حکومت و اعمال آن می تواند باطو مارک سازمان با مبده سیاسی در آن می باشد. تاریخ ماضی زمین ما با تحولات انقلابی، رادیکال، انقلابی، مؤبد، بسبب که اینها را مردم و تشکلات سیاسی توسعه اندر فراوان فرو برد و عوامت و تحولات و سوانح اجتماعی ازینا سودی خلق

فکری سخات یا سده با این عایمه راه حادقیل
مکن سراسمدی، که در فکرا نکل علفی و قانونی
انکال مدعی و غیر فکرا نکل ماره استفاده
نموده اند. عسیر دانسته می ایران در لحظات اوج
نبرد خنجر دزدید، یکتا توری و دما صبر با لیمسی
می و تودن دما به آن میراث انکالی و علمی
می اعتنا ممان. دما ممان قصص اعظم و طیفه

سازماندهی و تعیین ناگشک ها و شمارهای مناسب
 اینست. دانشمندی در روبرویی باهر واقعیه و در
 ایستادگی و جنبش عمومی مردم به عهده این هسته
 ها و تشکلات محلی سیاسی قرار می گیرد. همین
 سازمان ها و هسته ها هستند که برپای تصمیم
 و حرکت و پیروزی جنبش دانشجویی و استوارتر
 گردیدن ریشه ها و سوسه های آن با جنبش گسترده مردم
 و مکرر یک مردم با بهترین پیما و ماهدت و استکار
 و تلاش را به خرج میدهند در سطح دانشگاهی آن
 و صورت بسیار اجتماعی را که به آنها حاصل
 می شود نیروهای فدا میرواکیسی و دموکراتیک حکم
 می دهد. تحقیق میکنند. جنبش دانشجویی مهندست
 ها از تحت تفکری و طرفه سازمانی بین گروهها
 و عناصر وابسته به جریان های طبقاتی و ملیکی
 و جنبش رنج می برد. این جنبش و برآوردگی دیگر
 همه اجتماعی قابل رویت است. خودارنیه غم
 عمومی جنبش های ناهای دیدیدگتاتوری افسار
 نیستند. جنبش می ضرب طبقه کارگر، ضعیف
 سازمان های سیاسی غیر پرولتاری و مخالف
 رژیم. فقدان آزادی های دموکراتیک فعالیت
 و نشاط افغانه ارتجاع طبقاتی، عوامل
 جنبش گوسنوم و درواش آنها ابادی های باقیم
 مانده است. اما باید در مرحله زیر گفواکی
 این جنبش انقلابی، شکست شدن پانک و
 رنج پیاره از بد ها و مواضع دیگتاتوری و
 جنبش فعالیت کارگران و حزب سیاسی و طبقاتی
 بنادر مردم های محلی و سیاسی و رانده شدن
 این گروهها و سازمان ها و جریان های مختلف
 به سوی زندیکی به هم ریز فشار و نهام رژیم
 رانده اند. با آواک، با طبعیت و در

وہی ہے جس نے ان کو اپنی طرف سے

دعوت‌اس گروہ ها و هر گروہ و سازمان ديگر
ار خارج نه تنها مورد اسنادماست، نه تنها
ناشد کامل ما را به مثابه سازي گرفتن حزي از
حقوق با سال شده مردم دربي دارد، از يك نقطه
نظر خارجي خود شامل است.

در موقعیتی که عینی سمیات ها و دوستان را
حزب توده ایران در داخل کشور تحت شدیدترین و
بی رحمانه ترین پیگرد و مجازات هستند، در
موقعیتی که اعضای مؤثر حزب ماعتی در خارج از
کشور، با کمترین پیگیری و نفعی برای

پس از آنکه در این باره با هم گفت و گو کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید به این موضوع توجه ویژه داشت و به این ترتیب که:

گرایش به ادبیات و از سویا لسی هم در سطح مردم در عین به طور دوا انگیزی درجامه نگه فرایض می باشد. و سوا لسی علم به عنوان تنها راه واقعی برای نیل به تحول سیاسی درجامه، به سوز محسوس، برای اشخاص جامعه ای آزاد، مسجل از استقامت، فقر و جهل با و سوا لسی استقبال می افروزی می شود و سوا لسی وسیع ترین و انقلابی ترین ابلیات و اشنا و روش می ترس می باشد هر قراردادگرفتنی و سوا لسی در عین در میان اسوا ع بسته بندی های تفلسی، دشواری ها و شبه دشواری های بزرگ کرده. و به خاطر اسوا لسی و سوا لسی به نام «سوا لسی» عرضه می شود، گرایش به سوا لسی علم، گرایش به گرا لسی - تمسیم، گرایش به حزب توده ایران و زوار و رن و سوا لسی است. با مرور این اصا و اصا و سوا لسی که پشت دستور نامه اخیر دولت از سوا لسی می گذرا بدون داشتنی و گروه های مخالف در نفی مجدد و تاخت و تاز سوا لسی لغفی و لغیر نفی به حزب توده ایران و دوداد، بهتر قابل برگشت. این ماله ای است که جنبش دانشجویی ایران در این لحاظ تاریخی سر بدلیط های سوا لسی مابا ارتجاع دریده سلیطی و اشنا و سوا لسی، نمی تواند و سوا لسی از ان غافل می باشد.

هشادنگ ایمن تلافی مزورانه ، عوامل را واگ
رزش طبیبی را سراسر آتش امروزی و تفرقه اندازی
به جادو شیمی و سوزن بین دانشمندان می دهد بی
شعور از غیر مذهبی ، به باعث دشت دشت پوایه
بی آغاز کرده است . متأسفانه در گذشته برخی
میهن های ما مدبرانی موفقیت نسبی ای نیز نعو
ضیه ها وجود داشته است (هوانه) که آثار کج
نگاه علمی و دانشگاه شیار و نظایر آن را به
بیاوریم که دانشمندان ما باز مذهبی
رگبست را تا آستانه برخورد و عصبانیت های
کاروان پس پیش برد و متأسفانه اعمال و
مفانعه ها برخی از گروه های افرای (قتل
بیع مبارز سلمان شریف و اقای توسط سازمان
و مدین و برخورد خصمانه آنها ، بی اثر تحقیر
اگر در موضع فلسفی و عدلیه علیه این انقلاب
لمسانان) نیز به آن به شدت دامن زده است .
مفقت این سیاست فمیلی و غذا زادی گاه
ره ای از شک نظری های تفری از هر طرف به
دامن می زند . حرات تاریخی ای بر پیگر جنبش
روا زانی بوده ها و در جهت تضعیف آن است . در
ای که خلق با تمامی قامت با ارجاع درنده
ایمان و انگل های آن در سبزه است ، در حالی
زندان ها و شکنجه گاه ها شافوتی بین مبارز
رگبست و مجاهد مذهبی نمی گذارد ، در حالی
کلکله های آشپزهای شاه در میدان شهید ای

ایران، در خیابان های قد و تنبیر و افشان و
 بازار و گرمناش و گرم آباد و دهانه شهر یخون
 مردم را با خون طغیان از مدعی و با کمر بست
 هم آمیخته و یگانگی هدف های آنها را در غایت
 ایستادگی میهن ما علنا تأیید کرده است، حتی
 متفاوتی در برابر این خطه های مبارک را میب
 بی دفاع نیست. اکنون از لحاظ فیزیکی است
 میهن غرقه در خون و رنج و سردم را زخمی و
 بگشتری گلوله بهیروز می نویسد و بی نیاز باشد.
 بی دانشی و رعایت میباید در پلان این وسعه
 از هر آگهی و هر دسیسه و دغمه و بی انگار و دیگر

... ..

با اعتصاب عمومی سراسری کودکان نظامی شاه را خنثی کنیم!

مسالہ برسر میز اب پیروزی...

خودکشی يك ياسبان

ارتش آمریکا در ایران

روزم مشترك

اما اگر خواهان آن «داکتر» نتیجه و بهره ای باشیم که جنبشی با شکافتن جنبش انقلابی میسر است، اصطلاحات و احتیاجات آن را دارد، با بدست گرفتن انقلابی تریون، بی گوسترین و با نداشتن تریون طبقه اجتماعی را برپیتان آن تریونیم، به طیفی که به بنا به روشنت قوه‌های ادبیخواه تریون ما سرچاهه و هم مستعدترین و با زشتی با تریون تریون میا زان تریون طبقه را درو دارد: با یک دست با استبداد طبقه تریون طبقه که با ثن تریون روزی او و تریون میا به میسر می تریون و با ثن دیگر تریون های هر گوسینه و تریون، هر گوسینه با تریون و جنبشی، هر گوسینه می طبقه ای، ملی، مذهبی، جنسی و سیاسی را به می کند. به هر میزان که وزن معکوس طبقه کارگر که در حزب سیاسی خود متراکم شده در کل جنبش میهنی را بیشتر باشد، به هر اندازه که متضاد کارگری در هر میهنی جنبشی بیشتر و جوانان داشته باشد، به همان میزان اندازه و تریون تریون جنبش انقلابی با داکتر است و تریون ها و آرزوهای خود، بیشتر می می شود.

یون) از کار دروازه آمد. پس راهی باقی نمی ماند
از این که نبرد منتهی و اقتصادی و نبرد سیاسی
درمانده و بعدا جانهای ریشه کن نبرد رژیم فد
ای، چپالگو و بسته ای که باقی رده های
پولاریز شده و محرومیت و گرسنگی و محنت و مشقت و
ستفخا و روضه ها برای زخمیگان که با ر نمی آورد
نمی شود. این واقعیتی است که از دورن مبارزات
فصلی گذشته زخمیگان می جود به صورت
بورت است. جناب با نهی در می آید و در پروا این
نبرد که با بسیاری از ضرورت های دیگر همراه است
ما زخمیگان لحظه به لحظه با محتوای سیاسی
نبرد می آید.

[illegible]

با وجود ایجاد تحول در شرایط اکثریت
طبقه کارگر، انقلاب مسرئوا هم بود.
چنین تحولی با تجربه سیاسی خود شده
ها باید می آید، نه تبلیغات و
افشگری...
تا رنج نمیشد های طنز آلودی در چینه دارد.
حکومت ها خود موجبات این تحول انقلابی را پیش
پای طبقه کارگر می گذارند.

نظامی و تحولات بنیادی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هستند، شما مدعیان گمراهی که برپایه‌نندگان و اتحادیه‌های دولتی، با انحلال سازمان فلاحی و سایر کارکنان و تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاها و تشکیل های وطنی را طلب می‌کنند، و ده ها و ده ها مدعا و خواست و تقاضا را می‌طلبید که به آنها، مختلف از سوی خود هر یک چیزی را گوشه ای از میزاد تنگی و سیاسی می‌گویند و برخوردی را تشکیل می‌دهند که با پیوستن به همه جنبش انقلابی معین ما شکل فعال را سر برافراشته اند؛ همه و همه را مدعیان خودانی اعلام کرده‌اند تنها جریان ملی بازاری، جریان مذهبی است و فشاری جزایی، از طرف دولت و عوامل آن به جنبش راه با فتنه است. چنین بی‌سوئی به هر میزان که در مملکت نفوذ کمبند، به همان اندازه جنبش ازادی خواهان و فدا می‌ریاییستی معین ما را تضعیف می‌گردد و اندام های مصنوعی را از کار می‌اندازد و با کم اثر می‌کند. تنها شعارها و خواست‌ها و تکنیک‌های واقعی و قابل اجرا از نقطه نظر جنبش مبارزات است که از شرایط معینی جا همه بر سر ساقست باید رواء تحول معینی و ذهنی را بیاوراند، و به این که در برابر ضرورت های معینی سنگ بیندازد و با انگار و حتی خرچیده ای ضرورت‌ها، به جنبش و مردم زبان بیاورد. در شرایطی که مردم با تمام باطن خود، در میان درباری از خون شهیدان و عزیزان خود درگیر می‌شوند می‌آیند، در برابر سرودن غدا می‌تواند تا تمام استخوان فاسد را محضان مسلح استروبه سازمان را و امکانات فساد انقلابی نیرومندی در آمده و بپاشد و نیست و هزاران رفته رفته و در می‌آید امپریالیستی و ارتجاعی می‌کند تکیه دارد، از همه ای برنده تر و اتحاد عمل و پیوند و هم جوش با خود دارند، هر قدر این ناگسستی که در عمل تا گزیر می‌دودارد و در صحنه سیاسی در گفتار و تأکید و در گمراهی تکنیکی می‌شود. تحقیق باید، به همان اندازه زبان حاضر ناشی از صف سازمان های سیاسی کم و بیش است مبارزه و ضرورت های پیروزی آن نیرومندی است امکان بهره ای مسلک با وارد آوردن ضایعات سنگین بر آن‌ها ضعیف تر می‌گردد. در چنین فضای است که باید بروایت‌ها و از رویای فتنه مبارزه آنها را تابع قضایات معینی جا همه کرد. هر کسی به هر شکل و در هر کسوت به این ضرورت ملی و سیاسی اتحاد و اتفاق لبه بزند، مسئول خون‌های است که چنین ضایعه ای اوج آن را وسیع تر می‌کند و سر برافراشته می‌شود بلکه این همه رنج و خون و مرگ و آزار و آه آن‌ها را با هم می‌کند در بهترین صورت این سر برافراشته و نتیجه را به عداقل کاهش می‌دهد.

توفان مبین ما را در می نورد، ضمن آشکار کردن
ما هیبت اعلی و هوهر جنبش انقلابی مردم - در عین
حال به ای جنبش ضد فساد می و گرانباری را
می دهد. رژیم می گویند این جنبش اقتصادی و زرمی
را که با هیچ وسیله و نیرویی قابل کنترل نیست و در
صا رصنعی و اقتصادی آن متوقف کند و از قرار و شیفان
خوات های مظلای آن به خوات های بی چلو
گردد. - بسیاری تا مین بوده ای که به خیال خود با
آن بتواند سازان اقتصادی را بر خیزد، نه روز و قارم
نجوی خیرهای تبلیغاتی از غرب امپریالیستی و
به ویژه آمریکا، و فزینده های سرمای آروظا می و
پلمسی و جاسوسی، بلکه روی اکثر برنامه ها و
بوده های عمرانی خط کشیده است. در حالی که
به تصدیق روزها معارضه بر سراسر واک، دولت در
حال حاضر فرد وشت انگیز و گلا می سابقه ای
در عهد و دهه - ملیار تومان می بوده ای، را بدوی
می سی. می با یاد می معانی امپریالیستی
وابسته به آنجا، می جنگش را خود خیر می دهد
که وزارت خارجه انگلیسی و آلمان و فرانسه و نیز
معالل امریکایی اعلام داشته اند که در افراد ای
های خیرد تبلیغاتی به دولت ایران کمتر بسن
ضمیمه ای شده است. در چله فتنه بی هیات
دولت تا کید نه که تجدید نظر در خیرده های
تبلیغاتی (بهی از مع میلارد دلار) به ملاطفه
ضرورت های دفاعی حتی قابل طرح نیست. به این
ظروتنه تنها جنبه ای که برای تا مین خوات های
مظلای است اعتنا به کشندگان و دیگر اقشار کسره
های اجتماعی و عکسش با می یابد، بوده عمرانی
مملکت است که حزب کاوشان می می از ترم
انسانگستره را در پی خود هدایت. در حالی که
اعتیاد، تولید و به حد قابل ای اخیر
رسیده و بانوجه به حجم بولی که با افزایش
طریق ها و دستمزدها و رها می از می عطف
بر نایه های عمرانی پی پی پی می ترم بری آن
و زیرورت کشنده از مع اکنون چندان تفسور
نیست. آنه را که دولت با یک کید می دهد، قبول
توم با ست دیگر و گرفت. در دست زمکنان
آنچه خود اودا می، جز با هو خود اودا بدوی و زرمی
زمکنان با زرم فوارترو صاحب آنجا بیشتر و
می نبی شان از خواهی که درایه با ست
ملی و با مسئولیت، با بهره مندی از امکانات
انسانی ای کشور با گسی میصارت، تحصیل
نا پذیر تر خواهد شد. بدینان در شرایط کنونی
برای زمکنان نتیجه نهایی در می مظلای حتی
در صورت بدی، که با می و جلا ای نگه می

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

هفته نامه نوید

سال سوم - شماره ۵۲ - شنبه ۲۹ مهر ۱۳۵۷

(وابسته به حزب سوده ایران)

بخشی از مقاله ن. کیانوری درباره

ضرورت اتحاد نیروهای ملی و آزادیخواه

کشورهای عربی در دست دارند و همچنین کوتاه بینی سیاسی برخی رهبران کشورهای عربی دامن زده می شود؟ آیا این رهبران نمی بینند که چیزی برای رژیم استبداد شاه خوش آیندتر از آن نیست که نیروی مخالف را به جان هم بکشد و وقت و نیروی خود را صرف جنگ های غارتگر بماند؟ آیا این رهبران نمی بینند که تنها و تنها بر پایه اتحاد و وحدت عمل به چربان انقلابی اساسی یعنی: نیروی کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری - کمونیستی کشورهای سرمایه داری و جنبش های پیش ملی است که ممکن گردیده و ضد جبهه عظیم و نکتت نا پذیر فدا امپریالیستی و ضد ارتجاعی به وجود آمده اند؟ نیروی پیشانی امروز بزرگترین دوست و پشتیبان جنبش خلق مسلمانان فلسطین در نبرد مرگ و زندگی اش علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب در درجه اول همان کشورهای سوسیالیستی و مبارزان تشویده ای است که کمونیست های جهان و کشورهای عربی هستند و بر عکس ارتجاع عرب، خالدها، ساداتها، قابوس ها که مانند شاه ایران از اسلام دم می زنند در صف دشمنان مردم مسلمان فلسطین کام می برند. بدون هیچ گونه تردید این چنین سیاست خودداری از همکاری همه نیروهای فداستبداد به بالاترین درجه زبان پیش است و پیروفت مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه میهن ما را به طور محسوسی کند می بارد.

حزب سوده ایران به رغم این موقعیتی های ندارد، به رغم همه اشکات و نواقص که از همان روز اول پیدایشش برای وارد آمده است بسیار پیرو آرمانی یعنی علی خود با اعتقاد تزلزل ناپذیر به درستی اندیشه اتحاد همه نیروهای ضد استبداد برای برانداختن این اهریمن فساد، با پیگیری روشنگری و پایداری این یگانه شاه راه پیروزی را دنبال خواهد کرد و هرگز از آن گام پیرونی نخواهد گذاشت.

وظیفه مبارزان تشویده ای است که این اندیشه را با تمام نیروی خود به میان ما میرسانند و استبداد پیران را از آنها خواهند که رهبران خود را به سوی اتحاد و وحدت عمل همه نیروها به پیش ببرند.

نفل از محله دنیا، سال پنجم، شماره ۵

مبارزه با سانسور

جزئی از مبارزات ملی و دموکراتیک است

به خاطر همین جبهه گیری و نیز موانع اقتصادی خود با ما صاحب امتیازان و کارفرمایان مطبوعات در فتاد قراردادند. رژیم به پای قطب کارفرمایان و حواریان آنها و نیز اعمال فشار اقتصادی متعسف سالهای مدید مطبوعات را به صورت یکی از فصول ترین مراکز و گان های تبلیغ سیاسی و ایدئولوژیک خود در آورد و از فرآیند در به تصمیم مردم و تعریف و تخریب و اقصیات برداشت. اما آج جبهه جنبش خلق و تشدید بحران انقلابی، این ابزارهای تخریب کننده و تبلیغاتی رژیم شاه - ساوا را نیز به کام غرقا بر فرو کشید، تا آنها که دوطبقی شدن جامعه به صورت جبهه دیکتاتور است به امپریالیسم و جبهه ملی و ضد دیکتاتوری، در مطبوعات نیز متعسف کند. زمیختگان مطبوعات با شعار مبارزه با سانسور، شعارهای دموکراتیک جنبش را در پیوسته و جا به جا حمله ای به درون مطبوعات بردند. آنها درناپس شرایط، با تکیه دادن به امواج بسیار نیرومند جنبش انقلابی مردم و با وحدت و یکپارچگی درونی خود موفق شدند دولت را به قبول سوره آزادی مطبوعات وادارند. این پیروزی به قول معدودیت و بیامیشتن، در واقع پیروزی زمیختگان مطبوعات بود و به این لحاظ می توان دید پیروزی نسبی مردم به

با وجودی که امثال اتحاد نیروها در میدان های مبارزه مردم پیروفت های ملی شکست خورده است، در میان بخشی از رهبران گروه ها و بخشی های گوناگون جنبش فدا امپریالیستی و آزادی خواهانه میهن ما درباره امکان زلوروم اجتناب ناپذیر همکاری و وحدت عمل همه نیروهای فداستبداد نظریات و موضع گیری های نادرست وجود دارد. تاثير تبلیغات گمراه کننده و کمونیستی مخالف امپریالیستی از یک سو و موضع گیری سیاسی در چهارچوب منافع گروهی، قشری و طبقاتی برخی از این رهبران از سوی دیگر مانع از این است که اندیشه زلوروم همکاری همه نیروهای فداستبداد در درون کشور - که نیروهای توده ای بخش بسیار مهمی از آن را تشکیل می دهند - با آن سرعتی که گسترش پرشتاب جنبش در ایران می طلبد، پیروفت نماید. برای مبارزان راه استقلال و آزادی کشور ما در داور است که درست در میان لحظاتی که در فضا بات های شهرهای ایران مبارزاتی که زیر پرچم روحانیون مخالف رژیم مبارزه می کنند، دوش به دوش مبارزاتی که زیر پرچم حزب سوده ایران به میدان نبرد گام گذاشته اند، در برابر رگبار مسلسل های مزدوران امپریالیسم و رژیم استبدادی شاه با خون خود باطلت خیالان را را رنگین میکنند و بگمراهی با درونگون با استبداد و پیروزی با آزادی را طنین انداز می یابند، برخی از رهبران روحانی آنها ماتنا بدوایی می یابند، آنها مانی که سالیات در زرادخانه های استعمار و ارتجاعاخته و پرداخت می شوند در سراپا این پراکنده می گردند، درست در همین لحظات ملی پیگیرترین و استوارترین مبارزان راه آزادی و استقلال ملی، به جنبش تشویده ای میهن ما، به پیروان جهان بینی های علمی، به مبارزان راستین راه طبقه کارگر و ادومی سازند با این کار پیروفت به سوی اتحاد و وحدت عمل نیروهای فداستبداد را دشوار می کنند. آیا این رهبران توجه نمی کنند که دشمنان استقلال و آزادی خلق ما در سراپا این تمام نیروی خود را به کار می اندازند تا تمام پراکندگی و شقاق را میان خلق ها و در میان هر خلق، میان گردان های مبارزان را به پیشانیت و نوازش می کنند؟

آیا پیروزی صهیونیسم علیه نیروهای عظیم خلق های عرب جز بر پایه فقدان اتحاد عمل بین دولت های عربی ممکن می شود، همان شقاقی که پراکندگی که همواره از طرف امپریالیسم و مزدورانش که هنوز قدرت حاکمه را در بسیاری از



برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی
مبارزه خود را تشدید کنیم!

توطئه جدید رژیم

تهاجم وحشیانه اوباشان و قداره بنده ان رژیم شاه - ساوا که اجتماع مذهبی مردم در مسجد جامع کرمان و عرب و روح آنان که به شهادت عادل پنج نفر از آزادیخواهان مسلمان، به آتش کشیدن بخشی از مسجد کتابخانه آنوازش زدن تعدادی از نسخ قرآن همراه با شمار های مذهبی و توهین موهن به معتقدات مذهبی مردم منجر گردید و نظیر آن در آمل نیز تکرار شد، با دیگر چهره واقعی رژیم مذهبی - آشتی طلبی و آزادی و قانون اساسی را در انظار مردم عربا و برخی نمایندگان گذاشت. هجوم گراهای وحشی در پناه حمایت مسلسل های رژیم، از توطئه جدیدی غریبی می دهد که به منظور ایجاد تشدید فضای مسیوم دشمنی و کین نوری دشمنی و غیرموجه در میان نیروهای ملی و دموکراتیک وابسته به اقتدار گوناگون اجتماعی تدارک دیده شده است. رژیم شاه که در شرایط گسترش سریع و عمیق جنبش انقلابی مردم پایه های حکومتش را سست کرده می بیند، با بهره گیری از حکم امپریالیسم - شفره بیان داز و حکومت کن! - تلاش می کند با استفاده از همه وسایل و شیوه های فدا نشانی و بهیج گیری از جنگ نظری های نفای افکنانه پاره ای از نیروهای مبارز آشفته باز را برانگیزد و نفای ناشی از پیدادوری ها و سوء تخبرهای تابجا در درون جنبش، به این شقاق و تفرقه دامن زند و گردان های مبارز درون جنبش را به جان هم اندازد و نیروی که آنها را تضمین کند تا بلکه از این راه بر عزم رنگین خودند می یابد. تادمی نیست که پرورش خویشی که گراهای ساوا که به تجمع مسلمانان آزادیخواه در مسجد جامع کرمان و نیز در آمل به دنبال آنها سات تا واداشتن تا دامن اخیر آتاله غمی به حزب توده ایران، به پیگیرترین و انقلابی ترین حزب صیبتگراتیک مدافع منافع زمیختگان، صورت می گیرد. در شرایطی که رژیم فدا طلبی شاه با تمام نیرو و امکاناتش تلاش می کند بین مارکسیست ها و مسلمانان مبارز آزادیخواه تلم شقاق و دشمنی بپاشد، همه نیروهای مبارز باید تمام مسای خود را در جهت بخشی کردن توطئه های نفای افکنانه رژیم به کار اندازند، نه آن که به آنچه که رژیم از روی می کشند تهنیه متعاندن طبیعی خویش در مرحله غلبه گیتی بتازند و حتی در کنار مبارزه آنها علیه رژیم کار رنگین کنند و دست نگه بیاورند. آیا کسی به مبارزات فرعی درون جنبش را بر پیگیری علیه رژیم فدا طلبی و ضد دموکراتیک شاه مقدم می شمارد، خود را در پیگاه مردم و خارج مشغول نمی شناسد؟ ما به پیروی از مانی اتحاد دویانه حزب خود به پشتیبانی و صیبتگراتیک با نیروهای پیشرو و آزادیخواه مسلمان ادامه خواهیم داد و با احساس صیق مسئولیت عظیم تاریخی خویش، علی رغم اشکات و نواقص و دشمنی های بی موردی که از سوی پیروان آزادی و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران نسبت به ما روا داشته می شود، با مبارزه و پیگیری افشاگرانه علیه توطئه های نفای افکنانه رژیم، به تلاش خود برای ایجاد صیبتگراتیک و اتحاد میان همه گردان ها و نیروهای ملی و آزادیخواه، که دامن پیروزی نبرد مقدس انقلابی مردم ما است، ادامه خواهیم داد.

با اعتصاب عمومی سراسری کودکان نظامی شاه را خنثی کنیم!

افتخار بر افسران شهید!

افسران میهن پرست، به خلق پیوندید!

بهت و چراغ را به پیش، زمانی که درنده خوبی رژیم کودتا برای انتقام از نهضت ملی ایران گه حزب توده ایران و سایر سازمان های دموکراتیک وابسته به آن در پیشتاپش آن فرار داشتند، به اوج خود رسیده بودند. در تکمیل جنایت های خود به منافع مردم ایران درمدمواگذاری مجدد منافع ملی شده میهن ما به انصارات سختی بود، برای ایجاد شرایط مناسب، یعنی ایجاد محیط و وضعیت و ارباب، نخستین گروه های افسران توده ای را به پای جبهه های نبرد ایران فرستاد. در فاصله یک ماهه ای از افسران سازمان نظامی توده همراه با شامروا برضی گیوان شیرپاران شدند.

وجود سازمان وسیعی از افسران و درجه داران که حتی به افترااف دشمن از پاک ترین، انسانی ترین و خوش خلق ترین افراد ارتش بودند، امری تصادفی نبود. اکثریت مطلق افسران از لحاظ منشأ اجتماعی به طبقه فوقانی جامعه تعلق نداشتند، آنان از میان توده های مردم برخاسته بودند و برای توده مردم نمی توانست در میان این افسران اینکسپانسیه، محیط ناسالم و غیر انسانی درون ارتش شیرپاران را برای رادوچندان میگرد، بسیار از افسران را روح میهن پرستی و خدمت به مردم به ارتش کشانده بود. ولی رفا شاه و سپس فرزندش محمدرضا شاه می خواستند به جای تقویت روح میهن پرستی شامروان و سلاطین شاه پرستی را به خوردن آنان بدهند، به جای تکمیل پیوند میان ارتش و مردم، ارتش را مافوق توده مردم قرار دهند، از طاعت کسور گورانه را جایگزین انضباط آگاهانه سازند. دزدی و فساد را مزار افسران ارتش می سواد که در روح فزونی منشی دوران گذشته پرورش یافته بودند، روح خاص و پرورش بسیار از افسران جوان تحصیل کرده را هر چه دارمی کرد. افسران توده ای نمونه های درخشان ای سنت های مبارزاتی راد مردانسی نظیر کشتل محمدتی غان پیمان، لاهوتی و سرهنگ پولادین راد برپا داشتند.

اکنون نیز وضع چه در داخل کشور چه در درون ارتش بهتر از آن هنگام نیست، حتی به مراتب بدتر است. جنبه های فمیلی و ضد دموکراتیک استبداد سلطنتی شدید تر شده و عظمت آشکارا فاشیستی به خود گرفته است. مستشاران و کارشناسان و جاسوسان امپریالیستی، که شاه پیش از افسران ایرانی به آنها مطمئنانه دارد، امور ارتش را فاشیستانه کرده اند و بر افسران ایرانی فرمانروایی میکنند. ارتش ایران که به زعم هیئت حاکمه زمانی فقط وظیفه سرکوب جنبش های دموکراتیک داخل کشور را می یافت انجام دهد، اکنون با بدویفه سرکوب ب نهضت های دموکراتیک و فدا میریالیستی کشورهای همواران نیز به عهده گیرد. افسران و سرسازان ایرانی باید در راه منافع کشورهای و انحصارهای امپریالیستی و حفظ رژیم های فزون و سلاطین نظامیان قاپوس در میان جان خود را از دست بدهند. در میان ارتش درمنشأ اجتماعی ارتش ایران نیز تغییر حاصل نشده است، با وجود کوشش های فراوانی که رژیم از راه اعطای امتیازات مالی و مادی فراوان به ارتشیان، تلقین ناسیونالیسم و فاشیسم در میان آنان به کار میبرد، روح میهن پرستی و مردم دوستی و تضاد دموکراتیک در میان بسیاری از ارتشیان کشته شده است. تعداد افسرانی که ازنا بیامانی های موجود نا را می هستند، کم نیست. طبقه های فراوان، نقل و انتقالات بی درستی، ایجاد محیط بی اعتمادی در نتیجه بیف شک های جاسوسی در میان ارتشیان، سرب نیست کردن و تیرباران عده ای از افسران، همگی حاکم بر این واقعیت است.

یک عدد حزب فراگیر گم شده!

از چند هفته پیش " حزب فراگیر روستا غیز " آرمای موری از فضای سیاسی ایران گم شده. گرچه از مدت ها پیش پسر بیماری لاعلاج و مرگ زود رس این موجود طبل آزما بتنگی حتی در مسافرت عکومتی بهت و گفتگو بود اما از چند هفته پیش این دریا در بحرهای خورده به خاموشی سپرده است. در حالی که لازم بود حداقل مرگ این موجود با دکنکی رسا اعلام و جد گرم خورده شود به خاک سپرده می شد اما ابوی غمناک فضای کشور را بیخود کرده اند!

احمد ۲۵ نان سنگک خسرو

افسران ایرانی اکنون نمونه های وسیع تری از فداکاری افسران در راه منافع مردم ایران در پیش چشم دارند. سرهنگ سیامک، سروان خسرو روزبه، سرهنگ میثری، سرهنگ مرتضوی، سرهنگ قاضی، سرهنگ نیو، سرگرد وکیللی، سرگرد رزمی، سروان بهزاد، سروان محقق زاده، سروان مدنی، ستوان مختاری، ستوان پرویز حکمت جو و دهها و دهها افسر میهن پرستی که در مقابل جبهه های آتش جان خود را فدا کردند و با درایت صیله های زندان جوانی و زندگی خود را از دست دادند، راد مردانی هستند که می توانند الهام بخش افسران میهن پرست و متفکر باشند.

اکنون که امواج جنبش انقلابی خلق های ایران را سرکوفرا فرار گرفته است و وسیع ترین افسران جامعه را برای انجام تغییرات بنیادی و سرنگون ساختن رژیم استبداد سلطنتی جانبا زانه پای به عرصه نبرد گذاشته اند، بر افسران میهن پرست ارتش ایران است که با احساس عمیق مسئولیت میهن پرستانه، اوضاع ایران و جهان را بررسی کنند و جای خود را در این نبرد بزرگ و زندگی که بهین مردم ایران از یک سو و رژیم استبدادی شاه و سطره امپریالیست های غارتگر از سوی دیگر، در گیر شده است، مشخص کنند.

تاریخ اکنون وظیفه بزرگی در برابر نیروهای مترقی ارتش قرار داده است. در پیامی که حزب ما به افسران میهن پرست ارتش فرستاده، گفته می شود: " با خاست که پرچم پرافتخار میهن پرستی و آزادی را که پیمان ها، سیامک ها، روزبه ها و حکمت جوها شل به شل دست به دست داده اند برافرازد و با آن به خلق پیوندید "

مبارزه با سانسور...

حساب آید، گرچه آزادی مطبوعات با مبارزهای تنگ نظران بورژوازی اش حتی در قانون اساسی هفتاد سال پیش نیز مورد تاکید قرار گرفته بود و به این جهت قول و قرار دولت به رعایت محدود و ششور این آزادی در نهایت ابریشیدن حتی بود که به او تعلق نداشت، با این وصف مبارزه اصحابی کارگران، کارمندان و نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که منبر به تضمین آزادی مطبوعات توسط دولت (در روی کاغذ) شد و گسترش و گشایش سیاسی - اجتماعی - فضای مطبوعات از چهار دیوار تنگ و امنیتی گذشته، در متن پیروزی های موضوعی دیگری که مردم به دست آورده اند، نمی تواند حالی از اهمیت و تاثیر بسیار باشد. همین روزنه های کوچکی که زحمتکاران مطبوعات به روی مردم و حقیقت گشوده اند، در تشریح تلخی پایه های رژیم که بر پرورج و جمل و تزویر و شمشه گری استوار است، نقش فراوان دارد (به یاد میاریم این کلام نضر لنین را که: " آزادی برای رژیم را دیکتاتوری به مثابه های تازه برای میمیا بیست) و به همین دلیل است که آزادی مطبوعات - که به هر حال یک گام عقب نشینی رژیم استبدادی و در عین حال یک آزادی دست و پاگشته و محسوس مانده در حاکم های بلند حکومت مطلقه و نظام سلطنتی نامعاصرت - نمی تواند برای مدت درازی برکند. دلیل این امر آنست که آزادی - به هر سبب و با هر مصون طبقاتی - تعزیه شدنی و امری مجرد نیست. آزادی مطبوعات تنها در متن یک آزادی ملی می تواند مفهوم واقعی و تضمین یافته پیدا کند. در شرایطی که همه اهرم های دیکتاتوری دست نخورده باقی مانده اند، در شرایطی که مواضع و نهادهای دموکراتیک و فمیلی - نظیر دربار و ساواک و پلیس و ارتش با قدرت نامحدود و ششور فضا کنند، چگونه می توان از مطبوعات واقعا آزاد واز پیرو آزادی سازی در جامعه به طور جدی سخن گفت؟

مطبوعات آزاد در میهن ما، به مثابه سخن گفتن در زیر برق دشمن است. زحمتکاران مطبوعات اگر بخواهند این شمشیر داموکلس را از خود و از آرمان هایشان دور کنند، نباید مبارزه خود را خاتمه یافته بدانند. نبرد بزرگ تازه آغاز شده است. با سانسور یک امر کاملاً سیاسی است. با سانسور امکان طبقه ای شرایط اقتصادی و سیاسی بازدارنده و فقهی است که از یک سو نیروهای تولیدی جامعه را به خفان می کشد و از دیگر سو مبارزات و نظارت ملی را از حیات اجتماعی حذف می کند، تنها پیوند دادن مبارزه در راه لغو سانسور با مبارزات سیاسی و دموکراتیک مردم، می تواند دم آزادی های مطبوعات را گسترش دهد و به وسیله تضاد و آمان باشد. جز این آزادی مطبوعات هر قدر هم نیم بند و کم محتوی باشد، دولت مستعمل خواهد بود....

تقدیم به آن برادر ارتشی که تنگش را بر دیگر سو نشانه گرفت و خود نشانه شد و در کنار دیگر شهیدان بخاک افتاد.

سرود همراهی

ژاله بر سنگ افتاد چون شد
ژاله خون شد
خون چه شد خون چه شد؟
خون جنون شد
ژاله خون کن!
خون جنون کن!
سلطنت زین جنون واژگون کن!
ژاله بر گل نشان، گلپران کن
بر شهیدان، زمین گلستان کن
نام گنماها جاودان کن
تا صبح آید این شام تیره
در شب تیره آشفشان کن

جان خواهر!
گارگر، روستائی، برادر
پیشور ای جوان ای دلاور
ما همه یک صف و در برابر
آن ستاره آن تاج بر سر

دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیروزبر کن

خواهر من گرامی برادر
چون بهر حال تنهاست مادر
من بخاک افتادم تو بگذر
بهر ایجاد دنیای بهتر

دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیروزبر کن

ای شما ای صف بشماران
اشک من در نثار شمایان
بر سر هرگز گاه و میدان
ژاله شد ژاله شد

ژاله چون شد؟
ژاله خون ژاله دریای خون شد
خون جنون خون جنون
سلطنت واژگون
سلطنت واژگون

رشید خلقی
اول مهرماه ۱۳۵۷

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

سال سوم - شماره ۵۳ - پنجشنبه ۴ آبان ۱۳۵۷

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

باماتماس بگیریڭ!

واڙگونی رژیم استبداد سلطنتی واستقرار حکومت ائتلاف ملی

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» «لنین»

انحلال ساواک و محازات عمال حنایتکاران، شرط مقدم حرکت بسوی آزادی است

مردم درهای زندان‌ها را...

[illegible]

ماجرای تجاوز و هتک ناموس از دست
خرمال دلاخواه آموز در کلانتری مهدان ، یکپایه
چهره میروا درصحنه فسادگرایان روسی را دیده
بخت به روی سینما افتاده ، به روشنی تمام
نشان داد ، این ماجمه که به طور دست و پاگشته
بیرنگ در روزنامه های مدعی رها شده از صحنه تانور
منتظر شد ، دست دیگر از عالم جرم زخمی شاه
سریزه ، به مردم می نامی نمود را در برابر
حاکمونی به جای پاسداری امنیت جامعه ، خود
تقریرین مهاجم وطن را منیت است ، بر ملاگرد
ما چرا از این فراموش کردیم همین اردگانی دختر ۱۲
ساله دانش آموز همدان دودخترچه حاصل دیگر در
چراغ نظاهرات همدان توسط گویول ای به مسلح
شاه مستگیر شده به کلانتری منتقل می شوند . در
کلانتری همدان دختر به طرز بی حرمانی ای با دست
مورد تجاوز قرار می گیرند - همین کوچه کوچه کفالت
و به گستاخی را داشتند ، خود را می کشند و فرات
بهران خون اردودفتر محمود را مقابل دیوستان
می رود با پیش و خشم خطاب به ضناگرده های
مهمی می زند : من این همه ظلم را به کی
بگویم ؟ خشم را بر پرده کردند . این پیران خونین
بهمین کوچه و هتاکرایی فریادداشت
مانتی موازن با خشم های انگ آلود منت های
گروه به چایان های ریزدوشتا طرفت خشم و
خشم سرا سر مهدان را می می گیرد . بقیه ماجرا را
هم می دانند : ضله های کشی ، نظاهرات و راه
پنجایی مدعا هزار طرزی خطاب کنی ، خشمی نگویی
از مردم به دفاع در چراغ نظاهرات اضرائی ...
ما همه دلاخواه همین اردگانی تنها گروهی
برای خشم زن به خرم آمده خشم مردم بود ، اما
این حادثه از این نقطه نظر خاص اهمیت است
نظان به دودشتا استیلا برای مقابله بسا
اضراعات و ناراضی و حرکت های مبارزه چایانه
خود های طایفه به ستوه آمده ، ابزوار را می جز
خوش به انگلستریسم ، از هتک و قتل و کرب
مسلحانه وطنی ، تجاوز به ناموس مردم ، و راه

معامله دوکرات مذهبی و روشنفکران مترقی
است. و فیرا است که هر چه پیشروان
با زاری خود احکام نمایند و داشته
قلمی و کار خود را مبارزه با پاهای
زخم ثروتمندان گزینی گزینی دهند. لیکن
پسند آمدن به این موهبتی نیستی و ناپسند
گزشتن این و اهمیت که تا همین امروز
پسند زخم بکارگران به همان طرف باقی
است و کارگران ایران از راه ترن یا قی
قلمی با حلیت آزادندگی و اتحادیه ای م
نگاه داشته اند به اندیشه حتی عدم توجه به
ترن شرط پیروزی ما زیادت با دیکتاتور و بی
استیاری به سرشوت کل جنبش به قولی است.
نقطه اساسی فعل جنبش در مرحله کنونی و پایه
فدوت رژیم به ویژه در همین مسئله است
در پیروزی درباره کارگران و مرموم نگاه
داشتن آنان از حق فداکاران آزادندگی و
اتحادیه ای است. در حالی که دعاهای کارگران
استیاضت گزنده مطالبات و سیاسی خود را
به اید و به جنبش به راه انداختن است.

[illegible]

اکنون مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیسم، برپا شده و طرفین همواره طبقات محکوم و افشار ملی جامعه تا بدان حد اعز گردیده که سازمان صنفی و حتی سیاسی مربوط به افشار ملی و روشنفکران را ایجاد می‌کند. البته علت اصلی تا حدودی برخورد کرده و موجودیت خود را بر رژیم صنفی و دیکتاتوری تحمیل کرده‌اند. البته این موفقیت همی در مبارزه طبقات مستبدانه شاه به شمار می‌رود و چنانکه سازمان اجتماعی و سیاسی افشار ملی،

طبیانه مردم، نیروی زوایا تازای پشیده اند
روزشمیهان با حمایتی درکوبان چشمش
تسلط کارگران و جلوگیری از شکل آدابانه
کارگران در سنجیده های واقعی آنها
دارد. باید با دردم گفتن این نیرو و تأمین
فصلیت سنجیده های واقعی ای کارگران،
تأخیر با ای جنبش و برپا شدن قدرت دشمن را
درم گفت. اما کارگران می دانند که کسی
زوا می تواند سنجیده های واقعی را به آن
نیروی خود دهد. کارگران می دانند که هر
برای تأمین غلات ای مصلی و طبقات خود تنها
می توانند به تنها به نیروی خود تکیه کنند. این
خود کارگران سنجیده با بدور می زور وانه خود
زور راه ای سنجیده ها و اتحادیه آزاد، دور
از جنبش عامورن ساواک و گماشتگان نظامی و
از کارگران، به بیابان برای بهیوشا رست
کارور زندگی به افکار کارگران، فصلیت از اد
سنجیده های واقعی ای کارگران، فصلیت
از روشنی ارتش میلبونی نیز خورایه
در ت نیروی جنبش، مشکل با بهیوشا رست

[illegible]

تکلیف به ما همان آزاده‌ای دایمی و همان شیوه‌ای
عقل و ضمیر و صبر و همتی و باطنی و کوهستانی، ادا
دهد، و این در نهایت به تقابل بین آزادی و یوغ و
خیال خودناتوانی - که دیگر چاره‌ای ناپیدا و سر
ناگزیر است، بگوید مواضع اصلی و کلیدی قدرت
چیزی خود را حفظ کند.

آزادی گروهی آزاده‌اند این سیاسی به مثابه
چندین مردم در پی یک باگو کوهستانی است
شاه، گروهی خود را از نای و شک برانگیخت،
اما ظواهره‌ای فرق در شفاقی و دلبری زندانی
شده‌ی چون پروریز کجمنگ و آیتاله نقلی
و جزئی و فیزیکی و هوشت تیزایی و ده‌ها میسار
مطبی، چریک‌های، رزمنده‌ی ملی و مارکسیست
را که در کشنگاه‌ها و در جراب سیمه‌های
ساز و کلاه به خون شهیدان و مطایبه‌ها به گور
سپرده‌شده، در ذهن‌ها رزنده کرد. این آزادی
هایی به ما یادآور شد که ره‌ای دیگر فرزندان
لطیف‌نیز در گرو می‌باشد مردم است. هنوز ملی
یاوری ضو گنیشتر مرکزی حزب بوده ایران، آلف
آزاده‌ی ما و صمدزاده و نیز آیت‌الله‌های
آیت‌الله منتظری، و هژاز شاع و شریف دیگر
را سارنگند. تا وقتی که این آزادی سیاسی، با
هرسک و عقیده‌ای از زندان‌ها و شاه و ده‌ها
نی گشتن از فضای با سیاسی و آزادی‌های قانون
(حق همین ذات کینه، پرورزی که به گشت بیست
بهال پنهانی) حرف مفتی پیش نیست، و تا وقتی
نیس‌های فشار آزادی نظیر ساواک و مینا و ساک
نظامی و غیره و ده‌ها دارد، مردم می‌باید آزادی
لفظ و معنی از اعداالت تنها ظاهر و خیال
را خود را داشته‌اند. این‌ها طور که آزادی مطبوعات
و لغو سانسور که با همه‌ی بی‌تعمنی و محدودیت
آن، این روزها به عنوان یک موفقت ملی مورد
توجه است، جز در متن آزادی‌های تعیین شده‌ی ملی
و همه‌چیز، بی‌شود و بی‌فرمان است. آزادی
زندان‌ها سیاسی نیز جز با نابودی ابزارها و
سنگاه‌های ضد آزادی و ضد مردم، نمی‌تواند
آزادی واقعی باشد. در کنار زندانی و شکنجه
گاه‌ها و در زیر سایه جلادگونه می‌توان بر سر
آزادی، چنگ زد.

ایران به حق و کامل، مستقل و آگاهانه این
عظیم ترین و انقلابی ترین نیروی اجتماعی و
فرهنگی را در دستگیر دارد.

ماہ و مفہم جنہ ایسا دیکھیں

تمدد و انقباض

سیگار - راہ آہن - ۲۰

بروتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد «لین»

فصلنامه نویسندگان

سال سوم - شماره ۵۵ - شنبه ۱۳ آبان ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

بررسی چند مسأله درون جنبش

باغشاه،

شکجه گاه جدید رژیم

غیرهای رسیده حاکی است که شکجه گاههای رژیم از کمیته و اوین به باغشاه منتقل شده و درنده ترین دژهایان ساواک بر این شکجه گاه جدید گماشته شده اند. در شرایطی که هیا هیو آژانسهای فهای سیاسی کشورها را گرد کرده و با آزادی عدهای از زندانیان سیاسی و افسای پیش از پیش شکجه های غیرنظامی و موشکی که در خدمت ها و بیخوله ها طی تمام سالهای پیاز کودتا ی تنگین ۲۸ مرداد شریف ترین و آزاده ترین فرزندان خلق رومی شد، موجی از زشتی آمیخته به حیرت در دل ها برانگیخته است، ساواک رسا اعلام کرده است که برپیدن بساط شکجه برای اولین بار زمان مقدور نیست. یک مقام عالی رتبه ساواک در مصاحبه با خبرنگار گاه در نهایت بی شرمی اعتراف کرد: "در مواردی که هنوز خوشونت در ساواک وجود دارد، باید بگویم این خوشونت انطوری است... و در جای دیگر این وفات ترابه اعلا درجه خود را نداده و گفت: "اگر ما اقدام به خوشونت نکنیم، در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده ایم." (کجهان، دوفصلنامه بان)

آری ساواک بدون شکجه مفهومی ندارد. وظیفه این سازمان جنبشی که دست پرورده سیاه و سازمان جاسوسی اسرائیل است، از بدو بدویش تا به امروز فقط و فقط رعب و شکجه و چابست و آدم زدن و جاسوسی بوده است. وقتی یک مقام عالی رتبه ساواک به خود این اجازه را می دهد که رسا اعلام کند شکجه را با همان شیوه های رژیمانه قرون وسطایی علیه آزادیخواهان تبار کند، از به راه افتادن دسته های اوباشان چاقو بدست دولتی در کوچه ها و خیابانهای شهرهای مختلف، هجوم به اجتماعات و تظاهرات ملی و آزادیخواهانسه مردم، آتش زدن مغازه ها و تاسیسات و قتلوفارت مردم به صورتی که این روزها به صورت عادی ترین حوادث روز در آمده است، چه جای شکجه سی است؟ توروسم دولتی تازمانی که شاه و دنیا د های اصلی رژیم نظیر دربار، ساواک و دادگاه های نظامی و ارتش تحت فرمان سی هزار استشار نظامی آمریکایی و مجالس فرمانی بر جاست، ادامه خواهد یافت، گریم شکجه گاه از او پس و کمیته به باغشاه منتقل شود. این منطقی وجودی رژیم های است که بر سر نیزه و خونریزی و رعب و وحشت متکی هستند.

می کنند: "تفسیرناپذیرترین پشاهنگ و نیز مبارز ترین طبقه، جز قطره ای از اقیانوس علی نیست. آنگاه که اقیانوس آرام است، پشاهنگ با توان و عظیم می ماند. اما پشاهنگ در همین حال مطیع و رام جنبش نیست، او همان طور که از جنبش می آموزد، به جنبش می آویزد. جزیان، پشاهنگ به که بدنبال روگه لنگ لنگان گام می برد، ارد، تبدیل می شود. پشاهنگ در حالی که از توده ها نیرو می گیرد، نمی تواند مطیع محض آنها باشد.

دروغ به کارگران رزمنده صنایع نفت

خود را استقام می دهند، مبارزات خود را گسترش می دهد، اعتصابات وسیع و گسترده اقتصادی و مطالباتی خود را در برابر حکومت می دهد و تمام وجود و پهلوانی خود را و نیز نیروی و اعتلا و ارتفاع آن فراموش می دهد، به سرعت و در فاصله چند هفته مبارزات مطالباتی و اقتصادی خود را تا سطح اعتصابات سیاسی با خواست های دموکراتیک و ملی فراموش می دهد... اکنون بی رودت در پشاهنگ جنبش عمومی و انقلابی خلق، با پایانی نقیض پشاهنگ خود، به این جنبش باری رسا نداده اند و ارتقاء انقلاب دموکراتیک و ملی را با آخرین مراحل آن تضمین کنند.

کارگران به کارجوی صنایع نفت با آنگاه به سخت در دهان مبارزاتی خود، با بدیگری در پشاهنگ جنبش انقلابی کارگران ایران که مره شرب با گذشت اند. ما به این کارگران رزمنده و پشیمان درود می فرستیم و از همه کارگران ایران دعوت می کنیم که به پشتیبانی فعال از مبارزات رفقای کارگر خود در صنایع نفت برخیزند و با تشکیل رزمده خود در برابر کشور دزدیر بهم ضرب خود ایران، برای تحقق شما راهای دموکراتیک حزب خود در مرحله گشتی جنبش انقلابی میهن، تسلأ ش خود را هماهنگ سازند.

جنبشی را با این همه وسعت و جوش و استعداد فوق العاده برای رشد و شکوفایی ندارد. زلزله های زبرور و کشته انقلاب که پی از یک دوران نسبتاً طولانی استبدادشاهی فاشیستی و کساد اجتماعی به وقوع پیوست، چنان برق آسا و برداشته بود که اکثر سازمان های سیاسی غربت خورده از دیکتاتوری را غافلگیر کرد. انقلاب خونین و با آواز مقصدورات سازمان های سیاسی موجود را ترغیب و با تکیست هر سدلیسی و اعتقادی - سدایی که طی سالها نمدید، هرنوع تظاهراتی و اراده و اشتیاق آزادیخواهان را محسوس نگذاشته بود - شور و امید و جبارت فراپنده ای در توده ها برانگیخت که خود محرک جدید برای شتاب بازم به پیشرویش شد.

اما مسأله ایست که برای سازمان سیاسی طبقه آنچه بیش از گسترش و کمیت حائز اهمیت است، استحکام تشکیلاتی و جوهر و محتوای انقلابی است. تا به تیز و تکرر علمی و تحلیلی حزب به آن مجال می دهد تا پشاهنگش حوادث گام بردارد و با طرح دقیق ترین و عینی ترین مشاها و ملموس ترین شیوه های مبارزه، جنبشی را به مستقیم ترین مسیر، به کترین گمراهی و ضایع، به پیش براند، سد آن را تصحیح کند و در پیش پای چراغ نگذارد. جنبش اعتقادی است که سرچشمه این گفتار رنخ لنین میخود که "در لحظات بحرانی زندگی ملت ما به کرات اتفاق افتاده که حتی گروه های کوچک مترقی بقیه رایه دنبال خود گشته و توده ها را با شور و شوق انقلاب برانگیخته و به پیروزیهای عظیم تاریخی نیز نایل آمده اند.

لنین برای پشاهنگ بودن در امر انقلاب، برای ایفای نقش تاریخی حزب طبقه، نه گسترش هم آن، بل استعداد انقلابی اش را معکوف قرار می دهد. گروه آزاریان بدستور و کتی غافل نیست و اهمیت حیاتی آن را در به پیشبرد منظور انقلاب حتی یک قدم از نظر دور نمی دارد. لنین می گوید: "طبقه کارگر گشته غریزی عمل انقلاب را پس حزب است که باید هدف انقلاب را تعیین کند، یعنی توده ها را رهبری نماید، نه این که صرفاً در ایجاد حوادث بکوشد.

اما چه جزئی قادر به رهبری توده ها است اقدام پشاهنگ سیاسی قادر است توده های میلیونی را که انقلاب آنها را به قلب گرد با داشته می کشاند و از سرمنشی و سواهای رژیم سرشار می یازد، به باری خود انقلاب فرستد و با دست آنها انقلاب را مرحله به مرحله فرزندانه ارتقاء دهد؟

این اشتباه فاحشی است اگر در نظر آوریم که تنها با بهادر کردن شور و عزم و مصیبت مردم و سوق دادن آنها به سوی میدان شیری که دران دشمن سازمان یافته و به خویی تجهیز شده و تعلیم دیده انتظامی است، وظیفه رهبری را در دستی انجام داده ایم (مان کاری که پاره ای گردان های مبارز در مین ها می کنند) چنین وظیفه ای تنها جزیی از رسالت پشاهنگ است، جزیی که اگر با اجزاء لازم دیگر تکمیل نشود جنبش را به استقبال حوادث و خطراتی که برده هتوزا مادی روبرویی با آنها رانده اند.

رابطه پشاهنگ انقلاب با توده ها، درس بزرگی از دیالکتیک شریک مارکسیستی است. لنین تا که

در حالی که انقلاب خونخوار شکجه های بی امانی می تازد، دم به دم خروشان ترو بسی مها برتری شود به برکت تیر و میلیونی توده ها که با شور و جانیاری به باغشاه ای آمیخته است، سنگرها و دژهای رژیم استبدادشاهی، یکی پس از دیگری فرو می ریزد، اما تا هدیروز پاره ای مسائل و رشدهای گرایش های زبان بخشی در درون جنبشی که به نظر می رسد با همه وسعت و چابکی، هنوز در آغاز مرحله اوج گیری است، هضم.

جنبش سراسری میهن ما، علی رغم گسترده گی بی سابقه و نیروی سوارا مضمونی که از آگاهی توده آب می خورد و در هر گام تبدیل به نیروی بادی می شود که مبارزه را قوام می بخشد، فاقد یک استخوان بندی سراسری، متناصب با جسته متحر خویشت است. سازمان سیاسی همان استخوان بندی پیکر جنبش است. مارکسیسم سازمان سیاسی طبقه را نه تنها به خاطر تشکیلی که در آن تضمین می یابد و با تبدیل کمیت به کیفیت، آن را ارتقاء می دهد، بلکه به خاطر علائیت و تحرکی که در ارتباط با نیروهای سازنده و عظیم تاریخ یعنی توده ها و به ویژه توده های کارگر بر می انگیزد، حائز اهمیت می شمارد. لنین که سازمان سیاسی را "واحدل شریک" می خواند، بر آنست که طبقه اتحاد مضمونی خود را به وسیله وحدت مادی سازمان تحکیم می بخشد و بدینسان به نیروی طبقه نا پذیر می بدل می گردد. لنین روی این نقطه نظر پای می فشارد که "طبقه در مبارزه برای به دست گرفتن قدرت حاکمه، ملاح دیگری جز سازمان ندارد. یعنی دیگر به نام لنین ایست که طبقه بدون سازمان سیاسی خود، ارتش خلق سلاح ندای است. نیروی است با نفوذ، اما پراکنده و تجزیه شده.

جنبش انقلابی در شرایطی نظیر میهن ما بدون کارگران و بدون تکیه گاه سازمان سیاسی آنها و ونیقه طبشینی ندارد. کارگران بدون تشکیلات سیاسی که جسم مادی جهان نیستی آنها باشد، یک منبع انرژی عظیم، اما را کد مانده اند. "کارگر ما دام که که منفرد و مجزاست - هیچ است... و تمام نیرو و استعداد خود را برای ترقی و پیشرفت و نیز به آرزو و امیدهای خود را از سازمان و فعالیت مشترک و منظم و ففایش کسب می کند. این وقتی خود را عظیم و نیرومند می کند که قسمتی از پیکر عظیم و نیرومند را تشکیل می دهد. این پیکر برای وی در حکم همه چیز است، ولی فرد مجزا و منفرد دست به آن بسز رکوچک است. (لنین - یک گام به پیش، دو گام به پس).

این یک حکم عام و آموزنده است، قانونی است که تجربه تاریخ بارها محض آن را به اثبات رسانده و منطق آن را بر تئریه کرده است. اما این برداشت از این قانون بندی عام در جامعه ما، بر منشاء پاره ای سو تفاهم ها شده است. عناصری از نیروهای که خود را منتسب به "جبه می دانند - و حتی برخی جبه های واقعی که در اصول جان نیست دارند - بر تالوده این حکم عام مارکسیستی علمی اعلام کرده اند: "جنبش دموکراتیک و ملی در شرایطی که فاقد سازمان سیاسی و طبقاتی است، سرائیم از یک اختلاقی به اختلاقی دیگر عظم خواهد شد.

این بدبینی سیاسی که تنها بر پایه تئیمی از واقعیت استوار است، بیش از آن حد که به ضرر ایران سیاسی از جنبش طبقه مانده اند، از جفا بی روز به دور افتاده است. طرح این شعور "عام و کوشش برای تطبیق آن با شرایط خاص جامعه ما در این دقایق سرنوشت ساز، اگر ناشی از بدبینیتی و سو نظر نباشد، بی شک ضرر کم برداشت مکانیکی و جامد است، چرا که هیچ مددی به جنبش نمی رساند، هیچ باری از دوش آن بر نمی دارد، هیچ رهنمودی در برابر آن نمی گذارد، فقط به تئیه گردن و افسوس خوردن در آستانه داشته عظیمی که این گونه دلسوزی های مسموم کننده را در غیرو و غرض پراز امید الهام عظیمی کند و با پوزخند استهزا و قلمد های آهنگین و پر مزمار از کنار آن می گذرد، بسنده می کند.

این خطا است اگر بپنداریم که جنبش ملی و ضد استبدادی در مین ما فاقد سازمان های سیاسی و مرکزیت رهبری است. از این خطا تر اینست که بگوئیم کارگران ایران از حزب طبقه خود محروم مانده اند. یک جنبش بیایم - صرف نظر از تئیه گوییده آن - خطوط سازمان های موجود سیاسی و پشاهنگش آنها حزب طبقه کارگر ایران را انگار می کند. در حالی که واقعیت خلاف این امر است. واقعیت این است که سازمان های سیاسی، به ویژه حزب طبقه کارگر ایران وجود دارد، اما این سازمان ها ظرفیت فرا گرفتن

با گسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، بر توان جنبش انقلابی بیافزاییم

به مناسبت شصت و یکمین سالگرد

انقلاب اکتبر، بزرگترین حادثه تاریخ انسان

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و پیشوای داهی آن لنین تحقق یافت، نه تنها بزرگترین رویداد سده ما، بلکه بزرگترین حادثه تاریخ انسانی است، زیرا این نخستین انقلابی است که درجه سه سرکشی تفکری عمیق و رادیکال و سرپا به اتحاد در سده کارگروه ها، به رهبری حزب انقلابی طراز نوین پرولتاریا، راه را به سوی جامعه ای فراخ از سنن طبقاتی و ملی گشود، یعنی به استعمار و استعمار انسان و استعمار خلق ها، در یک شش جهان غاص داد و اکثریت محروم را از اضطارت و تحقیر در پی گرفت. اقلیت ممتاز را همی بخشید و به قدرت حاکمه رساند و حقوق انسانی اعطای جامعه را به منصفی همه جانی و عدلی این کلمه به دنیا اعلام، بلکه تضمین کرد.

انقلاب اکتبر به سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس، که تا آن روز تنها یک آموزش انقلابی و یک جنبش اجتماعی بود، جامعه عمل پوشانده و جنبه گیری های مهم شوروی را یکی و انگلس را از انقلاب کمون پارسی دربار، ضرورت استعاره دیکتاتور پرولتاریا را به یمنی دیکتاتور اکثریت و امکانش را به عنوان شرط اساسی انتقال از جامعه طبقاتی به جامعه بدون طبقات، تحقق بخشید.

بررسی چند مسأله درون جنبش

لنین می گوید: "توده ها نیز گاهی در مقابل شور و هابی مرتلیم فرو می روند که به هیچ وجه مترقی نیست. نمونه های از این واپس نگری، از این جلوه ها خواست های گاهی که به هیچ وجه مترقی نیست، در جنبش ربه اصطلاح انقلابی میهن ما نیز که خوشبختانه متاخر زنده، مترقی و ربه آینده بر آن چهره است، بروز کرده است. در حالی که مضمون اساسی جنبش انقلابی مردم ما ضد استبداد، آزادی خواهانه و دما میریالیستی است (درخواست های میلیونها اعتصاب کننده و شماره های نظار کنندگان و بهترین وجه این واقعیت را تصدیق می کنند) تمايلات و باورها یی که در راستای هدف های اصلی و آن جنبش نیستند، اما در مسیر حلال می گوشتند به گمان خود جنبش را تضعیف نمایند، و آن که وصول به آرمان ملی و انقلابی را در پی می کنند، حاصلی به بار نمی آرد. این تمايلات و خواست های غیر اصولی و ذهنی، اغلب از فقرهای مدعوی از مبارزات مذهبی الهام می گیرند که در این سوادت تا انتها رطلی غورابه کل جنبش مترقی مذهبی که با شناخت اصولی هدفهای بی خطه از مبارزه و عهده به اصلی ترین درها و مواضع رژیم به سهم خود انقلاب را پیروز می دانند به پیش می رود، محلی کند و آنگاه با عتا در هم زدن به نیروهای ملی و ربه مبارزان مارکسیست، مکان جنبش را در دست گیرد. این انحصار رطلی که عملا متکثر و عتد جنبش و شرکت همه اقشار و طبقات ملی و دموکرات در آنست، می خواهد انقلابی با این همه جوش و خروش و پنهان را قائل های که به هیچ وجه مارکسیست و یا تنگ تراز آنست که نیازها و ضرورت های اجتماعی و سیاسی ما را در این مرحله از مبارزات خویش و فقر ما تا به مردم تحمل کنند، بجا دهد. اینان فراموش می کنند که دموکری از جنبش عمومی مردم اندوه میهن دلیل ناگزیر ربه همه گند کردن خود با خواست این کل تمهین کننده اند. هرگونه حرکتی مخالف با طبیعت متعوق و فرو رت های این کل، به جز به منزوی و جدا شدن از جنبش انقلابی تبدیل شدن به نیرویی بر فغان نخواهد انجامید. لنین با معارک کردن تجربه تاریخی و انقلابی خود گفت: "پیروزمندترین پنهان آن است که آگاهی طبقاتی، اراده و اشتیاق میلیونها مردم را بین می کنند."

این قاطع ترین پاسخ هم به آنهایی است که میگویند جنبش به خاطر فقدان سازمان های سیاسی، چندان امیدینی ندارد. وهم آنجا که می خواهد مردم آگاهی طبقاتی، اراده و اشتیاق میلیونها مردم به سوده آمده را که با انتظارات و وابستگی های طبقاتی و فشری و گروهی متفاوت به عرصه پیکار بی آن با بدیلت توری پیوسته به امیرالیسم آمده اند، در حمایت و خواست های مشخص خود خلاصه کنند.

در مورد گروه نخست - که به پیش کشیدن خطر اشتیاق ناگزیر بر رگشت نا پذیری حرکت جامعه "مارا درستی در بین حالات جنبش تحت تاثیر به هم خورده خدال نیروها و فقر ما تا به مردم به هم عرصه جهانی درگ نمی کنند و عملا وجود سازمان های سیاسی را در ایران نفی می کنند و یا درازبای های خود به هیچ می رانند، با بدیلت - گسترش و تحکیم هر چه بیشتر سازمان های سیاسی طبقه تا من اشتیاق و پیروزی و شمع و بی و روی جنبش است. در این شکی نیست، اما از واقعیت تا آرزو، درازی است. و واقعیت اینست که سازمان های

انقلاب اکتبر آنچنان نیروی مدهو معنوی عظیمی را از بدن تاریخ ما مبره بر و کشید و وارد عرصه مبارزه ساخت، که دشمنانش هرگز قادر به تصور آن نبوده اند. این نیروها آنچنان پویا، پیکار جو و دراز ساز و مؤثرند که تا کنون با تلاش خلق خود، همه پیش بینی ها و زمینه چینی های دشمنان طبقاتی را با شکست روبه ریاخته و پیش از پیش در حوادث تاریخ معاصر اثرات ژرف خود را باقی می گذارند. این تاثیرات دگرگونی بنیادی سواهای جامعه بشری و پیروزی اندیشه های خابنیست مارکس، انگلس و لنین، در طبایع جهان، به سافوتی فرا برنده ادامه خواهد یافت.

انقلاب اکتبر حرکتی عظیم و بلورهای در مقابل دنیای بورژوازیست، جناح راست احزاب سوسیال دموکرات و ربه ساخت و مودیدهای احزاب طراز نوین کارگری و انقلابی شدن فهای جهان شد.

با پیروزی انقلاب اکتبر در ایران نوینی در تاریخ انسانیست، یعنی دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم آغاز شده است.

از عزا میگویند که حزب توده ایران به مناسبت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر سیاسی از فعالیت گسترده و عظیم توده ها عقب مانده اند. اما این عقب ماندگی - لایق در مورد حزب طبقه - یک عقب ماندگی سازمانی و تشکیلاتی است. به مفهوم دنباله روشن رهبری سیاسی از جنبش خود برانگیخته نیست، یعنی به تشکیلات متناوری و شورهای جنبش - در طبایع سوسیال سازمان های سیاسی طبقه روشن توسعه نیافته است. این عقب ماندگی وضع نفسی ناخوشایند و ربه "سالیهای اخیر میهن ما را تا حد میراث گذشته است. میراثی که در کنار امل متعدد، دو عامل اصلی سرشت آن بوده است:

۱- اضعاف عملی

اطلاعات نیم بند حکومت در عرصه مناسبات ارضی به هجوم سریع و بی وقفه روستا ثبات منجر شد. این هجوم کارخانه ها و کارگاه ها را به اشتیاق کارکنان دیگری فرا گرفت، تا آنجا که میلیون ها دهقان و روستایی دیروز، تبدیل به کارگر شدند. طبقه کارگر ایران به این ترتیب با سایل مزدوران تازه سربا به کار دروستا شدند. بودند و با حوصلت های معافه کارانه دهقانی و روحیه دگرگونی و پسر و باری و تحمل غای خویش را به کارخانه ها سرباست داده بودند، رفیق شد. سالیها وقت لازم بودند تا کارگران جدید در شرایط استعماری و در گور و غار های محیط نوین و در مناسبات کار سربا به، خود تجربه مبارزاتی بیابانند. این سالیهای تبدیل دهقان دیروز به کارگر امروز تحولی رشت و، سال های آفت و سوری جنبش کارگری ایران بود.

۲- عامل ذهنی

در سالیهای پس از کودتای ۲۸ مرداد، بیشترین فشار و هجوم رژیم - علاوه بر حزب توده ایران - متوجه کارخانه ها و حوزه های کارگری بود. رژیم که از جنبش کارگری ایران زخم های عمیقی بر تن داشت، به درستی قلب بر جنبش تحول انقلابی جامعه را در وجود طبقه کارگر متعوق و دوا کارخانه ها ربه عورت دواهای نظامی و پلیسی زد آورد. در این سالیها با انواع تبلیغات افکار رگشیست، به هم شکستن و قلب با هیئت سدیگا ها و اتحادیه های کارگری، با رخت انداز جاسوسان و عوامل ساواک در مراکز کار، با سرکوب و شکنجه هرگونه تظاهرات ناراضی با کلوله باران کردن کارگران اعتصابی، کوشش شد تا طبقه کارگر ایران را به "پارتنری" انقلابی بر نماند بیکه داشت، در پیله "کوت با رها" در گره با همه این تبلیغات، مبارزات طبقه کارگر ایران در طی سالیهای اشتیاق حتی لفظی قطع نشد، اما این همه بورژوازی و خوشنویس و سرگویی جنبش کارگری را از رشد طبیعی و متعاقب با داشت. شرایط افول جنبش انقلابی و ملی و آرامش نسبی طبقه کارگر، در کنار عوامل دیگر (از جمله آلوده شدن شوروی جنبش کارگری و کمونیستی میهن با شیبه شوروی های به ظاهر انقلابی و دریا طن خرده بورژوازی و انحطاط گرا و اشتیاق در جنبش کمونیستی و کارگری) زمینه ای بود که در هوشی مناسبات، حزب طبقه که حیاتان به عبات طبقه وابسته است، توانست از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی آن طور که باید شاخ و برگ بر و یاند و توسعه یابد.

حزب طبقه، با بغیر دوباره جنبش دموکراتیک شروع به احیا کرد، اما انقلابی و دوا رانچه به بسیاری می پنداشتند و فراسیده به قول لنین "باز هم مثل همیشه عمل از شوروی سبقت گرفتند" و این حال حزب طبقه کارگر ایران در سربا بر این رویداد

برق آتا، غافلگیر نشد. همان طور که در اعلامیه هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران (مهر ماه ۱۳۵۷) تصریح شده است:

"کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در زمانی که این رژیم به سطره همه جانبه خود می نازد، سربا به تحلیل علمی وضع جامعه، پیش بینی گردگه بحران اقتصادی و سیاسی این رژیم عمیقی بی سابقه خواهد یافت و در نتیجه مدت یافتن تفا دخلق و رژیم وابسته، متفاد خلق با امیرالیسم و سیاست نوا استعمار اشد در ایران، دوران فروکش جنبش غاصه خواهد پذیرفت و اعتلای مجدد آن به ناگزیر آغاز خواهد شد... سرحوات نشان داد که حزب در تشخیص اوضاع عینی کشور دچار اشتباه نشده بود..."

حزب طبقه خود را قیام اخیر که چون گردباد جامعه ما را در نورید، پیشاپیش حوادث گسارم برداشت و شدارها، ضرورت ها و نیازهای هر لحظه مبارزه توفانی مردم را در شماره ای خود منتشر کرد. مادتی پیش از آن که کودتای "شاه اوپی" در روز جمعه مورخ ۱۷ شهریور به وقوع پیوندد، ناگزیری رژیم درمانده و قنادر به جنبش تهاجم خویشی گوشه زد کردیم (۲۱ شهریور) ما در فردای کودتا که رژیم در نهایت قسارت چنگال هایش را در گوشت و پوست مردم فرو برده و سربا به کارکنان جنبش روستا های از خون میهن رستا و میا رزان ربه راه رداخت، با ارزیابی وضع عینی و ذهنی جامعه ما گردیم راه درهم شکستن کودتا در این دقیق، برود رویی مستقیم نیست، برانگیختن سازمان دادن در اشتیاقی در سربا رشت راست. ما در شماره ۵۱ غویش که به سمت کشور، در مراکز مختلف کارگری و روشنفکری جنبش را از شد اعلام کردیم "کودتای نظامی شاه را با اعضا یات عمومی سربا رشتی کنیم." (شود شماره ۴۴). و رفتی امواج اعتصابات مطالباتی با لاکرفت، از توده های رزمنده دعوت گردیم تا با تبدیل اعتصابات منفی به اعتصابات سیاسی کمر کودتا را بشکنند و رژیم را به زانو در آورند. (شود شماره ۵۱). سربا در اعتصابی از تبدیل تظاهرات مبارزاتی طبقه به شکل جدی از مبارزه که با شرایط اشتیاق پس از کودتای شاه اوپی تطبیق داشت، بود. اوج گیری و سربا رشتی نظیر سربا رشتی که تمام نیروهای مبارز و ناراضی و خشم و عصبانیت اعتراضی توده ها در آن متبلور بود، به سرعت به کودتا راکت، قدرت کودتا را از درون و بیرون ساید و فرسود و راه دوباره برای تظاهرات طبقه عیانی، متینگ ها و نشانیات اعتراضی و افشاگر گشت.

برای آنهایی که گمان می برند جنبش دموکراتیک و ملی مردم، محروم از سازمان های سیاسی و رهبری انقلابی است، آتا ذکر همین نمونه های زنده کافی نیست؟

علاقه و ایمان به جنبش و تبدیل دل به خاطر سرنوشت آن، تظاهراتی و تلاش، شرکت را واقعیت سازمان های سیاسی که رشت آنها را نظیر تشکیلاتی به هیچ وجه بار شد غول آبی جنبش متعاقب نسبی با به بر عکس دعوت و تلاش در راه احیای هر چه سریع تر و وسیع تر رسته ها، شاخه ها و سازمان های حزب طبقه کارگر ایران، آن وظیفه مبارزات و هر کارگر آگاه، رانقلابی رشتن و مارکسیست واقعی در پیش رو دارد. با جهاد کوشش و درخ در این روند، دیگر نیازی به مویه وزاری و دلواری بودن از آینده جنبش نیست.

... اما در باره این فقرهای انحصار رطلی که می خواهد تنها و تنها شما و رشتا یلات و طعنی خود را بر جنبش تحمیل کنند - و نیز آن نیروهای چپ و رزمندگان مارکسیست که از این انحصار رطلی - که انگیزه فقره برانگی و تشتت در صفوف اشتیاق برانفته اند، با بدیلت:

در مجموعه طبقاتی های بزرگ اجتماعی و جزو و مدهای انقلابی، هرگونه تحول از طریق آگاهی طبقاتی، اراده و اشتیاق توده های میلیونی که زیر همیز بحرانی ترین مبارزه طبقاتی میبدار می شود فراوان است. صورت می پذیرد، بیاهنگ سیاسی اگر این تنوع آرمان ها و خواست ها و تمايلات متفاوت طبقاتی و گروهی را در نظر نگیرد و سبب نتواند ببیند، در راه رگ سیاسی خود گام نهاده است. ما سرتانیم که رهبری جنبش و آماج های آن از طریق تحمیل شما را و گرایش های گروهی خاص از طریق ندیده گرفتن تمايلات و ضرورتها در دیگری که با این گرایشها هماهنگ نیستند، تمهین نمی شود. چه این نوع حرکات به خودی خود جنبش را تضعیف و ربه پذیر می کند - بلکه به قول پیشوای بزرگ انقلاب اکتبر:

"پیروزمندترین پنهان آن است که آگاهی طبقاتی و اراده و اشتیاق توده های میلیونی را بین می کنند."

"در لفظات بحرانی زندگی ملت ها به کرات اشتیاق افتاده که حتی گروه های کوچک مترقی بقیه را به دنبال خود کشند، توده ها را را شور و شوق انقلابی برانگیخته و به پیروزی های عظیم تاریخی نیز تایل آمده اند."

سرنوشتی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست میرم جنبش انقلابی مردم ایران است

با کودتای شاه چگونه مقابله کنیم؟

افسارگرفته ای که به دست همایاواک انجام شد. با او که در پرتو پریشانه خورشید هوا می‌غزید و با او تمبیل و او را برانزای وسیع، علاوه بر این فکده می‌روژه، اولی و انقلابی مردمان را از زیر قاع آن که با خاستگاه تا علی ترین و غوری ترین هدف ها، بر قدرت و تفسیر ناپذیر شده به بهر اهره بگردد، صاف و آشوب گروه ها به هم می‌آید و یک تجربه ترابره ای انقلاب در پی می‌آید و آن را تسبیح و ما را جوی و شورش فرق کند، مشهور جدا نباید ا را تسبیح می‌گردد:

چندین بار از تصمیمی که در این
نظاره‌ها تورات و بهای های عظیم در سراسر
کشور که نظم و آراستگی گنجه‌های پر بها شد و
اعتمادات گنجه‌ها سیاسی که سراسر ملت را در
نور دید، بهای انقلاب ایران را با سبب و نوافست
توسعه داده و گوی عقب ماندن ترین اقشار و افراد
مردم و نیز جهان را رساند. رژیم شاه - ساواک
برای مدد گرفتن و قدرشاعت سیاسی چنین مردم
را بدگریمتول به همان شیوه و روشکسته بهیج چاق
داران دولتی و اربابان و فداکار شده این گنگله
های هوار را مقابل به چنین فرستاد. در تلخیص
در گمان کولی ها، در ممدان چاقو کشان و
لصحن ها و زاده های اجتماعی گرا گرا مردم و موران
دولتی که لباس مبدل در برداشتنند، مساجد
و اماکن عمومی را آتش زدند و ویرانه گردانند و
اجتماعات مسالمت آمیز مردم را به خاک و خون
کشیدند. و تجربه این توروسم دولتی را بدست
وسیع تر در شهران پیاده شد. بدست اساسی این تهاجم
روا، اولت گردن چنین میلمونی مردم و پوئانندن
مهاجرات کوفت و میژرتوده ها که به میلمونی های
حاکم از بلوغ سیاسی و ادراک مبارزه جهانیه آن
ها بود. در پرده های قلیظ دودو غبار و بلور و
افشانی ونوعی میمانگری میبهرت و بی هدف است.

۷- دست زدن افروزن چنین و ملحق شدن سرریس
فقرها و گروه های جدید اجتماعی به آن و سرایت
آرمان های آزادخواهانه و فدا میربا لیستی آن،
ارتجاع فلسطینی و ترکا کواچان میربا لیست آن را
سبب و علت دست زده کرده است. و برانگیزی گسترده و
تهاجم و تخریب غیر شهران با توجه به اوج گیری
زبانده انقلاب، به به منظور بستن صنایع مردمگاه
اقتصادی و دیوروازی و سیاسی طرف کردن گروه های
مقاظه کاری است که در پرتو تدریهای انقلاب و
زمینه مساعدات و فداهای رژیم، و ادیکالیز
میلانده و محبوب چنینی می شوند. در ضمن برای
توسعه و مغز و غنی ارتشیان که جدید هوا و بایا
شریف چنین بدرد آن ها نیکسته و میبایا کردن ایمن
آخرین کنیکگاه رژیم برای رودرووی و مقابل به
قام کنندگان صحنه های یکجانبه گشته در جهان
های شهران، زمینه تبلیغاتی مساعدی به نگار
سید.

[illegible][illegible]

شاه آفرین شیرترک را راه کرد. کودتا در کوهستان
دوربین حال که اعتراف صریحی به شکست همه
ادعای دشمنان آفرین و غلبه شیرترک بر دیرباری
گفتار شفاهی سیاسی کشور " است اعلان جنگ
مستقیمی به مردم است به مردمی که به راه پیما
ها و نظایرات میسویزی دیرباری کشور به عزت و رای
داندوزد زیرا بران گلوله و در میان سلیله های
خون، در کارخانه و دانشگاه، دیربارا راه و
معدود ادارات، در مدارس و در قوه ها، راه
عزم خود را داده به مبارزه تا سرنگونی پستانه
تا محو کامل به طاعت فعلی سلطنت تا یکدیگر دهند و
استقامت تا سرسری صفتی و سیاسی توانایی است
آماجی زنی خود را برای قلع کردن ما شین
دولتی به ظهور رسانند. شاه برای کار آوردن
قوت دولت نظامی از عروک های انشور به
کلیسکون شخصی خود، با آثاره و علاقه به مقسم
امیر بایلم آمریکا، جواب جنشی را که در پیش
تیمی به ملت با آن دوران افتخار آریا مهری و سر
سیردی قشمر آیز به امیر بایلم آریا به
سولهای خود فریاد می کشید، به انگلی می خواند
ای دولت، به ملت با دهها میلیون دهان گفت: تو
چشمه و سرخ را می خواهی، با درنگی، بسی
رحمتی ها، کشنده ها، تا راه شروت های ملی، بعد
سیاسی و اقتصاد و فرهنگی، به هر رفتن طلایی صرم
سایه ای تاریخ معا صری شیرترک، توت دروغ و همه
موت و طاعونی، تا توانایی به نهری از استقلال صرم
توت و طاعون باشد و نه گسترش امید به بازگشت
آزادی و شکوفایی ملی. ما ترانیه خواهم، تو
دشمن ما، به شالای خواهم، تو یکدیگر سال
کننده شاداب ترین شقایق های ما، قاتل بی رحم
شیرترک و آریا و دیرباری، ترین فرزندان ما می.
شاه با آن دعا تا ملی به دولت ترانیه و میر
فتیبه ای خود با شگفت. او گفت: "من خواهم نه
شاه خواهم، نه بخوابم."

چه با سحر، چه با سیاست، چه با علم و چه با آگاهی، در این پانچ سده، نهادهای آموزشی وجود دارد که اگر به از نظر تاریخی تازه نیست و تکرار است، اما از لحاظ سیاسی، در این لحظه از مبارزات وجود گیرنده انقلابی مردم مهم ما، با حاکمیت و توجه به سیاست، شاه در روشی که برای تحمیل رژیم خود انتخاب می کند، روشی را باید انتخاب می که آن این رژیم فعلی و هدف و سیاست و روش و نه به مبارزات نشان می دهد. و با انتخاب گولوسه و سربزه و مابقی خود را نشان دهنده سیاستی ماندگار و انشودمی مردم، اینجا روش مردم در هدوین میزبان علاقه و احترامش را به قانون که در ماه های اخیر آن همه دور فریاد از آن می باشد، برای عقب انداختن ترس قهرهای اجتماعی روشن ساخت. و آن شان دادند نظروای مردم - سیاسی اکثریت قاطع نزدیکی به اتفاق آنها را - آنجا که به منافع واقعی و بنیادی رژیم اوردها دادند، و خود را زینت می یابند و غدار و جگونی می یابند و بدون کمترین تأخیر و تردید علیه آن قیام می کنند.

من شد. نقشه از پیش طرح شده روی کار آوردن یک دلت نظامی - که ما بارها در چندماه گذشته قریب الوقوع بودن آن هشدار دادیم - بداسیس چینی و سوازی به مرحله اجرا آمد. زوشینی گذشته - کسی از ظریف گذشته - دانشگاه تهران توسط آقای دولتی که امنیت حرم دانشگاه ها را تضمین کرده بود به طور غیرمنتظره ای گلوله باران شد. به خون پیونده ها داشت آموز دانشجو در جریان این بیورش و شبانه، موجی از شتم و عصیان برانگیخت و به دنبال آن ظواهرات مرغوش دانشگاه در حالی که با عیوض بوده های مردم گره خورده بود، به گیاهان هاشکیده شد. از سر روز شنبه دانشگاه یکشنبه چاقی داران را در امور شان ساوکی درمیان نظر داشت. شمایست از مریض و معکوم کننده مردم در شمارهای سوزان خوشا و ورا بگویند مردم امپریالیست آن را آماج قهرمانی داد، حسی به ماساژ و آتش زدن نقاط مختلف شهر، حتی طلب های باره ای از پزشکان، مغازه ها و اتومبیل های مردم را از گردنشان سبهرهای گاهی شوم و عکومنت نظامی به صورت شمشادگرو کلبه شوق، به این آتش دان زدند. ساوگ در این طوفان شبه گارانه شینجیال به صابم به کرد:

۱- ختم و نقرت عمومی علیه رژیم و جنگ ها
۲- استعمار گرو و استعمار گران امپریالیستی و استفاده از این استعمار طلبی
۳- مبارزه برای گسترش فراگیر و آتش سوزی عمده در سطح شهر
۴- سابقه حمله به بعضی سینما ها و باغ ها توسط گروه ها و عاصی نظر کنندگان ، به مثابه پوشش برای کلیه و برانگیزی های عمدی و ناشرین

دریس پرده
 کودتای شاه-آمریکا

گودای "شاه - آمریکا" حاضر و مفیدها به یک کام با لبریتها امریکایی شد در تهران و تجویز مستقیم کاخ سفید او شگفتان شده است. به این ترتیب - تصادفی نبود که بلافاصله پس از انجام کودتا و روی کار آمدن دولت ژنرال ها، وزارت خارجة آمریکا مقامات امریکایی عبرت نگیزی - علی رغم همه اصول و مقررات بین المللی که دخالت هرگز برای کشورها و داخلی دیگر کشورها منع می کند - بدون هیچ پیرایه ای اعلام کرد که دولت آمریکا از دولت جدید نظامی ایران پشتیبانی - و حمایت می کند.

ایران پشتیبانی و حمایت می‌کند. در طرح جزئیات پرتود کوه‌های انگشت د چهارم مشخصی سیاسی به چشم می‌خورد. یکی از این بهره‌ها هوشتنگ بوده‌اند است که در تمامی مراحل طراحی و دفاعی اجرای آن - حتی وسطی نظمی که - پس از آن کوه‌ها از پرتو رادیو و تلویزیون خواهد شد - خود مستقیم داشت. و دومین جلاقت دکتر علی‌مینی (دلال سیاسی معروف) بود که جلاقت از پرتو اشعه‌ها و اشعه‌های سرتی ان در پهنه‌هاست به طول انجامید. خواهد که در دست‌ان‌شان است دهکده دفاعی دولت نظمی فراهم آوردن آن چنان شرایط سیاسی عدی است که دکتر امینی بتواند نگاه‌های خود را تشکیل دهد. بنا بر این دولت نظمی از ازاری - ظلمی - دولت ضمیمه آمریکا می‌آیند خواهد بود که به حال خود می‌خواهد حتی در زمینه‌های ملی که در این کابینه‌ها می‌زند، سیاسی واقعی آن را به‌وشاند. اما حوادث نشان خواهد داد که چنین پیتی قبلی به دربار به سر وشت مضمون حکومت‌ها بر پرتو دهکده‌ها می‌آیند جامع و جز ورمه‌های سیاسی اجتماع نا پذیر اغریه طوری در دست است. ما در گذشته با رها تاکید کردیم که حتی آزادی‌های نیم‌بند در رژیم پرتو شاه که پهنه‌های قدیم و مکرانک آن نظیر بار واک و ارتش و دهکده‌ها می‌نظامی و دربار و غیره نیست نفع‌ده به با می‌ماند است. نیست و با طبیعت چنین نظام گرم خورده از دور و ضربت خورده از بیرون با زاری بی‌تدرت. یاد کرد است پرتو شاه آخرین شش‌اوساری باقی استبدادی است. اگر سر نیزه از ازاری که با زوی امیر با لیم آمریکا آن را به حرکت در آورده است کاری از پیش نبرد - که نمی‌برد - است که جز با لیدان تاریخ که منتظر سرگونی سریع او و سلطنت قرون وسطی است، می‌باید می‌گذا می‌ندارد.

تظاهرات خونین شهرها با صدها شهید و مجروح

دولت نظامی با جنابات و غونیزی های تازه
می گویند تا بهیروزه ای از آن رئیس کشیده شده و
میکم کند. هنوز چند روزی از تشکیل دولت نرزاله
نگذشته که چو یی های خون در کوچه و خیابان شهر
متنفر و راه افتاده، اما استوریتیل که بر
رادابو و غونیزوین که استوریتیل روزنامه
می خواند است غونیزی های جدید و مسخره
هستی را بدید مردم در گوشه و کنار کشور
نفسی و عکاسی و سبکی بدید.

[illegible]

همین گزارش ها تعداد دهیهای نظامی و نظامیان را
 ۲ نفر، مردم قمار را ۴ نفر، مردم زنیان را
 ۲ نفر، مردم همدان را ۲۰ نفر ذکر کرده است.
 بلافاصله پس از اعلام تشکیل دولت نظامی مدعیان
 وافر از مردم آمل به عنوان اعراضی به تجاویز
 جدیدانه به حقوق مردم به خیابانها راهبندستند و
 به نظام را با تکیه زدند. دردمارهای پراز
 شسته و طغیان عصبانیت برپا نمودند.

مستم وفتیان خوبیست برپای ز دند:
تا شاه گفت: فتودن! ای وطن، وطن نشود"
رومدان دین بیست از ده هزار نظامی کشته شد اما
خیابانها و محلات شهر را غریب نظامی ها و سواران
و افشار گردولر از دند. مردم دلیر همدان بر روی
پلگاه های که با وجود حمل می کردند، پیغام عبرت
انگیز و زنده ای را نشان داده بودند:
ما از حکومت غوثیه می که امروز با جوبوب به
نظامات می کشد و فردا با مسلسل ...

باگسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، برتوان جنبش انقلابی بیافزایم

قتل عام در شهرها وارد مرحله تازه ای شده است

۱۲ شهید در گسارجان

گزارش های رسیده از گسارجان ، از پسرده دیگری از نمایندگان شوم و غوغین شاه در این شهر حکایت می کند . اجتماع گروهی از کارگران - که اکثر آنها کارگران نفتگیر بودند - در مسجد گسارجان باران نامنظره دژخیان حکومتی روپرو شد . این تهاجم بربرستانه به قیمت زندگي ۱۲ کارگر شریف و زحمتکش و جراحت و غم دهها تن از اهالی تمام شد . مردم جنازه برخی از شهدا را به دو تن گرفتند و در طین شهرهای مذهبی و آدابخواهانه در خیابانها و کوچه ها به تظاهرات پرداختند .

۵ شهید در اهواز و مهاباد

در تظاهرات پرمایه روز عید قربان در شهرهای اهواز و مهاباد نیز شهید شدند . یکی از شهدای مهاباد زنی به نام " آمنه " است . تظاهرات مردم در مسجد " عباسی " مهاباد شروع شد ، اما ماموران با گاز زانگ آتور و گلوله به تظاهرات کنندگان پاسخ گفتند . در تظاهرات خیابانی اهواز یک کودک و دو مرد به خون شهید شدند .

۱۰ شهید در زنجان

گزارش هایی که در چند روز اخیر به دست ما رسیده از اوج گیری وقته ناپذیر نبرد خلق های سلحشور ایران با رژیم کجراهی مصلحت طلب میگوید علی رغم هجوم برتری و مسلح و تانک به مردم زنجان آزادی و عدالت ، امتناع کرده تیر می شود . تظاهرات خیابانی اوج و غوغی می گیرد ، زود خورد مردم دلیر با گشتگان و سلاح ها در زمین از بیخونه شور و طغیان غم آمیز بیشتری سر خوردار می گردد .

در تظاهرات طغیان آمیز مردم در شهر زنجان که بیش از ۱۰ شهید برجای نهاد ، تظاهرات کنندگان برای مقابله با زهرپوشها و تیربرهای نظامی ، با آنها را با تخته درخت های گی که بریده بودند ، قطع کردند . آنها در سطح کوچه ها و خیابانها به جنگ و گریز با تفتنگاران شاه پرداختند و در حالی که باخ گلوله را با سنگ و کل و جواب تانک را با چوب دستی می دادند ، صحنه های خیابانی و تکان دهنده بی شماری وجود داشتند . آزاد خیوان زنجان با حمله بی باکانه ای صحنه شاه ، این تظاهرات بت نکبت و خود فروختگی را از میدان شهر به زیر آوردند .

۶ شهید در قزوین

گزارش های دیگر که در دست ما است از به خاک ریختن خون های عزیز بی شمار در گوشه و کنار همین زخم دیده مایه می گویند . در قزوین با هجوم بربرستانه تانک ها و زرهی ها و مسلسل داران رژیم در فردای روز کشتن نظامی عنبر کشته شدند . دهها نفر از پس این قتل عام وحشیانه دستگیر شدند . گمهای زنجیری حکومت با بی پروایی حیرت انگیزی در خانه های بی ریزند و آزاد خیوان را با زرادشت می کنند ، با وجود همه سمیت و دردندگی ، جوانان در گروه های کوچک در کوچه های کوچه های شهر تظاهرات می کنند و شمار بی حد .

۴ شهید در همدان

اخبار رسیده از همدان حاکی است که عده زیادی در شهر دستگیر شده اند . رژیم که در دو مین روز روی کار آمدن دولت نظامی دست به کشتار و خنثیانه ای در همدان زده و طی آن ۲ نفر را کشته و ۲۷ نفر را جرح کرده بود ، برای ایجاد رعب و وحشت تعداد زیادی از مبارزان ، روحانیون و بازاریان را دستگیر کرده است .

در شهرهای مجروح دیگر

از تن ستر شهر سلحشور تهران ، شیراز ، قم و دهها شهید بخون می چکد . آمار شهدای قم در روزهای اخیر از ۱۰ تن افزون تراست . رقم شهدای شیراز تاکنون ۲۲ نفر گزارش شده است . در تهران ۶ نفر در چند روز اخیر در مصاف با قراولان

دولت ژنرال هازیر نظر مستقیم شاه و اربابان آمریکایی اش در هفته ای که گذشت میهن را در خون و بارت غرق کرد . همان طور که ما تاکید کرده بودیم ، تشکیل دولت نظامی آخرین تیورژن شاه است و به همین دلیل با قتل کردن این دولت خنثی خفگی به تمامی نیرو و ابتکار و جانفشانی جنبش انقلابی کشور ما احتیاج دارد و مواص و دشواری های فراوان در این مبارزه نهایی ، بدیهی ترین واقعیت است . رژیم شاه برای آن که جنابا شو ترکتاری های ردیالنه خود را در پهنه مظلوم ایران در پرده بیوشاندرابط تلفنی بسیاری از شهرها را قطع کرده و ارتباط تلفنی شهرهای مهم را نیز با دشواری همراه ساخته است . و با این ارتباط جمعی نظیر اادیو و تلویزیون و روزنامه ها را با زبر میهن نظامیان کشته و با به اعتصاب و تعطیل واداشت است . حتی ورود تفریبات عاری زبان با قطع شده و با با اشکال بسیار صورت می گیرد . در چنین شرایطی خبرهایی که از شهرهای مختلف به ما رسیده حاکی از هجوم آسار کشته مغرضیه های شاه به مردم زنجان و سی سلاح و راه انداختن جوی ها و تیرهای خون در نقاط مختلف مملکت - حتی در وستاها - و به راه افتادن موج وسیع دستگیری هاست . بنا بر یک آمار تقریبی تعداد شهدای روزهای اخیر در سراسر کشور به هزار نفر نزدیک است . به این رقم موهن هزاران مجروح و با زدن شده را نیز باید اضافه کرد . به نظر می رسد رژیم سردری جنون و جنایت به آخرین مرزهای هستی نکبت با رخسود نزدیک می گردد و در زیر ضربات گسترده ترین جنبش انقلابی خلق که از خون هر شهید تازه شعله و شروبا هر صوم و شبخون جدید مصمم ترو نیرومند ترمی شود ، از هم می پاشد .

۲۶ شهید در خرمشهر

خبرنگاران توده از خرمشهر گزارش می دهند . در تظاهرات وسیع این شهر در روز بیستم آبان ماه - روز عید قربان - ۲۶ نفر کشته و دهها نفر به شدت مجروح شدند . دژخیان شاه از با عدا و روز جاده ها تیر برها و زهرپوشها ، مسا دو میا دین شهر را محاصره کردند و از اجتماع مردم در مسا جلوی گری نمودند . با غوغی و هجوم پلیس ، تظاهرات مردم چون شعله های آتش از گوشه و کنار شهر برداشت و رگبار مسلسل ها این تظاهرات گسترده را به خاک و خون کشید . در همان ساعات اول مبارزه خیابانی مردم ، خیابانها و اماکن در میان شعله های دود و آتش غرق شد و با خون ۲۱ شهید لاله های آزادی در روی اسفالت خیابانها شکفت . تا فردای آن روز ۵ تن از مجروحین حادثه در بیمارستان ها از جمله بیمارستان رضا پهلوی در گذشتند .

۲۴ شهید در لاهیجان

گزارش خبرنگاران ما از لاهیجان حاکی است که در تظاهرات و زد و خورد های غوغین این شهر کوچک شمالی ۲۴ تن از آزاد خیوانان جان خود را از دست دادند . تعداد مجروحین حادثه بیش از ۵۰ نفر است . مردم در این نبرد می تناسب با شت های گره کرده به مسلسل ها و تفتنگ های خود را حمله کردند و با شمرهای سوزان خود که عشق و شور و آزادی در آنها نه می کشید ، رژیم جنایتگرا نه و عامی میمان امپریالیست را محکوم کردند .

به دنبال این جنایتگان دهنده شهید لاهیجان در سکوت و عداوری فرو رفت و مردم به نشان اعتراض و خشم و نفرت خود نسبت به رژیم آدمکشان شما می مبارزه ها را تا مختل کردند .

۱۰ شهید در ۵ شهر

گزارش خبرنگاران ما از ۵ شهر ، بابل ، ساری ، شاهی و بیشتر آمار شهدای آزادی را در این شهرها بیش از ۱۰۰ نفر اعلام کرده است . غوغین ترین زد و خورد در آمل و بیشتر روزی داد . در بیشتر مردم در میان باران گلوله و پرده های دوشمارهای خود را به توحه آمیخته میزدند و فریادی زدند : هرا ، عزایت امروز - شاه که کشتن ، مفلوب است امروز .

روز عید قربان گروهی از مردم بابل برای شرکت در مراسم یادبود شهدای آمل ، با شمار غوغی به سوی این شهر به راه افتادند . نزدیک به ۱۰۰۰ نفر طغیان کرده علیه استبداد و مصلحت مزدوران مسلح روپرو شدند و زیر باران گلوله آنها ۷ شهید و عده زیادی مجروح برجای نهادند . همان روز در طی چند برخورد پراکنده عده دیگری در آمل به شهیدان رسیدند . تلفات در اطراف کلاشتری که مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفته بود ، بیشتر بود .

تعطیل عمومی در شهرها

در حالی که نیترا امتحانی با شرکت دهها هزار کارگر ، دهها هزار دانشجو و استاد دانشگاه و آموزگار ، دهها هزار کسبه و روشنفکر و روزنامه نگار و نویسند و قاضی و وکیل دادگستری ، از مبهم تا یک مشت گره کرده و احداث است که بر دیوار های استبداد تنگی به امپریالیسم می گوید ، در حالی که نبرد تظاهراتی در شهرهای مختلف دهها شهید و دهها مجروح و غوغین غوغین شمارهای سرخ و لاله گون برجای نهاده است ، تعدادی از شهرها به نشانه اعتراض به کشتار نظامیان و دژخیان شاه ، به قدم ادامه مبارزه در همه اشکال و شیوه های خلقی خود ، به عنوان سوگواری شهدا ، به صورت تعطیل عمومی در آمده اند .

گزارش خبرنگاران توده از شهرهای گونه گونه نشان می دهد که تعطیل عمومی مبارزه ها ، بازارها ، اکثر ادارات و مدارس و موسسات به صورت یکی از مؤثرترین حرب های جنبش انقلابی در آمده و عملا در قطع کردن دولت نظامی و رژیم شبه فاشیستی نقش مؤثری ایفا می کند . شهرهای اصفهان ، قم ، زنجان ، بهشهر ، لاهیجان ، همدان ، تبریز و یزد ، یکپارچه تعطیل شده اند . بازار تهران و اکثر شهرهای کشور نیز در حالت تعطیل کامل فرو رفته اند . مردم دلیبر میهن با حتی با سکوت و خاموشی خود به ستیز انقلابی ادامه می دهند . فرمان حمله عمومی در همه عرصه های اجتماعی صادر شده است .

اطلاعیه

از طرف دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
پیرو انتشار مایه بزرگ علوی با ناما بنده روزنامه رستاخیز که در شماره ۲۴ آبان ۱۳۵۷ آن روزنامه درج شد ، سوالی درباره ارتباط وی با حزب توده ایران مطرح گردید . دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین وسیله اعلام می دارد که بزرگ علوی به علت موضع گیری های جدا از خط مشی حزب توده ایران از تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۵۶ از عضویت حزب توده ایران برکنار شده است .

تخل از روزنامه مردم شماره ۴۱۷ با نامه ۱۳۵۷

پیام به هواداران حزب

حزب توده ایران ار همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند : بکشند هر چه بر سر اساس رستم های سارمائی حزب گروه اصلاحی بوده ای و وجود آورد و جهت تحقق شعار های حزب به تحلیلی ، سروحی و سازماندهی سیرا در دوردور و اولس مرمت باحر ب ساس بگریزد .

برای رفواری ساس مستقیم ، با ندیکی ار رفقای مردم دمودا طغیان شما را روزی ار طریق یک تلفن عمومی به شماره های ۷۹۰۰۲۱۴ و ۷۹۰۰۲۱۴ در پارس تلفن کنید و آقا یابیر Bayer را بخوانید .

اگر دوسان شمار تلفنی را که آرا میخوانید با مرکز حزب تماس بگیری به شما خواهد داد . نه در تلفن اول و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را بگوئید . خود را با نام مستعار معرفی کنید و به راهنمایی های که به شما خواهند داد دقیقاً توجه کنید .

به دست آوردن ، تکثیر و پخش هر چه وسیع تر نشریات حزبی ، از جمله هفته نامه توده و بردن شمارهای حزب به میان توده ها ، به ویژه کارگران ، از مهمترین وظایف هسته ها و گروه های توده ای است . ما دارا خلق حرکت می کنیم . هدف ما به حق است . راه ما درست است . ما را راجام پیروز خواهیم شد .

۱۹۱۷ ستاره ۱۵۶

استبداد به خون تپیده اند . در علی آباد کارگان ۳ نفر در تظاهرات آزاد خیوانانه به خاک افتادند ... از اینها و آنجا ... از همه جا ، مردم با سینه های عربان و شت های گره کرده ، به تانک ها و مسلسل ها هجوم می برند . انقلاب تندهای غوغی را بر تن استبداد حاکمیت پیسته و او را به شت و نظم پوسیده ها خاک بر میهن می گوید . انقلاب در میان خون و تانک و از اعماق مرگ و خطر راه خود را می گشاید .

سرنگونی استبداد سلطنتی ، استقرا جردمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست میرم جنبش انقلابی مردم ایران است

اخطار بر ژرف درباره ایران وتوطئه‌های پشت پرده در آمریکا

برخورد به منافع امنیتی خودخواهانه مردم ایران با اخطار شدید به لحن برژنف در آمریکا
مستعدان غربی آن، روزنامه پراودا پرده از گوشه‌ای از دسیسه‌هایی که بر علیه جنبش انقلابی مردم ایران چیده شده است، برداشت پراودا نوشت:

در محافل سیاسی واشنگتن گفته می‌شود که ایالات متحده آمریکا بر کمترین نقشه‌های سیاسی برای مداخله نظامی در ایران است. در اجرای این نقشه‌ها به تانگو (وزارت دفاع آمریکا) و سیا (سازمان مرکزی جاسوسی ایالات متحده آمریکا) نقش عمده‌ای برعهده دارند. کارشناسان نظامی آمریکا و عملیات در جریان امور مربوط به این نقشه‌ها بسیار فعال شده‌اند.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست در آستانه استعفای کابینه آما می‌دو هواپیمای حامل عملیات سازمان جاسوسی "سیا" به ایران وارد شدند و قرار است که فرمانده آمریکایی کل نیروهای متعصبه پیمان نظامی تاجورگار "تاجو" از ایران دیدن کند.

همین روزنامه می‌نویسد: در کجای سیدکمیته ویژه‌ای زیر نظر رئیس‌جمهوری برای بررسی اوضاع ایران و در وزارت خارجه آمریکا گروه کارروشنه‌ها عامله درباره ایران تشکیل شده است.

به گفته مطبوعات آمریکا فرب در هرا ر آمریکا که به بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها به نحوی از انحاء با نیروهای مسلح مربوطه در ایران سکونت دارند.

در دوران اخیر گروه‌های هرچه تازه‌تری از مستشاران نظامی کارمندان سیاسی آمریکا وارد ایران شده‌اند. یکی از شخصیات با بلندپایه ایران به نام سیامک زندگه اخبار از انگلستان تقاضای پناهندگی سیاسی کرده ضمن مباحثه‌ای با خبرنگار تلویزیونی "بی بی سی" آمریکا گفته است: "ایران برای مداخله نظامی در ایران آماده است که اگر اوضاع در ایران از کنترل خارج شود آن را عملی خواهد داشت."

افسان ایرانی که برای این هدف برگزیده شده اند در ایالات متحده آمریکا آموزش ویژه‌ای دیده‌اند، باید در اجرای این نقشه شرکت جویند.

در چنین شرایطی است که اخطار برژنف به آمریکا بلیست‌ها در مورد هرگونه مداخله آنها در حوادث ایران اهمیت خاصی می‌کشد می‌کند به مردم با خاسته ایران نشان می‌دهد که در میزبان خود علیه ارتجاع و امپریالیسم و برای تحقق خواسته‌های ملی و دموکراتیک آنها نیستند.

اخطار شدید لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدراعظم شوروی هالی اتحاد شوروی به غرب امپریالیستی و به ویژه آمریکا در باره مداخلت در ایران، در جهان بازتاب وسیعی یافت. این اخطار به ویژه از این نقطه نظر برای مردم میهن ما حائز اهمیت و حساسیت فوق‌العاده است که ضمن تأیید حقانیت جنبش دموکراتیک و ملی ایران، از توطئه‌هایی که برای غریب زدن به آن و حفظ رژیم استبداد سلطنتی توسط امپریالیسم تدارک دیده می‌شود، و بر ملا کشیده دسیسه‌ها یا بدخواه‌ها علیه جنبش انقلابی مردم ایران نیست، بلکه یک پشتیبانی مستقیم از این جنبش و اعلام آمادگی برای مقابله با این دسیسه‌ها می‌باشد.

وقتی خبرنگار روزنامه پراودا، ارگسان حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی از لئونید برژنف پرسید: "اخبار مربوط به مداخله دول غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا در روند اوضاع ایران و نیز امکان مداخله نظامی در آن کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟" دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی جواب داد:

سواقتاً چنین اخبار و نشانه‌هایی درباره امکان مداخله نظامی از جانب برخی از دولت‌ها به چشم می‌خورد. این نکته نمی‌تواند ما به تکرار نشاند که مقام‌های رسمی دولت‌هایی که از آنها نام برده می‌شود، در واقع برای غرض‌های تاکتیکی نمی‌کنند. حتی وقتی آنها تلاش برای مداخله در امور داخلی ایران را نمی‌کنند - همان طوری که اخیراً رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا کرده است - در همان حال فوراً اقدامات دیگری می‌کنند که امکان چنین مداخله‌ای را به ما به نحوی نشان می‌دهند.

اتحاد شوروی که با ایران مناسبات حسن همجواری مرسوم دارد با طبیعت تمام اعلام می‌دارد که مخالف هرگونه مداخله خارجی به هر شکل و به هر عنوان در امور داخلی ایران است، صرف نظر از هر بهانه‌ای که برای آن تراشیده شود. رویدادهای این کشور و اوضاع داخلی را در مواصلات مربوط به باید توسط خود ایران حل و فصل گردد. در این مورد همه دولت‌ها باید از اصول تصریح شده در منشور سازمان ملل متحد و بنادیکرین الملی که دارای اعتبار اساسی است پیروی کند و باید با حق حاکمیت و استقلال ایران و مردم این کشور را محترم شمارند. این نکته بسیار بدوش با دشمنان اتحاد شوروی هر گونه مداخله، علی‌الخصوص مداخله نظامی در امور ایران را که با اتحاد شوروی متفق‌ها هم مرزاست

مبارزه برای جلب ارتش

رژیم متزلزل شاه که در برابر جنبش انقلابی خلق همه تکیه گاه‌های خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد، می‌کوشد تا آخرین و صحت‌ترین تکیه گاه خود یعنی ارتش را به هر قیمت که شده حفظ کند. رژیم که از تزلزلات و ناآرامی‌های اخیر در صفوف ارتش به وحشت افتاده، برای برگردن شکاف درون نیروهای مسلح که روز به روز عمیق‌تر می‌شود از وسایل مختلف از ته‌دست و ارباب و اعدام تا تانک و ترمینال استفاده می‌کند. با یک دست فرمان و درجه داران و سربازان شرافتمند و میهن‌پرست را که حاضر به پذیرش اوامر مجانب‌گرایانه رژیم و کشتار سربازان خودخواه می‌باروزد ازادبخواه خود نیستند زندان می‌افکنند و به جوع و اعدام می‌سپارد و از سوی دیگر با افزودن حداقل هزار تن به صفوف افراد ارتش (که از هفته گذشته طبق فرمان‌های ارتش از آنها ازال شده و می‌کند) تحویل آذوقه رایگان به آنها را ازال شده و سربازان برتر و به‌ویژه از تانک‌ها را باقی می‌گذارد و از یک سو سربازان مسلح را برای کشتار مردم به خیابان‌ها می‌فرستد و در ازای آن به آن‌ها هالیاس و غذای خوب می‌سپارد و از سوی دیگر سربازان و افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح به‌شدت می‌کند می‌فرستد که اعلامیه‌ها و کمری و شخصی خود را با وجودی که جواز دارند، درنگ تحویل ده‌ها تانک و تانک‌های اعلاء، غارت‌ها و آنها را به‌خود می‌دارند و از آنها علیه رژیم و به حمایت از مردم استفاده می‌کنند.

همینا که جنبش انقلابی آوج می‌گیرد، تردید و دودلی در ارتش روبه‌افزایش می‌گردد. زیرا بخش عمده سربازان، درجه‌داران و افسران زمین طبقات و اقشار زحمتکش مردم برخاسته اند و پیوند خود را با آنها حفظ کرده‌اند و نمی‌توانند از میزبانان حق جویانه و ازادبخواهانه آنها برکنار شوند. اما رژیم با تمام وسایل می‌کوشد تا این شکاف و تزلزل قلبه کند. به قول لنین:

"هنگامی که مبارزه انقلابی جد می‌شود و دودلی و تردید در ارتش که در هر جنبش و اعتراضات و امری تاگزیر است عملاً به یک مبارزه واقعی برای جلب ارتش منجر می‌گردد."

در چنین شرایطی کارمندان و وسیع افکار گرانه در میان ارتش به منظور جلب آنان به صفوف جنبش خلق از وظایف تاخیرناپذیر به‌همه سربازان انقلابی است.

اعلامیه

فدراسیون سندیکایی جهانی

ده هزار نفر از زحمتکاران شرکت ملی صنایع نفت ایران چند روز پیش در جریان مبارزات گسترده و دلیرانه‌ای که مردم و زحمتکاران ایران می‌کنند دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب پراهمیت به منظور رسیدن به خواست‌های اقتصادی در عین حال برای پایان دادن به اعتصابی است که از طرف شاه و دست‌نشانکار او اعمال می‌شود.

بیکار دیگر نیروهای رژیم فشار و اختناق در جریان این اعتصاب دولتی خونین کردند، عده‌ای را محمول و مجروح کردند و شمار زیادی را پلیس دیکتاتور زنده‌اش نمود.

فدراسیون سندیکایی جهانی با رد دیگر علیه این جنایت پلیس شاه اعتراض می‌کند و به زحمتکاران و مردم دلیر ایران درود می‌فرستد و همبستگی خود را با آنها که در برابر قدرت دیکتاتور شاه علیه فقر و اعتصابی که به آنها تحمیل شده می‌زنند، اعلام می‌دارد.

فدراسیون سندیکایی جهانی از زحمتکاران دنیا و سازمان‌های سندیکایی می‌خواهد نسبت به خود را به هرگونه مداخله‌ای که به نام جنبش یا زحمتکاران ایران به ویژه نسبت به کمونیون و رشتا سندیکایی ایران ابراز دارند.

پراگ - ۱۴ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۴ مهر ۱۳۵۷

اعتصاب سیاسی

در نیروگاه‌های برق

کارکنان نیروگاه‌های برق اعتصاب وسیع خود را از صبح روز شنبه ۲۰ آبان آغاز کردند. آنها که خواستار سرنگونی دولت نظامی هستند، اعلام داشته‌اند که روزی ۲/۵ مگاوات از فشار برق خواسته‌اند. کاست به این ترتیب بعد از چند روز اعتصاب کار افتاد و نیروگاه‌ها خواسته‌اند که به‌افتتاحی کار می‌کنند. کارکنان توانستند که همه خواست‌هایشان سیاسی است، اعلام داشته‌اند که برق خانه‌ها و معابر آنها را قطع خواهد کرد.

با گسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، بر توان جنبش انقلابی بیافزاییم

از اعتصاب رزمی کارگران صنایع نفت و گاز به هر شیوه ممکن پشتیبانی کنیم

بیکار دلیرانه! اعتصابی کارگران صنایع نفت علی‌رغم همه دروغ‌های پراکنی‌های ژنرال‌های گوی به فرمان شاه از طریق رادیو تلویزیون اشغال‌شده دارد و همه تهدیدها، ضرب و شتم و اوستگیری‌های بی وقفه، کارگران اعتصابی نتوانسته است در عزم آهنین و روحیه انقلابی آنان کوچک‌ترین غللی وارد آورد.

بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده در اهواز آغازی اعتصاب همچنان ادامه دارد. در ایلاتکاه آبادان تنها گروه اندکی از کارکنان در زهر فشار نندید و به‌دستور به سرکار خود بازگشته‌اند و اکثریت عظیم کارگران به اعتصاب حماسه آفرینی خود ادامه می‌دهند. میزان دودرختن همچنان در سطح نازلی است و تفتش‌های عظیم همچنان در خاک سرگردانند. تمام شواهد حکایت از آن دارد که بیشتر نفتی که در حال حاضر از ایران صادر می‌شود مستقیماً به اسرائیل و آفریقای جنوبی می‌رود زیرا رژیم ضد خلقی شاه رابطه مستقیم و صمیمانه‌ای با رژیم‌های متجاوز و نژادپرستان کشورها دارد. تاکنون اعتصاب در ایلاتکاه‌های تهران، تبریز، شیراز و کرمانشاه نیز ادامه دارد. تاکنون تعداد زیادی از کارگران اعتصابی به چنگال دژخیمان اسیر شده‌اند. نظامیان و مأموران ساواک در جستجوی کارگران به‌آغوشه‌های کارگری بوش می‌برند و کارگران را به خانه تعقیب

می‌کنند و بلافاصله پس از دستگیری آنان را در همان خانه در ضربات شمشیر و لگد و قنداق تشنگ میگیرند تا بر محیط تر و روحیه نظامی بیفزایند. این مزدور کثیف حتی از کشتن کارگران را به‌لورد و سرحا سوادشان روگردان نیستند و تن عروج آنها را پس از کشتن با چشمان بسته به داخل اتومبیل‌های نظامی می‌اندازند و نقاط نامطمئن می‌برند.

گزارش‌های دیگری که به ما رسیده حاکی از آن است که در مناطق نفتی جنوب از جمله گیسران، آبپهان، ساواک توطئه جدیدی برای ترور و قتل اعصاب و مبارزان میهن‌پرست و شریانی آغاز کرده است. تاکنون در گیسران یک معلم مبارز قربانی این توطئه جنایتکارانه شده و با شلیک گلوله به اطلاع افروختن‌ها به شهادت رسیده است. افتای هر چه وسیع‌تر این توطئه جدید ساواک که جان همه مبارزان را در معرض خطر قرار داده است از طرف همه نیروهای ملی و ازادخواه است.

ما از همه کارگران و زحمتکاران ایران، از همه نیروهای ملی و دموکراتیک دعوت می‌کنیم که به‌دیک و با استفاده از همه شیوه‌های مبارزتی می‌بایزد به پشتیبانی فعال همه جانیه ازبک و سربازان انقلابی و اعضای کارگران صنایع نفت و گاز و غیره و اجازه ندهند که رژیم ضد ملی‌ها این مهم‌ترین سکرم‌پل‌های جنبش انقلابی میهن را بزدارند و بکنند.

**گلوله باران کارگران مبارز
ذوب آهن اصفهان**

حکومت زنیال ها که از نخستین ساعات کار خود ای بی خبر نگذاشتن مردم از آنچه در اسرارین میگذرد، ارتباط بسیار را به شهر ها بیکدیگر قطع نموده و مانع از سفر و آمد و شد را برادر دیو و تلو نیز چون حاکم بر نهاده و با اعلام نظارت مستقیم بر سطوح و عملا مانع از انتشار آتش شده است تا اکنون کوچه گنجین سبزی در باره اظهارات و اعتصاب شورانگیز کارگران آب و نه افشان و گشتاری رحمانه آنان منتظر بگرداند است.

به دنبال این قتل عام وحشیانه از سوی پتله
بهاء الدین محلاتی طی اعلامیه‌ای هفته‌نمای عمومی
اعلام شده است و عنوان آن «اعضای وابسته به جمعیت
حقوق‌دانان ایران در استان فارس به عنوان
اترایی به این گشتا در امانی دادستان شهر بست
نشته و خواهان مجازات اما ملان این گشتا رفیع
شده اند.

زادبخواه شهرزادگلگون کرد. همزمان این روزها مور
حکومت نظامی و ساواک یک «ارژام» بدون مبارز
زادبخواه این شهرزادگلگون را به همراه همسرش
مردم که به دست ضابطه‌های
خود بودند به طرف تعدادی از اماکن ساواکسی
مسلح و رفته‌اند. آنها از مبارزات و کشته‌شدن در همین
محلات ارتش به سوی مردم در داخل صحن آتش‌گشود.
در این تیراندازی دهها نفر به خاک و خون کشیده
شدند.

حدود ۵۵۰۰ مینار و آزادخواهستانند که چهار رشتا به روز در مسجد زکریا این شهر به عنوان اعتراض به دستگیری‌های اخیر متحصن شده بودند به دنبال آزادی ۱۲ تن از فرهنگیان این شهردست آژانس گشودند و بهروز مندانه همراه آزادشدگان به آژانس شهر ساز گشتند. فرهنگیان آزادشده که از مسئولان و رشتا سر راه آزادی و استقلال ملی هستند بهانه تحرک مردم گشوده بودند.

۳۲۵+۱ ۵۹ ۰۲۱

حدودهٔ مبارزان آزادیخواه سندج که چهارشنبه
روز دوشنبه بزرگان شهر به عنوان اعتراض به
دستگیری‌های اخیر متعین شده بودند به دنبال آزادی
۱۲ تن از فرهنگیان این شهرست؛ از ضمن کنندگان
پروژهٔ زندان همراه آزادشدگان به آغوش مبارزان
گشتند. فرهنگیان آزادشده که از مبارزان
گشتا سر راه آزادی و استقلال ملی هستند بهانه
تحرک مردم دستگیر شده بودند.

خواست مردم جنبش انقلابی مردم ایران است

مصاحبه دیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران بامخبر «اومانیته»

ما سوسی می فرستد.
 حناداری مستقیم و عربان کارتر - و شرکای
 انگلیسی و آلمانی او - می پیام ها می پایی از
 رژیم وابسته به امپریالیسم شاه درختن این
 وضعیت به بهتر قابل درک است - و در همین
 اخطارند به رئیس لشکره پارتیزان دیرکل - حزب
 کمونیست اتحاد شوروی و سوسیالستی به امپریالیست
 ها ، به ویژه امپریالیست ها یکی در دوره دروغگو
 مداخله اتحاد شوروی را در افغانستان به در
 دفاع از انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران گواه
 آنست که مردم مادر میا رایت حسی می و خونین
 خود علیه امپریالیسم جهانی و رژیم شاهنشاهی
 شاه ، و مداخلات امپریالیست را می که رودهای خون
 صحنه می بیند ، و آنچه آنست ، نشان می دهند .

ماگسترش اعتصانات و تظاهرات سیاسی، برتوان

به یاری کارگران اعتصابی صنایع نفت بشتابیم

نقشه دستگیری وسیع فعالین جنبش

بنابر اطلاعاتی که به ما رسیده دولت زنیال های شاه با هدایت مستقیم ساواک یک لیست ۲۵ نفری از فعالین و مبارزین موثر ضد استبداد تهیه کرده است که احتمالاً تا اوایل ماه محرم نسبت به بازداشت آنها اقدام کند. رژیم خود را آماده می کند تا در ماه محرم با اوج گسترده تر و پراکنده تر از جنبش انقلابی مردم و روبرو شود و برای تعدیل این موج و گاستن از نیروی غربت آن در دفعه است تا یک سلسله بازداشت های فاعلگیرانه به راه اندازد. در لیست تهیه شده چندین نام گروشی از سردمداران جنبش های اعتصابی و فعالین چپ و ملی و مبارزان مذهبی ثبت شده است.

دزفول، شهر اشغال شده

بنابر اخبار رسیده از دزفول، در اواسط آبان ماه نیروهای ارتش این شهر را که به مدت یک هفته در اختیار مردم بود، اشغال کردند و با فکری بی سابقه ای مردم دزفول را به زیر پای شهر را به خاک و خون کشیدند. این تهاجم و ضعیف پی از زورهای انجام گرفته که مردم مبارز دزفول به دنبال یک برخورد شدید و جانانه از شهر خود را از وجود عمال ساواک و شهر با نی پاک کردند و امروزان راه عهده خود گرفتند. در طول یک هفته ای که شهر در دست مردم بود، خوارهای مردم امور مختلف شهر و حفظ نظم را عهده دار بودند تا این که نیروهای ارتش با همراهی نیروهای شهر با نی که از شهر گریخته بودند هجوم و ضعیف خود را آغاز کردند. آخرین گزارش های رسیده حاکی است که مردم قهرمان دزفول با جانک و دندن به مقاومت در برابر نیروهای متجاوز رژیم. ادامه می دهند. جنگ و گریز نیستند و شهر خود را به دزخیان و غارتگران تسلیم نکند.

مردم سد سانسور را می شکند

در حالی که دولت زنیال های عنابتکار شاه با سانسور شدید و بر کلیه وسایل ارتباط جمعی بر فرا داشته تا از انتشار و افشای مبارزات دلبهرانه مردم در برابر کشور و جنبش جابات و هلاک و خونریزی های بی وقفه جلوگیری کند. و در حالی که روزنامه های اصلی کشور به واسطه اعتصاب چاپخانه کارگران، نگارندگان و نویسندگان تریف که حاضر به تحمل بوخ سانسور نظامی نیستند، منتشر نمی شود و ادبولوجیون نیز در اشغال نظام است، مردم برای مقابله با توطئه حکومت و سانسور رژیم، در بسیاری از شهرهای کشور دست به استکراتارهای زده اند به این صورت که اخبار و حوادث متخلف را چه به صورت دست نویس و چه به صورت پستی کپی منتشر کرده، در اختیار دیگران می گذارند. با بدین شیوه استکراتاری را در سطح کشور گسترش داد. همه مبارزان آزادی و استقلال میهن، همه گروه ها و سازمان های ملی و دموکراتیک با بدین شیوه ها در دست و موثق (نه شایعات و اخبار غیر موثق که گاه متداثر آنها با واکنش) را به هر وسیله و مکانی که در اختیار دارند به می توایند تهیه کنند، از وظایف مهم خود در لفظه کنونی بشمارند. بگوئیم با افشای رویدادها و انتشار خبرهای موثق در برابر کشور و سانسور و استکراتاری را شکستیم.

دژخیمان از خشم مردم می ترسند

بسیاری از دژخیمان ساواک و نظامیان که مستقیماً با قتل عام مردم دست داشته اند همزمان با اوج گیری جنبش انقلابی در ایران طی قضاای محکوم و خواست اسلحه و فشنگ کرده اند. نداشتن تانک میانی و تری از شرف و خشم فراوان مردم دلیل بزرگ این عده برای داشتن اسلحه است.

برخی از این نظامیان قبلاً مشغول زندان، ما مورزند، با جرم، مشغول شکنجه هزاران ایرانی وطن پرستی بوده اند که با جکتر بهانه بهانه به شکنجه های شاه در کمیته، آوین، قزل قلعه، زندان قصر، زندان عادل آباد شیراز و... نگذاشته شده اند.

طبق اخبار رسیده از درون ارتش جمعی از این متفان حشی بازنشته شده اند. این دروغ است.

درست می شنوای می گوید که رژیم حتی به عمل خود اعتماد ندارد و اخبار ملی بشتا می از کلیه نظامیان خواسته است تا هر نوع اسلحه ای را که در خانه دارند از دسترس زندیکان خود دور نگه دارند و در صورتی که تصور می کنند در دست نگه داری آن نیستند و اولین فرصت آن را تحویل دهند.

دانشکده

کارگران و کلیه ادارات از طبقات مختلف به طبقه هگفت آمدند تا به کارگران اعتصابی بپیوندند و از خواست های حقانی و مبارزه جویانه آنان پشتیبانی کنند. اما سران ارتش و ماوران گاردشهر با نی با خشنان را محاصره و اشغال کردند تا از این پیوند مقدس بین کارگران و کارمندان جلوگیری کنند و پس از یک مهلت دو قبیله ای به کارمندان مبارز و خمدور شد و آنها را با سائون های الکتریکی زیر ضربات خود گرفتند، در حالی که به اجتماع اعتراضی کارگران در خیابان شیرازی برده بودند. در جریان این برخورد با نیروی خمدورین کارمندان به پشتیبانی از کارگران اعتصابی شمامی دادند.

کارگران و کارکنان با لاینگاه شیراز نیز طبق گزارش های رسیده همچنان در اعتصاب به سر می برند و در دو تاورین شرایط به روز مقدس خود علیه رژیم غارتگران و دپا و لگران ادامه می دهند. آنها به خوبی می دانند ادامه اعتصاب های کارگری شیراز حیاتی رژیم شاه را خنک می کند. از غوزستان نیز گزارش می رسد که علیه رژیم فشاری که از سوی رژیم به کارگران اعتصابی صنعت نفت و از روی خودنوا اعتصاب و کم کاری در بسیاری از قسمت ها داده و در اول غلبه قسمت های که کار به حال مادی درآمده است رژیم مفلوک و به زانور ادب شاه و شرکا، از تنگنای ها و کارگر صنعت نفت گویند. در میان، اما رات متعده عربی و دیگر کشورهای عربی نفت خیز به عنوان اعتصاب تکن استفاده کرده است تا در غارت این ثروت ملی به نفع امپریالیست ها و مهبوبیت ها و سوزاد برستان آفریقای جنوبی تاثیر نهد.

ما از کارگران دلاور صنعت نفت دعوت می کنیم که با وجود همه دشواری های به نیروی مقدس اعتصابی خود با تمام قوا و در صفوف یکپارچه ادامه دهند و با اطمینان داشته باشند که در این نبرد مقدس با خدا و خود می توانند قهرات رژیم فذملی را در هم شکند و تنهائند. تمامی کارگران و زمینکنان در برابر کشور و پشتیبان آنان هستند و همه خلق های بهای خاسته ایران از این مبارزه شامانه که در گل جنبش ملی و دموکراتیک سپهر ما تاثیر بزرگی دارد با تمام نیرو و امکانات پشتیبانی می کنند. ما از کارگران رزمنده صنایع نفت می طلبیم که بی درنگ یک جاب با یکی به عنوان صندوق اعتصاب باز کنند و این راه اطلاع همگان برسانند تا اعتصاب از نظر ملی تأمین شود. کارگرانی که خود را در معرض خطر تهاجم گرازهای رژیم می بینند، می توانند موقتاً محل سکونت خود را تغییر دهند. در این زمینه آتش همه جا توده های کارگر و دیگر زمینکنان به روی رفقای دلاور خود باز است و همچنان که کارگران با لاینگاه اسفهان اظهار آمادگی کرده اند که تا پایان پیروزی اعتصاب را غانواده کارگران رزمنده صنایع نفت جنوب که در معرض خطر هستند در خانه های خود پذیرایی کنند.

با تمام نیرو و امکانات و به سهره گیری از همه شیوه ها مؤثر مبارزه به پشتیبانی می دهیم و فعال از اعتصاب رزمی کارگران صنایع نفت بشتابیم.

در بسیاری از شهرهای دیگر نظیر امهفان، رفاشیه، آمل، بابل، راسرولاهیان نیز دیروز تظاهرات گسترده اعتراضی علیه رژیم استبداد سلطنتی و دولت نظامی زنیال های مزور برپا شد. در تهران نیز در بسیاری از محله های شهر از جمله خیابان های شامرا، پهلوی، مولوی و قیاسی تظاهرات موضعی افشاگران و اعتراضی برپا شد. در خیابان قیاسی نظامیان به روی تظاهرات کنندگان آتش گشودند. از تعداد محدود و مجروحان احتمالی تظاهرات دیروز هنوز اطلاعی به ما نرسیده است.

تصمیم یک روزه بیش از ده هزار نفر در بیمارستان های شهنش و پهلوی مشغول آزادی دواستند اما شکده پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد از زندان با بیسان یافت. این دوستان پس از گلوله باران مردم در خیابان های این شهر، به مسلسل بشتن مردم می بیند و در حرم حضرت رفاهن شرکت در مجلس یادبودهای این یورش و ضعیفانه، در بارگاه مبارزات مردم دلبهران در راه آزادی و استقلال مضرانی کرده بودند.

در جریان عمل و ضعیفانه گرازهای درنده شاه به حرم حضرت رفا طبق اعلامیه های منتشر شده داخل شهر گشته شده اند که ۲ نفر آنها داخل خوشال بوده اند. مراسم سومین روز شهادت قربانیان این فکای بی نظیر رژیم شاه - ساواک با شرکت بیش از ۲۰ هزار نفر در گورستان بهشت زهرا مشهد برگزار شد و سخنرانان فکای های رژیم و گلوله باران مردم را در حرم حضرت رفا برای مردم تشریح کردند.

نیروها اعتصابی ملحقوارنه کارگران صنایع نفت ملی رقم هفتا را، دسیمه ها، تهدیدها و ضرب و جرح و دستگیری کارگران مبارز از سوی رژیم ضد خلقی شاه که به پای های حکومت خود را سخت لوزان و ادامه با رانگری اربابان امپریالیست را در معرض خطر می بیند، در بسیاری از حوزه های نفتی همچنان ادامه دارد.

کارگران دلبهران با لاینگاه تهران که از سوم آبان ماه گذشته تا کنون در حال اعتصاب به سر می برند، اطلاعاتی از انتشار داده اند که در آن گفته می شود که در روز شنبه ۲۹ آبان هنگامی که کارگرانی اعتصابی به درووری با لاینگاه رسیدند با در بسته و طوفان فزوده و مهاجم نظامیان مواجه شدند و چون موقعیت را خطرناک ارزیابی کردند برای آن که بهانه بیورش و کشتار به آدمکنان رژیم ندهند، تصمیم گرفتند به عنوان اعتراضی به اشغال نظامی با لاینگاه در خانه تهن اختیار کنند و در روز ۲۹ آبان در محوطه با لاینگاه اجتماع کردند. در این فاصله رژیم عده ای از کادر فنی یک شرکت معروف آمریکایی به نام "فلور" را برای شکستن اعتصاب و ویر کردن کارگران اعتصابی به با لاینگاه فرستاد. در چنین شرایطی لازم است که کارگران رزمنده اعتصابی با کارتوبی و افشاگران در میان این کارگران در مورد رفتن اعتصاب تکن و اتفاق افکانه ای که رژیم ضد کارگری شاه با سو، استفاده از تاکتیک ها و احتیالات تکنیک های مالی به آنها تمیل کرده، این کارگران را سربا و خودمهره و همسنگر نمایند.

طبق گزارش های رسیده، کارگران رزمنده با لاینگاه تهران روز شنبه ۲۹ آبان در ساعت مرکزی شرکت نفت واقع در خیابان تخت جمشید اجتماع کردند و ضمن تهن عده خواست های به حق خود را برای کارمندان و کارکنان شرکت نفت تشریح نمودند. این اجتماع به روبرو و مبارزه جویانه با تهاجم مبارزان به کارگران و کارمندان مواجه شد و مهاجمان به سوی اعتصابی آتش گشودند. در جریان این هجوم دهشتناک دوشین از کارگران در اثر ضربات سرنیزه و سه نفر بر اثر امات گلوله مجروح شدند.

به دنبال این تیراندازی کلیه کارمندان و کارکنان در محوطه با خشتان مرکزی اجتماع کردند و ضمن پشتیبانی از کارگران اعتصابی صنعت نفت آزادی هتکار را اعتصابی با لاینگاه را که هنگام اجتماع در ساعت مرکزی دستگیر شده بودند خواست شدند. این عده پس از آزاد شدن به هنگامی که سربا خود را زنگش کارگران اعتصابی با لاینگاه تهران قبلاً طی اعلامیه ای ادامه اعتصاب خود را اعلام کرده و گفته بودند: هنگامی که خونریخ برادران ما در گوشه و کنار شهر جاری است شرم از او است که دل خوش داریم و به کارهای معمولی زندگی مشغول شویم. آنها از برادران خود در صورت نفت خواست اند که قریب دسای بی حمله های دستگاه های تبلیغاتی رژیم را نفوذ دسایان را به تهاجم روبرو بردستان مردم به مبارزه ادامه دهند.

روز یکشنبه ۵ آبان نیز کارگران با رده دیگر در مقابل ساختمان مرکزی شرکت نفت اجتماع کردند.

اعتصاب عمومی و تظاهرات گسترده در سراسر کشور

دیروز میلیون ها ایرانی مبارز و آزادخواه در مدتها روبرو با ایران برای اعتراض به کشتار های بی وقفه مردم توسط حکومت زنیال های تبه کار شاه و به ویژه حکومت زنیال مردم مبارز شهید رحمن و داخل حرم حضرت رفا در هفته گذشته، دست به اعتصاب عمومی یکپارچه زدند و بر سر در خانه های خود به نشانه عزای پرچم های سیاه افراشتند. در بسیاری از شهرها تظاهرات گسترده ای علیه رژیم فذملی و ضد دموکراتیک شاه صورت گرفت و تظاهرات کنندگان مردم خود را به ادامه مبارزه تهاجم روبرو جنبش انقلابی مردم مستعده و دلبهران ایرانی و ملی به آزادی و استقلال کامل مودتاکید کردند.

بزرگترین تظاهرات دیروز در مشهد برپا شد. بنا بر نخستین گزارش های رسیده مدتها رفا ز ولین ساعت با مداد در این شهر به خیابان ها آمدند و راه پیمایی گسترده و با شکوهی را آغاز کردند. نیروهای مسلح رژیم که هفته ها است شهر را اشغال خود دارند در برابر سربل ناگهانی ما سازمان یافته مردم که به سرعت به خیابان ها می آمدند، و مستعده به شایک و توطیه های خود را ترک کردند اما جملات خصمانه مردم فرار نکردند. گزارش های رسیده حاکی است که فرماندهان و اعدای ارتش مستعده در شهر رژیم آن سربازان به طوفان تهاجمی کشندگان بپیوندند. دستور عقب نشینی نظامیان از شهر را صادر کردند. تظاهرات کنندگان هزاران پلاکات با شعارهای آتشین علیه رژیم ساواک و امپری و برله آزادی و استقلال میهن و در جهت خواست های جنبش ملی و دموکراتیک با خود حمل می کردند.

سرنوشتی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست میهن جنبش انقلابی مردم ایران است

جعلیات رژیم علیہ
خرب تودہ ایران

باگسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، برتوان جنبش انقلابی بیافزائیم

درود آتشین به کارگران مبارز صنایع نفت

واقعیت است .
عزیزانم ایران به کارگران بهرمان نسبت ،
به این میزان پیشتاز برکت برای صنعتی ایران
که با نیروی سرشت و متشکل و بهای جان خود رزم را
منزله ساخته اند و نشان داده اند که طبقه کارگر
و رزگترین و بهرترین نیروهای اجتماعی است ،
راه آزادی ، استقلال ملی و بهرشت اجتماعی است ،
رومی فرستد و بهداری و تسلیم ناپذیری انسان
و می نماید .

حزب نبوده ایران از همه مردم و به ویژه کارگران و آزادسالاران افغان گرفت تا ساجان شاه، از فیلگردا و پتیریز گرفت تا قالی باغ کرمان - از همه کارگران دهوت می کشید. از رزمیگری همه جا به به یاری کارگران شفت می رفتند.

وقتی بهینی همه نیروها را بدخواه امداد و دانشجویان شفتگران، کارمندان و پسته وران، روهانویان و رجال می است که همه ادمه سرکوب میماند و خونین است. با کارگران شفت به هیست روزی منور و سلطنت استبداد میسر و غارت بهی میزند و تمام نیروی خود را در حمایت از استعاب انسان که هیست فرق المادیه و دیرنوشت جنبی مردم ایران را در متحیر میماند.

در ده میهنان
دلهم کنونی از هر امانی که در اختیار
دارید و از هر طریقی که می توانید و از هر
گیمته های یاری و همبستگی به کمک مادی و روحی به
کارگران قهرمان نفت و به خانواده های آنان
که در ذخایر و زمین آنها از مسکن خود بیرون
رانده اند، ادامه دهید.
دروغ آتشین به کارگران مبارز و قهرمان صنایع
نفت ایران

اعتصامات و تظاهرات

امنیت و نظایات گارگنان باند ها

روز یکشنبه ۱۲ آذرماه کارمندان بانسنگ گز در محوطه بانک علیه رژیم دست به شورش و راه زدند. ارتش نظامی هرگز ندانست که دست و پا می‌کند و به شورش می‌پردازد. با قیام بانسنگ گز و شیب بانسنگ ملی تعطیل شد. کارمندان بانک اعتراضات محدودی کردند. روز دوشنبه ۱۳ آذرماه نیز نیروهای مسلح رژیم نظامیان را به بانک وارد کرد و شیب بانسنگ گز را تعطیل کرده و آنرا به عنوان یک مرکز شیب بانسنگ گز اعلام کرد.

اهتمام بگاړکونان شهوداري

بهر از نرفکارگان و کارمندان شهرداری
اعتصاب کرده و یکپارچه ای را آغاز کرده اند.
کلیه خواست های اعتصاب کنندگان سیاسی است
ما رازان شهرداری ضمن معکوم کردن گفتار مردم
توسط نمایان، سرنگونی رژیم فاسدی و ضد
دموکراتیک شاه و استقرار دموکراسی را سرلوحه
خواست های خود قرار داده اند.
ضمن اعتصاب در شرکت ماهرات، دادگستری،
کانون وکلان، وزارت دارایی و دادگاه دارد.

پیام به هواداران حزب

حزب بوده ایران اراده هواداران حزب در
ایران دعوت می کند: بگویند هر چه سریع تر
اساس رهنمودهای سازمانی حزب گروه انقلابی
تهدای به وجود آورید و در جهت تحقق شعار
های حزب به فعالیت تبلیغی، ترویجی و
سازماندهی بپردازید و اولس فرصت با حزب
تماس بگیرید.

سروای بر فرازی تناسی مستقیم باید یکی از رفقای دین مورد اطمینان شما از اواسط از طریق یک تلفن عمومی به شماره هشتاد و نه و ۷۱۰۰۱۲۹۹ یا ۷۱۲۲۲۹۹۹ در پاریس تلفن کند و آقای **Bayer** را بخواند.

آن دوسان شماره تلفنی را که میخواند اما مرکز حزب تناسی به گیتریه تناسی شما داده. در هر تلفن اول و نه در تلفن دوم نام واقعی تناسی خود را گویند. خود را با نام مستعار معرفی کنید و در انتها تناسی های که به شما معرفی میگردند همیشه توجه کنید.

به دست آوردن، تکثیر و پخش هر چه
و وسیع تر نشریات علمی، از جمله هفته نامه
نویس و برود نشریات حزب به میان
آمده ها، به ویژه کارگران، از مهمترین
وظایف هستند و اگر چه های بوده اند.
مادر راه خلق حرکت می کنیم. هدف ما
به حق است. راه ما درست است. ما را انجام
پیروز خواهیم شد.

کا وگرمسوز و اربعاب و آزار و کتک زدن بهرحاله
کا وگرمکان و خانواده گناهناهیروبر راضی انباش
ازخنده هاخوابان مدت کوتاهی فروشی کرده بود،
طای رفیع حکم سربریزه وجات استاندراشمی
عزیز درخوشتان اهمیت فوق العاده ایدارد، این
و قیمت گواه بارزیاپردی وخی انقلابی کا وگرمکان
ایران وادعای گناهنازه آنها برای به عهد
گرمشفتن بازم مهم ترواسی تری درمنشی
آزادیخواهان وکی مردم مین ماست
آنچه کا وگرمکان زنده، نفت در این احتساب
دیوید مطرح ساخته اند، خواست هراندی مین خود
است که به استقلال و آزادی و سرپرندی مین خود
بالانندند، خواست کا وگرمکان وگرمکان نفت در
برای ایران که درختین روز اعلام احتساب
طای بهینه ای اشتراکات و ملازم بهرحال است
رقای به، مسائل بی مهم وخی تری چون دراستد
ا قانون ملی صنایع نفت واستقلال دولت
ایران وادعای مطرح بی ساخت، بهنگام

هزاران کارگر صانع نفت جنوب از روز شنبه ۱۹ آذر ماه با اعتصاب پیروان یک هژزوز دانشی آغاز کرده است. پیوسته، بار دیگر به سمت مقدمه مبارزات انقلابی مردم ایران آمده، چرا که کارگران تا بهای نفت در تهران و شیراز باره اعتصابی طولانی خود را که به مدت هفت یا دهانی پیوسته شغرات روزیم، ایجاد می‌کند، با موفقیت ادامه می‌دهد. پیوسته دوباره هزاران کارگر را در صانع نفت در آبادان و اهواز و سایر کارگران کارخانه شرکت های نفتی با آن آمریکا، لیکو و آمریکا به صفوف اعتصابندگان این باره سازمان داده مرحله تازه ای بر کرده است و بهر آن عمیق وضع جامعه ای را که گریبانگرفته است سازمان داده، خود وقت بیشتری به شنبه است.

آخرین گزارش ها حاکی است که هنوز به طور کلی نفت به سرعت کاهش می‌یابد و به منظور به دست آوردن کشتی دوباره از نفت با زده در تا بهای نفت جنوب که با بازداشت گنجینه دهد

حماسه خونین شب‌های محرم

و در عرش یگانه ای برخاسته و سوار شهر بزرگ
شهران را به لرزه درآورد. همزمان با این استعار
می رازایی که پادشاهان حکومت مخصوص نظام
و استقلال گرد، گروه های بزرگ و کوچک مردم در اکثر
گروه های کوچک و همسایه از خیمه ها بازگشته ها
بسیون رفتند و شروع به طاق هرات کردند. بنابه
گزارش رادیو سکو در برخورد دومین شب ماه
مهر می باشد و ۲۵ نفر به شهادت رسیدند. غرض
تطابق فرهنگستان در خیمه آسمان با تخت، بلکه
روستا های اطراف کاغذ شاه، نظیر جارت و شاه با
و ادبی شورشید. شاه جلال عیادت از مصروف
به غولبرد. انقلاب در خون فرزندان دلبخواه
و دشمنان خوشی را خفه می کند.

در شب‌های تظاهرات تهران، تظاهراتی به همین شیوه ابتکاری در شهرهای زنجان، مهاباد، بو شهر، اصفهان، مشهد، قم، تبریز و تعداد دیگری از شهرها برپا شد که در پاره‌ای از این نقاط تلفات سنگینی با آن همراه بود.

مصحفی به پا آورد.
 انگار مردم در به کمار گرفتند خط صوت و بلند
 گویای مهجرب به طاری دربارا ترکزدن فرشت کارهای
 بود در شبهای اخیر، مردم را زهری بر کزانی
 صلح شاه جنگ کرده است. مبارزان در دهنده خطه
 تهران از پشت بلندگوها خطابه میروپا زانی گه
 فرماندهان جلالتان آنها را برای کشتن پسران و
 مادران و پسران و خواهران از آذوقه هاشان به
 غیابان با آورده اند، فریادی می دهند:
 برادران ارشدی، اگر از مردم مستبد، فتنه
 ها پیمان را به سوی جلالت مردم برگردانند،
 برادران، خون شاعر در گهای ما جاری است... ما
 به شما کمک داده ایم، شما به ما چه می دهید؟
 کارگران و کارمندان اعتراضی برق دولتی
 خطاها را مردم در فرجه ها و غیابان با واروشت
 با ما دادند، داشت، با قطع خاطر برق مناطق
 مختلف، هزاران ساعتی فروردین، خلق از همه
 مستحقان برای مبارزه استفاده می کنند.

[illegible]

موسس بری، آری که پس از پیوستن به حزب کمونیست، در جریان قتل عام بی‌گناهان، آری که رژیم شاه به آن مرتکب بود، آری که راه انداخت و بنساخت و گزارش برپی می‌فرستاد و راه ازخلفه و پرتوهایش را پدید می‌آورد. اما بسیاری از تاجانان در پی سرانجامی خاص و تفریق تئوریک تعدادی خون‌نمیدانان در محلات مختلف و با توجه به گزارش میدان‌های جنگ تن به تن مردم با سلسله‌های و پرتوهایش و آمار تلفات را بسیار بیشتر از آن رقم زد و می‌کند. همین‌ها که راه می‌گویند و تفریق‌های آن‌ها را قتل عام خونین تاجان‌ها را تفریق‌کردن کرده‌اند. تعداد مردمی بیش از هزار نفر تنه‌های زنده می‌شود. اما شهادت‌های تاجان مردم به طور طبیعی به خارج شهر منتقل نشود و مردمی که جمع می‌شوند در لشکرکشی‌ها می‌روند، به خاک سپرده می‌شوند. تاجان‌ها وسیع و پراکنده می‌شوند و آواران و به غرض آیدگان تاجان‌ها در روز شنبه ۱۱ آذر به سرچشمه، یا پامنا و پورچه‌های بسیاری دیگر از نقاط تهران نیز با یکبارهای مسلسل به خاک و خون کشیده می‌شوند. برتا لوده یا پنا تجربه خونین از شب شنبه ۱۱ آذر ماه، با سلسله بعد از شروع از شب حکومت نظامی مردم به نام‌ها رفتند با شهادت‌های مردم برکتی از جلا... آله واکبر ... تن بر تن حکومت بریدی ... صدها هزار شهید

توطئه‌های پشت پرده علیه جنبش انقلابی مردم

[illegible]

ورس خطیانه در دسترس زاهدی، سوس شایسته شده آمریکا و میراث گردونه های فضایی، و اگر پس روز هفته گذشته به تهران مذاکرات طولانی و آه و بپادادن سرکله ستون زدند، رهبر اکثريت ميگوياست که آمریکا، در تهران و پيوتيت ايران مذاکرات سر- شاه زاهدی، در مئن سر بيرستان را بر آي هزاران جاسوس که رتاي سازمان جاسوسان چينکاري سا به تهران، شاه قاطبي از سين تحول سياسي نزدیک را گامی می دهد، در ماسيل سياسي رزمه گرفتگوي آرميکي می که فنانا را حذف خواهد کرد، در کوفته است، گفته می شود که کوه تاي آينده مرحله سرنوشتا بر رايه ريزه شاه و انقلاب خوشين گسترده ايران است، به ريه مي طالع داده شده که رهبران زنداني ها نسا هتفه ديگر را خواهد شنود و رهبين آه از گنگستر ملاصحين ديني، در گنگسورگا مينه گنگر بحدقق، شاه رويستار، يکي از رهبران چينه يله ايران مصادله انتظام رئيس اسبق شرکت نفت، در عنوان شخصيت هاي سياسي که در محور تحول سياسي قريب انواع خواهد بود، نام برده می شود، در حالی که دکتر علي اميني، رئيس ستاجره گيت که امير بايلايم آمریکا، مهلتان ميرک گردان حصاره هاي سياسي پشت پرده است، نام آرميکي شاه ستاجره شوري سلطنت که احتضار در قبايت تشکيل

سنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

است مردم جنبش انقلابی مردم ایران است

به ولتاریای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» «لین»

جنبش اعتصابی و تظاهراتی در شهرها

مشهد:

مشهد در هفته‌ای که گذشت مانند همه شهر کوچک و بزرگ ایران صحنه تظاهرات عظیم ترین و خونین ترین تظاهرات ملی و آزادیخواهانه مردم بود. تظاهرات با تکیه مردم در روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر به دنبال تخمین شدن گروه گسترده از معلمان، فستاد و دانشگانی در دادگستری مشهد از روز ۱۲ آذر آغاز شد. این تظاهرات اعتراضی به مستکبری مفسد و پوستانداز و دانش آموز در جریان تظاهرات هفته قبل از آن صورت گرفت. هنوز ساعتی از این تخمین گذشته بود که هزاران نفر از مردم که با این شهر به حمایت از خواست های معتمدین برابر با احتیاج دادگستری مشهد دست به تظاهرات تکیه مند زدند. تخمین و تظاهرات ملی رفیع همه تظاهرات و ارباب های فرمانداری نظامی مشهد تا نیمه شب به طول انجامید.

در همین روز طبق گزارش های رسیده در چند نقطه شهر پلیس و ارتش به روی مردم سیلح آتش گشودند و نفرار با خاک و خون کشیدند که عده ای از آن ها به شهادت رسیدند. در یکی از همین یورش های در خیابان گلپویه با راهپایان مردم میهن پرست و آزادیخواه یک سرباز وظیفه که حاضر نشده بود به طریقت صوفیانش تکیه کنند و مقابل چشم مردم توسط معاون فرمانداری نظامی مشهد، رشک طباطبایی به ضرب گلوله به شهادت رسید. مردم لباس و کلاه خون آلود و زنده دل و شهید خور داشت به دست گردانند و به روان پاکش درود فرستادند و کینه و خشم خود را در مشت های گره کرده و شعارهای آتشین تبار در خیابان مسلح نمودند.

گزارش های رسیده حاکی است که در روز ۱۴ آذر ماه نیز تظاهرات عظیم نیم میلیون نفری در مشهد برگزار شد. مردم در تظاهراتی سوزان خود رزمی فعلی فتنه موگرا و تکیه و ضد خلقی شاه را محکوم کردند. گسترده گی و عظمت تظاهرات به حدی بود که رژیم میهن پرست نیروهای مسلح خود را از میان های شهر عقب بکشد.

گزارش های رسیده از مشهد حاکی است که تاکنون بیش از پانصد سرباز میهن پرست سربازان هارا ترک کرده و به میان مردم آمده اند و مردم نیز فرزندان آزاده خود را در آغوش خویش و در خانه های خود پناه داده اند.

تهران:

با تکیه تظاهرات بی پای مردم در بو شهر و ادامه به اعتصابات و تعطیل عمومی، یک پایتخت که فلات در هجوم به تظاهرات گسترده تر گشته داشت در خانه های با گلوله به قتل رسید. به دنبال این واقعه، ساوکی ها و ما موران نظامی به خانه جت انقلابی و سربازان آتشی، از آواران و سربازان بو شهر، هجوم بردند و با تکیه و با تکیه به شهادت رساندند. به دنبال این تظاهرات، روز دوشنبه در خیابان، هزاران تیراز مردم بو شهر، روز دوشنبه

سربازان یا سرباز مردم؟

رژیم شاه طی ۳۷ سال متعادی با تکیه به تفنگ آن دسته از نمایان نظامی که با طاعت گورگورانه و اطاعت فدا پرستی و ترسیت جنون آمیز و تحولاتی توسط دیکتاتور میهن پرست، و به یاری میرفتن های ارتش و سربازان آتشی، از آواران و سربازان یک زندان و تکیه به سربازان بزرگ و سربازان امپریالیست ها، سربازان داران گلا و قاتران خون و نفت و گاز یک سطره رنگین و پر نعمت ساخته است. اگر میخواستند که کارخانه ها و دارو به جای سربازان، اداره ها و مدارس و دانشگاه ها به جای سربازان جنگ تبدیل به آن چیزی شوند که از نام آنها برمی آید، اگر میخواستند این همه قتل عام و صدام خون، مسجود کتابخانه و سبنا آتش زن ها، گورستان های پی در پی ساختن ها، خیمه داران و نوحه و مصیبت مزاداران پایان بگیرد، به خاطر میهن و مردمان از خود ما به بگذارد. به طوف خلق که مفسوف مفسوف حقیقت و آزادی است میبویند. از دستورات فرماندهان مزدور و اوطاعت فروک و اوروگورانه، مقررات خشک و غرض آلود نظامی که نگهدارنده ظلم و گندیدگی و نظام بندگی و قارت است، سربازان زینت و ابیاج انواع موافق در راه پیشبرد هدف سرکوب جنبی مردم و با تکیه به تظاهرات با اداگان ها، با افسان اطلاعات و اسرار و توطئه های که علیه مردم سلطنت و جناح نیاز و شهادت و با هروسید و تسخیر و امکان دیگر که از دست تان بر می آید، از سربازان آمریکا به سرباز مردم بدل نویسد. این خواست میلیون ها موهوب شهادت که از میان دریا پی از خون و رنج و کشتار و مطالبه قسرا ر داده است. آیا این مدارا می شود؟

سربازان، در چه داران و افسران میهن پرست! به فدای خلق خود با خج شهادت دهید! از خدمت در ارتش اشغال گشته - آمریکا سرباز زنی!

به طوف جنبش انقلابی خلق میبویید! سلاح های خود را برای تان بودی دشمنان مردم به کار ناندازید!

۱۲ آذر ماه خشکبانه دست به تظاهرات خیابانی زدند. در گورستان عمومی شهرویه هنگام تشییع جنازه جت انقلاب آتشی، ارتش به سوی مردم آتش گشود. از تعداد شهدا و مجروحان آمار ی در دست نیست.

اصفهان:

در تظاهرات عظیم و بی غرض مردم در روز دوشنبه ۱۲ آذر ماه حداقل ده تن شهید و دهها نفر مجروح و پسا با زداشت شدند. شهروان به حال تمطیل در آمده است. تظاهراتی موفی ادامه دارد.

شیراز:

تظاهرات و اعتصاب عمومی در اکثر شهرهای استان فارس ادامه دارد. در شیراز در عصر ۱۲ آذر ماه تظاهرات گسترده و هجیان آمیزی علیه سفاکی های رژیم شاه برپا شد که علی رفیع حکومت نظامی ساعت ۲ با مداخله مداخله یافت. مردم شیراز نیز شبها از روی با مداخله های اعتراضی و خشم خود را علیه جنایت ها و هجیات های رژیم شاه بلند می کنند.

آباد:

در تظاهرات خونین مردم در روز ۱۲ آذر ماه حداقل ۲ نفر توسط نیروهای مسلح و جنایتکار شاه به شهادت رسیدند.

کازرون:

تظاهرات اعتراضی و مبارزاتی مردم قطع نمی شود. ساعات منع عبور و مرور افزایش یافته و از همه اظه تصریح شده. گازرون به صورت یک شهر اشغال شده در آمده است. اعتصاب عمومی و یکپارچه مردم ادامه دارد.

اردکان فارس:

تظاهرات پراکنده در روز چهارشنبه در اشغال نمایان است و با زداشت و وسیع مبارزان ادامه دارد.

جرم:

تظاهرات پراکنده مردم در روز ۱۲ آذر ماه توسط نیروهای مسلح رژیم گلوله باران تکیه در نتیجه بیش از سه نفر شهید، دهها نفر مجروح و عده زیادی با زداشت شدند. شهر جرم یکپارچه تمطیل است.

زنجان:

شهر زنجان یکپارچه خون و آتش است. در پی تظاهرات بی پای و مبارزه جوانان مردم، تظاهرات رژیم به خانه ها و محارزه ها و اماکن عمومی یورش می برد و آواران را تاراج می کنند و به آتش می کشند. محامان مسلح رژیم حتی به محام زنانه یورش برده و به روی زنان و دختران آتش گشوده اند. تظاهرات و مقاومت سلطنتی در برابر گورگورانه رژیم ادامه دارد. مردم شبها میز پرست با مداخله با تکیه و خروش اعتراضی و محکوم کردند. "خودم را به لرزه در می آورند و روحیه" در خیابان نظامی می رانند.

گزارش های رسیده حاکی است که بیمارستان های ملی شهر زنجان ملوانان میهن پرست است به طور ی که خون برای نجات آنها کفایت نمی کند.

همدان:

در چهار روز اول ماه محرم در تظاهرات پراکنده مردم همدان حداقل هشت دراز تکیه و تظاهرات و دهها تن مجروح شده اند. تظاهرات عمومی و تظاهرات در همدان ادامه دارد.

قم:

مردم روزها با تظاهرات موفی و شبها بر روی با م با شعارهای آتشین به مبارزه علیه رژیم شاه و جناح تکیه شاه ادامه می دهند. محام حکومت نظامی هر روز خون عده ای از میهن پرستان را به خونگ می ریزند. شعارها که تمطیل است. در این حوزة علمیة قم نیز به تشییع جنازه از اعتصاب رژیم کارگران نفت طی اطلاعیه ای به طور متعادل اعلام شده است.

تهران:

تظاهرات موفی گسترده در نقاط مختلف تهران ادامه دارد. دولت تیمساران مزدور و جناح پسته شاه در همه جا تظاهرات گسترده را به خاک و خون می کشد و با بی خرمی گستاخانی ادعا می کند که خونخواران که سربازان خیابانی ها را حاکمات گویا مردم گری می است که مخالفان برای تشییع موفی رژیم و جنگ روانی علیه آن در خیابانها می باشند. در تبلیغات متعصب و مشغول کننده رژیم قریبادهای اعتراضی و بانگ سرخ شعارهای شاهانه در پشت پرده و مداخلات تاریکی خیابانها و رگها و مسلسل در خیابان که حتی مردم را در خانه شان هدف قرار می دهد، تنها خدمت همه های است که از انوارهای ضبط صوت مخالفان

معدود بیرون می آید. از رژیم می که تنها حربه اش گلوله و دروغ است و در بستر خون و آتش و مرگ جا می کند، جز این چه انتظاری می توان داشت؟ در تظاهرات هزار نفری که هفته گذشته در مقابل پارک آزادی در مشهد و تهران و سایر شهرها مسلح شاه قرار گرفت. عده زیادی شهید و دهها نفر مجروح شدند. روز سه شنبه گذشته نیز تظاهرات چند هزار نفری مردم در خیابانهای اطراف کاخ نیاوران بارگیا و مسلسل و گلوله تانک های رژیم در هم شکسته شده و دهها نفر کشته و مجروح به جای گذاشت. و سمت تظاهرات مردم و گشتا و حشاه رژیم را از روی گزارش روزنامه نیویورک تا بحضی نتوان دریافت. این روزنامه که گزارش می دهد که تمام بیمارستان های تهران ملوانان زخمی شدگان است و هر ساعت به طور متوسط بین ۷ تا ۱۰ تن زخمی به بیمارستان جراحی آورده می شوند. این روزنامه می نویسد که شش نفر کشته شدگان به واسطه کثرت آن امکان پذیر نیست.

اعتصابات عمومی سراسری را...

نظر ما - همان طور که به کرات اعلام کرده ایم - اینست که در این لحظه های خونین و پرتنش که بیکار انقلابی و شکوخته خلق های سلطنتی و میهن پرست و غرض و خروش و با بقا رسیده، هر شیوه مبارزه که امر جنبش را به پیش برد و منجر به شکست سفاکی های جت پوستانداز و ملی و فساد استبدادی و ضد خلقی شود، باید تاختید. این نظر ما به معنی آن نیست که ما از سربازان و اقامت علی شانه خالی می کنیم که در هر مرحله مضطربانه ما، به توجه به شرایط معینی و مداخلات نیروهای طبقاتی سیاسی و مبارزان آماجکی و مسلح آگاهی توده ها و کیفیت تشکل آنها، مومامگی از اشغال مبارزه به صورت شیوه همه و موثرتر در می آید و دیگر اشغال و شیوه را تحت الشعاع قرار می دهد. هر یک ما معتقدیم، اجتناب از مطلق کردن یک شیوه مبارزه و ادامه بودن برای تدارک و پیشرو و به کار گرفتن کلیه شیوه ها و اشغال کار را بیکار. این فرصت و مجال را به می دهد تا با هر چش جدید در جریان سرود هر مرحله تازه و کیفیت متفات آن، بهترین و مناسب ترین شیوه و شکل مبارزه را انتخاب کنیم.

سراسری یک جنبش اتحادی است که ما در نخستین مرحله اوج گیری جنبش انقلابی در کارخانه ها - شعار احیا و منزه کردن تاجیه ها و سبکباری کارگر و در خیابانها شعار تظاهرات گسترده سیاسی را ادامه و وقتی جنبش به نیروی این تظاهرات که تا حد تظاهراتی سابقه در سراسر تاریخ ایران، با همه میلیون ها گسترش یافت، پیش رفت و اولین سد های استبدادیه قاضیست رژیم شاه را در هم شکست و تا نگاهان با سبک و ظهور حکومت نظامی میبویند، ما اعلام کردیم: "با اعتصابات عمومی سراسری می توانیم نظامی را درهم بشکنیم." - و چون دانسته اعتبار اقتصاد و صنعتی با لاکریت، شعار ضرورت اعتصابات مبارزات اقتصادی به مبارزات سیاسی را مطرح کردیم و با پی گیری تشییع نمودیم. و این اعتصابات رژیم با خروش و توان برق و توان در حال به پیش جبهه است، علی رغم نسخه گورها و گردان های بی از سبکی و مومامگی ادامه می برد. اعتصابات را وقت تلف کردن می دانند، بر آنیم که این مبارزه دشمن کشمن آن که بهترین و گیم فایده ترین مکتب و میدان آموزش و تجربه انقلاب است، هنوز از قسمت طبیعی از طریق های خود بهره گیری کرده است. ما بر آنیم که با بدستام نیرو و مقدورات مبارزه اعتصابی را در سراسر کشور، در تمام کارخانه ها و ادارات و سازمانها و شرکت ها و کلک شئون و ارگان های که ادامه فعالیت و استمرار رژیم به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به آنها بسته است، توسعه دهیم. نوک زوبین این حمله اعتصابی باید متوجه حیاتی ترین تاسسات و حیاتی ترین نقاط پیگرد رژیم بشیر تمام نفت و نفت و مراکز مالی خلق کنند و این نظریه با تکیه های دولتی باشد. مفوق فشرده کارگران به مثابه انقلابی ترین و بی گیم ترین طبقه، پشتوانه مطمئن اعتصاب است. در صورتی که اعتصابات عمومی سیاسی و ملی کشند سراسر مملکت را بر یکپارچه و با آن موکل به سقوط رژیم شود، این نیرو عظیم و بیارنگ با قدرت کار ساز تظاهرات گسترده و عظیم سیاسی به همزمان با اعتصابات عمومی سراسری برگزار می شود، بهما میبوی جنبش عمومی مردم گام بلند دیگری در جهت تقویت و تحکیم خود تشییع نمیشود داشته است و هم این احتیاج را در یک رژیم پوید و سرور و تکیه به امپریالیسم شاه که به شدت در تنگنا و غفلان و لاعلاج افتاده و معرض سقوط قرار گیرد، ما بر آنیم که تمام تکیه کار و فعالیت را به یار سیاسی می آن که به محافظه کاری بگراید - با خور و تهور به معطوف به این امر گرداند که جنبش انقلابی توده ها با کمترین تلفات و با کمترین خسارت بهره و پیروزی را به دست آورد. در جریان تلاش همه جانبه و بی گیم برای برپا خاستن اعتصاب عمومی سراسری ما محدود و محدود می بینیم که یکپارچه رژیم تظاهراتی را به وسیع تر، یعنی اگر بیرونی و داخلی مورد نظر به چنگ نیاید، توده ها با تجربه شخصی مستقیم خود به ضرورت دست یابی به شیوه های بار هم عالی قرقاطع تر میباشند. انقلابی متعقد خواهند شد و در مشت آن آماجکی توده ای، انقلاب با های میلیون خویشتن برای یک بیز دیگر، به حمله سخت و متعصبانه تر و شورش و توان لازم را خواهند یافت.

سرنوینی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خداست هبیم جنبش انقلابی مردم ایران است

رژہ رزمی ۸ میلیون نفری

[illegible]

فره و است زنده، مروت بی و سیر
امریکا در ایران در شرایطی که احتیاج اوضاع به
زبان غرب آمریکایی است از گسترش خارج شود، در
حکایت مشاوران و نظامیان بیگانون، بررسی
می گردد. صرف نظر از موقعیت صرفاً سیاسی
استراتژیک و سوق الحیتی ایران به داخل و دراز مدت غرب
جهانی و دیدگاه متافع حاصل و کارشناس کارشناس
امریکایی است، و وجود بهر امر مشترک و کارشناس
نظامی و مأمور امریکایی که عملیاتش ایران را
بر سر گذار خود دارد، آورده و سالانه در حدود یک
میلیارد دلار دولت ایران حق و مزایا دریافت
می دارند، تبدیل شدن ایران به بزرگترین مشتری
در زمینه خرید و ترانزیت مایه و پیچیده و فوق
العاده گران امریکایی که در عمل به هیچ وجه
به کارگزارش ایران نمی آید (ثابت شاه در گفتگو
عمیلیار دلار از امریکا سالانه خرید و غیراً قرار داد
حق خرید ۱۴ میلیارد دلار دیگر به عنوان بزرگ
ترین معامله سطحی تاریخ ایران یافته بود
و بین او و سوداگران امریکایی سر و تاسی
منصفانه داشت) و نیز بازاری در اختیار امریکا
بمنحرف کارهای مصرفی غرب، به کار افتاد
نظامی و غیر نظامی و چرخ های امریکایی
شرق نظیر اسرائیل و امریکای جنوبی و روزی با
سایر تفکرات و تحکیم موقعیت سیاسی، اقتصاد
و نظامی و نژادپرستان و همینست یوگان معلوم
الیه نظیر یوگوسلاویات، قایم، ملک حسین و
خبره نژاد که با رژیم صدامی و فکرموگرانی
شاه، تحت علاقه حسین از زوال و ابد
امریکایی ها را به حکومت ایران نوحه می کنند
چرا که امریکایی با واقعات تمام اعلام
کرده است که ایران امتحان به هیچ قیمت
نمی تواند ایران را از دست بدهد. برای حقیقت
ایران در اردوگاه غرب بایده آمده باقیم هر
قیمتی بپردازد - و روزنامه انگلیس
پیشنهاد کرده است که کارشناسان امریکا برای
آموزش و اصلاح فکرموشرین به ایران گسیل شوند
در جنبه های آگاه کننده و توضیح دهنده
امریکایی است که اخطار اخیرمقی لئون
برنز، رهبر اتحاد شوروی، به امریکا لیست
به ویژه امریکاییسم امریکا، در مورد گروه
مداخله به ویژه مداخله نظامی به هر شکل و بهای
و عنوان در امور داخلی ایران که باید توسط
مردم ایران حل و فصل گردد، ضمن آن که یک
دیگرموقع اتحاد شوروی ابردا فغان به پیکران اصل
لبنی آزادی ملت ایران در زمین سرخوش
سیاست ندارد از جنبش های ملی و موگرات
نژاد می دهد، نمایانگر است که مردم ایران
همه میهن پرستان و آزادخواهان ایران در امر
مهربانانه و دولتی ارتجاع و سلطنتی و میراث
عام، نژاد شهابستند.

ساخ و پاخت های که در پشت پرده برای مها
ردن جنبش انقلابی مردم میهن ما در دستور
است، با پذیرش ایفای یک نقش فعال توسط دکتر
ملاحمین مدققی - وزیر کشور سابق - به دکتر محمد
واسرائیل سابق جبهه ملی ایران - و اورد
ن مرحله تازه ای می شود. دکتر مدققی برای نشأت
و زیم و رنگینه، شاه رده دسات با جنبه ای
کلیت عناصر را نگار شاخه های جنبش و شخصیت های
مهم بند ملی که هنوز نه مانده از اعتراض بار
کشته را حفظ کرده اند، تشکیل دهد. مدالله
نظام رئیس اسبق شرکت ملی نفت ایران، شاپور
بختیار وزیر حزب ایران و بنی چند زغال فتن - پسر
های روی کتونی جزو پاران دولت مدققی با هم
آمده می شود. در حالی که جبهه ملی ایران به
روشنلویسی اعلام کرده است که با دولت عباسی
دکتر ملاحمین مدققی و هر دولت نظیر آن که در
تاریخ کتب می بخواد با دریا خون و هزاران شهید
مردم معامله کند و از این ابله اودیبه یک خود
نمای بگریز. همواره خود کدر، دکتر مدققی در
توسیع دایره پذیرش پیشنهاد دربار - که دکتر حسین
روشن فکر خود روزه درباری باید! - رها و
دکتر اکرامی به روشجو رده است - گفته
است: "با بدگاری گویده شاه از صورت یک
پاشا معال باشد، به صورت یک شاه مشروطه
درآید. باید به حال چون کاش ای موفقی
تشریفاتی داد."

اما در حال که دکتر مدققی و همکارانش
های او به میان عام خود رانه پیشه مهاگردن

آریا مهرموش ، این مار هفت خط افقی حورده اند ،
 شاه برای احضار آن پندیده ، دارکارت دیگری هم
 می بیند ، به دنبال راه سیاسی و نظامی عظیم
 تاریخی روزهای تا سوا و عا و اورا که به منزلت
 درنگی که می باشد ، رژیم شاه نحوه امیرالمسلم
 بود ، فرماندهان نیروهای به شاه ارتش و
 نظامی و شریانی به شاه تمام در برابر
 دعوت شدند ، شاه در این عیافت به زورال های
 مزدور خود توجه گرفت تمام قوای را از
 نگهداشتن ایران و درجه داران بکشد ، تمامی
 در جات عقب ماند ، فرمان را به آنها بدهند ، خواص
 و بارها نمی ندر اختصار خوانده ، آریا پیکارند
 و محل تنخواه گردان ها هر چه می توانستند و
 بخت کنند ، حقوق را از آنها کجا که هر صدای اعظمی
 را درگلو خفه کند با لیسرو قتل علیها ...
 در همین جلسه که در شاهگاه روزگار
 تشکیل شد ، طرح های اساسی برای درهم شکنی
 چنین سراسری مردم و به خون کشیدن آن سراسری
 شد ، شاه در همین جلسه گفت :
 ممکن است در روزهای آینده تصمیمات
 شدیدی بگیریم

دیکتا تورها و قمارها را عجبی هستند ، آن
 ها پادشاه را کند و توان فرست می کنند ، اما از این
 بدیهی ترین درس تاریخ سراسری گیری ، شاه
 و وزرگ هم از این قمارها با خوارا که می باشد که
 نمی دانند با کسی خوانده بدین تصمیم گیری را و او
 در جمانش نمی گیرند ، این مردم اندک با بد حرف
 آفرارند و آنها در نهایت که دروغان غیبت
 شهیدان خود این حرف اجتناب ناپذیر رده اند .

اعتصامات عموم، سراسری و نامحدود را با تظاهرات سیاسی هرچه گسترده‌تر یامیزیم

دړخیم همچنان خون می ریزد

بعد از ظهران بیرونترین نظرات در مشهد پیر
گزار شد. در این شهر که مردمان سرسرخان خود را
به آن رسیده بودند بیش از ۱/۵ میلیون نفر در
خیابان‌ها به حرکت در آمدند. پیکارهای روی
آشما هزاره‌ای ملی و گورنیک بی‌غایت سرنگونی
روزمی و مصلحت‌طلبی پهلوی نوشته شد. بود در میان
مصلحت‌خواهان جمعیت عمل می‌شد.
دروازه‌ها را مردم در چندین میدان شهر مجسمه
های سنگین و نفرت‌انگیز، شاه و پدرش را با تیس
نگه‌ها به دروسات و مراکز دولتی و خصوصی عکس
گرفته‌اند و پدرش را به زیر آوردند.

گیا شان

[illegible]

روزہ رزمی ۸ میلیون فکری

روزها عاونا حدسها ریشتری بر اثر آگاهی و تلاش روزان مذهبی و مردمی جبران اند، اما هم در روز اول هم در روز دوم راه پیمایی و تظاهرات گروه های مختلف ان به صورت پای کردن می روید که اکثر اعلامیه های سیاسی و احادیث مذهبی که بخشی می شد با بدود و بارها چسباندند شده بود هرگز از استبداداری که تجلی نوعی انحصار مطلق و تحصیل خواست و عقیده به دیگران و چشم پوش بستن به روی دیگرگمتندان و همراهانی که در دسترسند، اما با گیزه و خواست و آرزوی متفاوتی می میدان آمده اند، بود، با آزمان اعلی را و پیمایی و تظاهرات و مبارزات مردم که دموکراسی و عدالت ورستی کنی استبداد و تبعیض و نابرابری است، در تمام ادراک قرار داشت. هنگامی که ظاهر کنندگان در شمارهای خودهم در فضاها ۱۷ آماده ای پایان راه پیمایی کلیه حقوق و آزادی های اقلیت های مذهبی راه رسیدت می شناسند احترام و رمایت آن را واجب می شردند، چگونه می توانند در عمل بدین ترسین حقوق دیگرمزمزان و همراهان سیاسی خودرا که مانند آنها در راه بر نداشتن ظلم و دیکتاتور و جهل و خشون داده اند، شهیداده اند، به زندان افتاده اند، شکنجه دیده اند، هزارها کشته و زخمیان بر نهان شده اند تا بدین بزرگترین سربازگردانند؟

مختصرترین منبع نیروهای بزرگ جوان انقلابی و انقلابی سراسری ایران در این است که کلیه طبقات و اقشار و گروه های ملی و دموکرات و حق طلب و دینداران و جمهوریخواهان و قشری طبقاتی و هدف و اشتیاق و تا بهایلات خود را تعقیب می کنند، به تنوع و تنبیه در هر مرحله از مبارزات مردم میهن تا به تنوع و تنبیه تحت اشباع و ودمت نظرات است. بهشت ها و جنگ های ایران به تنوع آلمان ها و خواست ها و انگیزه ها و تفاوت طبقاتی و گروهی را در نظر نگیرد و با تنوع اندیشیدنی، در راه مردم و گروه های خود را می نهد. به دست آوردن رهبری جنبش و تنوع و اشتیاق را طبق تحلیل شماره و گرایش های گروهی خاص به ندهد گرایش تا بهایلات و حضور امر دیگری با این گرایش ها می نهند. به تنوع و اشتیاق می شود. برخی از این نوع تعویض و حرکت، جنبش را از درون تحلیل می شود به تنوع می کنند. به تنوع و اشتیاق می شود. برخی از این نوع تعویض و حرکت، جنبش را از درون تحلیل می شود به تنوع می کنند. به تنوع و اشتیاق می شود. برخی از این نوع تعویض و حرکت، جنبش را از درون تحلیل می شود به تنوع می کنند.

اگر از این سبیل که در کنار کوه و بهرزی
تظارا هرات اطروهای روزهای ۱۹ و ۲۰ آذرماه تنها
کتابخانه ای استثنای در گالا قلم ترسیم جهان
نظر در گذردیم، و اگر مشاهدایی از این قبیل را در
نظر آوریم که محدودی از کسانی که با اهل علم
می گویند تهرانی هستند بخشی از تظارا هرات به دست
فرمانده و ساکنان اغلب بی نصیب می ماندند
- همان ها بی بودند که در کوه های مختلف، در
مناطق بلند دیگر ناستوری غور انجام می دهیم از
شکاری و شایسته مستقیم بر سرش می بینیم ۲
با بی ندانندگی از این واقعیت تلخ برای آینده
پیشتر و بیکار مردم تهرانی بهروزیم، از وقت در
برابر عظمت بی همای رزم تظارا هرات این روزها
تا بنوا و شاهزادگانگری درود افشاشی،
و تا به امروز احساس می شد داشته باشیم.

به ضرب گلوله ارباب درآمدند و باروز بر سرکات
 بهای نقش زمین شدند و در خون غوطه خوردند. شکار
 مردم از آن صحنه شروع شد. بودند افرادی که با ت
 منیع هیور و برادران او با ت در تمام طول روز
 رفت و آمد به اطیان منع بود و نیروهای
 ارتش را بهای ارتباطی شهران کنترل می کردند.
 اما در آن ایام که در میان سربازان و عده ای از درجه
 داران ارتش اگر احتمالاً به اتومبیلی اجازه عبور
 از شهر می دادند را ندانند و سر نشانی را به عبور
 می کردند یا پوشیده! بگویند. هنوز امی از
 تعدادی از شه شه خوین اطیان و انتقام
 چوبی در زمین به شه از مردم آزادبخواه امی شهر
 در دست نیست و لی بهیاستن های شهر میسوا از
 روح و عین و خیر خود را است. تعداد زیادی
 میرو عین خودخواه و ست جنایت جدید به اطیان
 و کشته شدن ده ها تن از مردم مبارز آزادبخواه
 می بین شد.

مميزوار

در شهر سبزوار در شب تا سواد در مسجد جامع این شهر مردم اجتماع کردند اما موران به طرف آن ها نرفتند و از آن روی کرده و دره زیادی راه خاک و خون کشیدند. دوشنبه رفته دشگان این حمله دشمنانه به مردم سبز زنگ زدند. دانشوی دانشگاه تهران، و مطهری، پریشلی تا می داشته اند. در روزهای تا سواد و عاشورا در این شهر تا راه و راه بهیما می تنظیمی علیه شاه برپا شد و مردم قسم یاد کردند که پسین به پیروزی نهای و سرنگونی شاه و نظام سلطنتی بهیما راه ادامه داده و از هرگونه معامله و رست و آمیختن با موران انتقامی می ژانند و مردمی خود اری کشند. دهها هزار مردم در این ظاهر ظاهر می یاد کردند که اقوام نظامی می خود را طرد کنند و به خانه خویش اری دهند.

مل

از آمل خبر می رسد که در روز شنبه سردرد و
سربازان در این شهر به جنگ و گریز دست زدن که طی
آن جوانی به نام نعمت مجبی کشته شد. در روز
پنجشنبه دو فریدون گنابراثر شیراندازی ما مسوران
به سوی عده زیادی تظاهر کردند بهیچ از هفت نفر
کشته شدند.

از تبریز و همدان و بندر عباس نیز گزارش‌هایی
رژها را تهنیت‌های مردم علیه شاه و رژیم
ستبد سلطنتی او در روزهای تا سوا و عاشورا رسیده
است.

شکاف در نیروهای مسلح رژیم عمیق ترمی شود

ارزش جلوگیری کند.
 ژیم شاه که از روبرودن سران با صوف
 میلیونی نگاه داشت و مکرراتی که مردم وضعت
 دارد، یک دوروی که نگاه را برنگرد و بی
 سابقه مردم دیرتران، هرستان هاستندنیرو
 های مسلح خود را با خان های اعیان شهنشاه کرد،
 مرغی تمام آنها را نمود و در تمام پادگان ها
 سران از اندانی کرد و از ترس نرسن سران
 ازادان فکند به اوجدهای مده و پادار و گشتنی
 خود را نمود و شهاب گنج تعدادی از رشتان
 و روبرودن در خست امواض حاسی، گاه های
 بلندی، ساگز با او گاه های زوال های
 ارزش و سرمایه داران بزرگ با تانگ و زهریوت و
 طبریز مجوز به مسلح محافظت کرد.

با این همه سربازان میهن پرست زهر غرضی برای ابراز مخالفت و تظاهرات نیست به رؤیای جنگ با دشمنان و دشمنان خود می کشند. روزی ما را در شهر زفرول سربازی که حاضر نبود به روی میهن نشان می کشیدند فرماده مدووشی را به رگبار گلوله بست و در همان سرباز محافظ خانه استنداد در یک لحظه مناسب استنداد را هدف گلوله قرار داد.

نا خیزانی و شورش در صفوف ارتش تا بدان حد افزایش یافته که رژیم به استخدام مزدورهای گسترده مردم مبادرت ورزیده است. طبق آمارهای رسیده ۷۵۰۰ نفر از جنگجویان باطله‌ای بازرسی، به باغیاتی‌ها و جنش مردم گردستان عراق به آشوب و امپریالیسم آمریکا بهانه هزد، توسط رژیم با حقوق ماهانه، بیش از ۱۰ هزار تومان پرداخته اند و بعد از تعلیمات نظامی و سیاسی با درجه گروهی به این استارتی به خدمت رژیم پیوسته، شاه داده اند تا رگستر مردم مبارزان ایران شرکت میوند.

[illegible]

گزارش‌های رسیده از نظام‌های ملی و آزادی‌خواهانه مردم اصفهان در روزهای تاسوعا و عسرا حاکی است که در این دوره که به حق به روزهای فراموشد ملی شهرت یافته است صدها زن رنجر از مردم اصفهان با پلاکاردهای مختلف در حال گه‌گه رزم شاه ساک ، اغارتگران ثروت‌های ایران ، و ضرورت گشتن با وجوای امریکایی و برپه آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت تبعیدشدگان سیاسی خارجی دادند در حالی که به راه پیمایی پرداختند. برپه‌ها نظیر ماه‌شور مردم‌گشتن و صبحگاه شاه و پدرش را که صبح گشتن و وطن‌فرشی کردند در میدان‌های ۲۴ آفتاب‌نیز میدان پایشین کشیدند و آتش زدند و در اطرافش به پایکوبی پرداختند. ما موران نظامی که از ترس می‌پروند سربازان مردم به دستور فرماندهان خود از خیابان‌های اصلی و مرکز تظاهرات مردم دور نگذاشته‌اند و بودند تا نگاه به طرف تظاهرات کنندگان هجوم آورده و مردم را به گلوله بپاشند. خیابان محدوده شاه صحنه شدیدترین برخوردها بود. در این میان مردم به مقرات و یک کلانتری در مسیران حمله کردند آنها را به آتش کشیدند. از داخل اتاق‌های ساختمان ساک به روی مردم آتش گشوده‌ود در نتیجه ده‌ها نفر شهید و عده زیادی مجروح شدند.

بروج
 و نه د نال په خطا هرات سراسر مښ وښتر لېد
 شاه و زړم اتينده سلطنتي اواز باغ پ م صبح سده
 شنه شپوره واي خطا په سر اترده په پ م صبح سده
 نظامي او شکره ازاد دواړو هياتو پخني شپا لېدل
 و ښور وځنگي په هياتو باور وڅرندونه شپا هياتو و
 مړدونه با منديک تر شا خال د نه زمان جنگ رفتار
 گړدونه و هياتو سوي مردم و کچه و هياتو
 و دال و توبسپل ها آتش ځوښودنه. دهان، کوک،
 و دواړو و خپلي فعال غريمال د آغوش ما درناش و

شکاف در نیروهای مسلح رژیم روزبه روز عمیق تر می شود و بر تعداد اسیران ، درجه داران و افسران میهن پرست و شرافتمندی که حاضر نیستند دست های خود را به خون مردم بی سلاحی که جانبا زانده در راه آزادی و استقلال میهن مبارزه می کنند بیاورند ، افزوده می گردد .

[illegible]

گزارش های آشوبی سرپا زان درها دگان های
نظا می زیم سبب نظیر می، به افت
و لویزان در تهران و لشکر ۱۷ هزاران به ما رسیده
است. دروزها و شوراهای سرپا زان درها دگان
لویزان به فرماندهی خود در کربلا سرپا زان دگان
هنگامی که ایران می گویند نباید صرف غذا در کنار
سرپا زان آنها راحت توبه فرما رهنه، دانش
گشوده اند. در نتیجه برخوردی که روی داده ای
گفته و دهها نفر فرماندهان مجروح شدند؟ این
در مجروحین در بهارستان می نیروی هوایی بمباری
هستند. رژیم با تمام نیروی تلافی می کند از دستار
ایا در صورتی که فرماندها ها شوخی های در

سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمہوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

نویسه نامه

سال سوم، شماره ۶۳، شنبه ۲۲ دی ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

مردم قهرمان ایران! با اتحاد و تشدید مبارزه توطئه خونین استبداد و امپریالیسم رادار هم شکنید

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

این سوالی است که نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم در مجموع خود موظفند بدان پاسخ دهند. حزب ما بر آنست که با توجه به تصحیح روزافزون بحران که گلبه شون کشور را فرا گرفته، به علت وجود یک سلسله عوامل و امکانات عینی، گسترش بازهم بیشتر جنبش و پیدایش اشکال نوین مبارزه ضروری بوده. برای مردم اجتناب ناپذیر است. مسلم است که جنبش با تا مین رشد شرایط ذهنی هماهنگ با عوامل و امکانات عینی می تواند رشد پرتوان خرازاگشتون را نیز تا مین نماید.

پراکنندگی در صفوف نیروهای اپوزیسیون و عدم رهبری سیاسی و برنامهمندانه، واقعیه مشکلی است که تریب ناسیسی های جنبش متضادانه همچنان ادامه دارد. خلق مبارز ایران امروزه رژیم تبه کار، مردم بی سلاح راه رگبار مسلسل می بندد و زیر شکنجه های تا ننگ می کشد و با قتل عام بی سابقه آنان سبیل خون جاری می سازد. با قاطعیت هر چه شما مشر خواستار رهبری هماهنگ سیاسی است. با چنین وضعی پیش از همه وقت آن رسیده است که نیروهای اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های اپوزیسیون قدری هم از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات مفید و مسلکی و شخصیت های منفی را کنار بگذارند و به این ندای به حق مردم پاسخ گویند.

زلزله در ارتش شاه

در آخرین و مهمترین باهگاه رژیم ورشکسته شاه زلزله افتاده است. درحالی که بسیاری از افسران و درجه داران پشت های خود را ترک می کنند و فرار وسیع سربازان از پادگان ها و سربازخانه ها شتاب دوار انگیزی یافته است، خبرهایی که از درون ارتش می رسد حاکی از بحران شدید قلبان و بیسی تایی در این نهاد است. باقی مانده رژیم استبداد طبعی است. به دنبال حوادثی نظیر کشتن شدن چند تن از فرماندهان جزا و قهر در می دریا غشاء به دست سربازان و حمله مسلحانه سربازان میهن پرست به هلی کوپتر سپید خرواراد، سوگلی خون آلوده شاه - در هوا نیروز، دستگیری گروه بزرگی از افسران و درجه داران نیروی هوایی، ایجاد خطر در دیوار پادگان نیروی هوایی و فتنه از این سرباز با مقامات و معشایان و فتنه از این رفته، گزارش های موشق از دستگیری و غنیمت گروهی از نظامیان میهن پرست ایرانی با کلاهخودهای آهنی از بدن در پادگان جی آگاهی می دهد. حضور کمانده های اردنی در ارتش ایران درست در لحظه ای که جنبش انقلابی خلق های میهن ما با شتاب ریزان شهیدواران بخارا انگیز ترین حماسه های روز و قیام و جان سازی در کارواژگون سازی بساط نکستی و خونین سلطنت و استبداد وابسته به امپریالیسم جهان خوار، با توجه به اعتبارات مالی شکست عربستان سعودی به شاه - در حدود ۵۰۰ میلیون تومان - و وروددها گارنشای به اطلاع دشواری سیاه تهران نسبت عنوان دیپلماتیک تارت آمریکا و افزایش تمسداد مستشاران نظامی و جاسوسان آمریکایی در میهن ما تا بهار زعفران، از دست توطئه ارتجاع و امپریالیسم جهانی علیه جنبش ملی و آزادیخواهان، - مردم مستحور و بی ماکتبی می کشد. حضور ناگهانی کمانده های اردنی در تهران در ضمن بی اعتمادی و سوء ظن شاه رابه ارتش ایران که هر روز از اودورتر می شود و عناصر موفقی از آن به جنبش حقیقت و آزادی یعنی مردم می پیوندند، به وضوح نشان می دهد. در همین حال دو حادثه مهم در عرصه ارتش ایران از روندهای تجزیه باهگاه نظامی حکومت استبدادی و ناستواری روز افزون این سگجوی جیش رژیم که سالهای متضاد اساسی ترین ابرار سرکوب هر طراز هر حرکت آزادیخواهان و وطنی سلطنتی ماکتبی می کشد. یکی از این رویدادها طبعیان و احدهای ارتش در روز ۲۷ آذرماه در تبریز بود که طی آن سربازان ارتش کثودن به روی نظر گرفته گندمان پرمیجی کردند و اکثر آنها به نظر افسران گندمان پیوستند. آنها همراه مردم نیروی که از پادگان استبداد دوست توانستند امپریالیسم مر میهن و زادگاه خود به شوه آمده و برای محرو این تدبیر شیع در برابر تا ننگ ها و مسلسل ها صیبه سرکوبه بودند و در پایان های شهر تبریز به دان شمارهای پرهیبت و آفریسیایی پرداختند. مردم لباس های خود را از تن غار کردند و به این برادران نظامی خود پیوستند. سربازان در آتش مردم گریستند و مردم با رانی از تفلولک ببر سروروی آنها با شدند. سربازان فریاد می زدند: شوکت بر آنها که ما را از شاد گد کرده اند. بر مردم در تونگ از آتش و گل و بویه و ششاهای رنگارنگ و سربازان را بر دوش گرفتند و بر سر دشت بلند کردند و تفرار کردند.

- تنگ بر آنها که برادران را از هم جدا میکنند - پیوند سربازان با مردم چنان ریزم را وضعت زده کرد که بلافاصله به تعویض سربازان و اعزام فوری سربازان تهران و شهرهای دیگر از طریق هواپیما به تبریز پرداخت. اما سربازان تازه وارد نیز اعلام کرده اند که حار میسند به روی هم میپایان خود آتش بگشایند. بحران در پادگان تبریز همچنان ادامه دارد.

هفته پیش از این واقعه تکان دهنده دیگری در لشکرگارد واقع در پادگان لویزان رخ داده بود که فرمانده محترم این رژیم فدا خلقی و سرسپرده امپریالیسم را آوازی می داد. در این روزگروهی از سربازان میهن پرست و جان شازاد رجا بود که تا کنون مستحکم ترین باهگاه شاه بوده است. به همراهی یک سروان و یک ستوان و فادار به آرمسان های میهن و مردم (از گردان تا یک به - مزدور ترین افسران و فرماندهان فدا خلقی حمله ور شدند و به قاصی غنایاتی که آنها هر روز در لحظه علیه مردم قیام کرده از ظلم و استبداد مرگ کتب می شوند، به خاک و خون نشان کشیدند. در این حمله مرتبب صیبن مدری، سرهنگ نیم آبادی، سرهنگ ملی مگوری (فرمانده ۵۰۰ تا ننگ رجا و پادگان) سرهنگ میسندی، سرهنگ صناعی فرد (فرمانده گردان تا ننگ) سرگرد مرجانی (معاونت دژبان پادگان لویزان) سرگرد مهرادی، ستوان یکم کلا حصی همراه با گروه دیگری از افسران گاردا ششاهسی کشته و گروه دیگری به شدت مجروح شدند که حال برخی از آنها به شدت وخیم است. جمع کشته شدگان ۱۲۷ نفر و ۲۱۰ درجه دار و سرباز است. حتی از هفت

نظارات و اعتبارهای اجتماعی و سیاسی دامن گسترده سراسر کشور را گرفته رژیم سلطنت استبدادی معمر شاه را پیش از پیش به سوی انهدام می برد.

روزی نیست که مدتها و هزارها مبارزمیهن پرست به دستور شاه و حامیان امپریالیستی آن به خاک هلاک نیاقتند. یورش های سیاهانه رژیم به توده های زحمتکش روز به روز شدیدتر می شود. صدای رگبار مسلسل ها و غرش توپ و تانک ها که در این روزها تهران، تبریز، آبادان، اهملان، مشهد، شیراز، سنج، میباد، همدان، گرما شاه، قم، اهواز و دهها شهر و شهرک دیگر کشور را به لرزه در آورده طغیان خونین جدیدی بر تار و پودر کشور را به لرزه در آورده. سراسر جهان به نبردهای قهرمانانه و جان شازاده رژیم ایران علیه امپریالیسم و دست نشانگان داخلی آن به دیده تحسین می نگرد.

مرد ایران خواستار آنست که بساط ننگین سلطنت برچیده شود، یک دولت اشغال ملی بر سر کار آید که بتواند دموکراسی و استقلال ملی، رفاه و زحمتکش و با لسان را اقتصادی کشور را تا مین کرده و مجلسی موثر را برای تدارک قانون اساسی و مصلحتیات امروزی تگال ایران و جهان برپا کند. انتخبات آزاد و همگانی تشکیل دهد.

اکثریت قاطع مبارزان انقلابی که قهرمانانه پای در عرصه، پیگیر رست و خونین با دشمن فدا و مکار و حیله گر گزاده اند و از هیچگونه فداکاری و جان بازی مضایقه ندارند، خواهان تحول بنیادی عمیق در جامعه هستند.

ولی رژیم که از حمایت بی دریغ امپریالیسم برخوردار است با پامال کردن ابتدایی ترین حقوق و آزادی های دموکراتیک و تبدیل کشور به کشتارگاه میهن پرستان، امکان هرگونه نظارات سالمیت امپریالیستی ایران را از نظر حق مسلم و قانونی مردم است از بین برده و عملا همه راه را برای مبارزه سالمیت مردم بستم و آتش جنگ داخلی را در کشور دامن می زند.

و اما سوالی که اکنون برای توده ها مطرح است این است که: چه باید کرد؟

توطئه جدید شاه-آمریکا

زود بیندهای پشت پرده همچون در نظر گرفتن مردم و به حساب آوردن خواست های آنها که اینک بسا در پاریس از خون و رنج دستک شده - سرانجام به صورت حکم نخست وزیر و دستک غلام حسین مدعی از طرف شاه مندرجند. تلای نیروها و رهبران ملی برای منصرف کردن دکترومدی از پدیرش مسئولیت نخست وزیر - که هیچ یک از ارجال و شخصیت های با نفوذ سیاسی و زیر باران نرفته اند - هنوز نتیجه نسیده است. دکترومدی که در کاخ پنهان دکترومدی وزارت کشور را به - تهدد داشت بیگانه از این حکم نسیخ معروف - توبه گریگ مرگ است - بر آنست تا به گمان خود از شاه مستبدیک شاه مشروطه سازد و او را در چاروبوب قانون اساسی - محبوس کند. گوییم انشین آموزگار بزرگ انقلاب در پاریس چنین سباده پندارانی بزرگ گفت: "لطیفه و اربابان و معهود کردن از مکتوبات استبدادی کافی نیست. باید آن را نابود کرد. مادام که حکومت استبدادی تا بسود نشده، گذشت های تزار (بگوشاه) همواره نا پایدار خواهد بود. هر وقت فشار انقلاب شد یافته، سلطنت مطلقه گذشت کرده است، وقتی این فشار ضعیف شده، تمام گذشت ها را پس گرفته است." (مقاله درس های انقلاب)

در خواقین دکترومدی، دژیم تاجدار که همه زود باز به روی خود پستی می بیند، تمهید کرده است آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، محدود شدن اختیارات با واک و تنظیم نه مرجعیت یگاران را به رسمیت بشناسد و به آن تن در دهد. تجزیه قوای به گانه صریح، مقننه و قضائیه از یکدیگر بر دشتن سلطه قوای مدعیه از دوفه دیگر تا مین شود، هر چه زودتر زمینه آزادی انتخاب برای تشکیل یک مجلس ملی فراهم آید، اختیارات محاکم میسندی به دادگستری بازگردانده شود... اما علی رغم این طبق نشینی های کاتکتیکی ارتش، این ابزار سرکوب خلق و چماق همیشگی تاجدار شاه، در دست بزرگ جلادان باقی خواهد ماند.

سازندگان از رهبر سربازی موفقیت این ۲۰۰۰ نفر در رژیم رومی زوال به کلاه افتاده اند. اما در همین حال آیت الله خمینی به دکترومدی پیام داده است که خودش را کنار بگذارد، وگرنه جنبش

معم و آشتی ناپذیر مردم اورا خواهد رفت. و جبهه ملی هم اعلام کرده است با این طرح سازگاری به مبارزه خواهد پرداخت.

با توجه به تلاطم ها و بی ثباتی های ارتش که هر روز این آفرس باهگاه رژیم را برای اونا مطمئن تر و خطرناک تر می سازد، و با توجه به گرایش روز افزون نیروهای نظامی به سوی جنبش، شاه می خواهد هر طور شده ارتش را از میان ها و معاصر بر پیچید تا رست منسجم سربازان و افسران بسا مردم جلوگیری کند.

شاه با حواشی و پاریان و مشاوران آمریکایی و راهبانی شاخته شده ای نظیر دکترومدی امینی با بازی کار آوردن دولتی نظیر دکترومدی که تا شید با پاره ای شخصیت ها و عناصر مرتزقل، و وشت زده و شیم بندها شیم جنبش در پشت رانست، به خیال خود می خواهد از یک سو بین مخالفان شکاف بیندازد و جبهه یکپارچه آنها را در برابر رادار و رژیم استبدادی و حامیان امپریالیست آن تا عدم صدور و پیرانی با زود از سوی دیگر ارتش متزلزل و روحیه ر باخته را که هر روز از شاه بیگانه تر می شود به پادگان ها برگرداند، برای یک هجوم وسیع و سرسبز و فدا گفترانه ضد دسازمان دهد، در میان دشمنان مورد اطمین او خود فروخته ترین عناصر و سربازی و آمریکایی را در نقاط حساس آن بکار وادارد و یک کودتای احتمالی سازد.

آقای دکترومدی با مسئولیت چنین دسیه ای را که شواهد بسیاری در تاشد خود دارد، به عهد می گرد؟

و مردم... آنها که برای پایان بخشیدن به حاکمیت شیم و پهلوی و شکنجه شهرها و روستا ها را با خون پاک شریف ترین فرزندان خود رکنین کرده اند، پس از این همه محنت و مصیبت و درد، به این نوع شبنامی ها که دست امپریالیسم آمریکا از پشت صحنه در کارگردانی آن به چشم می خورد، شام نموغ سیه ارتجاع داخلی در ماه گذشته شده است، با لبخند استیلا می نگرند. آیا وقت آن نسیوع با ریش و تانق های شیم ضد دسیه آمریکا از پشت سر مردم مورت می گیرد، نگفته است؟

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» لین

فاجعة تكان دهنده نحف آباد

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

بخش چهارم از برنامه حزب توده ایران

برنامه حکومت ملی و دموکراتیک ایران

۱- اصلاحات سیاسی

الف - تحول در سازمان دولتی

۱- جمهوری ملی و دموکراتیک ایران به پیوسته متحد و نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه یعنی: کارگران دهقانان، خرده بورژوازی شهر (پیشه‌وران و کسبه)، روشنفکران میهن پرست و مشرقی و فشرهای سیاسی بورژوازی تکیه می کنند و بر اساس اتحاد و وظایفانه کلیه طبقه های ایران بومینا برابری تشکیل می گردد.

۲- سازمان دولتی و حاکمیت ملی در جمهوری ملی و دموکراتیک ایران عبارت است از:
الف - مجلس نمایندگان مردم ایران عالی ترین مقام قدرت دولتی در جمهوری ملی و دموکراتیک ایران است که در آن نمایندگان منتخب کلیه طبقه های ایران شرکت می کنند. قانونگذاری انتخاب هیئت دولت، نظارت بر اعمال دولت و انتخاب رئیس مأمور کشور از وظایف مجلس است.
ب - مقامات حاکمه محلی برترند از انجمن های استان، شهرستان، بخش و ده که برپای شرکت توده های وسیع مردم در اداره امور کشور انتخاب می گردند.

ج - با بدست گرفتن کمیونی کثورتی برپایه ملیت گنجه مناطق مختلف کشور بر اساس اصول دموکراتیک تجدید نظر به عمل آید و هر واحد محلی مجلس برای اعمال حق خود مختاری تشکیل شود.

د - نمایندگان مجلس و کلیه مقامات حاکمه محلی از طرف مردم برای عمومی، ساری، مستقیم و مخفی انتخاب می شوند.

۳- حکومت ملی و دموکراتیک استقلال قضا را بر اساس اصول دموکراتیک و انتخابی بودن قضات تأمین خواهد کرد.
۴- مین با باید دارای نیروهای مسلح دفاعی و تأمین کننده امنیت باشد. نیروهای مسلح کشور ما باید جمهوری اراده خلق باشند نه مچری اراده دشمنان وی. بدین منظور باید ارتش و نیروهای تأمین امنیت عناصر ارتجایی و عمیقاً امپریالیست تحقیق و در سازمان آنها تجدید نظر شود. باید افسران، درجه داران و افراد نیروهای مسلح ایران از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی مانند دیگر مومنان خود برخوردار شوند و امکان انجام وظایف خود را در ارتش ملی و دموکراتیک به نحو شایانی داشته باشند.

ب- تحکیم حاکمیت ملی

۱- دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.
۲- انقاي قراردادهای غیر متساوی اقتصادی، سیاسی و نظامی و پاسی که به وسیله امپریالیسم و رژیم های ارتجایی بر کشور ما تحمیل شده.

۳- خامه دادن به سلطه، غارت و مداخلات امصارها و دولت های امپریالیستی در کشور. پابان دادن به سیاست هم پیوندی با امپریالیسم در زمینه های اقتصادی، مالی، سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک و غیره.

۴- گوش برای استقرار روابط دوستانه و همکاری برادرانه با کلیه کشورها و جهان.
۵- دفاع از منافع جهانی و اجرای اصول همزیستی سالم امت.

۶- همبستگی با زحمتکاران کلیه کشورهای و جنبش های انقلابی، رهایی بخش و مترقی.

۷- استقرار روابط دوستی و همکاری صمیمانه با همسایه بزرگ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مثابه خام من معتبر حفظ استقلال آزادی میهن مادر قبال تحریکات و تحمیل امپریالیسم و اعمال آن و وسیله نیرومند ترقی مادی و معنوی کشور.

ج - تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک

۱- انقاي کلیه قوانین، مقررات و منحل کرده سازمان هایی که با حقوق دموکراتیک و حاکمیت خلق منافات دارد. سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) که عمده ترین وسیله سرکوب طبقه از طرف ارتجاع و امپریالیسم است باید منحل گردد و اعمال جنايتکاران مجازات شوند.

۲- تأمین آزادی عقیده، دین، بیان، فکر، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تظاهرات سکونت، مسافرت، انتخاب شغل، آزادی دفاع در محاکم و معونیت های فردی از قبیل معونیت قضایی و منزل.
۳- تأمین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد کشور که به سن ۱۸ سال رسیده اند و حق انتخاب شدن برای کلیه افرادی که به سن ۲۵ سال تمام رسیده اند. صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، عقیده، ملیت، سواد، شغل و میزان ثروت در کلیه

مقامات انتخابی.
۴- شناسایی حق کامل تشکیل اتحادیه ها برای کلیه کارگران و زحمتکاران شهروند و دهالیت دادن واقعی اتحادیه ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی، شرایط کار و زندگی زحمتکاران است.
۵- تأمین حق اعتصاب برای کلیه زحمتکاران شهروند.
۶- تأمین تساوی واقعی حقوق زن و مرد در جامعه و خانواده.

د - حل مسئله ملی

حکومت جمهوری ملی و دموکراتیک ایران برقرار اتحاد ملی های ایران برپایه موافقت و وظایفانه آنها است و معتقد است که برای ایجاد اتحاد واقعی و معنوی بین طبقه های ایران بر اساس برابری و دوستی باید سیستم ملی ریشه کن شود. بنابراین این حکومت در مورد حل مسئله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار می دهد:
الف - تأمین حق کامل طبقه های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش.
ب - شناسایی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخورد داشتن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.

۲ - تحول اقتصادی

۱- تأمین تکامل سالم، سریع و همه جانبه اقتصاد کشور برپایه مستغیری به سوی سوسیالیسم.
۲- تمرکز رسته های کلیه صنعت، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی در دست دولت. کشور را دادن بخش دولتی در خدمت خلق و تأمین رشد پیگیر آن در کلیه رسته های اقتصاد.

۳- ملی کردن موسسات متعلق و وابسته به انحصارها و دولت های امپریالیستی، ملی کردن بانک ها و موسسات بیمه، صادره اموال خاندان پهلوی و سایر ماشین به خلق و میهن.
۴- اجرای تمام و کمال قانون ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، کوتاه کردن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع و منابع نفتی، جلوگیری از بهره برداری نابردانه از این منابع گران بها.
۵- به کار بستن اصول برنامه و ریزی و رهبری علمی بر سازماندهی و اداره رسته های مختلف اقتصاد کشور.

۶- مستثنی کردن کشور، گسترش منابع سنگین و سبک، استفاده از آخرین دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما بر اساس امکانات و نیازمندی های واقعی جامعه ما.
۷- استفاده بخردانه از ثروت های طبیعی کشور به کار بستن نظامی خرین شکل استفاده از منابع نفت و گاز.

۸- اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از طریق مساحه زمین های متعلق به زمین داران بزرگ و ملی کردن موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، دایر کردن زمین های با پرو موات و هرگونه زمین قابل کشت به منظور تأمین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین.

۹- تأمین مالکیت دهقانان، کشت درختکاری و تسهیل اعتبارات دولتی برای دهقانان، گسترش شرکت های تعاونی فروش و معرف به سود دهقانان، گسترش تولیدات کشاورزی و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی، به کار بردن کلیه وسائل و امکانات لازم برای حل مسئله آب، انقاي وام ها، انقاي زمین و دیگر تمایلاتی که توسط مالکان و دولت علیه دهقانان به عمل آمده.

۱۰- بسط همه جانبه بازرگانی داخلی و کمک موثر به شرق آن به منظور توسعه و تحکیم با زارد ملی.

۱۱- استقرار بازرگانی خارجی بر اساس انحصار دولتی، برابری و سود متقابل و تأمین و تحکیم استقلال کشور و رشد اقتصادی آن.

۱۲- تجدید نظر در توزیع درآمد ملی بر مبنای اصول زیر:

- تنظیم و تعدیل بودجه دولتی با توجه به اصل اولویت های اقتصادی برای تأمین استقلال و ترقی کشور و خدمت به خلق، حذف هزینه های ناسا متعاب و سنگین نظامی و تبلیغاتی و تعدیل هزینه های اداری.
- افزایش سهم انباشت، حذف کلیه مصارف زائد، تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد فرهنگ کشور.
- اصلاح معیق سیستم مالیاتی به موزعیتکافی بدی و فکری شهروند.
- بالا بردن سطح زندگی مردم و به ویژه زحمتکاران از طریق افزایش سهم آنان از درآمد ملی در مصارف اجتماعی و عمومی.

۳ - اصلاحات اجتماعی

کار، دستمزد، حقوق

۱- تنظیم قانون کار بر مبنای دموکراتیک.
۲- تأمین اشتغال به مثابه حق مسلم افراد کشور و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری در سراسر کشور.

۳- تأمین دستمزد و حقوق متناسب با کار و حوائج ضروری مادی و معنوی زحمتکاران بدی و فکری و خانواده های آنها با توجه به نوسانات هزینه زندگی (اقل متحرک).

۴- برقرار کردن مزد مساوی در قبال کار مساوی قطع نظر از جنسیت و سن و جلوگیری از زکات کار کودکان.

۵- تأمین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکاران.

۶- پرداخت مدد معاش به کارگران و کاهمندان محیل به نسبت افراد خانواده.

۷- تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفیع بر اساس آزمودگی، سوابق خدمت و کیفیت کار، تجدید نظر در قوانین استخدامی بر مبنای دموکراتیک.

۸- تعیین حداکثر ۴۵ ساعت کار در هفته در کلیه رسته های تولیدی و اداری و ۴۵ ساعت در هفته در موسساتی که وضع کار دشوار و زبان آور برتری تندرستی و بهداشت کارگران است. تعیین یک و یا دو روز تعطیل هفتگی به تناسب سنگینی و وضع کار با استفاده از دستمزد و حقوق.

۹- تأمین دو تا سه هفته مرخصی در سال با استفاده از حقوق برای همه زحمتکاران و ۴ ماه مرخصی با پرداخت حقوق برای زنان زحمتکار قبل و بعد از زایمان طبق مقررات معین.

بیمه های اجتماعی و بهداشتی

۱۰- تصویب و اجرای قوانین مترقی بیمه های اجتماعی به سود کلیه زحمتکاران و خانواده های آنها، تأمین خدمت پزشکی مجانی و دارو رایگان برای زحمتکاران.

۱۱- ایجاد شبکه وسیع درمانگاه ها، بیمارستان ها و داروخانه های دولتی مجهز به وسائل مدرن و کارشناسان در همه نقاط کشور.

۱۲- ایجاد شبکه وسیعی از آسایشگاه ها، زایشگاه ها، شیرخوارگاه ها.

۱۳- دایر نمودن موسسات مخصوص جهت نگاهداری معلولان و ناتوانان و نگاهداری و آموزش آنها، تأمین نگاهداری و مخصوص برای جلوگیری از بیماری های بومی و مسری.

فرهنگ

۱۴- رایگان ساختن آموزش و پرورش در کلیه مراحل آن (از ابتدایی تا عالی) در سراسر کشور، اجرای آموزش ابتدایی همگانی و اجباری.

۱۵- رفع کمبود دانشجو گدستان ها، دبستان ها، دبیرستان ها، ایجاد شبکه وسیع آموزشگاه های حرفه ای، هنرستان ها، دانشگاه ها و دانشگاه ها در سراسر کشور، توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطقی که از طرف دولت ارتجایی عقب مانده نگاه داشته شده اند.

۱۶- تأسیس مراکز ورزش و تفریحات سالم در شهرها و روستا ها برای جوانان.

۱۷- پرداخت کمک هزینه از طرف دولت به فرزندان کارگران و کشاورزان و سایر زحمتکاران بدی و فکری کم درآمد در کلیه آموزشگاه های حرفه ای، هنرستان ها و مدارس عالی.

۱۸- ایجاد سیستم فرهنگی ملی برای خلق ها و اقلیت های ملی و تأمین آموزش به زبان مادری در کلیه مراحل تحصیلی، تأمین اعتبار و وسائل لازم برای رشد تکامل فرهنگ ملی خلق های ایران.

۱۹- ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع موسسات پژوهشی علمی، فراهم نمودن شرایط لازم برای کار و رشد آنها و شرایط کارشناس بخش دانشمندان.

۲۰- کمک موثر به توسعه و رشد مطبوعات و انتشارات دموکراتیک.

۲۱- تأمین شرایط لازم برای رشد رسته های گوناگون آفرینش هنری، موسسات هنری و خلاصیت هنرمندان.

۲۲- تأسیس کتابخانه ها و فرانت خانه های دولتی عمومی در سراسر کشور و ام از ثروت و تأمین استفاده رایگان از آنها.

مکن و نوسازی

۲۳- احداث و تأمین مکن بهداشتی و راحت و ارزان برای زحمتکاران شهروند با کمک دولت و نیز با کمک موسساتی که این زحمتکاران در آنها به کار مشغولند.

۲۴- نقل و جابه جایی بهای مکن، موسسات و دکان ها.

۲۵- تنظیم و اجرای برنامه نوسازی شهرها و روستا های ایران به منظور تأمین رفاه و زندگی برای فرهنگ همگانی.

مسار به با فساد

۲۶- اتخاذ تدابیر بنهید و موثر برای ریشه کن کردن یک سلسله مافی و بلایای اجتماعی مانند رشوه خواری، اختلاس، احتکار، ربا خواری، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، فساد و انواع دیگر فساد اجتماعی.

سرتگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

نویسندگان

سال چهارم، شماره ۶۵، شنبه ۲۳ دی ۱۳۵۷ (وابسته به حزب توده ایران)

بسوی يك كودتای خونین می رویم؟

گسترش عصبانی علیه مصالح امپریالیسم جهانی و ارتعاج درنده و هارداغی آزاداندیده شود، تا چه اندازه قابل اطمینان است؟

شاه چه باشد، چه نباشد، ما شین دولتی باخته و پرداخته و شوم نظم فیلد و زددموکراتیک و سر حاکم، گریم که این ما شین به اشاره امپریالیسم موقتاً حرکت خود را متوقف یا تعدیل کند. این اطمینان که کودتایی که اگرچه با توجه به گستردگی بسی پرورزی کامل ندارد، با این حال می تواند باقیات رژیم های تازه ای برای مردم به ارمان آورد. اگر ما گریس مدلل می کردیم که "اندها می آید و شین دولتی آن ضرورتی است که منافع کارگران و دهقانان را بحال می کند و آنها را با یکدیگر متحد می سازد و در مقابل آنها وظیفه مشترکی قرار می دهد که با سرکشتن از برادارشان "انگل" و تنویشن آن به یک چیز تازه "در مملکت ما شروع می نماید" شرویم بر خرد کردن ما شین دولتی به معنای از میان برداشتن خطر بورژوازی با گهائی ارتعاج و کودتای جو را جورفدلی و طرایی انواع توطئه ها و تشدید گری های سیاسی و نظامی است. تا وقتی محتوای رژیم دیکتاتوری عمدتاً دست نخورده باقی مانده، هیچ چیز به طور اساسی تغییر نکرده است، گریم که در عین حال هیواها و آموزگارها، بخشا راها را هر شود در عین دعای آزادی از دموکراتیک کردن ما شین توسط شریف امامی ها، ادعاها می نماید دیگری با قسم و آیه های سوزناک به گوش رسد. لیس در هیچ بست تحریکات گراسا را انقلاب ۱۹۵۵ اروسه، قانون عام همه انقلاب ها را بر اساسی می گذارند:

"لطمه از دست دادن محدود کردن دایره حکومت استبدادی کافی نیست، باید از راسا بود کرد، مادام که حکومت تزاری (نگونه) نابود نشده، گذشت های تزار (شاه) هیوا را با بسا ساز خواهد بود. هرگاه فضا را انقلاب بدست یاف تزار (شاه) گذاشته است و وفقی این فشار مضیف شده، تمام گذشت های را بر گرفته است، فقط به یک آرد. جمهوری دموکراتیک، واژگون کردن حکومت تزاری و انتقال قدرت به دست مردم می تواند کشور را از راسا رز فعال ما شین به حال دولت، از جنگ باندهای شاه و... برهاند."

(مقاله در سبای انقلاب)
این مقاله مهم برای آن نیروها و سازمان ها و عناصر مخالف رژیم نیکه تنها استفاده ای با از این بیشتر، برجسته شدن بساط سلطنت را بدون تاکید بر روی محتوای شخص و روشن شکل حکومتی که باید با یکدیگر از خود به مناسبت پیروزی انقلاب تلقی می کنند، به شدت قابل طرح است. ما راکست ها بر آنیم که انقلاب سیاسی صورت و محتوای (شکل حکومت به معنای حکومت) با سارگرا این است که محتوای آن تواتر تحت اشکال مختلف نمایان گردد، محتوای رژیم شاه با کم و بیشی که بر اثر مقتضیات ممکن است در آن رخ دهد، می تواند فی المثل حتی در شکل جمهوری نیز منظره شود (نوعی از کودتای نظامی امپریالیستی بساط سلطنت را بر چیده با محتوای مدخلی، دموکراتیک و دلیتی رژیم را در شکل جدید ظاهر و بر جمهوری حقیقت کند). از این دیدگاه است که در چشم اسداز چنین برخوردی انقلابی خلقی می بینیم ما، در صورت تحقق آن، علاوه بر یک کودتای درنده شیشه فاشیتی به شیوه "شلی، کودتای امپریالیستی و مدلی با چهره ملایم تر و زینت ملی گری و مذهب گرای سیرجستل است، به چه ما شین توطئه های فدا انقلابی و ضد مردمی با چه بساط سلطنت و تحریکات داسدار، اما طرایی، در شکل ما شینو های حکومت کنونی و با عوام فریسی های حسا شده و ساینات اغوا کننده طور کرد، انقلاب ایران برای روبرود با چنین سبیه های که هر با زمان گروه و حزب و انقلابی و رزیده نمی تواند و نباید احتمال وقوع آن را از نظر دور دارد. باید از بین تدارک لازم ارمیده باشد، تجربه مبارزات انقلابی میهن ما و دیگر کلمل جهان گویای این امر است که هر جا امپریالیسم از پیروزی میروانداخته شده، می گزید اردن با سالی دیگری وارد شود و قیاسی با ساری و صحنه ساری و تانک های میروم بسواست بر مردم چیره شود، کوشیده است آن را در خون و مرگ غرق کند. با بدگاه و مهیا با شیم، حش انقلابی میهن ما در صورت مواجهه با هر شیخ و دستبرد فوئیس و ضد مردمی که میروانداخته و زن سبیل و بال های گسیده اش، "با نیرویی خودی خود و مفاومت با بدیدارین محدود

"... شرط مقدماتی هر انقلاب خلقی واقعی این است: ماسین بوروکراتیک و نظامی از دست می به دست دیگر داده نشود، بلکه درهم شکسته شود..."

(مارکس نامه به کوتلسان)
و هر کس به هر بهانه و با هر پوشش و عنوان بخواد از خوردن ما شین دولتی رنگ زده، در میان پنجه های توانای انقلاب ایران جلو گیری کند، با دراه این وظیفه سنگ بیندازد، با حتی این وظیفه حیاتی - و مقدماتی - را از نهاده ها بهوشا ندوید به نحوی مخدوش جلوه دهد، تنها با سبیه گ نام است: فدا انقلابی... و فدا انقلابی امروز فقط به معنی دارد: فدا مردم...

شاپور بنیادریکی از این طراران فدا انقلابی است. نخست و زیری که می خواهد از گذشته "که خود سر را از علامت های ابهام و سوال است - شل و جات ملی" بسا فدا پرورش بیندازد، بر آنست که شاه را فرار بدهد، تا رژیم او را حفظ کند، ما شین دولتی استبداد را تا عمیر و نوسازی کند، تا از درهم شکسته شدن آن پیش گیری، در برابر انقلاب تعطیل کند و محیز آن را بگوید، تا از پشت به آن خبر بزند، در انقلابی ترین و زنده ترین شرایط اجتماعی که توده های میلیونی با شامت افسانه او آگاه می سیاسی بر نیرویی قیام کرده اند، با اصلاحات نیم بند که آمیخته با انواع زد و بند های پشت پرده است - بر آنست انقلاب آب بپاشد، او در همان حال که رویه مردم می گوید: "فقط دوماه به من مهلت بدهید" خطایش به امپریالیسم و سامیان و "شکا" رژیم در دستک های اداری و نظامی است که دوماه فرصت می عوام تا این مردم انقلابی را که به چیزی کمتر از یک نظام ملی و دموکراتیک قانع نیستند، رام و آرام کنیم. اما همین مردم ساده که آگاهی شان، قوت انباشت، با پرورش باوری می برسند: بدون واژگون کردن و اقدام ایمن ما شین دولتی که استبداد مدلی برای حفظ و حراست خود ایجاد کرده است، رسیدن به آرمانهای ملی و دموکراتیک چگونه ممکن است؟

لنین می گوید: بهترین مختصات ما شین دولتی وجود دو دستگاه است: دستگاه اداری و ارتش دولتی. نخست و زیر مدعی آزادی سازی و آوازه خواهی با حفظ مجلسین رستاخیزی، در بار و زیر جتر شورای سلطنت، با زمان قیاسی و گریش در برابر قوانین فدرمدمی که دست پخت آشپزهای های دربارتی و سیستم بوروکراسی عسارت استبدادی و سینه به میری، نتان داد که با کمی رنگ و لعاب و تدارک، ما شین دولتی گندیده و گریز خورده گذشته را، زیر بال حمایت و تائید خود گرفته است. اما در مورد دستگاه نظامی رژیم...

ساواک اساساً منطبقی خود را در عمل حفظ خود، تقسیم وظایف و امکانات این سازمان را به سبب و ضرورت و ریشه ها شد در "شیا" (سازمان جاسوسی آمریکا) و دستش در دست "موساد" (سازمان جاسوسی صهیونیستی) ا سرائیل) و سرش در خور استبداد سلطنتی و فاسد ترین قهرهای طبقه حاکمه است، در میان سازمان های دیگر خود را از انقباض و سبیه ها و سازمان دزخی و مشول و عامل پیکتاران که سال های سال در این سازمان با گسترش با اختیار و ناسا محدود و هوانا که ترین جنايات مداسانی را مرتکب شده اند، و حفظ مداهرا بر پرده و مدارک بسبب اصلاح حرم که با اعتبار در بر نیکه های وحشانه و اقسام دسیسه چینی علیه مبارزین و شریف ترین فرزندان این رژیم فراهم آمده، اثبات این واقعیت است که ساواک به خاطر رسوایی اش تغییر مایک داده و متعاقباً با شرایط و مقتضیات جدید تجدید سازمان می کند.

در ارتش و نیروهای نظامی نزدیک ترین و وفادار ترین تنجه های شاه در اس قدرت قرار گرفته اند. شغل وزارت جنگ توسط دژیم شناخته شده ای نظیر ارتشبد شفت، ژنرال آجودان، مخصوص شاه که دستش تا رنج به خون مردم دلاور در باجهان آلوده است، ربات نیروی زمینی توسط غلاماوردی و ف شاه سپهد بدره ای، فرمانده سانی گارد و ابدان، نیروی هوایی به سلسله سپهد رستمی که در نیروی و فسا و در ارتش ضرب المثل است، ربات نهاد ارتش توسط تک حال در بار ارتشبد فرم باغیسی، فرمانده هوانیروزی توسط آدمکن مطلوب الحالی نظیر خرواد و غیره و غیره، به وضوح نشان می دهد که ارتش به طور دسیسه مطبعت ترین مهره های رژیم شاه سیر شده است، ارتشی که موامع گلمدی آن موارد در کابلان سلطنتانه با سبب دردست مستاران و کارشاهان آمریکایی بوده و با تروست و روحیه آمریکایی سازمانده شده، به سبب برای مردم، حتی برای بخشا روجبارها - آساکه احبابا

ماهیت انقلاب ما و مسأله انحصار طلبی

انقلاب ما که اینک با مستقر شدن توده های کارگر و دستگیرهای مفق و بی گیری بیشتر و محتوای حاصل پروری یافته است، انقلابی است خلقی با مضمون ملی و دموکراتیک. دموکراتیک است چون وسیع ترین طبقات و اقشار خلق از کارگران و دیگر زحمتکشان گرفته تا بورژوازی ملی، که استبداد سلطنتی (آن هم با بدترین شکلش که دیکتاتوری فرمگست) آنها را به خفقان انداخته بود، در آن فاشانه شرکت دارند. هر یک از این طبقات و اقشار با خواست های دموکراتیک خاص خود به میدان آمده اند. انقلاب ما در ضمن خط ملی دارد، یعنی فدا امپریالیستی است و برای برداشتن یوغ استبداد سلطنتی از گردن مردم ناگزیر است به ریشه ها و تنگنه گاه های اقتصادی و سیاسی استبداد که درهم پیوسته و عمیق و همه جانبه با امپریالیسم است، ریشه های خلقی و روشنت ساز بزند. استبداد مطلقه در سبب دلیل بی باکی های اشرار جامعه ما، به دلیل نزوی سیاسی و رفتن انگلی اقتصادهای، به دلیل این که اقتصاد ملی را به صورت زانده ای از اقتصاد امپریالیستی در آورده، با همه وجودش به دامن امپریالیسم افتاده است. از طرف دیگر تابع شدن اقتصاد ملی به مصالح و سیاست های اقتصاد امپریالیستی باعث پرزدگی و خفقان نیروها و توده های جامعه ما شده است. انکسار این خفقان اقتصادی در روستای جامعه، خفقان سیاسی را ایجاد می کند. از این رو چادر کردن استبداد از امپریالیسم، چادر کردن مبارزه در راه دموکراسی از مبارزه ملی در راه قطع غارت و حضور امپریالیستی در همه اشکال اقتصادی، سیاسی و نظامی آن، در نهایت نشناختن وظایف انقلاب ما و عا میانه بیندن آنست. این اشتباه چهلگی است که باورهای مبارزان از درون سگ پرور و آزادی ملی و غلغله بورژوازی به آن مبتلا هستند.

انقلاب ایران در عین حال یک انقلاب خلقی است لنین ویزگی های انقلابات خلقی را با دقت همه جانبه ای این طور توصیف می کند:

"توده های خلق، اکثریت عظیم آن، یعنی ژرف ترین "قشرهای با شینی" جامعه که پیشتر در زیر دست و استبداد و ناسا، به استقلال برآمد می کنند و در تمام جریبان انقلاب نیرویشان را خواست های خود و نسل های خود را که هدفش برای جامعه سویی به سبک خویش، به جای جامعه منهدم شوند است، باقی می گذارند."

(دولت و انقلاب)
درست به دلیل خلقی بودن انقلاب ما است که هر گونه انحصار طلبی در آن، هر گونه گوش عمده و مکانیکی در زمینه که شمارهای واحد و مشخصی که ترجمان خواست، اراده و آرزوی گروه، قشر، یا طبقه معینی است به کل آن منتهی شود، بر خلاف انتظار ساده لوحان، آن را تضعیف می کند. این بهام لنین که "طبقات گوناگون مردم نسبت به مبارزه برای آزادی روش های مختلفی دارند و هدف می می آت آن آزادی های گوناگونی است" گویی تحلیل دقیق آن واقعیت میهن ما است که کارگران قهرمان صنایع نفت با اقدام و سخن خود در ده هفته گذشته آن را ترمیم کرده اند. کارگران صنعت نفت با تانک دهنده روی این مساله که "رهبران چنین باید چنان شرایطی را فراهم آورند که شمارهای ویژه کارگران در نظر هرات و راه پیما پی ها و نمایانتر رزمی با بی مهری کنار زده نشود، موجودیت مستقل طبقه خود را با خواست ها و آرمان های ویژه خود در جنبش انقلابی مردم میهن ما یاد آورند. اگر به تصریح رهبران مذهبی - گلیوی استبداد در دست کارگران نفت است" اگر حضور نزدیک و دمیلیون کارگر اجتماعی در گانئون مبارزه انقلابی مردم به انقلاب آن توانایی را داده است تا ده های ارتعاج و امپریالیسم را یکی پس از دیگری درهم شکنند و با رژیم رادرم پیچید و آن را اعلام فلیخ اندام می توان با نظا هربه تسلیات و هدف ها و آرزوهای کارگری، با اقدامات مستندانه ای نظیر باره کردن اعلامیه های جپی و کارگری، با شین کشیدن شمارهای ویژه این طبقه و سازمان ها و حزب سیاسی آن در نمایانتر خیابانی، تحمیل شمارهای خاص به مجموع جنبش که کارگران مهمترین اندام های آن هستند، مقابله کرد و در عمل خود را به طبقه راد انقلاب انکار نمود؟ طبقه کارگران امروز حتی از نظر عددی هم بزرگترین نیروی طبقاتی جامعه ما است. آنها که در کردار و سیاست های خود بخواندهای نیروی عظیم انقلابی را - که بدون آن انقلاب به حش مطع شده ای بدل خواهند شد - به یک مساله روی کور و کورال، به سبب سیاسی انگور و زیر علم و کتلت قشرها و طبقات دیگر

نمیانه در همه

پروتنار برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارند (نسن)

اعلامیه نظامیان پیشرو و خواستار آزادی و مساوات

اعلامیه ای که در زیر می آید از سوی گروه نظامیان پیشرو و دموکرات که خواستار آزادی و مساوات هستند و بر پیوستن به جنبش آزادیخواهان و رزمندگان با برقراری حکومت ملی و دموکراتیک می باشد، به دست مارشده که نظریه اهمیت، متنگا مل آن را چاپ می کنیم. (نویس)

اعلام می داریم به کلیه مراجع بین المللی مدافع حقوق بشر، به کلیه سازمان های مترقی و پیشرو به کلیه کسانی که حشاشان با پامال می شود، به کلیه سربازان، درجه داران و افسران و افسران ایرانی که هرگز نتوانسته اند حشاشان را بگریزند همیشه مجبور به سکوت بوده اند به آنها بگوئید فراموشی های نظامی و مراکز با واک و پلیس مخفی و سیا به آزادی و دموکراسی و تفتیش و بازجویی و به اصلاح خودشان و به پدربانی از میهن پرستان و آزادیخواهان و رزمندگان و همه خلق های مسلمان ایران مشغول هستند و کلیه اعمال اجنبی که باید همگی منتظر عاقبت و خیم و خطرناک اعمال غسود باشند.

ما نظامیان پیشرو وظیفه میروم خود میدانیم که از نظر روشنگری نکات زیر برای هم میهنان خود و جهان اعلام داریم:

۱- در شهرهای ایران ستاد فرمانداری نظامی تبدیل به کمپته های ساواک، شهرپانی، ارتش و سیا گشته و دستگیرندگان را بدون بازجویی و بدون این که مرتکب هیچ جرمی شده باشند زیر شکنجه و با خود و انواع تجاوزات قرار داده و سپس به زندان ها منتقل می کنند.

۲- در هر ستاد فرمانداری نظامی یک رئیس ستاد که ارتشی است با ستاد های افسار و شهرپانی و ژاندارمری و سیا و ستاد های کارمند و تکنیک گر که اکثر آنها به صورت داد و طلب انتخاب شده اند با کلیه و مسائل ارتباطی، همه حرکات خلق های متعهد به ایران را زیر نظر دارند و با تلفن مرتباً از آنها حاش و تخت و وزیران متعدد بریزه و او را در دیگر خانین و مشیر فرزان و اربابان امریکایی شان دستور می گیرند که چگونه در سرکوب جنبش مردم و نظامی ها عمل کنند.

ولی ما که به ظاهر در صف دشمنان خلق قرار داریم از آن خلق و مدافع میهن عزیزان ایران که ملت ایران از آن جدانشدنی، هستیم به حافظ رژیم مطلق و پوسیده و توحش و فساد پهلوی و نه مدافع منافع امپریالیست های بیگانه و جیره خواران داخلی آنها، ما تا به روزی خلق های متشکک و مسلمان ایران ما بهیت خود را بروز نداده ولی به طور پسران زمین نشسته های رژیم را نقش سرباب خواهیم کرد و باز آمان می کنیم که:

۱- ما از فعالیت در ارتش و در تنگ نداریم بلکه به افتخار می کنیم که به این آخرین دژ استعمار و مدافع شاه حاش و اربابان شیخ رسوخ کرده ایم، ما خود را وارث واقعی کلنت محمدتقی خان پهلوی، ما سرهنگ سیا، سرهنگ میری، سرهنگ قاضی، سرهنگ پولادین، سرگرد وکیل، سروان خسرو و به و... می دانیم و از امانت و وفاداری قلندر، زاهدی، شمیری، از هاری، اوپسی و... که ارتش میهن پرست ایران را به تنگ آلوده اندادها و رتفیه می می نماییم. ما تا آخرین قطر خون خود را در راه مردم معروم و مستعبد ایران نشاندن می کنیم نه در راه حاش و جیره خواران استعمار.

۲- شخصی کنار میهن پرست و مدافع خواست های خلق از همان سرخود فروخته و با آگاه و فریب خورده با کمک دوستان خود در میان سربازان، درجه داران و افسران میسراحت چرا که عنا سر فریب خورده اکثر ادارای شخصیت منفی و عقاید کلاکوت نظراته و ارتجایی بوده و با فرماندهان عالی روابط غوبی دارند. ما خواستار تشکیل گروه های آگاه و افشاگر که به تمام مسائل آگاه بوده و سطح دانش خود را با مطالعه روز افزون بالا ببرند هستیم و خواستار دوری هر چه بیشتر عناصر ارتجایی و طرد آنها.

۳- ما از تمام عناصر آگاه و به خصوص کادرهای ثابت ارتش خواستاریم که بی گذار به آب و نژاد و سربازی سیاسی خود را فروداده و از خرد کار بهیروزید و در میان خود سازمان های آهین و غیر قابل نفوذ به وجود آورده و به آخرین دژها و سنگرهای رژیم رسوخ نموده و همه های قدرت را در دست خود بگیرند.

۴- ما وظیفه خود می دانیم در هر جا که با نیم به میهن پرستان و دوستداران خلق، خواهان و برادران مسلمان خود که دستگیر شده اند و اتهام آن ها حق گوئی و درست اندیشی است کمک نماییم و در خلاصی آنان بکوشیم.

۵- ما خود مردم را که استعمار می شوند و کلا ناله هایشان به نعره مبدل شده به منابه پیشرو ترین و برحق ترین نیروی دانیم و تا بهیروز و تمام خلق های ایران به فعالیت شعوری و عملی غسود داده می دهیم.

۶- ما درین تلفی از اردوگاه های مرگ آشوبتس،

بوخوا اند که توسط نازی ها و کمن و کمن را شو... که توسط امپریالیست های خونخوار امریکایی در کشور قهرمان ویشمان و اورین و قسودا مل آباد و... که توسط شاه، ساواک، سیا و اکنون توسط ستاد حکومت و فرمانداری های نظامی برپا شده و موخته ایم و هم دردی خود را با زندانگان زندانبانی که در این شکنجه گاه ها جان خود را از دست داده اند اعلام کرده و اجازه نخواهیم داد که مردم آزادیخواه ما اسیر شده و بازمان و دختران و کودکان خلق ما مثل ویشنام، شیلی و نیگاراگوئه رفتار شود.

۷- ما این را می دانیم که ماشین جنگی صهیونیست ها بر علیه خلق های مسلمان عرب و ماشین جنگی ستاد پرستان آفریقا بر علیه اکثریت سیاه پوستان و نیز مردم ما میسراحت با کمک ها که شاکتیه توسط شاه به قاتر داده می شود، به گردن در می آید. افشاگر بر کارگران میسراحت نیست که با اعضا میات و کم کاری های خود گذشته از شرکت در جنبش مردم، راه رهایی دیگر خلق ها را نیز هموار می کنند. ۸- ما به ایران و ااداروگاه و بهیروز میهن پرست افشا، نموده مردم برپا خاسته اند و دست هم کاری می دهیم و خواهان خوراهایی انتخابی از سربازان و درجه داران و افسران پیشرو هستیم که بر کاروا عمل امروا فرماندهان نظارت نموده و دست های آنان را از دست امال کوتاه و تصمیم گیری های آنها را که میسراحت برخواست مردم متعهد به ایران نیست افشا، نموده و از اجرای فرامین و دستورات فدا خلقی و امریکایی و شاه - ساواکی جلوگیری کنیم، ما انحلال فدا اطلاعات را که هم کاری مستقیم با ساواک دارد خواستاریم.

۹- کوشش خواهیم کرد از تلفیق کار علنی با کار مخفی جهت روشن کردن افکار همکاران و کشتن دشمنی نمودن توطئه های رژیم و وزارت آن به خلق و سربو های مترقی، جدا کشتن استفاده را بهیروز.

۱۰- ما اسلحه را بر زمین نخواهیم گذاشت بلکه در موقع لازم و به طور مؤثر بر علیه مرتجعین و حاشان آنها به کار خواهیم برد و توانایی این را داریم که از مدوختن سلاخها در مواقع حاش و ضروری بر علیه عوامل فساد استعمار استفاده نماییم اما این عمل مستلزم آنست که توازن نیروهای انقلاب کلا به نفع خلق های مسلمان ایران و نیروهای پیشرو تمام شود.

۱۱- ما اطمان کامل به عدم درک امرای ارتش و دیگر سربداران رژیم از روی داده ها و وضعیت فعلی نیروهای مترقی و جهت گیری آنها داریم و به کلیه مبارزین و دوستداران خلق صف کامل آنها را در بررسی امور و تصمیم گیری شاد با می می گوئیم، علت توحشی و برکناری آنان در وضعیت فعلی نیز ناشی از همین سردرگمی مقامات با لاد بر بر نیروهای مترقی و بهیروز می باشد.

ما بهیروزیم پوسیده تا هشتا می برقرار و بهیروزیدین عنا مرا که و آزادیخواه و میهن پرست ارتش با خلق های متعهد به ایران مرگ بر سربا میروم فروش و شکنجه ارتش ایران را در دست در اختیار امپریالیست های امریکایی می گذاشته اند.

ما بهیروز می شویم، چون در راه آزادی و عدالت و خواست های مترقی مردم مبارزه می کنیم زنده و برقرار با حکومت ملی و دموکراتیک ایران

نظامیان پیشرو و خواستار آزادی و مساوات

در زیر اعلامیه قطعه شمر زیر که سروده افسر شهید تنوده ای "سرگرد جعفر وکیل" است، به چاپ رسیده است:

اگر...

اگر امرودک نامریدنه تلاق سکوت بشنومم بر لب من قهه گویای مید اگر آفتاب همه روسپا بهار گشتی دلتش در مرا تا ندیدم صبح شد باز صبحینه دیوارنوسید به راه: "مرگ بر این عامل رسوای شباه"

اگر ای شاه و بهیروزیم از جوبه دار با ستازی به سرم خودی افشاگر با گشتی طعمه سر نیزه تنم را مبدار با که چون شمع بهوزا نیم اندر شتار باز گشتنم خنده زنده در رما: "که بر این شابه مفر ما به، دون نفرت باد"

اگر آفتاب من و همسر زیبای مرا در سحر هدی به چنگل زسب مذا با یکوبی هم اسب سروسینه صا با زبون من و او مت شوی جای شراب صبح فردا بهیروزیم از جوبه سرود: "که به هوشیاری حزب پدر ما درود"

بسوی یک کودتای خونین می رویم؟

مبارزات نظامی و اعتباری را به یکدیگر به انگال عالی تر مبارزه دست باید. فشار ارتباط عینی مبارزه را با رژیم به پیش سوق می دهد. به قول لنین "جنبش ارتجاع را وادار می کند که مقاومت خود را به آخرین حد برساند و به وسیله لحظه ای را که انقلاب نیز در به کار بردن و سایل تعرضی به آخرین حد خواهد رسید، بی اندازه نزدیک می نماید."

احزاب و سازمان های سیاسی رزمند، به بهیروز بهیشتان طبقه کارگر، اگر نخواهند صرفاً دنباله رو حوادث باشند، اگر نخواهند توسط حوادث غافلگیر شوند، نه تنها باید درک مفهون حرکت های انقلابی جنبش، با محاسبه تمامال نیروها، با کند و کسا و در مسائل عینی جامع، بلکه در عین حال با شناخت و درک نیروهای فریب دهنده، ارتجاع که علی رغم جراحات بسیار که بر آن وارد شده، همچنان سربا است، با توجه به عکس العمل طبیعی امپریالیسم و ابادی داخلی آن، باید وسایل و ابزار امکانات مقابل انقلابی با بهره داری از طریق تدارک و راهی سر برتر، قاطع تر و همه جبهه تر را میسراحت. جنبش انقلابی، و همه گردان ها و هوای آن، ناگزیر است در میان انواع احتمالات، به پروراندن، بهیروز و قدم قوی و متوسط تر شدن مبارزه مسلحانه توده اوار کنند و دیگر نیروهای مبارزات انقلابی که مهم ترین آن نیروهای اجتماعی گسترده و یکپارچه است توجه عملی و جدی میدول دارد، این تدارک قاطع و قسوری باید با محاسبات همه جانبه و بهیروز در راه اتحاد عمل و بهیروز در تمامال نیروهای ملی و دموکراتیک ملزم گردد. جنبش اتحادی چتردهای می نیرومندی سربا میسراحت و خودی نقشه امکانات ششگون و یورن افشاگر گشته را تا حدی تبدیل می نماید و در صورت وقوع جنبش ارتجاع و نتاج غافلگیرانه آن - به هر شکلی - توان مقاومت و مقابله انقلابی مؤثر را پیدا کیفیت بالایی پیدا.

ماهیت انقلاب ما و مساله انحصار طلبی

در آورند، "با هیچ فکر کرده اند که" دانسته انقلاب به کدام یک از نیروهای واقعا موجود اجتماعی وابسته است؟ "آنها نیز بهیروز توسط حط بهیروز جنبش، جنبش را که به مناسبت طبیعت توده ای است، همه افشار و طبقات ملی و دموکرات در آن سیمی دارند، زیر با یک فشر با طبقه خاص می برینوشا و بهیروز این افشار و طبقات را به عنوان تسلور آلمان مشترک کلیه جناح ها و نیروهای جنبش می زند. اما وقتی با عمل مشابهی از طرف دیگر نیروها و جناح های اجتماعی و طبقاتی و یورنوشا، این را با هر چه تجزیه طلبی، تفرقه افکنی، خودت و هبانت و جدت دورنی جنبش، میگویم می کنند. در بهیروزه طیفان های بزرگ اجتماعی و جزو رده های انقلابی هر گونه تحول از طریق آگاهی طبقاتی، اراده و اشتیاق توده های ملیونی که زیر بهیروز بهیروز ترین مبارزه طبقاتی بیداری شود و فوراً می کند، عورت می پذیرد. بهیشتان سیاسی اگر این نوع آلمان ها و خواست ها و تمایلات متفاوت طبقاتی، قشری، با گروهی را در نظر بگیرد و با نتوانست، بهیشتند، در راه هر چه سیاسی خودکام نباده اند. رهبری جنبش و تصمیم آماج ها آن از طریق ندیده گرفتن تمایلات و ضرورتها بر دیگری که احتمالاً با این گرایشات همسان نیستند تا بین نمی شود. هر چه این نوع حرکات به خودی خود جنبش را تضعیف و ضربه پذیر می کند. لنین کبریا نشانده عمل "اراده واحد" را در انقلاب های دموکراتیک درست از نقطه مقابل سلطه جوبی و انحصار طلبی مکانیکی جست و جو می کند. لنین در اعتراض به کسانی که معتقدند هر چه به رزوازی نمی تواند با بهیروز با اراده واحد ای داشته باشد می گوید:

"این ادعای بی پایه است، زیرا برای آن رهبرین مجرد و تا فیزیکی مفهوم "اراده واحد" گذاشته شده است. اراده ممکن است، در موردی واحد باشد و در مورد دیگر نباشد. فقدان وحدت در میان سوسیالیسم و در مبارزه برای سوسیالیسم، مانع وحدت اراده در میان دموکراسیم و در راه مبارزه برای جمهوری نمی گردد. فراموش کردن این موضوع به معنای فراموش کردن فرقی منطقی در بین میان انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی است. فراموش کردن این موضوع یعنی فراموش شدن جنبه همگانی انقلاب دموکراتیک است، زیرا: وقتی "این انقلاب" همگانی بود، در این صورت در میان مردمی که این انقلاب حوائج و نفاذهای همگانی را بر آورده، می نماید، در همان حدود در آن وحدت اراده و وحدت دارد." (دو تا کتیک سوسیال دموکراسی...)

۸- مرغ خون ۳

سرنوشتی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی
خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

نویسنده

سال چهارم، شماره ۶۶، آذرماه ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

پیش بسوی تدارك همه جانبه مبارزه مسلحانه خلق

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

باتشديد مبارزه رهایی بخش ملی
با ایجاد جبهه متحد آزادی ملی ایران
با تدارك همه جانبه مبارزه مسلحانه

حملات امپریالیسم ورژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه را درهم شکنیم

شرط همه زندانیان سیاسی، با زکشت مهاجرین سیاسی، تدارك مجلس مؤسسان، تدوین قانون اساسی جدید و سرانجام روی کار آوردن دولتی که در راه تأمین کامل استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی، استقرار آزادی های دموکراتیک گام بردارد، دولتی که ثروت های غارت شده، ملت را از غارتگران بازستاند، به چپاول ثروت های ملی پایان دهد، قراردادهای غریبانه را از امپریالیست ها راند و ثروت های این ثروت ها را برای بهسازی اقتصاد ملی و بهبود فوری و دراز مدت زندگی معنکشان به کار اندازد. (۱) ریشه کن با خشن تسلط حمایت با روغارتگران امپریالیست ها از راه لغو قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم غارتگر، اداره مستقلانه، همه امور مربوط به اکتشاف، استخراج، تصفیه و فروش نفت، امتناع مطلق از فروش نفت به حکومت صهیونیستی اسرائیل و وزیران پارتان آفریقایی و رودی، اخراج کلیه جاسوسان به اصطلاح کارکنان آمریکا، انگلیسی و غیره از ارتش و سایر سازمان های اقتصادی و دولتی، لغو قرار داد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا، خروج از پیمان نظامی امپریالیستی سنتو، پیوستن به جبهه کشورهای بی طرف جهان و اتخاذ سیاست دوستی با کلیه کشورهای که به تمامیت ارضی، استقلال ملی و آزادی میهن ما احترام بگذارند، لغو کلیه قراردادهای اقتصادی اسارت آمیزی که امپریالیست ها به کشور ما تحمیل کرده اند و بلاخره پشتیبانی همه جانبه جنبش های راستین رهایی بخش ملی و به ویژه جنبش خلق قهرمان فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

به نظر حزب توده ایران اکنون وضع میهن ما به آنجا رسیده که در برابر ارتش و حمایت بیار سلطانه، رژیم شاه و امپریالیسم به خلق تدارك مبارزه مسلحانه، خلق همپیش و همبدرم ترس و طغیان در مقابل همه مبارزان ضد رژیم و ضد امپریالیست قرار گرفته است. از این رو، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی در احاطه کنونی:

(۱) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه رهبران جنبش رهایی بخش ملی ایران، به ویژه از حضرت آیت الله العظمی خمینی، حضرت آیت الله طالقانی و آقای دکتر کریم سنجابی و سایر رهبران جبهان های مبارز و دینی و سیاسی در ایران، که دعوت می کنند که تمام نیرو و تمام نفوذ و اعتبار خود را در راه تشکیل «جبهه متحد آزادی ملی ایران» بجهای که همه نیروهای راستین میهنی ضد رژیم و ضد امپریالیست را در برگیرد، به کار اندازند. این جبهه و طغیان خواهد داشت که امر رهبری مبارزات عموم خلق را علیه سلطه شاه و امپریالیسم در دست گیرد، ضمن استفاده از همه شیوه های عادی مبارزه سیاسی، امرتدارک و رهبری مبارزه مسلحانه، خلق را علیه نیروهای سلطه رژیم شاه سازمان دهد.

(۲) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه مبارزان خلق، از همه احزاب، سازمان ها و گروه های مبارز سیاسی در ایران دعوت می کند که به موازات تلاش برای تشکیل جبهه فوق، امر تشکیل هسته ها و گروه های این جبهه را در میان خلق، در هر کارخانه، در دانشگاه، در مدرسه، در اداره و موسسه و همچنین در روستا ها و محلات

کند دهها هزار آمریکایی و به باری گروهی از افسران و درجه داران خود فروخته، با سوء استفاده از عدم آگاهی بخشی از شرایط و افسران، به زور سلطه و تهمیاتی که بهای آنها با ثروت ملی مردم ایران پرداخته شده است، و با دست زدن به جنایت بارترین کشتار سازمان جنبش رهایی بخش ملی ایران توانسته اند از سقوط رژیم شاه جلوگیری کنند. مبارزات یک سال گذشته به روشنی نشان داد که تا هنگامی که رژیم شاه و امپریالیسم این دو پایگاه را در دست دارند، مبارزات مسلحانه امیز مردم، تظاهرات و اعتصابات، هر قدر هم عظیم تر و همه گیر تر شود، به تنهایی نخواهد توانست ضربه قطعی و نهایی را به دشمن وارد سازد.

رژیم شاه و امپریالیسم جنگ خونین داخلی را به خلق های میهن ما تحمیل کرده اند. لذا وظیفه همه میهن پرستان است که با همان اراده، تزلزل ناپذیری که تاکنون نشان داده اند، با تدارك همجانبه مبارزه مسلحانه و تلفیق آن با همه اشکال دیگر مبارزه سیاسی، در این میدان نبرد هم، حملات دشمن را با شکست روبرو سازند و خود را برای هجوم نهایی آماده گردانند.

بزرگترین مانع در راه تمهیز این مبارزه تفرقه در صفوف مبارزان ضد رژیم و ضد امپریالیست است. رژیم شاه و امپریالیست ها می گویند از این وضع به نفع خود بهره برداری کنند. مبارزه را به همین صورت به دراز بکشاند و در صورت امکان بخش هایی از مبارزان را بکشد، دوطرفه تحمیل خلق تکا ایجاد نماید و با همکاری عناصر سازشکار راه طغیان نیم بندی را به مردم تحمیل کنند. راه حل های که پایه های اصلی تسلط امپریالیستی و ارتش را در ایران را مورد تهدید جدی قرار دهند. در کنار این تاکتیک مذبذبه، رژیم شاه و امپریالیست ها همیشه آماده آنکه به آفرینش حربه، یعنی قتل عام میهن پرستان و آزادخواهان به دست سران آدمکش ارتش متوسل شوند.

تنها با گرد آوردن همه نیروهای راستین ضد رژیم و ضد امپریالیست در یک جبهه متحد و متشکل می توان این مبارزه را سازمان داد، همه نیرو ها را به کار انداخت و جنبش رهایی بخش ملی را برای پیروزی نهایی آماده ساخت.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی خود از تمام هم میهنان مبارز می طلبد که همه اختلافات سیاسی، مسلکی و فلسفی را، که در مرحله کنونی نبردهای رهایی بخش ملی و حتی برای آینده ای دور جنبه فرعی دارند، کنار بگذارند و برای تشکیل جبهه متحد به منظور تمهیز و سازماندهی نیروهای خلق علیه دشمن مشترک بکوشند. به نظر ما هدف چنین جبهه ای این باید باشد که به همه خواست های مردم مورد پذیرش قاطبه مردم ایران، که در تظاهرات و اعتصابات ما میهنی اخیر بیان گردیده است، جامه عمل بپوشاند. این خواست ها در گروه همه جمع بندی می شوند:

(۱) برپاداشتن نظام منسوب سلطنتی، استقرار جمهوری متکی به اراده، خلق، مردم شکننده سازمان های اختیاری رژیم شاه و در برابر آنها، ساواک، محاکمه و مجازات همه غارتگران، جنایتکاران و غارتگران، از شاه و دستگیران رها شدن گرفته تا جنایتکاران ساواک و سایر مسئولان کشتارهای یک ساله اخیر، تا همین همه حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی منسوج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی بدون قید و

در این حساسترین و غرور آفرین ترین لحظات سراسر تاریخ میهن عزیزمان ایران، که خلق های قهرمان آن با اراده ای تزلزل ناپذیر برای سرنگون کردن نظام منسور و غارتگر سلطنتی و ریشه کن با خشن تسلط غارتگران، امپریالیست ها، در سراسر کشور به میدان های نبرد گام گذاشته اند، حزب توده ایران، حزب طغیان، کارگران ایران، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی، همه هم میهنان عزیز، همه مبارزان جنبش رهایی بخش ملی ایران، همه رهبران مبارز و میهن پرست روحانی، همه رجال ملی و دموکرات، همه احزاب و سازمان ها و گروه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را، که خواست آزادی و بهیض فرهنگ اجتماعی و آماده دفاع جانشان از استقلال ملی و تمامیت ارضی میهن عزیزمان ایران هستند، فرامی خواند که همه امکانات خود را در راه پشتیبانی از اتحاد همگانی نیروهای ضد رژیم و ضد امپریالیست، در راه تصحیر همه جانی که این نیروها برای آخرین مرحله نبرد تمهین کنند و به افتخاری که در جبهان است، به کار اندازند.

روايات ماه های گذشته و به ویژه هفته های اخیر که در جبهان نبردهای خونین تن به تن مردم بی سلاح با جنایتکاران تانک سوار و مسلسل به دست رژیم در مشهد در اولین روزهای دی ماه ۱۳۵۷ به عالی ترین شکل خود سازمان گرفته و به روشنی نشان داده که خلق های میهن ما دستخیزان و سرکشند این رژیم غارتگر، که امپریالیست ها بر میهن ما تحمیل کرده اند، تحمل کنند. خلق های میهن ما با تظاهرات عظیم، کم نظیر و تاریخی خود، بیکیار و بیگانه را تزلزل ناپذیری اعجاب انگیزی را تاریخی خود را برای سرنگون کردن این رژیم ورژیم کن با خشن تسلط امپریالیستی با رها و بارها به تمام جانشان اعلام داشته اند. تمام مردم شریف سراسر جبهان مبارزات قهرمانانه مردم ایران را با تمهین و اعتاب دنبال می کنند و پیروزی جنبش رهایی بخش ملی ما را خواستارند.

این مبارزه قهرمانانه و تاریخی نه تنها رژیم پیوسته سلطنتی ایران، بلکه یکی از مهم ترین فرم های غارتگری و تجاوزکاری امپریالیست ها را در جبهان به خطر انداخته است. به همین جهت امپریالیست های خونخوار، به سرگردانی امپریالیسم تجاوزکار و غارتگر آمریکا، که هر سال دهها میلیارد دلار از ثروت ملی ما را به غارت می برند و کشور ما را به یکی از مهم ترین پایگاه های تجاوز نظامی خود علیه خلق های ملج دوست منطقه بدل کرده اند، با تمام نیرو می کوشند این رژیم پیوسته را نگهدارند.

یکی از پایگاه های اصلی برای اجرای این سیاست استراتژی در کشور ما عبارت از سازمان های آدمکش مانند ساواک، گارد شهریانی و زاهد و مری که به دست جاسوسان حرفه ای سازمان های جاسوسی آمریکا و اسرائیل به وجود آمده و دهها سال است که جنایت بارترین سیستم پلیسی را بر میهن ما حاکم کرده اند.

پایگاه اصلی دیگر امپریالیسم ورژیم دست نشاندگان هنوز ارتش است. بخش از دزدان، آدمکشان و غارتگران، که امپریالیسم ورژیم شاه دست چین کرده و بر ارتش تسلط ساخته اند، با

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد (لنین)

سرود حزب توده ایران

بر شکن هر سدا گر خواهی آزادی
بر شکن از پی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر با بداد
عرصه ایران ره از بداد
حزب ما توده را سازد پیروز
مردم فردایی از پی امروز
از رزم است هر خلقی شدرسته زبند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

اختر رزم ارانی تا تابنده است
شیوه روزه سزای هر زمنده است
صهرو آزادی رسم و راه ماست
باری مردم جان پناه ماست
حزب ما توده را سازد پیروز
می رسد فردایی از پی امروز
از رزم است هر خلقی شدرسته زبند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

کارودانش را به تخت زربستانهم
دیو استعمار ز خانه بیرون راهم
توده زحمت بهره ورنکوست
ما حب خاک پاک میهن اوست
حزب ما توده را سازد پیروز
مردم فردایی از پی امروز
از رزم است هر خلقی شدرسته زبند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

((دوست عزیز شماره ۱۲ را ببینید))

بف ۲۱ هیترا خزر

سنگرهایمان را عمیق تر کنیم

شاه رفت، اما میراث نکبت با روزهیم ضد ملی و فدا خلقی او با همه هم و روجه میماند در بر ما بر ماست. شاه رفت، اما هنوز عمده ترین اهرم های وابستگی به امپریالیسم جهان خوار به و بیگانه امپریالیسم آمریکا و مهمترین پایگاه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم در ایران ما با بر ماست. تا چنین است چش خلقی ما تا تمام است. خطر در بنده رزم استبداد و ما تا این دولت هواناک و خونریز آن گمب کرده است. انواع و توطئه های امپریالیستی در راه است. تا بنهاد های این رزم، تا ما تا این دولت دیکتاتور و وابسته به امپریالیسم در هم نگیرد نشود، هر لحظه ممکن است سیل خون و مرگ و خطر از درون آن در گوجه ها و خیابان ها و خانه های میهن ما فوران کند. هوشیار باشیم. مبارزه تمام نشده، بلکه در صحنه های خطر ترویس تر و ترویس تر و ترویس تر شده است. از پیروزی مردم نیرو بگیریم. سنگرها یمان را عمیق تر کنیم...

شاه رفت، اما رزم او بر ماست. ما تا این دولت دیکتاتور و وابسته به امپریالیسم در هم نگیرد نشود، هر لحظه ممکن است سیل خون و مرگ و خطر از درون آن در گوجه ها و خیابان ها و خانه های میهن ما فوران کند. هوشیار باشیم. مبارزه تمام نشده، بلکه در صحنه های خطر ترویس تر و ترویس تر و ترویس تر شده است. از پیروزی مردم نیرو بگیریم. سنگرها یمان را عمیق تر کنیم...

پیش بسوی تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه خلق

و گردان های خلقی جبهه بپیوندید، به آنها برای آنها از لحاظ رساندن اسلحه و مهمات، بسیاری رسانید. وظیفه شماست که با استفاده از همه امکانات، سازمان نظامی دشمنان خلق را از درون فلج سازید و مبارزه های رزم را از داخل به تصرف خلق در آورید. مبارزان میهن پرست! همان طور که مبارزان بهرمان در تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، قم، شیراز و بسیاری از شهرهای دیگر شخصی داده و با ابتکار خودشان عمل کرده اند نخستین، فوری ترین و مهمترین وظیفه ای که در مقابل همه نیروهای ضد رژیم شاه و ضد امپریالیسم قرار گرفته، درهم گویند سازمان های ضابطکار ساواک، گاردهای آدمکش پلیس و واحدهای اختناق زاندار می است. با درهم شکستن این سازمان های ترور و اختناق سیاسی، و پیش از همه ساواک، گامی و عشت در کشور از بین خواهد رفت و پیروزی در این جبهه، شیره، فعالیت افشاگرانه و روشنگرانه سیاسی را در میان افراد ساده و هنوز نا آگاه ارتش و تشویق افراد متزلزل در میان افسران، در عرصه داران و سرپازان را برای پیوستن به خلق به مراتب آسانتر خواهد کرد.

سنگینی در شهرها، با شرکت همه مبارزان، در دست گیرند و با تمام نیرو در گسترش و تحکیم آن بکوشند. در این زمینه سنگین ترین وظیفه بر دوش طبقه کارگر قهرمان و ویرانگر است که با مبارزه در شان خود در راه و پیروزی در راه های اخیر کاری ترین ضربه را بر سر پیچ و ستون استبداد و امپریالیسم وارد ساخته است. حزب توده ایران ایمان را سخ دار که در این مرحله از نبرد هم طبقه کارگر ایران در صف مقدم همه زحمتکشان همه میهن پرستان نقش تاریخی انقلابی خود را ایفا خواهد کرد. هر هسته و هر گردان باید دشمن تجهیز همه نیرو ها برای گسترش مبارزات عادی سیاسی - نظامی، اعتصابات و غیره - امر تدارک مقاومت و تشویق و صلحانه را در برابر نیروهای ساواک دشمن رژیم شاه و امپریالیسم نیز در دست خود گیرد. (۲) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه افسران و درجه داران و سرپازان میهن پرست دعوت می کند که مبارزه خود را علیه رژیم شاه از صورت مبارزه منفی فرار از خدمت به مبارزه مثبت عملی به منظور فتح کردن سازمان نظامی رژیم و ایجاد جبهه مقاومت و تشویق در داخل ارتش گسترش افسران و درجه داران و سرپازان میهن پرست!

به نظر ما این است میرم ترین و مهم ترین گامی که جنبش رهایی بخش ملی میهن ما آماده است که بردارد و باید بردارد، این است میرم ترین و مهمترین وظیفه تاریخی همه مبارزان و پیش از همه، تمام رهبران گردان های گوناگون جنبش رهایی بخش ملی ایران!

افسران و درجه داران و سرپازان میهن پرست! گذشتگی انقلابی پدران و مادران، برادران و خواهران خود، بی باکانه در این نبرد تاریخی شرکت کنید. وظیفه شماست که همه ها و گردان های جبهه متحد آزادی ملی ایران را در هر مبارزه و در هر واحدی می مغنیانه به وجود آورید، به صفت ها

افتخار جادان به خلق های قهرمان میهن عزیزمان ایران! پیش به سوی تشکیل جبهه متحد آزادی ملی ایران! پیش به سوی تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه خلق علیه شاه و امپریالیسم! با تمام نیرو برای درهم گویند سازمان جنایت کار ساواک و گاردهای آدمکش پلیس دست به کار شویم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
شنبه بیست و سوم دیماه ۱۳۵۷

پیام به هواداران حزب

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند: بگویند هر چه سریع تر برای رهنمودهای سازمانی حزب گروه انقلابی توده ای به وجود آورید و در جهت تحقق شعار های حزب به فعالیت تبلیغی، ترویجی و سازماندهی بپردازید و در اولین فرصت با حزب تماس بگیرید. برای برقراری تماس مستقیم، باید یکی از رفقای مدد در مورد اطمینان شما از اروپا از طریق یک تلفن عمومی به شماره های ۷۱۰۰۲۱۴ و ۷۱۳۳۳۹۹ در پاریس تلفن کند و آقای بایر Bayer را بخواند. آن دوستان شماره تلفنی را که تا این می تواند

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند: بگویند هر چه سریع تر برای رهنمودهای سازمانی حزب گروه انقلابی توده ای به وجود آورید و در جهت تحقق شعار های حزب به فعالیت تبلیغی، ترویجی و سازماندهی بپردازید و در اولین فرصت با حزب تماس بگیرید. برای برقراری تماس مستقیم، باید یکی از رفقای مدد در مورد اطمینان شما از اروپا از طریق یک تلفن عمومی به شماره های ۷۱۰۰۲۱۴ و ۷۱۳۳۳۹۹ در پاریس تلفن کند و آقای بایر Bayer را بخواند. آن دوستان شماره تلفنی را که تا این می تواند

سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی
خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است

خرابکاران و نفاق افکنان مائوئیست را افساء و طرد کنیم

ما در مقابلت اکثریت مطلق حاضران، از جمله دانشجویان مذهبی قرار گرفته است تا جایی که از وی می پرسند که ملا و کیت وازگما آمده است و چرا چنین بحث می کند؟ و پاسخ می شنود که ما "توبه" هستیم! خوشبختانه حاضران در آن نظریات "توبه" گرا را نپذیرفته اند، گفته اند که این حرف ها مال "توبه" نیست. این واقعه کوچک، ولی غالب نشانه می دهد که مائوئیست ها در فعالیت خرابکارانه و نفاق افکنانه، خود را کاملاً پیش رفته اند.

ما بار دیگر به همه مبارزان، به ویژه به مبارزان دانشجو، همدارمی دهیم که خرابکاران و نفاق افکنان مائوئیست را با قاطعیت افساء و طرد کنیم. خود طرد کنند و نگذارند که این هکاران عملی ساواک حتی در راهی در کار تبلیغاتی خود موفق شوند. در آنچه که مربوط به ما است، باید بگوئیم که ما، مائوئیست ها، ما مائوئیست ها را از برهنگی که ما می بینیم، خواهیم شناخت، افساء و طرد خواهیم کرد. از صفوف غلط بیرون خواهیم افکند، و این مبارزه را انقلابی راه، مائوئیست ها، همراه خلق انجام خواهیم داد.

مباحثه رفیق کیانوری

کوشش خود را به کار می بریم تا با ایشان زبانه شکنی پیدا کنیم. ما معتقدیم که در لحظه ما صد کنونی، ایشان در تکامل جامعه ایران، نقش کا ملا متفرقی ایفا می کنند.

خبرنگار می پرسد: "چه مدت حزب توده ایران و آیت الله خمینی می توانند در راه واحد گام بردارند؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: برای مدت بسیار طولانی، به نظر من، بین سوسیالیسم علمی و مذهب احتیاجی اسلام تفاوت زیاد وجود ندارد. برعکس، نقاط مشترک فراوان است. در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی، مسلمانان زندگی می کنند و از این بابت هیچ مشکلی ندارند.

خبرنگار می پرسد: "شوکت احتمالی در قدرت را چگونه می بینید؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "این امر که شکست جبهه متحد احتمالی پیشنهاد می مایه خواهد بود، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. مهم محتوی برنامه مشترک است."

خبرنگار می پرسد: "آیا همکاری با جبهه ملی را ممکن می دانید؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "ما با هر حزبی سیاسی که با هدف های ما موافق باشد، همکاری خواهیم کرد. این هدف ها به طور کلی عبارتند از: پایان دادن به سلطه امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها، متوقف ساختن گزند و آزار این سلطه و تشکیل مجلس موسسان."

خبرنگار می پرسد: "در بررسی جدید شما، حزب توده، طی اعلامیه ای دعوت به تدارک مبارزه مسلحانه کرده است. آیا شما جنگ داخلی را اعتنا نپذیر می دانید؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "یک حزب سیاسی همیشه باید دست خود را باز دارد. مبارزه ملی که به خروج شاه انجام می دهد، ممکن است کمالات آمیز به نتایج منطقی خود برسد. با ارتش در خدمت جمهوری ایران - این هم ممکن است که نیروهای ارتش ایران با پشتیبانی امپریالیست های ایالات متحده و اسرائیل دست به کودتا می زنند که آنچه تا کنون پیش آمده، فاعلان تری باشد، مانند آنچه که در شیلی روی داد و قتل عام کمونیست ها را در اندونزی، مانده این را می خواهیم و نه تدارک خواست ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، که به سرکوب حزب توده ایران منتهی شد. از این جهت ما باید پشتیبان باشیم."

خبرنگار می پرسد: "آیا مبارزه مسلحانه را اعتنا نپذیر می دانید؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "من به این نیستم، اما با هم خوشبین نیستم. ما معتقدیم که مبارزه ملی مردم ایران، می تواند بدون چنین خونریزی آمیز به نتایج منطقی خود برسد. ولی ما باید پشتیبان باشیم."

خبرنگار می پرسد: "برای انجام این مبارزه، از کجا باید فراهم خواهد کرد؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "در طول تاریخ، جنبش های انقلابی همیشه برای حل این مشکل، راه حل خاص خود را یافته اند. امروزه ما همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم."

خبرنگار می پرسد: "برای انجام این مبارزه، از کجا باید فراهم خواهد کرد؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "در طول تاریخ، جنبش های انقلابی همیشه برای حل این مشکل، راه حل خاص خود را یافته اند. امروزه ما همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم."

خبرنگار می پرسد: "برای انجام این مبارزه، از کجا باید فراهم خواهد کرد؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "در طول تاریخ، جنبش های انقلابی همیشه برای حل این مشکل، راه حل خاص خود را یافته اند. امروزه ما همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم."

خبرنگار می پرسد: "برای انجام این مبارزه، از کجا باید فراهم خواهد کرد؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "در طول تاریخ، جنبش های انقلابی همیشه برای حل این مشکل، راه حل خاص خود را یافته اند. امروزه ما همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم."

خبرنگار می پرسد: "برای انجام این مبارزه، از کجا باید فراهم خواهد کرد؟"

رفیق کیانوری پاسخ می دهد: "در طول تاریخ، جنبش های انقلابی همیشه برای حل این مشکل، راه حل خاص خود را یافته اند. امروزه ما همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم. این راه را همیشه می توانیم از راه خود استفاده کنیم."

پاره کردن "توبه" در دانشگاه ها، با پشتیبان آوردن شمارهای ضد امپریالیست و ضد سلطنتی، بالا بردن شمارهای دانشجویی و ضد کمونیستی، به راه انداختن جدال های مصنوعی بین نیروهای ضد رژیم به طور عام و نیروهای مذهبی و غیرمذهبی به طور خاص و نظر آن از جمله اعمال خرابکارانه و نفاق افکنانه ای است که توبه مائوئیست ها و به موازات در همکاری با فعالیت های خرابکارانه و نفاق افکنانه ما مورد ساواک انجام می گیرد.

مائوئیست ها، که اخیراً از اروپا "نیروی کمکی" هم برای تشدید فعالیت های خرابکارانه و نفاق افکنانه خود را دریافت کرده اند، حتی با یک تدارک که این اعمال شکنج خود را به نام توبه ای ها و هواداران "توبه" جا بزنند، به عنوان نمونه، فردی به نام بهمن شیرومند، که در اروپای غربی و به ویژه در آلمان فدرال به عنوان یک مائوئیست با سابقه و حتی یک عنصر مشکوک وابسته به سازمان جاسوسی آلمان غربی سرشناس است و برای ادامه و تشدید فعالیت خرابکارانه و نفاق افکنانه خود به تازگی وارد ایران شده، بهشتی را با گروهی از جوانان دانشجو به راه انداخته بود. این بحث، که هدفی جز خرابکاری و نفاق افکنی نداشته، به حق

حزب توده ایران ابتکار آیت الله...

هفته اخیر طی اعلامیه ها و مباحثه های ایشان انتشار یافته است، در عده ترین ارزیابی ها و موضع گیری ها شایع است که حزب توده ایران برای پیروزی جامعه ایران در مرحله کنونی نفاق دارد. حزب توده ایران اظهارات زیرین آیت الله خمینی را بر اساس مباحثه های اخیر ایشان تائید می کند:

ما در ایالات متحده آمریکا را در امور داخلی ایران محکوم می کنیم. ایالات متحده رژیم کنونی ایران را برای ایجاد بیگانه های نظامی و فارت شوت های ملی ما مورد استفاده قرار می دهد. بدین جهت است که ما امپریالیسم آمریکا را دشمن شماره یک خود می دانیم. (از مباحثه با روزنامه استریت تایمز سکا پور، ژانویه ۱۹۷۹).

دستگاه دولتی و رئیس جمهوری آمریکا روش دشمنانه ای نسبت به مردم ایران داشته اند. وجود بیگانه های نظامی و فورت شوت های نظامی در کشور ما را به کشتار کشیده است. ایالات متحده آمریکا از کشتار نسبت به مردم ما هیچ مانع به دست رژیم ما پشتیبانی کرده و در این جهت شریک داشته است. (از مباحثه با روزنامه اکسپرس فرانسه، ژانویه ۱۹۷۹).

دولت اسلامی ما آزاد و مستقل خواهد بود... ما خواستار آن هستیم که یک جمهوری بی طرف و غیر متعصب باشیم. ما خواستار سیاست دوستی با همه کشورها هستیم. به شرط آن که آنها در امور داخلی ما مداخله نکنند. (از مباحثه با روزنامه اکسپرس فرانسه، ژانویه ۱۹۷۹).

ما میزبان مردم ایران را به درستی تشخیص داده و از آن نتیجه گیری کرده است. ما این کشور را دوست داریم. ما می خواهیم که در امور داخلی کشور ما مداخله نکنند. ما می خواهیم که در امور داخلی کشور ما مداخله نکنند. ما می خواهیم که در امور داخلی کشور ما مداخله نکنند.

تفاقم با بدیهی به احترام متقابل استوار باشد. (از مباحثه با روزنامه اکسپرس فرانسه، ژانویه ۱۹۷۹).

ما با حریف و میل مبارزه خواهیم کرد و شریک های ما را که به دست یک مشت فارتگروزی شده است با زور و خشم ستانده و آنها را برای پیروزی در زندگی مردم محروم به کار خواهیم برد. (از مباحثه با روزنامه اکسپرس فرانسه، ژانویه ۱۹۷۹).

تفت را که هرگز به خیابان های ما نماند و برپا شد فروخت، به شریک های ما نماند و برپا شد فروخت، به شریک های ما نماند و برپا شد فروخت. (از مباحثه با روزنامه اکسپرس فرانسه، ژانویه ۱۹۷۹).

ما به حریف و میل مبارزه خواهیم کرد و شریک های ما را که به دست یک مشت فارتگروزی شده است با زور و خشم ستانده و آنها را برای پیروزی در زندگی مردم محروم به کار خواهیم برد. (از مباحثه با روزنامه اکسپرس فرانسه، ژانویه ۱۹۷۹).

حزب توده ایران از هر دولتی که در اجرای این نکات، در مصاحبه آیت الله خمینی تمکین کرده است، گام بردارد، پشتیبانی خواهد کرد. حزب توده ایران از همه کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران و سرمایه داران میهن پرست، از همه نیروها، از حزب و سازمان ها و گروه های سیاسی و مذهبی ملی و دموکراتیک دعوت می کند که از این برنامه مشترک پشتیبانی کنند و متعهداً برای تحقق آن مبارزه نمایند.

پیروزی با جنبش انقلابی مردم ایران به خاطر برپیدن بساط سلطنت، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ملی و دموکراتیک!

استوار با اتحاد همه نیروهای خلق در مبارزه با خرابکاران و نفاق افکنان مائوئیست!

اجتماعی!

افتخار و جودان به مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳۷۷، ماه ۱۳۵۷

ما داریم که یکی از اصلاح های امپریالیسم وارتاج در مقابل با جنبش انقلابی ایران، خرابکاری و نفاق افکنی در صفوف خلق است. این خرابکاری و نفاق افکنی به اشکال مختلف و توسط عاملان گوناگون انجام می گیرد. یکی از این عاملان، که خرابکاری و نفاق افکنی در جنبش های انقلابی از مخططات اصلی آنست و در این زمینه سابقه و تجربه هم دارد، مائوئیست است.

مائوئیست ها، که هم در صحنه جهانی و هم در صحنه محلی ما، در شکست شده اند، اینک طبق دستور یکن، با یکدیگر و ختم و تلاش بیشتری به خرابکاری و نفاق افکنی در جنبش انقلابی مردم ایران، به ویژه در بین روشنفکران و دانشجویان پرداخته اند. مائوئیست ها می گویند با نفاق کمونیستی و مارکسیستی - سوسیالیستی را به این دارند و عمل کنند که هیچ وجه مشترکی با کمونیسم و مارکسیسم ندارد. آن ها بدینسان می گویند که اعتماد دایا کمونیسم را که مائوئیست ها هنوز در بین برخی نیروهای غیر کمونیستی و غیر مارکسیستی خود رژیم نسبت به کمونیسم و مارکسیسم وجود دارد، تشدید کنند، و با این عدم اعتماد و عدم اعتماد، در بین کسانی که کمونیست و مارکسیست نیستند، ولی نسبت به کمونیسم و مارکسیسم برخوردی عادلانه و واقع بینانه دارند، به وجود آورند.

مائوئیست ها، با تبلیغات و زهر آلودگی فتنه های ضد شوروی خود، می گویند به حین و اعتبار و اعتبار توده ایران، حزب طیف کارگران ایران، و اتحاد شوروی، نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان لطمه وارد سازند و بدینسان از اکثریت روزافزون نفوذ و حیثیت و اعتبار حزب توده ایران و اتحاد شوروی در بین مردم ایران جلوگیری کنند.

مائوئیست ها با تمام نیروی خود به تنگنای ترین شیوه ها و وسایل می کوشند در راه اتحاد بین نیروهای توده ای و غیر توده ای مانع ایجاد کنند.

اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک

درانکار حق طبیعی آزادی و تفکر و عمل بشری های دیگر جنبش، موجب دست کردن با به های اتحاد و در نتیجه موجب تشدید جبهه متحد است.

متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بشری اسلامی، در تئوری و عمل و دموکراتیک خلق شرکت می کنند، در این جهت شدت یافته که از ابزار عقیده و نظریات و نیروهای دیگر ملی و دموکراتیک جلوگیری کنند. این مبارزان، این تلاش خود را با شیوه های غیر دموکراتیک مانند به کردن بیانیته ها و شمارهای سازمان ملی و دموکراتیک دیگر، فرب و جرح و تهدید این مبارزان و با اهانست به زنان و دختران می بازی که مطابق میل آنان لباس نپوشیده اند، تمام کرده اند.

در همین حال دیده شده است که کسانی از مبارزان وابسته به چنین، به ویژه از میان جوانان و دانشجویان، خونریزی و راز و دست داده و گاه با طرح شمارهای نیرو واقع بینانه و روش های تند و تیز و رستی موجب محیط مادی درون جنبش شده اند.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی همه گروه های مبارز و به ویژه رهبران با نفوذ و جنبش را، به لزوم تحکیم مبانی اتحاد، دوری و برپایی از هر اقدامی که موجب تشدید درون جبهه متحد ملی است، فرامی خواند.

از حضرت آیت الله خمینی خمینی و دبیر رهبران روحانی، که همواره اهمیت اتحاد همه نیروها را در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم فارتگروزی یادآور شده اند، انتظار داریم که با راهشایی های غریب گشتی را که به چنین روش های زبان به لبش می زنند، از ادامه آن بازدارند. ما به توبه خود را به افراد و گروه ها و سازمان های که در جنبش پرافتخار کنونی مردم ایران یار می کنند، خواستاریم که با توجه به اهمیت حیاتی اتحاد صفوف خلق در شان یک کنونی برای درهم شکستن انواع توطئه های دشمنان خلق، از دست زدن به هر عملی و از پیش کشیدن هر شمارگی که موجب تشدید تشدید تشدید در جبهه متحد ملی برای رسیدن به هدف های همه کنونیست یعنی: برانداختن رژیم سلطنتی، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی، مستقر ساختن جمهوری متکی به آراء عمومی مردم و تامین آزادی های دموکراتیک، گردد. آنگاه که اتحادی نمایند.

دشمن رژیم غرضه، ولی از پای در نیامده است دشمن حریف و طغیانگ است و شوکان نیروها است دشمن محلی در اختیار دارد. تنها با اتحاد، بیداری و آمادگی همه مردم می توان بر این دشمن چیره شد. نباید به دشمن امکان داد که از اختلافات درون جنبش بهره برداری کند، عناصر خود را به درون صفوف مبارزان بفرستد و با تفرقه افکنی صفوف مردم فتنه خلق انقلابی را متزلزل و تضعیف نماید.

مبارزان راه آزادی و استقلال ملی!

ما با افکندن پیوند نفاق دشمنان مشترک را شاد نگین!

ما اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک را مانند در یک چشم نگاه داریم!

پیروزی با مبارزه متحد مردم ایران در راه برپیدن بساط سلطنت، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ملی و دموکراتیک!

هیئت اجرایشه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲ بهمن ماه ۱۳۵۷

پیش بسوی قدارك همه جانبۀ مبارزۀ مسلحانہ خلق

دست امپریالیسم جنایتکار آمریکا از کشور ما کوتاه! اطلاعاتی دیرخانه کمیته مرکزی

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین وسیله به اطلاع رسانندگان دکتر فربدون کشاورز به مناسبت یک سلسله اقدامات و فعالیت های فدراسیون در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷ از حزب توده ایران آفرج شده است.

فربدون کشاورز که در سال ۱۳۴۸ به علت عدم تبعیت از دستورهای کمیته مرکزی یونانی انضباط حزبی بنابر تصمیم بلنوم ششم کمیته مرکزی از ترکیب کمیته مرکزی حزب توده ایران برکنار گردیده بود، در جریان سالهای اقامت در عراق و در الجزایر به یک رشته اقدامات علیه حزب توده ایران در جهت همپوشانی با عبارات از مافوق و چین، به بدویست با مراجع حزبی به منظور ایجاد تفرقه و انشعاب در حزب توده ایران و سپس اقدام در تشکیل سازمان انشعابی مائوئیستی بود.

ولی نظریه ای که اخیراً فربدون کشاورز در دست به تبلیغات و اقدامات خرابکارانه دیگری علیه حزب توده ایران زده است و گاه اقدامات خود را با ادعای عضویت در حزب توده ایران درمی آمیزد، دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران با موبیت یافته است که آفرج او را به انشعاب رهگان برساند.

در جهان نیروئی نیست که مردم ایران با چنین پایداری و قهرمانی نتوانند بر آن فایق آیند

رفقای عزیز!

کشور عزیز که به کمال است در ایران حبش کشته خلی که پایه های رژیم شاه را متزلزل ساخته است، ادا به دارد. علی رغم فشارها و کشتارهای بی رحمانه و بیادشت های وحشی، دولت ایران نتوانسته است در اراده و شوکت و قهرمانی راسخ به اقدام رژیم پوینده شاه برساند. خلی و دانشمندان این بیگار را در گشتن از این دهکده مردم ایران اکنون دست یافتن به آزادی، استقلال ملی و به پیشرفت اجتماعی مبین خوش آمداده هر نوع همکاری و جاننازی هستند. این بیگار در عین حال رتداکاری بوده های خلق را که شیوه های پرفرشته تری برای مبارزه به کاری برند، نشان می دهد.

حزب توده ایران در این مبارزه نقش تاریخی پر افتخاری ایفا می کند و با زبان آن را بر اعتباراتی که توده های بزرگ در جهان را در بر گرفته است، مشاهده می شود. در جریان این اعتمالات، هم پیوستگی واکاوی طبقاتی زمینکنان بیش از پیش نفیوت پذیرفته و نموداران نیز این است که اعتبار کشتنگان نه تنها خواست های اقتصادی، بلکه خواست های سیاسی عمومی مردم ایران را نیز به میان می کشد. در جهان نیرویی نیست که مردم ایران با چنین پایداری، قهرمانی و قاطعیت و در چنین نبردهای شدید، دیر با وجود شیوه های تاریخی محکم میان دو حزب و خلق ها، از روح بیگاری مردم ایران و به ایران و متوجه السلوب ها و شیوه های که در مبارزه به کاری برند، به حویلی گاهیم و نیز می دانیم که حزب شادریان توده های کشته شده مردم از چه اعتبار و رموزی و سیاسی بزرگی برخوردار است و در امر اتحاد همه خلق های ایران را همه نیروهای مترقی مبین پرست کشور برای مبارزه در راه تحقق منافع همگانی مردم به اندازه معاهدت می و روز و روزگاری پرافتخاری در این زمینه ایفا می کنند. ما مطمئن داریم که همه نیروهای ملحد و دموکراتیک جهان در این بیگاری مقدس هوادار و پشتیبان خلق شما هستند.

رفقای عزیز!

به شما مطمئن می دهیم که در کشور عراق همه کمونیست های عراق رفقای همزم شما هستند. به اطلاع تمامی راسیم که روز ما "طریق النصب" ارکان مرکزی حزب کمونیست عراق رویدادهای ایران را رمزینا در صفحات و سخنرانی های ایران مبارزه، توده های مردم ایران و قهرمانی های آنها را برای خوانندگان و مترجم می دهیم و توضیح می دهیم که این مبارزه می گویند، افشا می کنند، ماسک می کشند و با تمام نیروی خود از بیگاری شما شتمنا می کرده و خواهیم کرد.

رفقا! به مناسبت شهادت قهرمانانه مبارزان دلیبر چینی آزادی بخش خلق قهرمان ایران مرآتین همدردی صمیمانه خود را به مبارزانی داریم و ار شما خواهشمندیم که این همدردی ما را به اطلاع خانواده ها و بستگان شهدا برسانید.

ما به پیروزی مردم ایران اعتماد عمیق داریم. دست شما را به گرمی می فشاریم.

با درودهای رفقای ما

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۱۳۵۷ عازم

جراح- ۲- جوادیه- ۳۸- ۱۲/۱- ۵۵۲

فرح آباد- آهو- بابک- خنثی

(انگیز) یک بعد از ظهر ۳ بهمن جلوی خانه قبلی

السته پس از همدار مریم و قاطع لئونید برنوف مد ر هیئت ترشیه خورای عالی چاه شورتوری، که هر گونه دخالت در امور داخلی ایران را محکوم کرد و خطری برای مرزهای اتحاد شوروی شمرد، جنجال دربار خلافت نظامی در ایران گسترش یافت. ولی این "واحد" با وجود این که دیوانه و اراست، از دستور خارج نشده است.

ولی راه اصلی که هم اکنون در دستور روز است ترکیب تحریکات از اذلال و صحت نظامی امپریالیست از خارج است. کارشنا با خرابکاری "سپا" میگویند با کمک غاشبینی چون بختیار را هشتاد فرست کرده و نیروی خود را برای وارد آوردن ضربت قاطع به حبش و انقلابی ایران تجهیز کنند. دنا رگ کودتای نظامی در پشت سر دولت غیرقانونی بختیار با مدت تصنام ادا می دارد. امپریالیست های می خواهند به دست بختیار را بی اختیار در جنبش طرفه افکنی کرده، قتری از مبارزین را به دست اسپرکوف، شبه موفقیتهای کوچک شماری و کوچک و مولان صورت کوچه که گویه بینا قانع کرده، زمینه را برای کودتای نظامی فراهم آورند.

در تمام نوشته های امپریالیستی حفظ سلطنت به مثابه پایگاه اصلی تحریکات داخلی و تکیه گاه امپریالیسم در مرکز توجه است. گاه دربرخی محافل بورژوازی گفت می شود که گویا شکل حکومت مهم نیست، جمهوری یا سلطنت تفاوتی نمی کند. این ادعا صفاً اشتباه است. برای جنبش کتونی ایران سلطنت اساساً و ضرورتاً جمهوری را هتکات. این جنبش وسیع توده های و خلقی را با بدو توهانات بورژوازی اسپرکوف، این جنبش می تواند در برابر تکیه ملی خود بینان به پیش خدمت خلقی به خود گیرد و چارچوب های بورژوازی را بشکند. صاف می گویند امپریالیست به این واقعیت توجه دارند. آنها از سلطنت در دست به این دلیل با شدت دفاع می کنند که جلوتکامل جنبش را بگیرند.

امپریالیست ها می دانند که در ایران امروز، سلطنت یک قالب بی جان نیست، حفظ سلطنت یعنی حفظ عاکمیت خاندان منقودست شاه. پهلوئی که با هزار پیوند و تکیه و تکیه در ایران امپریالیست به است. در راه های امپریالیستی ارتش شاهنشاهی ستون اصلی و اشکاف می دهد. ولی همین ارتش در عین حال نقطه ضعف تکیه امپریالیست است. توده اصلی سربازان و افسران ارتش در اوضاع است. امپریالیست و فدرالیست ها با مردم شریکند. آنها نمی توانند و نباید این جانب را به دربار پهلوئی به بزرگ ارتش تاران فرماده آیه کشند که در مدت ۵۰ سال موجودیت ارتش همواره از ارتش به شیوه جنایتکارانه ای سوء استفاده کرده است و امروزه کوچه های شهرها و روستا ها با خون سرد رنگین است. توده سربازان و افسران نمی توانند با این سیاست موافق باشند و برای حفظ منافع امپریالیسم و یک مشت دروغا و سوسی که در دربار لانه کرده اند، برادران و خواهران خود را بکشد. آنچه هنوز ارتش را به حربه واحدی حفظ می کند قالب سارمانی، انضباط نظامی و وابعدادت و تمهید حرفه ای است. سربازان و افسران ارتش شاهنشاهی به طور روزافزونی به اردوگاه های ایران تبدیل می شوند که در آن عده ای از فرزندان این آب و خاک زیر نظر هیئت مستشاران نظامی آمریکا و متحدین به اعدام برای کشتار همگانی گرد آورده شده اند. این اردوگاه های اسیران با نگاه محکمی سربازیم نیست.

یکی از محورهای اصلی سیاست امپریالیستی برای سرکوب جنبش انقلابی ایران، تفرقه افکنی در صفوف است. سیاست است که تا حد بسیار بختیاری گروهی از عناصر و روشهای منزله از جنبش کتا و سرود و جنبش تصفیت توده این حساب اشتباه آمیز دور از واقعیت است. جنبش کتونی انقلابی ایران با وجود طیف وسیع شرکت کنندگان نشی بیگاری کم خطری دارد. این جنبش که وسیع ترین قشرهای مردم ایران - کارگران و دهقان گرفته تا سربازان و روستا به نگار - فیالان در آن شرکت می کنند، با وجود جنبش طیف وسیع اجتماعی و سیاسی به طور شکست آوری متعادت، و از آنجا که این وحدت علیه امپریالیسم و دربار پهلوئی و برای دموکراسی و استقلال ملی است، به نسبت علمی تر و روشن تر شدن عدالات امپریالیسم آمریکا و مقامات دربار و سربازان ارتش، به راهم به پیشرفت خواهد داشت. هدف اساسی جنبش عظیم مردم ایران سرنگونی رژیم غاش و خدمت خلقی است. برچیده شدن دربار پهلوئی و آزاد جمهوری خلق و طرده امپریالیست را راه است. ف. م. - خوانش

نخستین زور را به مردم، اول بهمن ۱۳۵۷

نمایندگان احزاب کمونیست...

رفقای عزیز!

جنبش کمونیستی و کارگری کشورهای عرب به پیوند امپریالیست ها و احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی با حزب توده ایران، پیوند امپریالیست ها و احزاب کمونیست های عربی به مردم ایران، خواستار تحقق آزادی ها و مشترک آزادی خلق های ما، خواستار برقراری صلح میان خلق های جهان و پیروزی خلق انقلابی است.

جلسه احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی

امپریالیسم آمریکا با وقاحتی در خود در اهتزاز و به طور کلی برده های در امور داخلی کشور صفا مدخل می کند. انواع کمیته ها و کمیسیون ها و جلسات مشورتی مرکب از ما مورین اطلاعاتی، نظامی و سیاسی آمریکایی درواشنگتونهان تشکیل داده که به جای دولت ایرانی مشغول رفت و رفتن امورند. جنبش کار های دولتی با نظر محافل آمریکایی انجام می شوند چایی که برنا می رادید - تلوزیون ایران را به طرفت آمریکا در خبری می کنند. در دست گونا می چند منظر از کارمندان "واردات ایران" شده و اداره امور به طرفت آمریکا را - که مرکز اصلی قدرت در کشور است - به دست گرفته اند. تشکیل کارانه درباری آمریکا به جای نیروهای انشعابی ایران در صفا از سفارت آمریکا در تهران را بر می دهد. دنا رگ و گویان آمریکا می کشور را ترک می گویند ولی عوی بر شمعاند نیروی زیده و جنگی و اطلاعاتی آنسان افزوده می شود. سخن از حرکت ناوگان جنگی آمریکا به طلیح فارس می رود. مطبوعات آمریکا باسی از "تدا بهر مدتی تری که گاه سفید نا ذکره است دم می زنند. یک هیئت بزرگ دم نفی مرکب از کار شتایان امروجا سوسی و خرابکاری و "فدوشی چندی پیش واد ایران شده اند تا حوادث را از نزدیک بررسی کرده و به اطلاع "راهبلی" بدها کنند. نخستین معمول فعالیت این هیئت اعلام نخست وزیری تا هیوا بختیار بود که جای دولت نظامی و ورگشته از هزاری را گرفت.

مقامات رسمی آمریکا و مطبوعات "دموگرات و مدافع حقوق بشر" در آن کشور با جان لحتی از منافع آمریکا در ایران و ضرورت حفظ آن به هر وسیله و به هر قیمتی سخن می گویند که گاه صفا ناقص است. این هیئت نیز در کار برده تندی می کنند. دفاع از "سند متابع رسا به سازمان جاسوسی" "سپه" رسمی آمریکا تصریح می کنند که انواع اشکال دخالت امرویان را بررسی کرده اند و موافق شرایط یکی از راه ها را "پیشوا" گرفته اند.

مردم ایران تاکنون با تعدادی از این "راهبلی" ها آشنا شده و آنها را از سرگردانده اند. در گذشته نزدیک "راهبلی" آمریکایی اداره امور ایران برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم بهارت پیروزان تحکیم هر چه به پیشرفت رژیم ضد انسانی شاه - ساواک که دهها هزار ایرانی و میلیون ها رزیز کشیده های باور کردنی کشت، افلیح گرد و از با انداخت. همه و با "مدون" کشیده که در زندانهای ایران به کاری رفت ساخت آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای امپریالیستی بود. سربازان استفاده از این میانش کشیده نیز آمریکایی و اسرائیلی بودند. "سپا" هر سال ۲۵۰ نفر افسر و یکی را در آمریکا تعلیم می داد و به ایران بر می گردانید. این "راهبلی" روی فاشیت های هیتلری را سفید می گرد و انجام به طور کامل شکست خورد.

در یکسال گذشته جنبش عظیم مردم ایران با توان روزافزونی اوج گرفت. نخستین "راهبلی" آمریکایی مقابل به آن از راه توش به شونت جنبش را برید. تمام جنبش های که رژیم شاه در این یکسال مرتکب شده، نه تنها مروتا شد امپریالیسم آمریکا شود، بلکه با کمک و دخالت مستقیم مقامات آمریکا انجام گرفته است. در تمام کشتارهای طبیعی که در یکسال گذشته در کشور مارخ داده، دست امپریالیست های آمریکا می نیز با شدت ششاه چنانیکار با رفتن به خون مردم ایران آفته است. اینکه دولت نظامی از هاری با پیوسته خود خونریزی های عظیم شکست خورد و سقوط کرد، امپریالیست های هاری "راهبلی" "دب" "کفر" می اندیشند، از جمله محافل آمریکایی امکا دخالت مستقیم نظامی و اشغال ایران را نفی نمی کنند.

درود بر طبقه کارگر...

توده ایران، سازمان سیاسی و بیژ خود را دارد و راه نیروی مؤثر و نفوذ سیاسی و اجتماعی در جامعه تبدیل می کنند.

لنتین خاطرتان می ساخت که با بیگاری سربازان پیشرو روشن کرد که چه متحد با لوه های درسیای هم دهقانان، هم دانشمندان و هم به طور کلی روشنفکران دارند.

دهقانان زمینکنان دارای امکانات انقلابی و وسیع هستند و برتر گترین طبقه کارگر در پیروند در راه استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی در عین حال در جریان جنبش عظیم اجتماعی که هم اکنون نیز ادا می دارد، اهمیت اتحاد و همبستگی کارگران و دانشمندان و روشنفکران در عمل از محک آزادی کشید و ضربه می خورند به رژیم ضد ملی و دموکراتیک وارد آورد.

کمیته احزاب حزب توده ایران طبقه دارند با استفاده از هر وسیله ای که در اختیار دارند، در پیشروان هدفا با تمام قوا بکوشند. برای اعطای حزب توده ایران هیچ وسیله ای عاجز و مهمتر از رفتن به میان توده های کارگر و سوسی و پیروان هر طبقه می، تاکنیک و اسبابی حزب به قفسه های نامی شکل بیرونی را و جلب کارگران پیشرو آگاه به طوف حزب وجود ندارد. فقط از پیروان سده که می توان به تشکیل ارتش سیاسی انقلاب شامل آمو به خواست توده های زمینکنان، دایره تصیل و بنیادی در شتون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه عمل بوناند.

نویسنده

سال چهارم ، شماره ۶۹ ، شنبه ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

درسنگرهای انقلاب شهید شدند

۳ واخوان گذشت ولیکن ترانه اش
گلمی کند به دامن کوهها په ها...

در گوشه دیگری از میدان نیروهای مسلحانه
خلقمان ، خون یک دانشجوی مبارز توده ای، سرو د
آزادی را بر خاک نقش زد: رفیق خسرو مقصودی
(دانشجوی سال پنجم دانشکده فنی دانشگاه تهران)
آتش دیگری بود در زمانه ما که جان خود را در
نهاد قلب اهریمن و ظلمت اژدانه گرفت. این
پيام اوست که حريت آبادي يک شهيد را در فراق آگاهی
بر ملا می کند:

ت ۲ شهید موعظه ایم اینک باید کار سیریم،
یک روز هر گله ای که می آموخیم و به دیگران
می آموخیم هر بار و ترا زنده ها گلوله بود و امروز
هر گلوله بر من می تازد هزارها هزار گله است -
رفیق خسرو مقصودی راه حزب توده ایران را راه -
رستگاری کوهستان حقیقت میدانست و در این
سنگربوده شامی ذرات هستی بر نعمت و متبصر
خود را شاد کرد تا از این بدر خون و شرافت ، گله ها
و میوه های فردا ببارد به...

نادر عبدالصاف (دانشجوی دانشگاه تبریز)
مدتی طولانی نبود که به یکی از شاخه های سازمان
"توده" پیوسته بود. گفته بود، گفته بود، تنها
حرا انجام میدادگاه خویش را در وجود حزب توده حزب
طبقه کارگران که تاجی از خون و رنج و شهادت
برپیشانی بلند و نمناک آن میدرخشید، یافته بود.
این مدای اوست، مدای شهیدی که از مرگ
قوی تر است:

کارگران و یار هم کارگران، آنها با و دارند
که راه ما به حق است بیش از این چه می
خواهیم؟
در نظرگاه "نادر" همه چیز در پرتو تارها
بود و پرتو تارها همه چیز بود، جهان در چشم او
با تار تار غبار میبارید "کارگر" مفهوم خود را به
دست می آورد، او چه چیز گران بها تر از جانش داشت
تا بر سر این سودا فدا کند؟
۶ تن دیگر از شهدای توده ای در محبوسه جنگ
های همگین تهران به خون سپیدند. این ۶ توده ای
محشور به یک واحد حزبی خلق داشتند و از آنجا که
به اقتصادی قانون اساسی میبارید، زیر منبری در
شرایط اختناق گذشتند، تا نشان آبی مستعار آنها
فلا در دسترس است، تا روشن شدن شخصیات و تهیه
زندگینامه و جوینگی نبرد قهرمانان این سازمان
برخ سنگر حقیقت و عدالت، به پای از آن تنها
آگهی میکنیم - ما این تجدید عهد که راه مقدس آنها
را در کار و پیکار، در نقش به مردم و کینه دشمن
دروغین و خاکسترن در خراش های این سازمان
لحظه ای از یاد نبریم.
مردگانی هستند که به تمامی از این جهان
نصروند...

۹ رزمنده توده ای

گزاره ای که تاکنون از گردان های رزمی
حزب توده ایران به ما رسیده، حاکی است که ۹ تن
از اعضا و مسئولان حزبی در آخرین روزهای پیروزی
مسلحانه انقلاب در میدان های نبردها شهید شده اند
شهیدان توده ای که دوش به دوش با رزمی مردم مبارز
آزاد شده ای رزمی پیوسته، شاه و اشرار و فاشیست
گرفتند، با خونهای خود یکبار دیگر قتل را بر سر
و صدقات انقلابی خویش را در عرصه عملیه اشکات
رساندند و به صف طولانی سرخی که شهیدان حزب توده ای
ما به طول ۳۷ پیکار میمان و پراشنگنه و
رنج و حماسه بوجود آورده اند، پیوستند...
حاضرین با درمگنان که چون زندگیتان هزار
هفت و منتهی مودمی بود...

رفیق شهید محمد جانجانیان، دبیر سندیکای
کارگران با بنده سوزنی، در نبردهای خونین میدان
ارک تهران به خاک افتاد. او که علاقه در سنگر
نیروهای انقلاب در جاده و تلاش بود، و از جمله در حمله
انقلابی به کلانتری ۶ شیر شرکت داشته و هنگام
نجات یک رزمنده مجروح، هدف گلوله قرار گرفت.
در مراسمی که هفته گذشته رفقا با این کارگر
شهید در محل سندیکای صنایع با بنده سوزنی برپا
کردند، یکی از کارگران شناسنامه ساد و غرور انگیز
محمد جانجانیان را با این کلمات تصویر کرد:
"او در ابتدای فعالیت های سیاسی، به امر
سندیکا و فعالیت های سندیکایی بهیچ
چندانی تمهید نداشت. بیشتر شور و شگفتی بر
مبارزات چریکی و فعالیت نظامی بود، تنها
سرانجام در آبان ماه ۱۳۵۶ که کتاب
های ما بازنده، علی-آقا حزب توده ایران
بدستی رسید و دانش شور و شگفتی خود را افزایش
داد."

قهرمان شهید توده ای بدین سان از دروازه
حزب ما گذشت و به رؤیای شریف پرولتاریا ایران
پیوست.
یکی دیگر از دوستان و یاران نزدیک "محمد"
در مراسم یادبود قهرمان توده ای که با شرکت مدعا
کارگر با بنده سوزنی برگزار شد، طرخی از اندیشه
های او بدست داد. کارگر گفت:

از من می پرسند محمد به چه جریان سیاسی
تعلق داشت؟ فقط یک جمله از او میگویم
همیشه میگفت: حزب توده مثل چشمه میدان
همه به آن حمله میکنند، روشنفکران خرده
بورژوا، ارجاع داخلی، میسران سرسبز
گان مزدور، امپریالیسم... ولی همیشه
همچنان زنده است و میجوشد همه این اجزای
و موجهای گل آلود را میسوزد... سرانجام همه
به حقانیت آن اعتراض خواهند کرد... او
همیشه از روشنفکرانی که با سلاح تهمت و
ناز به جنگ منطق و حقیقت میروند انتقاد
میگرد و تاکید داشت که طبقه کارگر به این فاش
روشنفکران احتیاجی ندارد.
محمد جانجانیان به هنگام شهادت ۳۲ سال داشت

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مردم قهرمان ایران

به همه مبارزان دلیر راه استقلال و آزادی

هم میهنان ، مبارزان

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نام همه
مبارزان توده ای که پیش از سال در سخت ترین
شرایط علیه رژیم جنایت پیشه و فاشیست شاه مبارزه
کردند، این پیروزی بزرگ تاریخی را به همه شما
به کارگران ، و به مبارزین مستکبران شهرورستان ، به
روحانیون مبارز ملی ، به روشنفکران ، به پیروان
و سرما به داران میهن پرست ، به همه مبارزان دلیر
راه استقلال و آزادی ، به نیروهای مسلح خلق ، به
واحدهای انقلابی نیروی هوایی ، به محاربین
خلق ، به گروه های مسلح توده ای و پرک های
فدایی خلق از مصمم قلب شادباش می گوید.
افتخار ما و پادشاه مردم ایران که با مبارزه
انقلابی که نظیر خود ، این پیروزی بزرگ تاریخی
را که صف درخشان در تمام تاریخ انقلاب خلق های
مردم سرسبز جهان باز کرده است ، به دست آوردند.
ما مبارزان توده ای ما بنده سوزنی ، مردم ، امروز سرشار
از غروریم که به چنین مردمی خلق داریم و بسی
این پیروزی هنوز مرحله اول پیروزی فطری و نهایی
است و باید این پیروزی را با زنگشت نا پذیر کرد.
دشمن ، این مار زخم خورده ، هنوز بسیار خطرناک است
باید آن را سرکوب کرد و با تمام هشاری آماده درم
شگشتن تلاشهای مذبوحانه آئینده بود.

حزب توده ایران پیام شادباش حضرت آیت الله
عینی رهبر جنبش انقلاب ملی و دموکراتیک ایران
را که املا تا شیدسی کند که مردم راه هوشیاری و
آبادی دعوت نموده است تا در صورت توطئه محمد
مزدوران شاه و امپریالیسم و گردانندگان غم
فروخته، ارتش با تمام نیرو، آن را درهم کوبند.
آنها امروز اهمیت در جاده اول دارد، حفظ آن اتحاد
و یگانگی است که در میدان های نبرد با خون مبارزان
وابسته به جریان های گوناگون سیاسی ایران شهر
خورده است. تنها با حفظ این اتحاد انقلابی ، تنها
با هوشیاری و هوشیاری ، تنها با سازماندهی همه
جانبه های نیروهای مسلح خلق می توان راه را بر
توطئه های خائنه امپریالیسم و خود فروختگان
بدکرد و در اطمینان برای تعلق و فدا بقیه حضرت
آیت الله عینی رهبر دولت موقت ملی و
انقلابی فرار داده و با زتاب کامل همه خواست های
مردم ایران است ، فراهم کرد.

افتخار ما و پادشاه مردم قهرمان ایران !
در امتداد راه دیرپیم پیروزی انقلاب ایران !
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ بهمن ۱۳۵۷

پیام

سرداران نامی حزب ما

گرامی باد خاطره شهیدانی که با نام آزادی بر
زبان و از روی سعادت خلق پرول جان باخفتند.
درویدی گران به خلق مبارز قهرمان که در
یکی از نبردهای شریف و نیکبخت ترین ادوار تاریخ میهن
ما قتل شگومند را آغاز نهاد.
سلام و احترام به بزرگمرد عالم تشیع حضرت
آیت الله عینی و دیگر قهرمانان ارجمند روحا نیست
مترقی میهن ما.
درویداران به کارگران مبارز، دهقانان
و مبارزین مستکبران و روشنفکران انقلابی که در نبرد
همگین علیه استبداد امپریالیسم نقش به فایت
مؤثر و تعیین کننده ایفا نمودند.
دروید همه سازمان های شرق و میا رز که در
امریکا و برای آزادی خلق مجاری شرکت
کردند.

هم میهنان :
ما در لحظات حساس از تاریخ انقلاب خود هستیم،
دشمن در کمین غفلت های ما ، تفاق ما ، عدم درک
مشکولیت درقبال انقلاب و اهداف آن از طرف مبارزان
شکسته است. شمار ما در لحظات نرسوشت ساز
هشاری و اتحاد همه نیروهای فدا استبداد و فاشیسم
امپریالیستی است.

حزب توده ایران پیروزی های به دست آمده
انقلاب را به خلق مبارزان توده ای که پیروز
همچنان در صف نبرد علیه خلق مبارز احساس مشمولیت
خام و در کمین انقلاب گام می دارد. ما بر
آتش که و شیف پیروزی انقلاب و مقیم گذاردن هر
نوع توطئه علیه خلق و ارمان های مستلزم ایجاد
جهه واهی از همه نیروهای انقلابی و مبارز خلق
میخواهیم.

پیام به مردم قهرمان و شکست ناپذیر ایران

توطئه های تازه تری است. هوشیار باشیم ، افمی
زخم خورده خطرناک تر است.
اتحاد ما در این لحظه دورا سازان چشمه
افسانه ای است که تن تا و ما را روشن می کند.
برای آنکه انقلاب پیروز شود، آن راه پیش برانیم.
با یک دست فتنه ها با یک راه داریم ، و آتشین
دست دیگر برای آفریدن ، برای شمع زدن ، برای
فلا در دسترس است ، تا روشن شدن شخصیات و تهیه
زندگینامه و جوینگی نبرد قهرمانان این سازمان
برخ سنگر حقیقت و عدالت، به پای از آن تنها
آگهی میکنیم - ما این تجدید عهد که راه مقدس آنها
را در کار و پیکار، در نقش به مردم و کینه دشمن
دروغین و خاکسترن در خراش های این سازمان
لحظه ای از یاد نبریم.
مردگانی هستند که به تمامی از این جهان
نصروند...

پیروزی با دما رزه مسلحانه مردم قهرمان و شکست
ناپذیر ایران
برقرار باد اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک
ایران !
زنده باد جمهوری دموکراتیک ایران !

ما زمان "توده" وابسته به حزب توده ایران
۲۲ بهمن ۱۳۵۷

پیام گروہ منشعب

افتخار جاویدان به مردم قهرمان ایران دراهِتزاز باد پرچم پیروزی انقلاب ایران

وظیفه، مهم دیگری که در برابر دولت موقت انقلابی قرار گرفته ، ریشه کن کردن همه استبداد و تأمین کامل حقوق آزادی های گوناگون و اعلام و برپا ساختن اساسی همه آزادی های مردم در اعلامیه حقوق بشر است.

تمام نیروهای ملی و دموکراتیک و از جمله توده دانشجویان در این راه با هم ضرورتاً دولت ملی و انقلابی پشتیبانی خواهند کرد.

تدارک رفرا دوم ، انتخابات مجلس موسسان بین قانون اساسی جدید یا پدرزاشی است.

دین کار ما همه سازمان ها سیاسی واجتماعی و حزبی و افراد صرف نظر از مواضع سیاسی و ولورژیک آنان انجام گیرد.

حزب توده ایران امپراتوریت که دولت آفرین
دستی بازگفت که بعنوان اولین دولت جمهوری
در تاریخ اسلامی همه، و همه های قدرت آفرین
در ادراک آزادی های فردی و اجتماعی که
خیزش را فراتر از این دوران درآوردند
و زودتر عملی سازد.
سومین وظیفه مهمی که در برابر دولت موقت
و انقلابی بود طورگی در برابر همه، جنبش
انقلابی ایران را گسترش دهد، راه انداختن هرچه
تواند در جهت آزادی و توسعه کشور و مردم
ایران است که در این سیاست عملی رژیم شاه
و نه تنها این رژیم بلکه تمام رژیم های
خلاف است.

[illegible]

با مجموعه، این اقدامات دولت موقت ملی-
قلماسی می‌تواند گدازد ترسین به‌شبهانی مردم را برابری
صیانت می‌رم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و غیره
کنند و گام‌های موفری در راه رسته کن‌ها
بیدا و استقامت برادر دارد.
حزب توده ایران آگاه است از هر اقدام و تصمیم
ت موقت ملی و انقلابی که در راه انجام این-
ست های مردم ایران آغاز گردد، صیانت
تمام نیروی به‌شبهانی کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۳ بهمن ۱۳۵۷

پیام سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

ف‌های دلیران ایران!
ارستانه به‌روز تاریخ سازمان که از پی
من گشای فرسوده است، در برابر عزم و شجاعت
قلماسی، با پیروزی و جانشانی می‌مانند تا
شمه مرده و آوری

آین دیروز را که به بهای خون عزیزان ملت
دست آمده است ، به قیمت جان های خواهی
شت و به نام آنی شود یا روزند ، میهن ما
پادشاهی دند شهیدان راه وای میهن آن
گ استبداد استبداد برهمنی می بدوم که
برین نفس درهرنگدن که ره ریشه ای جورومست
رنگار و استبداد استبداد برهمنی ، این فتنه
رگه را که رشت میوه استبداد فتنه سرمد
ای ما سینه برهرجنش انقلابی ایران خسر
تالاله المظفر خمینی وبه همه طبقات و افشا
قی نهضت می گوئیم .

فرخنده دیروز تاریخ را خلقهای ایران!
مستحکم باد اتحاد دهنهای خلق!

دیروز با غرضی از جهان بودا نشویا
دیوگرت ایران

مردم قهرمان ایران: حسن مدرس سرپردهٔ رژیم‌های
هم اکنون و روزی خوشی را؛ با اعلام پشتیبانی از
حاکم رژیم پهلوی تلاش می‌کنند در صفوف انقلابیان ایرانی
راه‌گشاه و یار و یارای دیگر آن را و دچار
شکست سازند. بگوئیم سانس عدالت‌پسندان و افتخار
و پرده‌نشین.

خودهای مبارز: بگوئیم سازشکارانی را که در
صدت‌های با رژیم سازشکاری از دربارشان
در پندش از چه عمیق‌ترند انقلاب ایران جلو
گسری نماند اما نموده و از صفوف انقلابیان
مستقیم.

گروه منشعب از سازمان چریک های فدایی خلق
واسته به حزب توده ایران

بهائیه شماره دفترموقت گروه منشعب از
سازمان چریک های فدایی خلق (وابسته به حزب
توده ایران)
دفترموقت گروه منشعب از سازمان چریک های
فدایی خلق (وابسته به حزب توده ایران) در محل
گارد سابق دانشگاه صنعتی تهران واقع در خیابان
آبرینا و تنگنیکل گردید.

میهن ما به یک ارتش ملی
ود موکراتیک نیازمند است

0 30 100 200 300 400 500 600 700 800 900 1000

پیشینیان ۱۰۶۵ اید / خورشید ۱۹

آومان-آ/كمبوت/بيمان ۲۹

آزادی / بقا / فندك ۲۵ / به

خاك / نسيم / شمع

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۳ بهمن ۱۳۵۷

پیام سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

فلق های دلبر ایران!
در آستانه پیروزی تاریخ از ما نکه ازی می خبر
زمن شگن فرا رسیده است ، در برابر عزم و هوشیار
نقلای ، با هم دمی و جان فشانی می سازند دستان سر
عظیم برود می آوریم .

این پروزی را که به بهای خون عزیزان غلام دست آمده است، به قیمت حای بی شوها به دست و نام این توده های زنده، میهن ما به یاد همیشه زنده شهیدان راه راهی میهن ا جنگ استبداد استعمار پریشان می بندم که نگرین نفسی دربرگردد به ریشه های جورورستم استعمار و استبداد استعمار پرزم، این نفس بزرگ را که ضمیمه میوه اتحاد وفاق می مردم وطن ما به رهبر جنبش انقلابی ایران صحر آیت الله العظمی خمینی و به همه طبقات و اقشار طبقه تنهت می گوئیم

فرخنده باد دهر روزی تا ریخ ساز خلقهای ایران!
مستحکم باد اتحاد دهمه نیروهای خلق!

دهر خانه‌ها را
دو گرات ایران

هفته نامه نویسنده

سال چهارم، شماره ۷۰، شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)



انقلاب ایران بر سر دوراهی

داری، عملکرد خود را همچنان حفظ می کند و کماکان به ایجاد شکاف بزرگی میان کشورهای امپریالیستی و اکثریت مطلق کشورهای عقب مانده که راه رشد سرمایه داری را اختیار کرده اند، متوجه می گردد و کشورهای اخیر برای همیشه به صورت راکده اقتصاد امپریالیستی باقی می ماند. ما تکیه بر این واقعیت است که در برنامه حزب توده ایران برای انقلاب ایران در مرحله ملی و دموکراتیک آن تاکید شده است:

"حزب توده ایران راه رشد سرمایه داری را در دوران گسسته تاریخ برای ترقی واقعی و سالم جامعه ایران، راه زبان باری می داند، زیرا این راه رشد اقتصاد سرمایه داری را جایگزین انواع گسسته استثمار می داند. بحران عمومی سرمایه داری در دوران ما پیوسته زوفا می شود... در این دوران پیوند راه سرمایه داری، در اقتصاد، به تاجاروبه شدن به جهت فساد دموکراتیک در سیاست است. چنین دورانی نمی تواند مورد قبول نیروهای ملی و دموکراتیک ایران قرار گیرد.

"راه رشدی که حزب ما برای جامعه ایران می داند، سمت گیری سوسیالیستی (راه رشد غیر سرمایه داری است) که هنوز به معنای استقرار سوسیالیسم نیست."

برای انتخاب راه رشد غیر سرمایه داری (از طریق ملی کردن وسیع و سبیل عمده تولید و منابع اصلی ثروت ها و صنعت های زیرزمینی و روزمینی، اطلاعات ارضی دموکراتیک و تمرکز سریع منابع وسیع دولتی، به ویژه ایجاد صنایع کلیدی مادروغیره ...) هم زمینه های بسیار مساعد داخلی و هم شرایط بسیار مساعد جهانی، وجود دارد.

شرکت فعال و جداگانه "دموکرات ترین و زحمتکش ترین طبقات و اقشار جامعه ما و در مرکز آن ها طیف، کارگران انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی ایران، خواست های این اقشار و طبقات عمیق ملی را به صورت نیروی محرک و موتور قدرت انقلاب در آورده است. با تکیه بر این نیرو و درک عمیق نیازها و مطالبات آنها، انقلاب می تواند مرحله به مرحله به سمت آزادی و رفاه گسترده گسترانده شود. استثمار را هر چه محدودتر و کم رنگ تر سازد، وجود طبقات میسر خدایتاری و ضد سرمایه داری در شاخه ها و خواست های نامشکلیان فکری فشرده و طبقات را به یک جهت آزاد می بخشد. ما کاملاً متوجهی است، وقتی میانه بین ملی، روشنفکران انقلابی، نمایندگان فکری جنبش انقلابی اسلامی مذهبی ابوالحسن بنی صدر (ارتزبدگان اسلام غمینی) به طور عریان از لزوم تبدیل اختلاف طبقاتی و حتی استقرار جامعه بدون طبقه، توحیدی و جامعه مکتب که در آن مزایای فکری، گروهی و طبقاتی را یک گشته سخن می گویند، وقتی سیستم بانکی موجود به مثابه عامل مهم فارت و استثمار سرمایه در ساختاری ها و اقشار آزادیخواهین روشنفکر مذهبی پردی می شود، وقتی سرمایه داری به عنوان نظامی که هویت انسانی را از او می گیرد و انسان را به شکل یک مصرف کننده، دوا می آورد که تنها شعله "ان مصرف کردن" است، در آثار متفکرانی نظیر دکترا علی شریعتی با تکیه بر این مسئله و بر خاست روبرویی می شود، وقتی سوسیالیسم به مثابه هدایت اطلال آید و انسان را به سرمایه جست و جو می کند و در وجود "مستغنی" که درقا موبوط طبقه، با لایه ها و رگبات به این نظم می تازد، (درصاحب باغبان رگبات) نیروی طبیعی که انقلاب ایران برای طرد راه درناک رشد سرمایه داری در اختیار دارد، با همه قانت توانای خود جلوه می کند، چرا که به این نیروها و مطالبات با دیده، نیرو و خواست طبقه، کارگران را به عنوان بزرگترین طبقه، اجتماعی با مبادا شافه کرد.

و اما در عرصه ملی: دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. ما به طور کلی اعلامیه طبقه مشاوره احزاب کمونیستی و کواکری (نوامبر ۱۹۶۰) به درستی تفسیر کرده است: "مفهوم عمده، جهت عمده، و خصوصیات عمده تکامل جامعه بشری را و اما در عرصه ملی: دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. ما به طور کلی اعلامیه طبقه مشاوره احزاب کمونیستی و کواکری (نوامبر ۱۹۶۰) به درستی تفسیر کرده است: "مفهوم عمده، جهت عمده، و خصوصیات عمده تکامل جامعه بشری را

دوره دوم: دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. ما به طور کلی اعلامیه طبقه مشاوره احزاب کمونیستی و کواکری (نوامبر ۱۹۶۰) به درستی تفسیر کرده است: "مفهوم عمده، جهت عمده، و خصوصیات عمده تکامل جامعه بشری را

انقلاب ملی و دموکراتیک ایران بر سر دوراهی تاریخی ایستاده است. انتخاب هر یک از این دوراه در چگونگی رشد اقتصادی جامعه ما و سرنوشت یکایک افراد این سرزمین تا هزاره ها آینده وینت دارد. یکی از این راهها، انتخاب راه رشد سرمایه داری و دیگری گزینش راه رشد غیر سرمایه داری است. مبارزه برای تعیین جهت رشد جامعه، مورد نیازها و گسسته های آشکار و پنهانی است که این روزها آثار و علالت آن در همه جا مشهود است. نحوه تعیین، سازمان های اداری و دستگاه نظامی رژیم گسسته و تحریف سازمان آنها، نحوه انتخاب و انتصاب مسئولان، روشها و فرامانها جدید، تعیین چهارچوب آزادیهای اقتصادی و سیاسی، آزادی احزاب، جمعیت ها و سندیکاها و اتحادیه ها، مصالحه عدوانانه، سانسور مستقیم یا غیر مستقیم در رسانه های گروهی، به ویژه در ادبیات و تلوویزیون - و بسیاری دیگر از تپ و تاب های که این روزها مرکز انواع بحث ها، انتقادات و اعتراض های جوار آورده، در عین حال که به نوعی، مبارزه فکری و طبقاتی را در درون اردوی انقلاب منعکس می کند، با این جهت گیری اصولی در ارتباط است (۱).

مساله ایست که در انقلاب ایران همه گروه ها و اقشار و طبقاتی که با امپریالیسم در تضاد و مخالفت هستند و از دیکتاتوری امپریالیستی رها می شوند، در یک سو، شرکت وسیع دارند. و این که نخستین عواطف های پیروزی در دوره، هر یک از این اقشار و طبقات می خواهند انقلاب را به سویی بکشند که با طبیعت منافع و مصالح حال و آینده آنها بیشتر سازگار است. انتخاب طلسمی - به هر شکل - در چنین انقلابی با درست از این سرچشمه آب می خورد. اما مساله حیاتی ایست که انقلاب در چه راه و سبیل کدام شیوه می تواند بیشترین منافع اکثریت عظیمی را که در آن شرکت فعال داشته اند، تامین کند. و موضوع تعیین جهت رشد با این سوال پیوند جدا نشدنی دارد.

پس از آنکه درباره چگونگی راه رشد جامعه انقلابی ایران به بحث بپردازیم، لازم است با توجه به حالت انقلاب ملی و دموکراتیک ایران و آرزوها و خواست های عمده ترین اقشار و طبقات شرکت کننده در این انقلاب، مهمترین هدف های آن را مرور کنیم. این هدف ها در اطلاق با نیروی محرکه، هر انقلاب و اقدام ملی و دموکراتیک در عرصه ملی به این ترتیب قابل طرح است:

۱- ایجاد تحول بنیادی در سازمان دولتی به تکیه بر همه، مستند بر روی ملی و دموکراتیک جامعه یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران و کسبه، روشنفکران، مهندسان و متری و قشرهای ملی بورژوازی.

۲- مملکتی به بقایای استثمار، استثمار و ریشه کی ساختن تسلط امپریالیسم و طرد انحصار های خارجی و احداث صنایع ملی به منظور تحکیم حاکمیت ملی.

۳- الهای نظام و بقایای فئودالی، انجام اطلاعات باسی ارضی با شرکت همه دهقانان و سبیل نفع همه دهقانان.

۴- تعمیم سیاست خارجی ملحق به و ضد امپریالیستی (سیاست بی طرفی مثبت).

۵- تصمیم دموکراتی در حیات اجتماعی و استقرار حقوق و آزادی های دموکراتیک به نحوی که سرنوشت کشور را به دست نهاده های مردم بشارد.

۶- تامین رفاه و ترقی و عدالت اجتماعی. در همان روزانه، ما عملاً دوراه رشد بیشتر وجود دارد. هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که بتواند ادعا کند راه سوسیالیستی را پیما به با پای به دستم چنان سرمایه داری یا فانی ماندوبه صورت حزبی از اجزا، آن در امداد با این سیستم را نمی گرد.

کشورهایی که راه رشد سرمایه داری را اختیار کرده اند، نمی توانند خواست راجه شدن از وابستگی اقتصادی به امپریالیسم با خود هم در عین حال در سیستم جهانی اقتصاد سرمایه داری باقی بمانند. چنین کشورهایی برای ملی کردن چنین هدفی باید با تمام وسایل بر طبق مانده های اقتصادی خود طبقه کنند، نیروهای مولده و بازده کار را تا سطح کشورهای صنعتی امپریالیستی بالا ببرند و اقتصاد خود را با آن چنان آنگ رندی بسط دهند تا در سطح تولید بر این کشورها در سطح حقوق برابر با کشورهای صنعتی امپریالیستی قرار گیرند. از لحاظ ظوریک وجود چنین ایگانی برای این آن کشور بسیار دشوار باشد. اما قانون رشد

با سوسیالیسم و سیاسی در اقتصاد جهان سرمایه

کارگران ایران حق دارند خواستهای ویژه خویش را از انقلاب مطالبه کنند

در روزی که دهها کارگر به نمایندگی از سوی ارتش ۶ میلیونی کارگران ایران در اجتمای در بایان وزارت کار، با حضور در پیش فروهر، وزیر کار دولت وقت، شرکت کردند. در این اجتماع کارگران ضمن سخن خود مسائل و مشکلات ماحول کارگری را مطرح کردند.

کارگران که در فاصله اول مبارزه علیه رژیم ملی و فدرالیتی شاه، با اعتراضات کمربند خود رژیم را به زانو آوردند و دو تا دوش دیگر نیروهای غلبه در همه اشکال مبارزات انقلابی، از جمله قسام سلحانه روزهای ۲۲ و ۲۳ بهمن فعالانه شرکت جسته و شهید دادند، سنگین ترین بارها را و مناسبت بحران اقتصادی را بر دوش کشیدند و با این همه با پای داری می ماندند به مبارزه ادامه دادند. در ماه های طولانی انقلاب اکثریت قریب به اتفاق کارگران از بدبختی استفاده های ناچیز خود محروم ماندند. دهها هزار کارگر و مزدبگیر از کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور اخراج شدند. کار فرمایان با اخراج بی رویه کارگران و زمینکنان که به قیمت بستن آب باریکه، رزق و روزی مختصر آنها تمام شد، همه، سنگینی بار بحران اقتصادی کشور را که تاگزیر سهمی از آن هم به آنها رسیده بود، به دوش کارگران زمینکنان انداخته و با این عمل خود را دیگر آنسوی چهره زشت "سرمایه داری" و آزمندی و توحش سرمایه داری وابسته و ضد ملی را نشان دادند.

اینکه انقلاب طومار رنگین رژیم سلطنت را بریده است، کارگران حق دارند که دستمزد کامل ماهی را که در اعتصاب بوده اند، تسلیم کنند و بخواهند کلیه کارگران اخراج شده به پرداخت همه حقوق و مزایای سرکار بازگردند. طبقه کارگر رزمنده و پرافتخار ایران که با هم عظیم میلیونی حریف در انقلاب سیاسی و دموکراتیک شرکت حسته و به آن زرقا و بهای بی ساعه ای بخشیده است، حق دارد که خواست های ویژه خویش را از انقلاب مطالبه کنند.

کارگران و دیگر زمینکنان ایران در شرایط کنونی خواست های صنفی خود را به شکل زیرین مطرح می کنند:

- پرداخت تمامی حقوق و مزایای کارگران در ایام اعتصاب با تعلق بخواه گفت کلیه کارگران اخراجی به سرکار خود؛
- تامین اشتغال به مثابه حق مسلم افراد کشور و زمین بریدن بیکاری و نیمه بیکاری در سراسر کشور؛
- حل مسئله مسکن کارگران و تامین مسکن بهداشتی و راحت و ارزان برای زمینکنان شهر و ده؛
- محدود ساختن روزگار در سراسر کشور به شت ساعت در روز و جعل ساعت در ده؛
- لغو کارکردگان گستر از ۱۲ سال؛
- جلوگیری از اخراج کارهای شاق به زنان و اجرای اصل دستمزد برای دوبرابر کار مساوی؛

دوره دوم: دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. ما به طور کلی اعلامیه طبقه مشاوره احزاب کمونیستی و کواکری (نوامبر ۱۹۶۰) به درستی تفسیر کرده است: "مفهوم عمده، جهت عمده، و خصوصیات عمده تکامل جامعه بشری را

پیش بسوی جمهوری ملی و دموکراتیک ایران

بازسازی ساواک و مسئله آزادی دژخیمان رژیم منحل آریامهری

بعضی از آنها خود ستوردهنده و محری این جرائم فداشانی بوده اند. علاوه بر این تنها بازرسی و صفا کمدقیق و پیگیری انتقالی از این مزدور نوکره های رژیم آریامهری است که می تواند بسیاری از اسرار و اسرار سابق فعالیت های ضد ملی و پلید رژیم خونین شاه و مناسبات آن را با سازمان های جاسوسی امپریالیسم و صهیونیسم برملا کند. در وجود هر یک از این جاسوزانی که نظام آریامهری بهره بردارند، یک خطر بالقوه برای انقلاب ایران و سلامت جامعه آینده نهفته است. برای درهم شکستن کامل نظم زنگ زده و سیاه گذشته، برای احیای دژهای انقلاب، برای پیچیدن قاطع طومار بازمانده های زمان های جنایت و حیانت رژیم منحل، برای غیوریت انقلابی است. مردمی که نقش مقدس هزاران هزار شهید روی دست آنهاست، مدتها هزار تنگنیه دیده، با پمال شده، زخم خورده، تحقیر شده، دستگیری سریع و محاکمه فوری این گرازهای افسار گسیخته، مصرع خاک و دیگر مسئولان و مجرمین گذشته را در مقامی مستحق ای اداری و نظامی خواستارند. با آزادی این هزارگان اسباده، انقلاب نمی تواند اساس امنیت کند.

اطلاعاتی که به دست ما رسیده، حاکی از آنست که سازمان آریامهری امنیت سابق به طور مطلق دست اندر کار تجدید سازمان خویش است. باره ای از سیاست فطرت ترین عوامل و مهره های این سازمان در عین حال که به جمع آوری و ذخیره کردن اسلحه مشغولند شبکه های ارتباطی گسترده و صنایع مختلف را که در جنایات گذشته مسئولیت و ابتکار عمده داشته اند، دوباره به هم پیوند می دهند. اخبار و اطلاع نشان می دهد که ساواک با استفاده از تجربیات خود در انقلاب خود مختاری گروه های زیر زمینی انقلابی گذشته، شبکه های جدید را با رعایت مضمین گامهای لازم رژیم و با بازسازی می کند. در حالی که این خبرها به مثابه هتداری جدی باید مورد توجه قرار گیرد، گزارش های که در دست است، نشان می دهد که است که تاکنون مدتهاست از مهره های شناخته شده و وباناکتور ناخشناس ساواک، که توسط نیروهای مطلع انقلاب دستگیری و تحویل کمیته های مسئول داده شده بودند، پس از یک بازجویی مختصر آزاد شده اند. در میان این افراد دژخیمانی که دست های سیاه و مهمی داشته اند وجود دارند. اینان نه تنها به طور مستقیم و غیر مستقیم در رذالت ها، شکنجه ها و قساوت های ساواک در گذشته شریک جرمند، بلکه

کارگران ایران حق دارند...

تعمین حداقل دستمزد بر پایه هزینه های لازم مادی و معنوی خانواده های کارگری؛
تأمین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکشان؛
پرداخت کمک هزینه به کارگران و کارمندان معیل به نسبت افراد خانواده؛
تفکیک صحیح کار در ادارات و کارخانه ها، ترفیع بر اساس آرمودگی، سابق خدمت و کیفیت کار و تجدید نظر در قوانین استخدامی بر مبنای دموکراتیک؛
رعایت تعطیلات هفته و تأمین دوتایه هفته مرخصی در سال با استفاده از حقوق برای همه زحمتکشان و ۴ ماه مرخصی با دریافت حقوق برای زنان زحمتکش قبل و بعد از زایمان؛
طلوگیری از اضافه کار در کارخانه ها و کارگاه ها تحت مسئولیت کارگران؛
واداشتن کارفرمایان به رعایت اکید بهداشت و امنیت کار؛
تأمین ساختن قانون کار و بیمه بر کلیه کارخانه ها و کارگاه ها، املاک و کوی و در مورد همه کارگران املاک و کارگاه های صنعتی، پهنه وری و سایر کارگران حمل و نقل و کشاورزی؛
تعمین قانون کار جدید بر سبب دموکراتیک یعنی با شرکت خود کارگران و کارمندان؛
تصویب و اجرای قوانین مترقی بیمه های اجتماعی به سود کلیه زحمتکشان و خانواده های آنان، تأمین خدمات پزشکی مجانی و دارو رایگان برای زحمتکشان؛
تأمین نظارت کارگران بر سازمان های که موظف به خدمات رفاهی نسبت به کارگران هستند و با بعضی از دستورات آن ایجاد شده (مانند سازمان بیمه های اجتماعی، سازمان مسکن کارگران و غیره)؛
رعایت شناختن حق مسلم کارگران در تشکیل سندیکاها، اتحادیه ها و انجمن ها و کفدراسیون ها و اتحادیه های کارگری بدون دخالت دولت و کارفرمایان؛
رعایت شناختن حق مسلم کارگران در دفاع از منافع خود در هر گونه عمل سندیکایی اسم از اعتصاب، تحریم، تشکیل گروه انتصابات اعتصاب، اشغال محل کار، نظارات خیابانی و دیگر اکتال مبارزات سندیکایی، بدون آنکه مورد بازخواست، اخراج یا تنبیه واقع شوند؛
به رسمیت شناختن حق کارگران و دیگر زحمتکشان برای دانش مطبوعات ویژه خود و تبلیغات سندیکایی بدون دخالت دولت و کارفرمایان؛
بدینوسیله است که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران اردویتی که به این خواست های آنان توجه کافی مبذول دارد و در جهت تحقق آنها بکوشد با تمام نیرو و توان ملی و بین المللی خویش پشتیبانی خواهند کرد.

انقلاب ایران بر سر دوراهی

در دوران معاصر سیستم جهانی سوسیالیستی ویر و های میمن می کنند که بر علیه امپریالیسم و به خاطر سوسیالیسم جامعه در مبارزه اند. تجربه مومق کشورهایی که راه رشد غیر سوسیالیستی را برگزیده اند، نظیر چین جنوبی، الجزایر، برمه، لیبی، کینه، کنگو، برازیل، آنگولا، کوبا و غیره می تواند تطبیق با ویژگی های جامعه و انقلاب ایران به طور مشخصی مورد بهره گیری واقع شود.

انقلاب ایران اگر به اس و اطمینات و تعریات تاریخی توطئه عمیق و کامی نکند، هرگز قادر نخواهد بود وظایف ملی و دموکراتیک خود را به انجام رساند و بنیاد و آرزوهای میلیون ها مردم زحمتکش را که باید ملل نیرو و جان و مال، انقلاب را بر تانته های خویش خود پیش رانند و این چشم انتظار مملو های آب درخت رنج خویش اند، برآورده سازد.

(۱) اقتدار لایبی، بورژوازی از عمیق شدن انقلاب ارضی و فعالیت روز افزون توده ها هادرن، احساس ایمی نمی کنند. آنها همین که نظم فریبده، دیکتاتوری شکاف برداشت و دیکتاتورا اعوان و اسامارش از قدرت طمع شدند، می گویند انقلاب را با پایان یافته تلقی کنند و بر این تون با دها و رکش میسر رنند. آنها بیشتر با بلند با شن دولتی قلی دست به دست خود، به اینکه کلا و ایران گردد، مهره ها را جا شوند، نه اینکه کلی دور ریخته شوند، تصفه در سطح جابه جایی و تغییر مهره ها و عناصر متوقف بمانند، نه اینکه اسب معاصر به داوری انقلابی خلق خوانده شوند و صاحب پس دهند، سیستم تغییر می یابد، و نه زبور رو خود با هستا منقلب گردد... این افشار درون نظم سرمایه فضای تنفس و حیاتی بیشتری برای خود می یابند، به این سبب گرایش به راه رشد سرمایه داری خطی و کم آنهاست و آرامش رو خواستار تغییرات سطحی و کم عمق در سبب های اساسی رژیم سابق هستند و از تحولات بنیادی ملی و دموکراتیک که خواست توده های وسیع مردم است، وحشت دارند.

کمونیست ها کیستند و چه می خواهند؟

دشمن برای دور کردن مردم از فرزندان راستین خود، به کمونیست ها تهمت هازد، آنها را عامل غارتگری، خرابکار، دشمن مذهب و طرفدار حق نامیدولی خورشید هیچگاه برای همیشه زیر آب نماندنی نمی ماند. دشمن برسرو نشود به همراه خود دروغ ها، توطئه ها و فریب ها را که به مبارزان می زده گویاید خود برد.

کمونیست ها خواستار آن، مسکن، آزادی برای هر کس کار می کند، تواناد از یک زندگی شایسته انسانی برخوردار باشد، آنها همه ای می خواهند که در آن انسان زحمتکش و رنجبر، کسی که به دیگران زور نمی گوید، زورگویی و استعمار را تحمل نمی کند، حاکم برسرو نشود خویش گردد.

کمونیست ها بیش از ۲۰ سال است برای رهایی مردم میهن ما از فساد امارت و بندگی زور گویی امپریالیسم و رژیم های کثیف باز کرده اند و هیچگاه نیز از این مبارزه دست نکشیده و نخواهند کشید.

در املای سیاه حکومت اغتقاقی خاندان کثیف پهلوی، کمونیست ها همواره برای آزادی مردم زحمتکش ایران مبارزه کرده اند، آنها دشمن هر گونه فقر و رستم، جهل، فساد، زورگویی بوده اند و به همین دلیل هم همواره مجاهدان انقلابی مورد زحمتکشانه مزدوران رژیم و افسار شده اند، خسرو گلشنی ها، خسرو زبده ها، سرگرد وکیللی ها، سرهنگ سیاک ها، اراشی ها و گواه آیین و ادعا هستند.

کمونیست ها در سراسر جهان همواره بهترین و مادی ترین پشتیبان مبارزه مردم زحمتکش طبقه زورگویی و غارتگران امپریالیسم بوده اند. با سر فرات و ابواباد رهبران خلق مبارز فلسطین همواره از اتحاد دشواری و کمونیست های واقعی به عنوان بزرگترین دوست و یار و یار خود نام برده اند. در کشور های سوسیالیستی طرفداران مذهب بدون هیچ گونه ممنوعیتی آزادانه به تبلیغ عقاید خود مشغول بوده و در انجام آداب و فرآیندهای کاملاً آزاد و بدون بهای کمونیست ها در ساختن جامعه سوسیالیستی شرکت فعال دارند.

پیام شاد باش از سوی هیئت اجراییه کمیته مرکزی به مناسبت چهارمین سال انتشار نوید

دفاع از انقلاب و نوسازی کشور بر اساس استقلال و دموکراسی کماکان وظایف بزرگ و بیفرینی را در برابر روزنامه "نوید" قرار می دهد و اطمینان داریم که همه کارگران روزنامه "نوید"، به عنوان یکی از بنیان گویان کشور و آگاه زحمتکشان کشورمان، در آینده نیز این وظایف را مانند گذشته با مسئولیتی و هشیاری انقلابی ایفا خواهند کرد.

ما چهارمین سال انتشار روزنامه "نوید" را که طی عمر کوتاه خویش مصوبیت و شهرت شایسته ای در نزد مردم انقلابی و فرهنگیان کشور ما کسب کرده است، از مصمم قلب شادمانی می گوئیم و اطمینان داریم که این نشریه جای از جرمی در تاریخ مطبوعات حزب و مطبوعات انقلابی میهن را اعزاز خواهد کرد.

رضا و دوستان عزیز چهار سال پیش، هنگامی که هنوز اهریمن خون آخام نظام شاهنشاهی در میهن ما سنگینی می کرد، در شرایط محو تر و اوضاع دشوار، دوزخی ها و اواک ندای انقلابی روزنامه "نوید" با اعلام وابستگی خود به "حزب توده ایران"، حزب طبقه کارگر ایران، بر غایت و از آن تاریخ این روزنامه، که تدارک چاپ و پخش خود را به تلاش و از خود گذشتگی و ابتکار شایان اهریمن اعصاب، دوستان و همکاران خود و همکاران حزب موهوب است، توانست به توبه خود نشانی پیدا سازد، بهیچ گروا و افتخار آمیزی در تدارک و اجرای انقلاب بزرگ ملی و دموکراتیک مردم ایران ایفا کند.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷

فعالیت آزادانه حزب توده ایران جزو اینفک دموکراسی است

بر حسب سرشت خود ناچار در مقابل خلق می ایستد و سرانجام به آغوش امپریالیسم پناه می برد. آری، منطق تاریخ و جامعه ما مان است و هیچ ساسی و عوامفریبی قادر به روپوشی واقیقات نیست. این حقیقتی است که دهها بار امتحان شده و هزار امتحان تازه ای نیز به همان نتایج گمنه خواهد رسید.

بدون فعالیت آزادانه، حزب توده ایران و شرکت موثرش در حیات سیاسی و اجتماعی کشور، حل بفرنج های جامعه ایران محال است. ولی عین گرفتاری است نه دادنی. ما آزادی فعالیت خود را از ادبی گدایی نمی کنیم ما آن را به اکتفا، ظلم و در مرکز آن طبقه کارگر رزمیده، کشور و به انکسای نبرد پیگیر و در راه استقلال و دموکراسی بر دشمنان جامعه تحمیل خواهیم کرد. سیاست دموکراسی محور مرکزی سیاست امپریالیستی است. دموکراسی

نقل از روزنامه "مردم"، ۱۵ بهمن ۱۳۵۷
بنفشه/سپهر به لانه بازگشت

دراغتر از باد پرچم پیروزی انقلاب ایران

نویسندگان

سال چهارم، شماره ۷۱، شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

دولت «موقت»
و خواست های مردم

نظامی رژیم محله آریا مهری، از طریق نفی همه آئین نامه ها و مقرراتی که اطاعت کورگورانه آن را فاق و وفاداری به نظام فاسد و رعبه گلابا توکل و ترویج می کرد و با دورنگداشتن ارتش از مردم و برکناری افسر و وظایف ارتش از مورسبانی اجتماعی (در حالی که عملاً در خدمت سیاست امپریالیستی و استبدادی بود) عملاً ارتش بسک ماشین مهیب سرکوب ساخته بود که موتور آن را امپریالیسم تنظیم می کرد. اگر قرار باشد رنر سوار از ارتش از همان ایادی خشک و صفره هسا و عناصری استفاده شود که به ناکه مغز و سوسپی و تخریب اخلاق امپریالیستی به آنها به جای کنار مردم و رفقا بل آنها فرار داشتند و سر باز از افراد سر دست و مهم تر از آن مردم را چون بردگانی در زیر پای خود می نوشتند، و انکلت و سیستمی ارتش دگرگونی منبای لازم را نپذیرد، پایه زودی در بالای سر خود ارتش منبای تا هنای را با نکل و نسام دیگری خواهیم یافت. تبدیل ارتش قزاقی به ارتش واقعا ملی، اخراج کامل همه مستشاران نظامی و جاسوسان امپریالیستی، قطع ریشه هر نوع وابستگی سیاسی و اعتمادی نظامی به امپریالیسم و ماکه و مبادیاب قوری همه جانتکاران و تاراک حاکران و تاجران رژیم یافت شده، مهم ترین تکالیف روز انقلاب است.

۲- وظیفه پیش تار ازین و تعمیق انقلاب در رابطه با محوریت تلاش و تاراحتی و دیگتا توی سیاه و صفرها تا هم در عرصه اقتصادی و هم در عرصه سیاسی، قابل طرح است. رسالت انقلاب ایران صرف نظر از احیای توسعه منابع اساسی ملی و ملی کردن بانکها به مثابه بازوی اقتصادی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته مالی و غیره، بازگرداندن آزادی های تاراج شده، تاراحتی فعالیت آزادانه، همه احزاب گروه ها و سازمان های سیاسی، و سدیگا و اتحادیه های کارگری و غیر کارگری، طرد هر نوع با سوسر، جدرسطوعا و وادیسو، تلویزیون و چه در عرصه های آموزشی و فرهنگی است. و سرچشمه بسیاری از اعتراضات و مناکره ها هم همین جاست. با سخنان واهیت و روابط اقتصادی و اجتماعی مادی و مستقیم بسا شرایط سیاسی و آزادی های فردی و اجتماعی است، این و رومردمی که مبارزاتی طولانی و پرمایه و راه این مرحله از پیروزی رسیده اند. با بحث ها و اعتراضات و اظهار نظرهای خود با همه خسروخی که دارد، به حیات سیاسی جدید طراوت و تحرک می دهد و می گویند رابطه دولت و مردم را گیسبه سالیهای سال به طور عمدی و مصنوعی گیسبه بسود، برقرار کنند و نظارت مردم را در سبک ها و پیرانه ها و افادامات حکومتی به صورت محرز ترین حقوق اجتماعی تا بین ما بزند. دولت موقت آریا زکان به صرف موقتی بودن نمی تواند این مهم ترین نتایج تاراج ها را که ضرورت مبرم انقلاب ملی و دموکراتیک ما هم هست، حتی لزوم ای از رنر و راد و دیسبا حرکت سریع به سوی آن راه بسود موقوف کند، گیرم که خود برای اجرای این منظور و وظایف مهمی که تعهدی بر زبان نهاده باشد.

پوشش ها و خواست های که مردم در برابر دولت موقت قرار می دهند، در خطوط اصلی اش، محتسوی و نیروی محرکه و آماج های انقلاب را نشان می دهد - و به همین جهت بهترین لجام و هدایت را برای رهبران در شرایط پیچیده و منکلف کنونی در بر دارد. مردم می گویند دولت که ارکان یک انقلاب پیروز و مسدات باشد با همه سایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به طور انقلابی روبرو شود، در غیر این صورت چه فرقی است بین یک دولت مادی که در شرایطی مادی سرکار است و دولتی انقلابی که سر فراز موج و توفان در حرکت است و وظیفه پایان دادن به یک دوران طولانی رخت و تیشای و آغاز یک دوران تحولی تازه را در کوتاه ترین فرصت بر دوش دارد؟

مهندس با زکان در رنر رادیسو - تلویزیونی خود در چهارشنبه گذشته در پاسخ به پاره ای گلابه ها و اعتراضات واهی و بی پایه تاراحتی، می سایلر طرح کرده که خود را بنگیزاننده سوال های تازه است او گفت:

"دولت من یک دولت موقت است" و از این موقتی بودن نتیجه گرفت که مسئولیت ها و وظایف این دولت هم محدود و موقتی است. او گفت که توفات زیادی از ما وجود دارد که یک شبه در صد ساله بهیما شیم، باید فرصت داد. و با تومسه، بیرون توکل، ترمیم کرد: اما هیچ تمهیدی نداده ام که همه مشکلات را حل می کنم:

خلاصه "موقتی" بودن دولت آقای با زکان به رست همان مسئله ای است که مردم روی آن توقف می کنند. مردمی که بهای سنگین یک انقلاب پر درد و خون را پرداخته و همسان آمده اند و سیر دارند، توفات و استعارات زیادی دارند و موقتی دارند که داشته باشند. دولت موقت در رست به خاطر موقتی بودنش نمی تواند فرصت زیادی را طلب کند و احیای مبرم ترین و حیاتی ترین خواست های مردم و وظایف انقلاب را بطه ای به تاراحتی دارد. و با درست به خاطر همین موقتی بودن، بر نامه ها و افاداماتش نباید در روستا شده انقلاب بطوری احیا کند. پایه های که دولت موقت می گذارد، چه بخواد و چه نخواهد نتون های با سخنان با همه افرادی که انقلاب است و به همین جهت و انگیزی که فی السل در تعهدی با زبان ارتش و نیروهای انتظامی و انتخاباتی و ادارات سازمان های دولتی و غیره گذاشته می شود، اگر با مصون انقلاب و آرمای های مردم انقلابی و نیازهای ما همه از توفات و افرادی که نهاده اند از هم اکنون سدهای در برابر این آینده قرار می دهد.

اتفاقا درست همین جاست که مردم، می آنکه توقع داشته باشند که بشیره صد ساله بسود "شود" و همه خرابی های ما دورا سامانی ها ما را بپذیرد، معذابه می خواهند و دولت که مسئولیت انجام وظایف و هدف های انقلاب را در عمل پذیرفته است و می آنکه به طور فلفلی تمهیدی سپرده باشد، همه تمهیدات انقلاب را بر می دهد. دارد. از هم اکنون جهت حرکت را به نحوی تنظیم و انتخاب کند و با سخنان جاسعه، نوزابه مورثی می ریزی نمایند که انسان اطمینان تحکیم شود که درخت انقلاب بسود ههای دلخواه مردم را به بار خواهد آورد. مردم حرکت و اقدامی را در این جهت نباید ویشتمانی می کنند و با نیرویان و فاعله گیری مسئولان از این مصیرو جهت، احساس گرای خود را به عروابه مختلف و از جمله در بحث ها و مناظره ها و مستیک ها و اعلامیه ها ظاهر می بزند. اگر اخواست ها و رفتارها و توفات افراطی و تفریطی در گذریم - که باید گذشت - اساسی ترین گرایش ها و خواست های عظیم ترین توده های شرکت کننده در انقلاب را در دواصل می توان متعین کرد:

۱- اجرای آنچنان برنامه انقلابی قاطعی که پیروزی های به دست آمده را از دست رستار احتسالی حفظ کند و به صورت برگشت ناپذیری در آورد. ۲- گسترش دستاورد های انقلاب و پیش راندن آن از طریق انجام بی وقفه وظایف انقلاب و هدف های که مردم به خاطر آنها به میدان خونین برگ و خطر آمده و شهادت و رنر و راد و دیسبا پذیرفته اند.

۳- در مورد ادامل اول، با سودی سریع و انقلابی همه بسبا ها و اهرم های رژیم امپریالیستی بسا امپریالیسم در دستور قرار می گیرد. از این جمله است درم شکستن کامل دستگاهی که با سواک دستگیری و ماکه مسئولان و وزعیمان این دژ اصلی استبداد و امپریالیسم، نوسازی ارتش و دستگیر

دست «سیا»
در تجدید سازمان
ساواک

در حالی که پوشش های مسلحانه شبانه بسا مراکز سیاسی و وزندگان انقلاب و مبارزان سرکشت راه آزادی، در شهرهای مختلف به ویژه تهران و تبریز ادامه دارد، در حالی که بخش انواع اعلامیه ها و نشریات مشکوک که زیر چتر آزادیخواهی بسا زریکی به تفرقه اندازی بین نیروهای ملی و مبارز و تحریک جناح های مذهبی و چپی علیه یکدیگر مشغول است اوج روزافزون می گیرد. در حالی که حزب سازی و محرک گیری های سیاسی با نصد تخریب و تحریف و فرقه بازی ولین پراگتی در صفوف مبارزه، صدا امپریالیستی با ظهور و ترمیم در فیل الیاده سازمان ها و شبکه های نظیر حزب کمونیست خلق آلمانه، جناح آذریون، و دیگر گروه ها

و تمهیدات با زان فرصت طلب که هر یک خوارها دعا و ظنکاری را در برابر سرکشت گذاشته اند، با زارگری دارد، بخش با واک منکلف رژیم محمد شاه بسا صورت یک سازمان تروریستی و فعال زیرزمینی در این ماکه را هر روز آشکارتر می شود. به دنبال هند اوی که مادی تومسه شماره، گذشته در رابطه با تعهدی بسا سازمان نهاسی کارهای با واک و خطر جدی که از این رهگذار انقلاب مردم ایران را تهدید می کند، ادامه، چند روز پیش، روزنامه ها خبر داده اند که صدا امپریالیسم با زان جنبی با واک در برابر نخست وزیر اجتماع کردند و اخواستار ادامه هیئت و تمهید تکلیف خود شدند اما چون نخست وزیر با حیرت از سازماندگان این دژ عیسان خلق پرسیده بود: "در حالی که هیچ یک از شما شبانه روز در خانه خود نیستید، چگونه توانستید در یک ساعت همین در یک محل مشخص اجتماع کنید؟" این پوشش بی جواب، در واقع شاید کامل خبر تعهدی سازمان با واک و سر قرار رابطه، زیرزمینی بسا افشا و فمالن آن است. با زانی که می تواند پیش از هزارا مسوور مسئول خود را برای مملکات با نخست وزیر بسج کند، از این سر و سر و سر می تواند در جهت هدف ها و نیات پلید دیگر هم استفاده کند. با نوجه به نقش اصلی، فعلی و مدموگراتیک این سازمان را با حرکت و فساد و شرارت در عرصه اختیاق آریا مهری، تشخیص نیات و تعهد سازمان و فمالن این شبکه تروریست، مسوول به آتی قابل درک است. با چنین برداشتی است که مردم با نگرانی می پرسند: وقتی این گروه ها و دژ عیسان و جاسوسان استبداد و امپریالیسم با پای خود به نخست وزیر رفته اند، چرا برای دستگیری آنها هیچ اقدامی نشده و سرکشت به آنها قول رسیدگی و روشن کردن و مسدات داده شده است؟ چرا برای سر در آوردن از نقشه ها و نوجه فعالیت خد انتظامی این جاسوسان که حتی ما و ن نخست وزیر به طور تلویحی واقفیت آن را تا قبل کرد، هیچ اقدامی نشده؟

در شرایطی که عملاً بسود های اساتید با واک قطع شده، به حرکت در آوردن دوباره جری های این ماشین همگی عربی و طولانی هزینه های گزاف و حقوق العاده می طلبد و درست همین جاست که سرانگشت توفات گریسبا (سازمان اطلاعاتی و جاسوسی میگا) در تجدید سازمان مطلق سرسپرده و ورکشته خود آشکار می شود. این دفعه وقتی بیشتر تخم می نمایند که به این پرسش و کنیکای عمومی برگردیم که:

۱- ان دهها هزارا مسوور که و تمهید و جاسوسی و غرایگری و تاجمه سازی پرخرج ترین سازمان سوکلی رژیم آریا مهری حالا کما هستند؟ آن هزاران جاسوس و کارگزار و مورسبانی که به گواهی جرایم و رسایه های گروهی غرب در آخرین ماهها و هفته های رژیم گذشته، سابق با محله وارد ایران شدند و بسا به چه کار مشغولند؟

۲- این واقعت را آیت الله طالقانی در ماکه به تلویزیونی جمعه شب گذشته به صورت شدار بسا دیگری مطرح کرد که: بسا از هشت هزار تن از سازمان با واک در شبکه های مخفی، با تمهیدات بسیار در همکاران با سازمان سیا و جاسوسان سازمان جاسوسی اسرائیل (صودا) در کمین انقلاب ایران هستند.

۳- ساله تجدید سازمان و فعالیت زیرزمینی سازمان جاسوسان استبداد در چنین منشی است که به صورت یک خطر بسیار تهدید کننده و مهلک در برابر انقلاب مردم ایران خودنمایی می کند و دولت موقت انقلاب را در برابر مسئولیت سیاسی و خطر درم شکستن کامل این سازمان نیکنار و سواک گروه ماکه را تا تنامی محال جانت بسا، رنر تمهیدی می گذارد.

اطلاعیه

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به دنبال گسترش دانش، جنبش انقلابی بسیاری از گروه ها و کمیته های حزب توده ایران را به پیروفته و با هادار و رنر حزب فعالیت خود به طور همه جانبه ای افزوده اند که به جای خود موجب سرکشتی و ولی شده می شود که برخی از این گروه ها نشریات منتشر می کنند که با سیاست رسمی حزب توده ایران قاطعاً دارد.

با توجه به حاسیت لحظه، حاضر ضرورت فعالیت سیاسی دقیق و متحرک، از همه گروه ها می خواهیم که از هر گونه اظهار نظر مستقل در مسائل سیاسی خودداری کرده، به تکتیشر نشریات مرکزی حزب اکتفا نمایند تا از بهیادش سوء تفاهات احتمالی و دشواری های ناخواسته جلوگیری شود.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۹ اسفند ۱۳۵۷

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد «لنین»

فصلنامه نویسندگان

سال چهارم، شماره ۷۲، شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(تکمیل شماره ۵ ریل)

از انقلاب پاسداری کنیم

دولت موقت باید انقلابی عمل کند

اتحاد در عمل بود و اتحادی توده ها را به چنین
هنگامی و اتحادی نشان می داد.
در این مراسم آیت الله طالقانی به حق روی
فرورت اتحاد نیروها تاکید کرد، خطری نظیر ۲۸ مرداد
را متذکر شوند این اندیشه، بسیار درست را که دشمن
می خواهد در درون نیروها یا انقلابی درگیری ایجاد
کند یکبار دیگر با تفصیل بیشتر بر این نکته، آیت الله
طالقانی روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد را به یاد آورد که
در آن:

«... حال استعمار به نام چپ ها توده ها
اقلیت و کمپانی ها داند که همه، آخوندها را
می کشیم، به دارتانی می زنیم...
مهاجرتی که این ها دروغ و دسیسه است...
می کشند و کمپانی ها می خواهند تسلط شود...
در این است... می کشند و کمپانی ها می خواهند تسلط شود...»

آیت الله طالقانی با دلسوزی صمیمی نسبت به
جنبش، منت کشی را که دوره هم زنی می کشند
بازگرداند و هیئت فشاری برای حفظ وحدت صفوف انقلاب
را یادآوری کرد.

در همین مراسم مسعودی از سوی سازمان
مجاهدین خلق این اندیشه را هشدار را به روشنی
فرمول بندی کرد که:

«اگر در جهت مبارزه با امپریالیسم حرکت
کنیم، انقلابی بروز نمی کند»

حزب توده ایران با این طرز برخورد و برداشت از
مسائل سیاسی کنونی که ملامت افق است. هم چنان که
در اعلامیه، گنجینه، مرکزی حزب توده ایران به
مناسبت سالگرد مدق تاکید شده، «اتحاد نیروهای
ضد امپریالیستی امری منطقی و فایده پروری است»
و «وجود دشمن مشترک اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی را
الزاماً ایجاد می کند».

تأثیر آوازه گاه این مشی عالم از جانب همه
سازمان ها و سازمانی که سعی در انقلاب ایران
دارند به طور پیگیری دنبال می شود. هستند
کسانی که از جنبش دشمن مشترک از همکاری با حزب
توده ایران استعاض می کنند و یا برای آن که از
طرف راست مورد تهاجم قرار گرفته، حزب توده ایران
می تازند.

درمان سالروز مدق، باعث نهایت تأثیر بود
که گردانندگان مراسم اجازه ندادند که پیام
حزب توده ایران خوانده شود. ولی برعکس پیام
و میدان دادند که از جنبش تریبونی برای همه
به حزب توده ایران استفاده شود.
حزب توده ایران در سرتارخ پرافتخار
خوش حزب مسئولی بوده و هرگز مشی سیاسی خود را
مواقع آب و هوا و منطقه، روز و شب نگذاشته و سعی
نموده که انقلاب ایران به مشی پیگیری
امپریالیستی و مدارجی می تازند. با بدلی
رغم دسیسه های ضد انقلاب و وحدت صفوف انقلاب را
حفظ نمودند و شکست کرد. ما همه نیروی خود را برای
راه به کار خواهیم برد.

فرهنگی که انقلاب ایران برپیکر امپریالیسم
مهیونیم و ارتجاع منظم و آوار و دسیسه رستگین
است. وقتی دستاوردهای انقلاب ایران شکست
و خطای ایران گام می نویسد، مرزا سازندگی
به پیش بر دارند، آثار این فریت سنگین، چه در
ایران و چه در منطقه و جهان باز هم آشکارتر خواهد
شد.

معاقل جهان را امپریالیستی برای این اهمیت
واقعه و با تمام قوا می کشند تا نگذارند انقلاب
ایران با بیکرد، این معاقل مدعیان که فقط نخستین
نبرد را باخته اند و نیز مدعیان صند و پیش است.
آنان امیدوارند که مرزهای خود را به دست آورند
به جوی برگردانند. هم اکنون در این جهت تدارک
و سعی دیده می شود.

با دلائل و رهیبری مستقیم «سپا» و کارگزاران
غریبگرای اسرائیل در خانه های این جانیگران و
گانشگسترهای ساواک نو سازی می شود و چهره های
مشکوک به تروری افکنی، دویه هم زنی و تروریست
بخشی از جنبش علیه بخش دیگر می شوند.

معاقلی مسیحه های ضد انقلابی امپریالیسم و
ارتجاع مبارزات راست که جنبش انقلابی ایران را
به گروه های متضام تجزیه کنند، مرز و فاسی
خصوصاً را که میان انقلاب و انقلاب، نیروهای
ضد امپریالیست و معال امپریالیسم وجود دارد و
جنبه، امپریالیستی انقلاب است که لوگ کنند و از میان
بردارند و به جای آن با دسیسه و توطئه مرزهای
و فاسی میان مذهبی و غیر مذهبی، مارکسیست و
اسلامی بکشند و جنبه های در درون جنبش بکشند.

اگر نیروهای انقلابی ایران در این دام می افتند
دروغ کثرتی تهرانی از تاریخ پرورد و رنج
جنبش انقلابی ایران و جهان ضایع می شود. هر
نیروهای مدعی است که این دسیسه را افشا کنند و
نگذارند دسیسه، امپریالیستی امپریالیسم و معال
آن تحریف شود و جنبه، با شکلی میان مذهبی و غیر
مذهبی شود. بزرگی و قدرت انقلاب ایران در
آنست که صاحبان قلم و گویا گون زیر بارهای
واحد گردیده و نظریات قاطع ضد امپریالیستی
استبدادی و طریقت آیت الله خمینی را تاسیس کردند.
پیروزی به دست آمده حاصل این اتحاد است و شکست
و ادامه انقلاب نیز موقوف به حفظ و تحکیم آن
خواهد بود.

خوشبختانه توده، مردم زحمتکش ایران
اهمیت اتحاد ضد امپریالیستی و استبدادی را درک
می کنند. با سازمان و شکست های مدق انقلابی نیز
بر وحدت نظر شده، دارند. مراسمی که پیروزی
بزرگداشت سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق بر سر
مزار او برگزار شد این اهمیت را به روشنی تمام
نشان داد. در این روز توده، مذهبی و مردمی از همه
قشرها و طبقات اجتماعی بر سر مزار مصدق گرد آمدند
تا تداوم انقلاب و سمت ضد امپریالیستی و معال
استبدادی آن را تاکید نمایند. در این روز و یادگاری
به همه، سازمان های ملی و محلی و متفرق طرفداران
خوش شرکت داشتند. این جمع مبارزان و همکاران و

حضرت آیت الله خمینی طی سخنانی دولت موقت
را مورد انتقاد جدی قرار داد و آن خواست که روش
به اصلاح گام به گام را به کناری گذاشته به طور
قاطع به سود توده، مردم عمل کند. آیت الله
خمینی گفت: در نهج این ملت... چندان که چهر
مستور بود؟ چندان که چهره بوده؟ چندان که چهر
مدیر کل بوده؟ چهره بوده این توده، جمعیت و
ملت بوده است. این ملت عدالت می خواهد...
آنها را که می آید آقا یا آمدند آنها و
من گفت که باید به این جور بود. اما گویا
در قدم به قدم راه بروند. من بگویم
آقای که آملی به پاریس این ها را گفت، گفت که
در دولت اول به پاریس را می کشند.

این بخش از سخنانی که حضرت آیت الله
خمینی از دولت موقت کرده اند کاملاً ملاطی است. در
سیاست دولت موقت آن شور و شوق و آن قاطعیتی که
با یک دولت انقلابی از آن برخوردار باشد، وجود
ندارد. دولت طاهرا گام به گام پیش می رود و
دروغ از اتحاد و جمعیت قاطع در جهت متضام توده
مردم آباد دارد. سرانجام اقتصاد دولت آن چنان که
باید قاطع و به سود توده، مردم نیست. به بدون
توجه به سیاست دولت از انقلاب عظیم خلق های ایران
تا حدودی متاخر است و نمی تواند متضام توده و
کاملاً به دست که معاقل میانی از دستبرد انقلاب
به سود توده، مردم جلوگیری می کند و با تمام قوا
می کشند و مواضع بزرگترین سرمایه داران و زمین
داران و حتی مواضع سرمایه های انحصاری
امپریالیستی را حفظ کنند. مثلاً چهره، بانک های
امپریالیستی و بخش های بزرگ اقتصاد ملی ما
بر همه روشن است. با این حال معاقل دولتی از این
بانک ها حمایت می کنند و از سرمایه داران
امپریالیستی می خواهند که در ایران بمانند و به
ایران بمانند و وطنشان باشند که وضعی بهتر از گذشته
خواهند داشت.

با آنکه نهج ملی ایران به معنای واقعی کلمه
نهج ملیونی توده های جوده و طبقات زحمتکش و به
ویژه طبقه کارگر و بخش های در آن اسفاده و به
بهای خون خود را بر سر زور کرده اند تا کنون حتی یک
صمیم قاطع در سطح دولتی به سود زحمتکشان گرفته
نشده سهل است، مردم زحمتکش برای دریافت
مستحضر که در زمان رژیم سابق به آنها تعلق
می گرفت مصور نشده به مبارزه و مصداق و تحسین
می زنند.

در بسیاری از مسائل اساسی تر کشور نیز وضع چنین
است. مقامات دولتی از کمیته های انقلاب انتقاد
می کنند که تابع انضباط نیستند. این انتقاد ممکن
است به معنی هم داشته باشد اما در مورد مشخص که
اضافه دولت را بررسی می کنیم متوجه می شویم که
ضاد ملی و ملی هوای، دولت از کارهای مثبت و انقلابی
کمیته ها تا حدی است و نه از افشای آنها، دولت موقت
انقلابی تا حدی تا به دستبرد علیه معال رژیم سابق،
و به گن کردن آنها با اروپا و رگسته ها بوده و خود
پشتانی آنها حرکت کرد. ولی اگر استعادی از کمیته ها
دارد یا عمل قاطع تر خود نشان را بر طرف نماید.
منابعه دولتی چنین نیست. دولت در خیال

امپریالیسم پیش از حد دست به مبارزه می رود.
دولت هنوز به طور رسمی اسطال قرار داده ای که ملی
ایران و امریکایی و سیمان منتظر نظام ایران را که
مردم در مورد دسیسه های خود را عمل نموده اند
- اعلام نکرده و کمترین کاری برای افشا، موافقت
نامه ها و قراردادهای محرمانه رژیم سابق با
امپریالیسم انجام ندادند است. گویا معاقل
صمیمی در دولت موقت مایلند که غم مردم علیه
امپریالیسم فرو، خنثی و مردم دشمنی را فراموش
کنند.

بدون تردید به لحاظ، حاضرین فرخ است و دلائل
های دسیسه گران و دست های نامرئی ارتجاع و
امپریالیسم نیز از این فرخ نمی کشند تا به توده
مردم سر درگم شوند. ولی مردم علی رغم بی خبری ها
راه خود را می یابند. مردم به اهمیت سیاست ها
توجه دارند.

حزب توده ایران هم چنانکه در این درسی و
اعلامیه های مرکزی و خود را اعلام کرده از هر گام
محکم دولت موقت انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع
در جهت تحکیم اقتصاد ملی و دموکراسی حمایت
می کند. چقدر برای تأسیسات که گام ها و گونا گویا
تکلیف برده را که تا به است، انقلاب مردم ایران
باید دارند. مگر دولت موقت از این انقلاب بیرون
نمانده است؟

جنبش خلق گورد جزء لاینفک جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران است

حزب توده، ولی علی رغم فشارها و توطئه های رژیم
سازرات ملی در گردستان ادامه یافت تا آن که
امروز در کنار مبارزات با سرخلی های ایران به
پیروزی رسید.

اسک باید این پیروزی را تحکیم کرد. قاسون
اساسی جمهوری ایران با به مبارزات تمام حلقه
خلق گورد و سرخلی های ایران را به رسمیت بشناسد
آنها را که خلق گورد را ترسید و طولانی به دسیسه
آورده از نظر قومی و برای همیشه شمشیت کند.
دشمنان مردم ایران، به قصد افشادن تخم
نفای و مسموم کردن محیط سیاسی ادما می کشند که
گوب جنبش گورد جنبه طلب است. در جایی که تجزیه
طلبی در واقع کار خود آنهاست. آنها بودند که طی
ده سال گذشته خلق های ایران را به جان هم
بیا نذاشتند و محیط نامرئی آنها را دکنده
و دخت برادرانه، خلق های ایران را دشوار سازد.
جنبش خلق گورد جنبه طلب نیست، آزادی طلب و ضد
امپریالیست است و لذا دخیای این جنبش
با هدف های همه نیروهای مدق ضد امپریالیست و
دموکرات ایران تطبیق می کند. ما موفقیت هر چه
بیشتر جنبش دموکراتیک خلق گورد را خواستاریم.

جنبش خلق گورد که نقش بزرگی در پیروزی انقلاب
ایران داشته، در تمام مناطق اجتماعی و طبق
گورد نیز به پیروزی بزرگی دست یافته است. در سر
تاسر گردستان ایران و بخش های خلق گورد در سراسر
جوب و وحدت همه، خلق های ایران اعلام کرده و توده
مردم گسرد برای تأمین کابل حقوق حقه، خویش
به پا خاسته اند. خلق گوردی خواستند تحسین
سرنوشت خود را داشته باشند و هر نوع ستم ملی را
بر اندازند.

دردوران سلطه، ارتجاع و استبداد و به ویژه
گورد سلطه بر خلق های ایران به رسمیت ایران - در معرض
ستم مظالم قرار داشت. این خلق از ابتدای تریس
حقوق انسانی، حتی از حق گفت و شنود و تریس
مادری محروم بود. گردستان که منطقه زحیم است
بر اثر سیاست های ارتجاعی رژیم حاکم ایران و
دسیسه های امپریالیستی، به عمده در عقب ماندگی
نگاه داشته شد. اقتصاد گردستان حتی نسبت به
اقتصاد سرفاقت کشور، که دویه جایی خوشی
مانده است - واپس ماند. رژیم حاکم گورد
تسلط خلق گورد را به شدیدترین وجهی سرکوب
کنند و با آنها به بهانه ها و دستاویزهای نژادی

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد «لنین»

تشکیل شبکه های ترور توسط ساواک

"در هر جامعه‌ای میزان آزادی زنان،
مقیاس طبیعی آزادی عمومی است."
"موریه"

۱۷ اسفند، روز جهانی زن، اصل درشاپی در مبین دانشگاهی در کنگره انقلاب طلسمی و دموکراتیک مردم ایران چشم اندازهای تازه ای در افق های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ماکشوده شده است. در این پیروزی خویشین و پرنورج که زخم عمیقی بر پیکر امپریالیسم جهانی وارد آورده و نشان ایران بهم طلم و اعصاب انگیزای دادند و این واقعت که خوبیا کنگره جی بداری و آگاهی و روشهاست دختران و خواهران وما دران ما سبب نوید دیگری هم دربردارد. اینکه ارشدموگروای بهرطرف ما بارودموج هاو فوج های جدیدی از زنان مبارروح طبع قدرت و استقامت بهتری به بدربو با کنگره جی راجوب آزادی و حقوق زن، مرزهای آزادی جامعه هم فراخ تر و صمون و کیفیت آن بهر طرف تراشود. زنان ایران با شرکت برشمرها سبب تازه درخشش عمومی مردم ایران و با کشتن سبب های زخمی بر استبداد، قدم قدمی به سوی آزادی و برابری واقعی برداشتن. مدهارن و دشمنی که در ممبر صارتات سیاسی و آرمایی خود از کنگره جی ها و زندان های جنسی رژیم ربا موری میگردگه، صد هارنی که در گروچه ها و طعنان ها با نظاهرات رژی به کار و فوج کشتند، سلیمون هارنی که در شحاتات مبارزاتی و راه سبب های اعراضی و اعتراضات سیاسی و وضعی، هوارا به غرض آوردن نشان دادنگه که از نروژی خوشترای دران نشانه از صمیمت ماکه تاکنون در شحات های مسئولیت داد و تشریفات و صافا و رعایت سبب بی مسئولیت و انبیب ما به، و طاهرا را و بست های که زندان را کدمال د، بود و دارد. گام نخستین که زندان با ضرورفمال د میدان های انقلاب به سوی شصیت آزادی و حقوق رور برداشتن، شهادت مروتی است و نشان دایگام های بدی تکمیل شوید که این نروژی و پیروزی با ضرور فوج و در فاصله تر در مراحل گنونی و آتی انقلاب ایران حفظ دند.

فرقان حیات خانواده و ساله پوشش زنان و موضوعات دیگری در دهه ۴۰، مشکل جامعه‌شناسی می‌دند. برای به انجام رساندن دوره‌هایی بنیادی خود در «لحظه» حاضر نبوده‌م به‌روا اسنچ و تفسیر کنید و با درگیر شدن با مسائل کل اهمیت و غیره و روش‌های زیبا و منحصر به‌گرایایی خود که تفسیرها و میراثی پس از دهه ۴۰ را استوار می‌کند.

زنان ایران به عنوان یکی از مؤثرترین نیروهای انقلاب ایران قیام دارند که هم‌طور از این انقلاب مطالبه کنند. اما همین در دوره‌ای است مبارزه گفته‌م: خواهد دید چه درازی و احترام برای زنان قائل خواهد شد... همگی نمی‌توانند زنان بیشتر از آن آزادی که اسلام می‌دهد... به دهه ۴۰.

۱- درهم شکستن مقاومت ها و توطئه های ارتجاع
نیچه جان و به ویژه حامیان امپریالیست آن

۲- سواری و تکامل سریع کشور
باتوجه به وظیفه اول و باتوجه به خطرناکی

اگرچه انقلاب بسیار جوان ما را تهدید می کند، ما باید از خودمان همه نیروها، به یک هماهنگی و هوشیاری ملی نیازمندیم. در این بیهوشی، متحد ملی، زنان که نیمی از جمعیت و امکان توانایی جامعه را تشکیل می دهند، نمی توانند جای برجسته ای داشته باشند.

[illegible]

تجاوز گستاخانه، چنین به ویتنام اسلامی و
بودای ارامی اسی کشور، کاردیگر بنگاه
نگران مردم فعلی و تنبره و میزگی و مبارزان
دشمن بازم را در سر آهوان به اسی کاسیون
جسد کمر سرد و گرم و شیخ و پیران علت کرده است.
حقیقت اسی که هموم پرور میانه میراث خواران
ما یوبه ویتنام ویتنامی است که در اوج کوشش
دردن، خاطره قتل عام ها و اسی سوزی و آوارگی
های جنگر را و آتشی و شورش را زنده کرده
است، چیزی نیست جز عملکرد طبیعی کسب یا
ما را از آوارگی و نیست، و غلبه طایفه که همرد

عرشه' داخلی چوبی هم در صحنه‌های خارج از مرزهای کوربه ایفای نقش تکنیکی کشیده است. با سیوا تسمی غره، سوروزای و ورقت طلیان با دوسته، مانو و مایلی که هاس با آن‌ها در قدرت و بدبختی می‌زند، روتا و اوتلیا و احای امپراتوری جدید را درازده کرد. این با سیوا تسمی غره، سوروزای و خاکبر که تا کنون رسمیت عظیم چوبی تقویت تخیلات خود را برآورده است این جنگ جنگ که هر چه بدست و او سر کرد که در آن جنگ با یکدیگر می‌نایند.

سی و شش نفر از اعضای شورای عالی امنیت ملی در مراسم افتتاحیه در تالار آینه کاخ گلستان تهران حضور داشتند. در این مراسم، دکتر محمدباقر باقری، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت پارس پتروشیمی، گزارشی از روند فعالیت‌های شرکت در سال گذشته ارائه داد. در ادامه، دکتر باقری گزارشی از روند فعالیت‌های شرکت در سال جاری ارائه داد. در پایان مراسم، دکتر باقری با اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت پارس پتروشیمی، گفت‌وگو کرد.

امولا جنگ به مفهوم عام آن، در سازمان سپر
حمله ای-آی می خورد. حسن ثانوی بی ایی بود
و حیات زده روز جمعه سوم اسفند ۱۳۵۷ کرد. ایی بود
سوالیم را به یک جنگ دورودری «سپرگاندی»
امریا-اسم دعوی می کردند، تنه آن به قول
مانو «سادی» از جمعیت جهان به پای
خوشی نیم دیگر بود. اما ایی و سوسه ها و عا
حوسی ها را ای موضع میان طوکه انتظار می رفت
به جای نرسد. چپن ما شوره میدان بازی را ع
کرد. این با را خود را خشکی «جهان سوم» اعلام
کرد و کوشید این مجموعه تقسیم بندی مدعی من
در اداری کشورها را اصطلاح دورودری را دو نیم
«سپالی» و سوسیا لیستی فرار دهد. و مانی این
سرم به طاعت، تمام نقاب ها را سه دور

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

امیراجدنی از افراد غیر مسئول ادعا کرده اند که گویا در حزب توده ایران انشعابی رخ داده است. برخی از روزنامه های حتمی نیز که دنبال موفقیت ایران می گردند از این ادعا بهر سو استفاده کرده و بدون کترین تحقیق از درستی و نادرستی آن بهر چه می خواهند به آن داده است. از خبری در گذشته ای که بهر چه با مذاکره و توافق بر عول می خواست که علیه حزب توده ایران - حزب مدعی طبقه کارگر ایران به راه انداخته اند هم خود را برداخته باشند. در سرانجام کمیته مرکزی حزب توده ایران به این سبب اطلاع می دهد که کمیته انشعابی در این حزب وجود ندارد و ادعا می نماید که در حزب مدعی نیست.

دهبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

سعيد زاده / محلی / کلابی - ۲
زمستان - ۷ / احسان - ۳ / ۳۵

آخرین شماره «نوید»

[illegible]

میلیون ها ایرانی رو برودنه، افکار رهسورده مردم
شریف و قهرمان ایران راه به سوی خود جلب کند.
انقلاب این حق را به دولت می دهه، مردم این حق
را به دولت می دهند، سازمان های انقلابی نیز
منتظر نگراوند. اما دولت آقای بازگان پس از
این همه تلاشی و زحمت که مردم کشیده اند خود را
به میل خوبی و شرطه کرده است.

سرکوب ضد انقلاب یا در پناه گرفتن آن

دور بخورد به حقوق و وظایف دولت وقت انقلابی هم در کار سرگود که در انقلاب هم در کار و سوازیها هم به چشم می خورد. مردم خواست سرگود را باقی بماند و باقی آن را زرم با باندن آقای مهدی بازرگان ساختان.

در پیام روز چهارشنبه، آقای بازرگان ا اصدام حال جان چنانکه روزی سابق را بقی می آوردی برای ما در دنیا" نامید. چرا؟ ظاهر آن این دلیل که با کمال احتیاطی علمی نیست و جامع بین اسباب و "طریای کبار" که آقای بازرگان آن آنها را بنمود به دولت اعتراض کرده اند.

قبل از هر چیز باید دادور کنیم که ما هم به نوبه خویش درمیست یون محاکم انقلابی را شناسایی کنیم. دادگاه های انقلابی با بدعنی است. با چنانکه کار روزم سابق با بدعنی مردم و ما عضو و فریاد و ناله و ناله های آنها که شون در بار چنانکه هر یک توضیحات کافی به مردم داده شون دادگاه آنان را به همراهی برای بنمود علمی نمایای زرم شاه، علیه سازمان های جاسوسی اسرائیلی و صهیونیستی بدل گرفتار و صوملی مردم جهان را از اجناس با تان با فریاد نمود.

به علاوه دموکراتیسم را با بانی با تان که در حق بدترین دشمنان نیز چنانچه بدل خط خط اگر تان بدست و زور و اسباب می بود که دادگاه ها علمی نیست، به طریق اولی انقلابی نیست و وزیر دولت این بود که چرا کمیت های انقلاب با طبیعت بازم بیشتر کار نمی کنند، به اوصدا می شدم، ولی متأسفانه چنین نیست. آقایان بازرگان با وجود بدعنی و در بدعنی و تان گذاشتن و کمیت ها دادگاه های انقلابی انقلاب کرد، به هیچ وجه به جانب صفیات آنها کار ندانست. برعکس ازین کمیت ها او دادگاه ها به سبب کارهای مثبتی که می کنند، و نه کارهای که نمی کنند، مورد انتقاد و تان دادگاه های چنین برخوردار است. و لایق تر است. ای همدان باشد، نمی توانه در حدی که تان باشد و انصاف خواست و سرگود ریشه های زرم سابق و سرگود شون های آن با سازمان های جاسوسی آمریکا کار شون روشن در صحت کنیم: با باقی ای دستگاه علمی عریکات و رشت پهلوی دانه می شود این سبب است. عریکات است. اما ای دادگاه هژمونیک مردم نشده اند و هیچ کس نمی داند که به تان با تان که اداری که سرگود را انقلابی می باشد و با تان که به تان که سبب است. آنچه سبب است او که و مورد و تان است. آنچه تان که نیست ایست که و تان که تان ایران واقعیت در حدی که زمان سازگار با تان که

روزگار و صفا

مسائل انقلاب ایران

فطری به پیام آقای مهندس بازرگان

[illegible]

دولت موقت انقلابی یا دولت مشروطه

اگر خواست‌های مردم را از هر گوشهٔ کشور که آمده باشد، با دقت و صمیمیت بررسی کنیم به ندرت ممکن است به تقاضای بی‌بهره‌ای برخوردیم. حتی مطالبی که به نظر ما بی‌فایده یا بی‌ارزش است، برای دیگران نیز می‌تواند ارزشمند باشد. بدون تردید دولت‌ها و کارکنان نیز می‌توانند از این فرصت‌ها استفاده کرده و در پی پاسخ‌گویی به درخواست‌های مردم باشند.

آقای مهندس بازرگان نه فقط وظایف دولتی را به دستاویز دولت بدون هیچ‌سایر محدود کرد، بلکه با کمال تأکید دولت را اصولاً مسئول انقلابی نمی‌دانست و مردم را هم می‌انگاشت که دولت وقت از همان نظام موقوفه به تنهای سلطنت - دولت انقلابی - بی‌خبر و غافل باشد که تحویب نشده استفاده کند - و لذا دولت را دارد همان نظام سابق - و فرائض عمل می‌کند.

اما مردم انقلاب کرده اند: یک رژیم استبدادی را سرنگون کرده و دولت موقت انقلابی روی آورده اند به یک صفتگرند که این دولت انقلابی دشمن مشروطه منهای سلطنت، مردم می خواهند دولت قوانین ارتضای و خلاف مصالح مردم را پایه رژیم سابق بوده برانداخته و اینکه بر

کافر و آئین سابق معتبر باشد که در آئین
زبان درخت و زهر نیست. کجایه بر آئین
و گوشتی به از آئین و دهنی بهی زوان
و منی گوشت گار انقلاب نیست، کار ورم
لاست. در آری انقلاب به: مردم چندان در
پا بوده اند. و کمال اخراج و رانی و بدام
پا و ریم با زمین گرانده است. در آئین
سنگون کرده اند. این مردم گوشت انقلابی
خواهد شد. «شروط» طبق فکرت موجود
انقلاب ایران را زبکان سفیدی دولت از این
وقت باقی مانده است و این دولت که بر اثر
همه دولت های دولت انقلابی که بر اثر
بوری انقلاب بر گاری ایمنه تنها
بلکه، ممکنه که فواید ریم بر گون
نبر و دولت انقلابی، و فکرت
نمی انقلاب باشد. هر وقت قانون و فکرت
است. دولت وقت انقلابی که دار و دولت
که هم های و در و ریم باقی بر مردم
یک طرفه المی و با دور یک حکم از این بر دارد
با بهر و ریم و ریم و ریم، یعنی معر
فرام آورد.

تا به امروز، هیچ‌کس نتوانسته است که دلیل اصلی این بحران را مشخص کند. اما برخی محققان معتقدند که این بحران به دلیل افزایش جمعیت و کاهش منابع طبیعی است. در حالی که برخی دیگر می‌گویند که این بحران به دلیل تغییرات اقلیمی است. با این حال، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که این بحران به دلیل چیست. اما این بحران به دلیل چیست؟

روز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه آقای مهندس س بازرگان نخست وزیردولت وقت انقلابی به نامی خطاب به مردم ازدادشعبای ایران فریادگه کرد آن باشعور و بهیمنی غاصی خوشی بسیاری از مسائل پیچیده انقلاب ایران را مطرح کرد.

این بهام از بسیاری جهات قابل بررسی است:

از راه آن می توان به مثی دولت موقت و نقطه نظریه شخصی آقای مهندس بازرگان در باره انقلاب ایران پی بردو برای برخورد آراء و عقاید فرستید یافت.

مادریست نظری به این بهام می اندازیم و در اسائل اساسی آن - که در واقع مسائل انقلاب ایران است - نقطه نظر خود را بیان می داریم.

از اینجا تا زکیم که آقای مهندس بازرگان در رسا رسای بهام خوشی از مردم شکوه دارند که گاه لمن این شکوه نیز بسیار رضوخشی دارند است. ایشان می گویند:

می بینید! اینطور است! می گویند انقلاب، انقلاب، انقلاب، بک! انقلاب هم که می خواهم بکنم برمی خورم به مشکلات. مگر انقلاب را باید دولت بکند و ملت نیاورد! انقلاب کند؟ بعضی ها! اغلب ما (۴۴) تصور می کنند انقلابی بود و پرویز دژدیم خودشان را! ما همینجا می دانیم که او رفیق سرزمین شد و پرویز دژدیم، گفتمی گفتگوی اصلا نداشت و پرویز دژدیم این فضا را تقسیم بکنند و بعد ما راحت بگیرند و بدو گفتم بکنند. شما می گوی که نخست وزیر دولت انقلابی از این وضع می گفتم و می گویند:

آیا واقعاً این طور است؟ آیا واقعاً مسترد از اقدامات انقلابی دولت حاضر نیستی؟ واقعاً وفادار نیستی؟ فکر نکنی که پریز سرش را شمشیر و قشیم بگیند و بدویم رات بگیرند و بپزند؟ یا نه؟ به نظر من اگر بهوایم با جملات خود آقای مهندس بازگرن صحبت کنیم با بهوایم خود اگر در دنیا یک قدری همانا ف خوب بهیتر است

دولت موقت انقلابی ایران در آغاز کار خود به تریبون پهنپستی این ممکن در داخل و خارج کشور ابراز گرفت. در تاریخ معاصر ما هیچ دولتی به اندازه دولت موقت انقلابی در آغاز چنین پهنپستی - اقبال و روبرویی - همه سازمان ها ملی و انقلابی ایران بدون استثنا - نباشد با هدف وصف و تفسیر بدون استثنا - حمایت خود را از دولت موقت اسلام کردند. حتی حزب توده ایران که برای اسلام حمایت از دولت ها معارضا و خواست بسیار روز پستی دارد، از همان نخستین روز پهنپستی این خود را از همه اقدامات متروک و پست دولت موقت اسلام دانست و بدان عمل کرد. اقدام دولت برای ابراز اعتقاد و انحراف امریکایی، خروج ایران از استتار، کاهش فریبده تسلیحات، اقدام دولت برای فروش مستقل نفت، اقدام دولت علیه حامیان تنگین پهلوی، فرار خواندن سر بازان ایرانی از عمان، حمایت از مبارزات خلق فلسطین، اعلام آزادی حیوانات و بهمان - با وجود اینکه این نقش نیست - و نظام پر استیلا با تشدید استیلا مردم و همه سازمان های انقلابی و روبرو شد.

پس شگوه! نخست وزیر از چیست؟ به چه نسو؟
 شمشینی، درجه دولتمرد و نه زمینه ای ندارد؟
 با کسی دلت در هم نمفتد و بر می توان باغ احسن
 پرورش را یافت و منوره دست سبستی که آقای مهندس
 بازرگان با میل است امر کردند! سیاست نیست که مردم
 خوانند و ندانند! با وجود اینکه مردم آید انداز همه
 اقدامات مغفرتی و انقلابی دولت حمایت کنند و در راه
 آن بکوشند، مگر هنوز برق سیاه پروری و گشتن روی
 دوران سازندگی را ندارند، چرا که تصمیمات و اهنگ
 و دست حرکت دولت را مضیق با سیاست، و قفل و
 احساس انقلابی و دینی با بند آقای مهندس بازرگان
 به جای تغییر سیاست دولت، آتشین می کشد و از مردم
 شگوه می کند.

صبر و تدبیر

یکی از گله های اصلی بیست و هشت دولتی موسسات
این است که مردم مهربانند. می خواهند همه کار
های روز به حل شود:
هر کسی در هر جای مملکت است می خواهند همه
سابق زور به این آدم گفتند حاشا به سال
دهه این به طرفه الصبح چون انقلاب شده
مرست بشود.

آقای مهندس بازرگان در این پیام نیز ما سند سخنرانی ها و مصاحبه های قبلی شان انتخاب مدیر بازنشسته را توسط کارگران و کارمندان اصولا غیرمقدور می دانند. ایشان در گذشته بارها گفته اند که

فداي سعيده ترمو تو تر ازا ام خميني بزند. حالا
فداي سعيده اي رو رويدي پشت گوش امام بي خوانند
فداي چنين است و چنان است و امام را وادار مي كنند
سنيورايت بدهد كه عموپيش نباشد، فداي
دولت انقلابي است كه پشتكم خود شو، دولت نصيبات
ظالم سعيده بگردو و بگذاي دي در ايران
تقليد شده است، عمل بپوشاند. در اين صورت
رفيق در اين صورت است كه تو ان انقلاب را
سعيدي بپوش.

افتاء می کند. سخنگوی دولت نمی تواند ر
کنند می گوید: «بدین طریق می توانست
کنیم و به تکذیب!!» او می خردم می شود که دولت
جواب ندهد و هر سواکی خبردار رویت را نگاش
عقل می آید که سواکی دارد کشته های انقلاب
چان با داران ر سوخ کرده ، کارت حطی و سوا
با داران انقلاب کرده اند و سوا با فلولی فر
حدی به کار می زنند تا جای که گویا فرموسز
اوتا می کشی را که با اینک ری کرده اند
سیر بر روی می دهند.

اما حرکت کارگران و کارمندان در مدیریت کارخانه انتخاب مدیریت با مسئله شوراها به عنوان ارگان حاکمیت ارتباطی مستقیمی ندارد. برعکس، فراموشیات آقای بازگرا در مسیرهای از طریق هاست که شکل حاکمیت شورا می شود، کارگران امور اداره کارخانه ها و موسسات به گونه ای گرفته یا دران شرکت کرده اند و امروزه مسائل حاکمی کارگری در مدیریت کارخانه ها و موسسات از مسائل عادی نهایی شده است.

کاشی که به راستی و با به ادعا گشته داده
و زحمت کشیدند، معرومیت کار و رفتاری ها را
تعمیل کردند. ادعا دارند که صاحبان
باشند، همه کاره باشند، در همه جا سهمی باشند
و...

در چنین وضعی، چرا باید صدای آقای شیروکعبی
مفتوی برای شما از صدای مردی که از وضعیت
گفتار رژیم ساواکی، تکرار یافته ۲۸ مبرداد
ان وسعتا مبرضلی بر خود می لرزد، خوشامدتر
باشد؟

را که اعلامی هم هست مورد استفاده قرار ندهیم؟
 چرا در موسسات دولتی میان کارگزاران و کارمندان
 زیاده و مفاصا تا بالای دولتی از سوی دیگرگاه هم
 صحبت و همکاری بیشتری ایجاد کنیم و به کارگران و
 کارمندان اجازه ندهیم در اداره امور شرکت به عنوان
 داشته باشند؟ چه کسی گفته است که حق است
 از با تشکیل شود؟ گفت موقت که به علت دشواری
 گرفتن شماران، برگذاری ۳۰۰ هزار از موقعیتهای
 خود می شمارا چه کارگران اجازه نمی دهند که
 در میان خود شنیدنی و کارمندان ادب کند
 در دولت را هم - اگر واقعاً دولت انقلابی است
 آن را بزنند

[illegible]

خودمختاری خلاق

در چندین مورد، سرمایه‌داران و بازرگانان با محسنت خاصی نسبت به سرمایه‌داران و بازرگانان و صنعتگران سخن می‌گویند و به سرمایه‌داران و صنعتگران انقلاب بر سر می‌کشند (آنگونه که گفته‌ام: آیت‌الله خمینی، یک تاج‌رودمان شیعیان است).

نخست وزیر دولت موقت از آنچه در مناطق ملی کشور از جمله کردستان و ترکمن صحرا و غیره می گذرد، نگران است و می گوید که آنها سر می زنند، به جان هم می افتند. اما خرید و فروش برای آمردا را ما می دانیم که حل ریشه ای این گونه مسائل و مسائل می خواهد. اما پذیرش خودمختاری، پذیرش حقوق ملت ها برای تعیین سرنوشت نه زمان می خواهد و نه وقت را ندم. دولت آقای بارزانی که منظور که نظریه علمای اهل سنت را با قائله می داند، همان طور که از اقلیت ها می نظیر ارضی و زردشتی و غیره می خواهد که نظرات را با یکدیگر تاراج نماند اساسی جدید منظور شود می تواند به یک نظر علمی را بر سر دست ایران را نیز پذیرد و در آن خون اسی منظور

مسئله اول

در باره ارتش بسیاری مطالب گفته شده و ما در این مسئله باسی نظر خود را جداگانه به تفصیل خواهیم داد. آنچه هم اکنون به نظر علاقه مندان به این موضوع می رسد، توضیحی است که در این باره می توانیم بگوئیم. به نظر شما چرا اینجاست، اینست که نگارنده مردم، به یازان در دهه اربعه هزار و افسار بی نظای در باره خطری که از جانب بی باقی ارتش ناشی می یازان انقلاب ایران را تهدید می کند که سلا می جاست. ارتش با داریشه نو سازی خودونه باز می یازان ارتش با بدیروزی فردا انقلاب بنا خودونه می یازان ارتش با رزم سابق. در این مورد هم به نظر می افشده. به یازان نگارنده انتقاد بر می آید که با بقیه ادبیک دهه اربعه انقلاب با واهی ارتشی می یازان می منحل شده و ارتش نوین بر مبنای گویینی و از سبک با شسته شده است.

لا محنتی، شایه به قدری کاری و به حد استقامت هر چه
باید تر کارگران، دستمزدها را به قدری کم تقسیم
می‌نمایند که با سود و پزیه گداخته که کمترین
پایه‌ای با سود و پزیه کارخانه ندارد. چیزی است از
استعمار. کارگری که این جز را نگیرد نمی‌تواند
زندگی کند. پول ندارد که بگوید: کمترین
پول را در دو ماه خانه «قوری» می‌خواهد، خیلی هم
می‌خواهد.

به گمان ما، نخست و برهمنوت همان تو که دوست
داشته باشی، با غارت کارگران بر ما به داد و ستد
می‌پردازند که کار بسیار به ما می‌گردد. بدست
تو که دست و دود می‌دهی و می‌توانی هم از کارگران دستمزد
کوته‌انداز و بی‌جان و بی‌گناه و بسیار خوار و ذلیل
بگیر، هستی، تهیه کنی دستمزد آنها نیز فرو
می‌دهی. خود این دین اولی‌تر است.

نتیجہ یکم

نتیجہ گیری

منظر حزب توده ایران در باره دولت موقت پس
مراجعت بهمان شده که ما را آغاز می‌نوشته نیز آوردم
زیر و ما از همه اقدامات متفرقی دولت موقت حمایت
کردیم و می‌کنیم. ما مستقیم که چنین اقداماتی در
برخی از زمینه‌های مهم زندگی سیاسی کشور وجود
داشته و راهروانها ذکر است کنونی ما کشور را در این
چارچوب قابل درک و بررسی است. ما اعلام می‌کنیم
ما آماده‌ایم در کمسیون‌های و استنباط امور جاری
تقریرهای انقلاب در کمیته و طبقه نظریه‌ها
همین سازمان‌ها و گسترش است. صمیمانه و با روح آزادی
سرودا، همکاری می‌کنیم.

بہ خسرو و روبرہ سلام می رسانند

به نظر ما دولت آقای بارگان فقط از یک سو محضی
تظلم مردم - تحت فشار نیست، بلکه این دولت از
نوی دیگر هم تحت فشار است. نیروهای مردم خواه
مال کشورها پیدا دل کل سینه وجود دارد. نه که
خواص اید از مردمی دولت انقلابی که ایدوان
خواص به فروخته بدون سلطان عمل کنند و
خواص بر این فشار است که به ما منت گردونه دوسر
بوست های انقلابی مردم.

این مردم دستخشان با هدف ما میبایست به
پایان رسانده و از انقلاب اسلامی بازمانده اند. آنها
بر ادعای گرویده اند. برای آنها انقلاب نرسیده
است. از هر چه برای آنها در راه انقلاب و برای
پیشرفت و بهاء میبایست حدیث گفته اند. حالا که
پایان برآورده اند و بر سر پرورده اند نمی توان
با این وعده و راه را از مردم گرفت. توده مردم
با این تاجدی اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و روحی
می کنند. و آنگاه این غمخواران و غمخواران
مردم به نوعی ابراز داده باشند. حرف
و زبرد دولت و وقت انقلابی علیه اقدام آیت الله
و مقامی می تواند منطقی باشد که گفتند فقط از
یک جهت و به یزید و منوچهر است. منصف
با این وقت می تواند دست را بر شمشیر مردم
بازداری جهت صلح است تا توده مردم دست